



دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

سهم دانشمندان دوره عثمانی در زبان و ادبیات عرب

از آغاز امپراتوری عثمانی تا دوره سلطان مراد سوم

(۱۵۹۵/۵۱۰۰۳ م - ۱۲۹۹/۵۶۹۹ م)

(با توجه به دو کتاب الشقائق النعمانیة و العقد المنظوم)

نگارش

فاطمه زهرا اینان

استاد راهنما

دکتر سید ابراهیم دیباجی

استاد مشاور

دکتر شهریار نیاززی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات عرب

آبان ۱۳۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

سهم دانشمندان دوره عثمانی در زبان و ادبیات عرب

از آغاز امپراتوری عثمانی تا دوره سلطان مراد سوم
(۶۹۹ هـ / ۱۲۹۹ م - ۱۰۰۳ هـ / ۱۵۹۵ م)

(با توجه به دو کتاب الشقائق النعمانیة و العقد المنظوم)

نگارش: فاطمه زهرا اینان

استاد راهنما: دکتر سید ابراهیم دیباجی

استاد مشاور: دکتر شهریار نیازی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات عرب

آبان ۱۳۸۳



له ادبیات و علوم انسانی

بنام خدا

شماره:

تاریخ: ۸۳/۹/۱

صورت جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه آموزشی: زبان و ادبیات عرب

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپوسته، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

نام فاطمه زهرا اینان

به شماره دانشجویی ۴۱۰۸۸۱۰۴۹ در رشته

بان و ادبیات عرب گرایش در ساعت ۱۱ صبح تاریخ یکشنبه ۸۳/۹/۱

عنوان سهم دانشمندان دوره عثمانی نسبت به زبان و ادبیات عربی

محل گروه آموزشی با حضور هیئت داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه

نحوه پاسخ به سوالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

نام مورد قبول می باشد پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد پایان نامه مورد قبول نمی باشد

به حروف

به عدد

۱۱

درجه پایان نامه

۱۹

نمره نهایی پایان نامه:

واحد پایان نامه ۴

امضاء	مرتبه دانشگاهی و دانشگاه	نام و نام خانوادگی	هیات داوران
	استاد دانشگاه تهران	دکتر سید ابراهیم دیباجی	استاد راهنما:
	استادیار دانشگاه تهران	دکتر شهریار نیازی	استاد مشاور:
	استادیار دانشگاه تهران	دکتر محمدحسن فؤادیان	استاد داور:
			نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده - گروه آموزشی

معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر علیرضا حاجیان نژاد

امضاء:

تاریخ:

با سرپرست تحصیلات تکمیلی: دکتر عبدالحسین فقهی

امضاء:

تاریخ:

۱/۴/۱۴۰۳

تقدیم به :

روح بلند پدر عزیزم

« بکر اینان »

مادر محرابان

و

همسر فداکارم

چکیده فارسی

موضوع این پایان نامه که سهم دانشمندان دوره عثمانی در زبان و ادبیات عرب می باشد، در دو فصل ارائه شده است. در فصل اول آن زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی بررسی می گردد و خود شامل چهار بخش می باشد. بخش اول آن به جایگاه زبان عربی در دوره عثمانی می پردازد. بخش دو نیز به بحث و بررسی نظم و نثر عربی به همراه اغراض جدید شعری و نمونه هایی از آن در این دوره پرداخته و در بخش سوم تأثیر متقابل بین زبانهای ترکی و عربی در دو قسمت آورده می شود و نیز در بخش چهارم به بحث و نتیجه گیری موضوعات قبلی پرداخته می شود.

فصل دو موضوع اصلی یعنی سهم دانشمندان عثمانی را در دو بخش بررسی می کند و این کار به دو کتاب «الشقائق النعمانیة» و ذیل آن «العقد المنظوم» منحصر گردیده است. و تمام امپراتوری را در بر نمی گیرد بلکه فقط از آغاز امپراتوری عثمانی تا دوره سلطان مراد سوم (از سال ۶۹۹ هـ / ۱۲۹۹ م تا ۱۰۰۳ هـ / ۱۵۹۵ م) را شامل می گردد. در بخش اول نام ۱۲۲ دانشمند همراه با مختصری از شرح حال و آثار ادبی و غیر ادبی آنها آورده شده، بخش دو نیز نام فهرست وار ۱۵۱ دانشمند دوره عثمانی را که پس از جستجو اثری از آنان یافت نگردید شامل می گردد.

تقدیر و تشکر

با سپاس به درگاه خداوند متعال بر خود وظیفه می دانم از اساتید محترم و بزرگواری که از هیچگونه همکاری علمی و معنوی دریغ نفرموده اند صمیمانه تشکر نمایم. از اساتید فاضل و دانشمندم بویژه جناب آقای دکتر سید ابراهیم دیباجی که اینجانب را در این پژوهش راهنمایی کرده اند ، همچنین جناب آقای دکتر شهریار نیازی که به عنوان استاد مشاور همواره در تمام مراحل این تحقیق یاریگر اینجانب بوده اند و نیز از جناب آقای دکتر محمد حسن فوادیان استاد داور این پایان نامه به سبب رهنمود های مفیدی که داشته اند صمیمانه متشکرم.

همچنین از زحمات همسر صبور و فداکارم که در ویرایش این پژوهش از هیچ کوششی دریغ ننموده و نیز از همکاری و مساعدت دوستان عزیزم فاطمه کاراییلان و مرضیه قرهی کمال تشکر و قدردانی رادارم.

فهرست مطالب:

مقدمه	۱
فصل ۱ نگاهی به زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی	۳
بخش ۱ جایگاه زبان عربی در عهد عثمانی	۵
بخش ۲ نظم و نثر عربی در عهد عثمانی	۱۰
الف) شعر و اغراض آن	۱۱
- شعر در عهد عثمانی	۱۲
- اسلوب شعر در عهد عثمانی	۱۴
- اغراض و فنون شعری	۱۴
(۱)- مهمترین اغراض تقلیدی	۱۴
- مدح	۱۵
- هجاء	۱۶
- رثا	۱۶
- فخر	۱۷
- غزل	۱۸
- وصف	۱۹
- شعر اخرازیات	۲۱
- شعر تعلیمی	۲۱
- شعر دینی	۲۲
- شعر حشیش، شراب، قهوه و تدخین	۲۵
- شعر مزاح	۲۶
(۲) فنون شعری نو:	۲۶
- تاریخ شعری	۲۷
- الغاز و احاجی	۲۷
- موشحات	۲۸

۲۸	- فنون عامیانه مردمی
۳۰	- رباعیات
۳۰	- بازی با قافیه ها
۳۲	- بازی با شکل قصیده
۳۲	- نمونه های دیگر از فنون جدید شعری
۳۳	- صنایع لفظی
۳۴	(ب) نثر
۳۶	- ادیبان نثر و زبان شناسان عهد عثمانی
۳۹	- کتابهای ادبی
۳۹	- مورخان تاریخ، نویسندگان سیرت نبی و شرح حال در عهد عثمانی
۴۱	- دایره المعارفها و مجموعه ها در عهد عثمانی
۴۳	بخش ۳ تأثیر متقابل عربی و ترکی بر یکدیگر
۴۴	الف) تأثیر ترکی بر عربی
۵۳	ب) تأثیر عربی بر ترکی
۵۴	بخش ۴ بحث و نتیجه گیری
	فصل ۲ سهم دانشمندان دوره عثمانی در زبان و ادبیات عرب
۶۲	(با توجه به دو کتاب الشقائق النعمانیة و العقد المنظوم) :
۶۵	بخش ۱ ذکر نام و نشان دانشمندان عثمانی و مختصری از شرح حال آنان به همراه آثار ادبی و غیر ادبی آنها
۳۴	علی قوچ حصاری
۶۶	اده بالی
۶۶	خطّاب بن ابی القاسم قره حصاری
۶۸	داود قیصری قره مانی
۶۹	علاءالدین اسود
۶۹	محسن قیصری
۷۱	برهان الدین احمد
۷۱	جمال الدین آقسرائی
۷۳	شمس الدین محمد بن حمزه فناری
۷۴	ابن بزازی
۷۵	محمد بن یعقوب فیروزآبادی

۷۶.....	شهاب الدين سيواسي، اياثلوغی
۷۷.....	حسن پاشا ابن علاء الدين الاسود
۷۸.....	محمد شاه فناری
۷۹.....	ابن جزری
۷۹.....	قطب الدين ازنيقي
۸۰.....	ابن ملك
۸۱.....	ابن ملك زاده
۸۲.....	عبدالرحمن انطاکی
۸۳.....	ابن قاضي سماو
۸۴.....	حاجی پاشا
۸۵.....	حيدر ابن محمود حوافی
۸۵.....	قرا يعقوب
۸۶.....	کافيه جی
۸۷.....	ابن غانم
۸۸.....	احمد بن عبدالله فریمی (قریمی)
۸۸.....	يوسف بالی ابن یکان
۸۹.....	مُلا کورانی
۹۰.....	خضر بیک
۹۱.....	خضر شاه
۹۱.....	علاء الدين طوسی
۹۲.....	حمزه قره مانی
۹۳.....	ابن تمجید
۹۳.....	الیاس سینوبی
۹۵.....	قاضی بلاط
۹۵.....	محمد بن قطب الدين ازنيقي
۹۶.....	محمد یازیجی زاده (ابن کاتب)
۹۶.....	فتح الله شیروانی
۹۸.....	محمد بن فرامرز
۹۹.....	احمد خیالی
۹۹.....	خواجه زاده
۱۰۰.....	مصطفی قسطلانی (کستلی)
۱۰۱.....	حسن سامسونی
۱۰۲.....	حاجی حسن زاده

۱۰۲.....	علی قوشچی
۱۰۳.....	مصطفک
۱۰۴.....	سراج الدین محمد بن عمر حلبی
۱۰۵.....	خواجه خیرالدین
۱۰۶.....	ابن الفضل
۱۰۶.....	یعقوب پاشا
۱۰۷.....	حسن چلبی
۱۰۷.....	علی فتاری
۱۰۹.....	حسامزاده
۱۰۹.....	یوسف کرماسی
۱۱۱.....	حاجی بابا طوسی
۱۱۱.....	قره سنان
۱۱۲.....	آی طوغموش قره مانی
۱۱۳.....	آق شمس الدین
۱۱۳.....	دینقوز احمد افندی
۱۱۴.....	خواجه عیدالله سمرقندی
۱۱۴.....	عبدالله الاهی
۱۱۵.....	ملا عبدالرحمن جامی
۱۱۷.....	اخوی زاده
۱۱۷.....	محمد نکساری
۱۱۸.....	مولی لطفی
۱۱۹.....	ابن مؤید
۱۱۹.....	علی جمالی
۱۲۰.....	محمد سامسونی
۱۲۱.....	ادریس بدلیسی
۱۲۱.....	قاضی بغداد
۱۲۲.....	ابن سیدی علی
۱۲۳.....	یوسف حمیدی (شیخ سنان)
۱۲۳.....	شجاع الدین الیاس
۱۲۴.....	سعدی چلبی
۱۲۵.....	حکیم شاه محمد قزوینی
۱۲۵.....	علی شیرازی
۱۲۶.....	ابن بخشی

۱۲۶.....	کمال الدین اسماعیل قره مانی
۱۲۷.....	ابن ام ولد
۱۲۷.....	محمد بن عراق
۱۲۸.....	بایزید خلیفه
۱۲۸.....	جمال خلیفه
۱۳۰.....	ابن کمال پاشا
۱۳۱.....	محمد شاه
۱۳۲.....	جمالی
۱۳۲.....	فنازی زاده
۱۳۳.....	ابن حاجی حسن
۱۳۳.....	ابن مدرس
۱۳۴.....	ابن خطیب
۱۳۵.....	سنان الدین یوسف
۱۳۵.....	قاسم بن خلیل
۱۳۶.....	ام ولدزاده (زین العابدین)
۱۳۶.....	عبدالرحیم عباسی
۱۳۷.....	ملا عرب واعظ
۱۳۸.....	خازن کتب
۱۳۸.....	عطوفی
۱۳۹.....	محمود بن عثمان (لامعی)
۱۳۹.....	بهاء الدین زاده
۱۴۱.....	مولی حافظ
۱۴۱.....	سعدی چلبی
۱۴۲.....	محمد عیدالله فنازی
۱۴۲.....	محمد قره باغی
۱۴۳.....	محمد بن محمود مغلوی، وفائی
۱۴۴.....	میرعلی بخاری (شریف میر)
۱۴۴.....	ابراهیم حلبی
۱۴۵.....	تاشکیری زاده
۱۴۵.....	مهدی شیرازی
۱۴۷.....	سروری
۱۴۸.....	محمد بن محمد اتاکی (عرب زاده)
۱۴۸.....	شیخ غرس الدین احمد

۱۴۹.....	ابن جلال
۱۴۹.....	ده ده خلیفه
۱۵۱.....	عبدالکریم زاده
۱۵۱.....	قینالی زاده
۱۵۲.....	مصلح الدین لاری
۱۵۳.....	ام ولدزاده (علی بن عبدالعزیز)
۱۵۴.....	ابوالسعود عمادی
۱۵۶.....	محرم افندی
۱۵۶.....	نشانچی زاده
۱۵۷.....	زلف نگار
۱۵۷.....	محمد بن صارو کرز اوغلی زاده
۱۵۸.....	منق افندی
۱۶۰.....	بخش ۲ ذکر نام دیگر دانشمندان بصورت خلاصه
۱۶۷.....	فهرست منابع و مآخذ
۱۶۸.....	پیوست ۱ نامهای فهرست وار دانشمندان دوره عثمانی
۱۷۶.....	پیوست ۲ نامهای پادشاهان عثمانی
۱۷۸.....	چکیده انگلیسی

مقدمه

موضوع این پایان نامه همانگونه که از نامش پیداست سهم دانشمندان دوره عثمانی در زبان و ادبیات عرب می باشد. این موضوع در دو فصل ارائه خواهد شد. در فصل اول به وضعیت زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی می پردازیم؛ و در فصل دو نیز سهم دانشمندان دوره عثمانی را در ادبیات عرب بررسی خواهیم کرد. در ابتدا قبل از ارائه مقدمه بهتر است تا اشاره کوتاهی به نسب ترکان عثمانی و ارتباط آنها با اعراب داشته باشیم.

ترکان عثمانی از عشیرت کایی^۱ یکی از قبایل اوغوز می باشند و عثمان غازی فرزند ارغور بنیانگذار امپراتوری عثمانی در سال ۶۵۶ هـ / ۱۲۵۶ م در شهر سویوت^۲ واقع در آناتولی به دنیا آمد و در سال ۶۹۹ هـ / ۱۲۹۹ م دولت عثمانی را در آناتولی - خارج از بلاد عرب - تأسیس نمود.

بهمین سبب زبان در آناتولی و قسمتی از بالکان کم کم رنگ ترکی به خود گرفت و حتی ساکنان غیر ترک آن نیز در هویت دین اسلام و با اکثریت نژاد ترک امتزاج یافته و این سرزمین کاملاً بصورت ترک نشین در آمد.

ترکان عثمانی پس از تحکیم امپراتوری خود به فتح سرزمینهای شرق و غرب پرداختند که فتح بلاد عرب نیز از جمله آنها می باشد. اگر نگاهی گذرا به تاریخچه ارتباط ترکها با اعراب داشته باشیم می بینیم که ترکان با اعراب ارتباطی بیش از هزار ساله دارند؛ و وجود عنصر ترکی در بلاد عرب به قرن سوم هـ / نهم م بر می گردد و ترکها قبل از امپراتوری عثمانی نیز در طول تاریخ در شام، عراق و دره رود نیل دولتهایی را تأسیس نموده بودند که این پیوند در زمان امپراتوری عثمانی نیز ادامه یافت و عثمانیان سرزمینهای عرب را همچون شام (۹۲۲ هـ / ۱۵۱۶ م)، مصر، مکه و مدینه (۹۲۳ هـ / ۱۵۱۷ م)، الجزائر (۹۲۴ هـ / ۱۵۱۸ م)، عراق و تونس (۹۴۱ هـ / ۱۵۳۴ م) همچنین عدن، امارات متحده عربی، طرابلس غرب، یمن، فلسطین، اردن، حجاز و .. تحت تصرف خود در آوردند؛ و این حاکمیت تا سال ۱۳۵۱ هـ / ۱۹۲۲ م به طول انجامید.

اما هیچ کدام از اینها منجر به ترک شدن سرزمینهای عرب نشد. زیرا عثمانیان قوانین و نظامهای خود را بر بلاد جدیدی که وارد قلمرو آنها شده بود تحمیل نکردند. آنان بر عکس فقط به حاکمیت سیاسی و نظامی کفایت کرده و حفظ و آزادی زبان، آداب و رسوم و عادات آنها را به مردمشان واگذار نمودند و اعراب نیز دولت عثمانی را بعنوان دولتی اسلامی پذیرفته بودند. در حکومت عثمانیان نیز هیچ گاه اعراب بنام عرب تسمیه نشده بلکه بعنوان «مسلمان» در حکومت و دولت با ترکها برابر بودند. از سوی دیگر عصر عثمانی در جوهر خود عصری اسلامی به شمار می رود و سلاطین عثمانی در برابر حملات غرب، دفاع از دین اسلام را بر عهده گرفته و حرمین شریفین و قدس شریف را از هجوم غربی ها نجات دادند؛ و در غرب نیز به فتوحات خود ادامه دادند. که این فتوحات از سوی مسلمانان جهان، جهاد در راه خدا و توسعه سرزمین اسلام شمرده می شده حتی بگونه ای شده بود که در غرب واژه ترک مترادف با واژه مسلمان بکار می رفت و اگر هر کدام از آنها مسلمان می شد به او می گفتند که ترک شده است.

1-Kayı

2-Söğüt

خلاصه سخن اینکه فاتحان عثمانی و اعراب توسط دین اسلام به یکدیگر پیوستند و این پیوند تا دهه دوم سده ۲۰ م. همچنان محکم و استوار بود؛ و از آنجائی که زبان عربی اساس زندگی همه مسلمانان گشته بود عثمانیان نیز بمنظور تعمق در علوم اسلامی به یادگیری آن اهمیت فراوانی قائل می شدند.

در فصل اول این پایان نامه خواهیم دید که زبان عربی نه فقط بلحاظ دینی بلکه بلحاظ اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت داشت. و در ممالک عثمانی زبان و ادبیات عرب تدریس می گشت و برای تدریس آن از سوی پادشاهان عثمانی مکتبها و مدارس ویژه ای باز می شد؛ و سلاطین عثمانی فعالیتهای علمی و ادبی علما و ادبا را بلحاظ مادی و معنوی پشتیبانی کرده و برای آنان زاویه، تکیه و خانقاه بنا می کردند و علما در دار السلطنه از امتیازات ویژه ای برخوردار بوده و محل استشاره در امور شرعی به شمار می رفتند.

همچنین زبان عربی در عهد عثمانی زبانی سیاسی و اداری نیز بوده است. از اینرو تمام پادشاهان عثمانی و رجال دولت عربی را خوب می دانستند. از اسناد و مدارک بجا مانده چنین بر می آید که عربی هم در امور سیاسی و ارتباطی عثمانیان با سرزمینهای عرب زبان تحت قلمروشان و هم در ارتباطات آنها با ممالک غیر عرب زبان بکار می رفت. زبان عربی در این دوره زبان تألیف نیز بوده است؛ و آثاری را که علما بر جای می گذاشتند به زبان عربی بود و حتی بیشتر این تألیفات نیز شامل علوم عربی همانند صرف، نحو، بلاغت، لغت، و علوم دینی همچون تفسیر، حدیث، فقه، کلام و ... می باشد.

ادبیات در دوره عثمانی خالی از ابتکار نبوده و در شعر و نثر این دوره دو جریان سنت گرا و نوگرا مشاهده می گردد. در سبک سنت گرایان روش و اسلوب قدیم به چشم می خورد. آنان معانی و مضمون را از پیشینیان گرفته و با مضامین عصر خود در هم آمیختند. نوگرایان نیز تکلفات ادبی بخصوص شعری را کنار گذاشته و اسلوبی آسان را در پیش گرفتند. بعبارتی آنان معانی را آسانتر کرده و بیشتر به آرایه های لفظی روی آوردند.

همچنین شاعران، صنایع بدیعی همچون توریه، طباق، جناس و ... را بیشتر در شعر خود بکار بردند؛ و در کنار آن بازی با شکل و لفظ شعر همانند شعر مشجر، شعر هندسی، قصیده مهمله و معجمه، تاریخ شعری، محبک، تطریز، طرد و عکس و ... را بیشتر گسترش دادند. و علاوه بر فنون شعری جدید، در فنون شعری قدیم همانند مدح، هجو، رثا، وصف، فخر، حماسه و ... نیز به شعر سرائی پرداختند.

در این پایان نامه تأثیر متقابل زبان های عربی و ترکی در یکدیگر نیز به اختصار بررسی خواهد شد. در طول مدتی که عثمانیان ارتباط چند جانبه دینی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با اعراب داشتند تأثراتی در میانشان رخ داده است که تأثیر متقابل بین زبان ترکی و عربی از مهمترین آنها می باشد و در نتیجه این تأثیرات واژگان فراوانی از عربی به ترکی وارد شده و با آنان در هم آمیخته است که واژگان دینی از مهمترین آنها می باشد. همچنین از زبان ترکی نیز واژگانی وارد عربی شده که بیشتر آن مربوط به واژگان نظامی، اداری، حکومتی و مالی می باشد. همینطور برخی از عادات و فرهنگ ترکها از جمله فرهنگ خوراکی ترکها، همانند شیرینی ها و غذاهای عثمانیان به همراه نامهای ترکی شان وارد فرهنگ عربها گردیده است.

در فصل دوم پایان نامه دانشمندان دوره عثمانی که در زبان و ادبیات عرب فعالیت داشته اند به همراه شرح حال و آثارشان بررسی خواهند شد. البته بدلیل گستردگی موضوع و فراوانی دانشمندان آن زمان این بررسی فقط به دو کتاب *الشقائق* و *عقد المنظوم* منحصر شده است و از میان آنها نیز تنها دانشمندانی که به نوعی با زبان عرب و علوم عربی ارتباط داشته اند به همراه آثاری در این زمینه آورده شده اند. علاوه بر آن دانشمندانی که در زمینه هایی غیر ادبی همچون تفسیر، فقه، کلام، منطق و ... آثاری به عربی نگاشته اند نیز ذکر گشته اند.

پس از این مقدمه مختصر، به شرح موضوعات ارائه شده می پردازیم:

فصل ۱

نگاهی به زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی

نگاهی به زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی

زبان عربی در زمینه های مختلف ادبی، دینی و سیاسی از سوی ادیبان، دانشمندان و پادشاهان عثمانی مورد استفاده فراوان قرار گرفته و همواره در مکاتبات رسمی و دولتی، در حوزه های علمی، تدریس، تألیف کتب و ... به کار برده شده و ادبیات آن نیز میان ادیبان و شاعران رواج داشته است.

در این فصل زبان و ادبیات عرب در چهار بخش بررسی شده است. در بخش اول جایگاه زبان عربی در عصر عثمانی در زمینه های دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم به نظم و نثر عربی پرداخته و در قسمت نظم، اغراض و اهداف شعر عربی و فنون شعری قدیم و جدید، به همراه نمونه هایی چند آورده شده است. در قسمت نثر نیز ادیبان نثر و آثار مهم آنان بطور خلاصه ذکر گردیده است تا اینکه دیدی کلی و-اجمالی از وضعیت نثر این دوره عرضه گردد. در بخش سوم نیز، تاثیر متقابل بین زبان های ترکی و عربی مورد بحث قرار گرفته است. در این قسمت به برخی واژگان وارده از ترکی به عربی و از عربی به ترکی اشاره شده تا تاثیر بین این دو زبان در زمینه های گوناگونی که وجود داشته است بررسی گردد. بالاخره در بخش چهارم به بحث و نتیجه گیری از موضوعات ارائه شده پرداخته و در آن سعی شده است تا در کنار نتیجه گیری از موضوعات قبلی، به برخی از ادعاهای ناقدان پاسخ داده شده و ابهاماتی که همواره از این دوره در اذهان وجود داشته است برداشته شود؛ و حقائق زبان و ادبیات عرب در این عهد آشکار گردد.

بخش ۱

جایگاه زبان عربی در عهد

عثمانی

جایگاه زبان عربی در عهد عثمانی

در زمان امپراتوری عثمانی زبان عربی در زمینه های دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جایگاه مهمی داشته است. این زبان، زبان قرآن بود و بنابراین از سوی عثمانیان بسیار مقدس تلقی می شد و بعنوان زبان علوم و تعلیم و تربیت در مدارس بکار می رفت. در عهد عثمانی برای هر ادیب و سیاستمدار یاد گرفتن زبان عربی ضروری بود و شاعران و دانشمندان آنرا خوب می دانستند. اصطلاح زبانهای سه گانه به زبانهای ترکی، عربی و فارسی اطلاق می شد و یادگیری آن ها نیز برای عهده دار شدن مناصب سلطنتی و دولتی نیز شرط بود و علاوه بر دانشمندان، پادشاهان و رجال حکومت نیز به عربی تسلط داشتند و چه بسا وزیران و والیان دولت که کتابهای مهمی را به عربی تألیف میکردند. وزیر مشهور *عبدالله پاشا* معروف به شنجی یکی از آنها است که کتاب *أنهار الجنان فی آی القرآن* از تألیفات وی می باشد. قاضی عسکر، *تاشکیری زاده* کتاب *الشقائق* خود را به عربی نوشته است. فقط به صرف اینکه نشان دهد که عثمانیان عربی را خوب می دانند و به آن مباحثات نمایند. مفتی دارا السلطنه *انحی زاده*؛ کاتب چلبی و ... نمونه هایی از نویسندگان ترک عثمانی هستند که به تبحر در عربی شهرت یافته و آثار مهمی به عربی برجای گذاشته اند.

زبان عربی زبان ترکی را تحت تأثیر زیادی قرار داد. و واژگان زیادی از عربی وارد ترکی گشت. ترکها پس از آنکه اسلام آوردند عربی را بعنوان زبان شریعت یاد گرفتند و ارتباط بین این دو زبان آنچنان قوی گشت که ترکها الفبای عربی را به عنوان خط نوشتاری خود برگزیدند و خط عربی در بین ترکها رایج گشت.^۱ و خطاطهای مشهوری همانند شیخ حمد الله آماسی، احمد قره حصار، مصطفی حلیم، سامی افندی و ... از میان آنان بر خاست. این خطاطهای مشهور مصحفها را با خط زیبا می نوشتند و ابنیه و ساختمانها را با آیات قرآنی می آراستند. اهمیت زبان عربی در عثمانی در بسیاری از نسخه های خطی که امروزه در کتابخانه های ترکیه حفاظت می شوند دیده می شود و تعداد آنها به ۲۵۰ هزار می رسد.^۲

پادشاهان عثمانی قریبهای متعددی بر اعراب حکمرانی نموده و با آنها ارتباطات عمیق دینی، سیاسی، لشکری و اداری برقرار کردند و در کشور خود زبان عربی را رواج دادند. بنابراین ادعای برخی از ناقدان مبنی بر اینکه پادشاهان عثمانی عربی را نمی دانستند و یا اینکه با جایگزینی زبان ترکی بجای عربی، زبان عربی عقب ماند؛ و یا دچار جمود گشت، مخالف واقعیت است. در سرزمینهای عرب طبقه اول و حاکم ترکها بودند که سلطه سیاسی، نظامی و اداری در دست آنها بود. طبقه دوم متشکل از رجال دین بود که بیشتر آنها از اعراب بودند. در این طبقه، دانشمندان بزرگ و مؤرخانی را می بینیم که در زندگی دینی، علمی و سیاسی با عثمانیان اشتراک داشتند. برخی از آنان را قضات، شیوخ فتوی و یا دبیران تشکیل می دادند که در ادارات و دیوانها در کنار عثمانی ها کار می کردند.

بنابراین ادعای ناقدان درست نبوده و واقعیت این است که داخل امپراتوری عثمانی ابتدا عربی، زبان رسمی و اداری بود و زبان ترکی بعداً در زمان سلطان مراد اول (۷۹۱-۷۶۱ هـ) رسمی گشت. اما علی رغم این عربی بعنوان زبان سیاسی، در حکومت عثمانیان ماند و ارتباط با کشورهای عربی و غیر عربی، به زبان عربی صورت می گرفت. به عنوان مثال سلطان سلیم در سال ۹۳۲ هـ (ده سال پس از فتح بلاد شام) در جواب به فرانسویس اول، پادشاه فرانسه نامه ای به زبان عربی به وی نوشت.^۳ این مثال گواهی است بر اینکه از زبان عربی در عهد عثمانی بعنوان زبان بین المللی نیز استفاده می شد. و ادعای مذکور مبنی بر به جمود افتادن

1-Ömer Doğru: İslam Özü, S 3

2 - Studies on Turkish, Arap Relations. İst. P43.

۳ - عمر موسی پاشا، تاریخ الادب العربی فی العصر العثماني، ص ۲۰

۴ - منبع قبلی ص ۳۷

این زبان، مغرضانه می باشد. و ما اکنون با استناد به تاریخ مشاهده می کنیم که اکثر مراسم دولت عثمانی، عربی بوده است و گرایش عثمانیها به سوی اسلام و قدسیت عربی بعنوان زبان قرآن در این امر نقشی زیادی داشته است و حتی در انتشار عربی و ادبیات آن نیز موثر بوده است.

دولت عثمانی در گسترش عربی در آناتولی تأثیر زیادی داشته است. زیرا این منطقه به دین اسلام منسوب بود و بدین سبب اسامی مردان و زنان، خانواده، تشکلات و ... همه عربی گشته و سببهای دینی همگی بصورت عربی باقی ماند. همچنین امپراطوری عثمانی زبان عربی را به قلب اروپا برد و آنرا در بالکان گسترش داد. در سرزمینهایی که از سوی عثمانیان فتح می شد، عربی انتشار می یافت و مدت زیادی نمی گذشت که زبان مردم آن دیار می گشت. در اروپا نیز چنین شد و در مدت کوتاهی پس از فتح عثمانی، عربی بصورت زبان عامه مردم مقدونیه و کوزوو در آمد. راستی چه چیزی باعث شد که زبان عربی و فرهنگی و ادبیات آن در این مناطق انتشار یابد؟ در اینجا می توان به عامل اساسی تدریس عثمانی اشاره نمود که مدارس و مکاتب صبیان عثمانی را در مقدونیه و کوزوو شامل می شد و در آنها عربی تدریس می گشت. ناگفته نماند که در قرن ۱۵ میلادی زبان عربی، زبان اداری امپراتوری عثمانی را در بلاد فتح شده نیز تشکیل می داد.

در اینجا باید به جایگاه عربی در مدارس عثمانی و نقش علما و مدرسین نسبت به زبان و ادبیات عربی هم اشاره نمود. بیشتر دروس به نحوی با این زبان ارتباط داشت و از اینرو به عربی تدریس می شد این درسها شامل صرف، نحو، بلاغت (معانی، بیان و بدیع) وضع، لغت، اشتقاق، عروض، قافیه، خطابت، شعر و خط می باشد. بنابر این مشهورترین کتب درسی که به صرف و نحو و بلاغت مربوط می شد و در این مدارس مورد استفاده قرار می گرفت، عبارتند از:

کتاب صرف:

۱) امثله (۲). بناء (۳). تصريف زنجانی یا العزى (۴). شرح العزى (اثر تفتازانی). ۵) شرح العزى (اثر خواجه زاده بورسائی). ۶) مراحم الارواح (اثر احمد بن علی بن مسعود).

کتاب نحو:

۱) کافیه ابن حاجب و شروح آن (۲). مغنی اللیب (ابن هشام). ۳) المصباح (ابوالفتح المطریزی). ۴) قواعد الاعراب (ابن هشام).

کتاب بلاغت:

۱) مفتاح العلوم (سکاکي). ۲) التلخیص (جلال الدین قزوینی). ۳) المطول و المختصر (تفتازانی). این دروس از سوی علمای مشهور و برجسته در مدارس عثمانی تدریس می شد. و همانگونه که معروف است زبان عربی در سنین خیلی کوچک در مکتهای صبیان^۱ و اندرون^۲ آموخته می شد. علاوه بر آن در شهرهای مختلف امپراتوری عثمانی، مدارس و مکاتب مشهور دیگری همچون مدارس سلطانیه، مدارس هشتگانه، و مدارس سی گانه (که به مدارس مفتاح نیز مشهور است) نیز دیده می شوند که در طول دوره امپراتوری فعال بوده و علوم عربی و اسلامی را زنده نگه داشته بودند؛ و اکثر کتاب های آنها عربی بوده است.

۱- مجله عربی شماره ۲۵۲، تشرین الثاني ۱۹۷۹ م. مقاله اسماعیل احمدی مدرس دانشگاه پرشتنا: «عندما يتكلمون العربیه فی یوغوسلافیا» صص ۱۲۸ / ۱۲۹

۲- صبیان: نام مدارس ابتدائی در عهد عثمانی. در اینجا بچه های پنج، شش ساله آموزش می دیدند. این مدارس تقریباً در هر محله موجود بوده و به همین سبب مکتب محله نیز نامیده می شدند. (فرهنگ ترکی M.E.B. Türkçe Sözlük CL.4)

۳- اندرون: نام مکتب هایی که در کاخهای سلطنتی امپراتوری وجود داشت و مخصوص رجال حکومتی و دولتی بود.

این مدارس در سراسر شهرهای امپراتوری از جمله بورسا، ازنیق، ادرنه و ... پراکنده بودند و مهمترین آنها در شهر بورسا قرار داشتند. زیرا که بورسا مکان تاسیس دولت عثمانی و پایتخت هفت پادشاه عثمانی بود. و اولین مدرسه نیز در بورسا باز شده است. بنابر این در تاریخ آموزش و پرورش امپراتوری در قرن ۱۵ م. بورسا حائز اهمیت زیادی بوده و بعنوان یک مرکز علمی آن دوره بشمار می رفت.^۱ شهرهای دیگر نیز دارای اهمیت بودند و آنها از این لحاظ به سایر نقاط ممالک اسلامی ترجیح داده می شد. سپس قسطنطنیه (استانبول) فتح شد و پایتخت امپراتوری عثمانی از بورسا به آنجا انتقال یافت و استانبول به یک مرکز علمی تبدیل گشت و علمای بسیاری از مناطق مختلف از داخل و خارج به استانبول سرازیر شدند. در واقع استانبول به پایتخت اسلام تبدیل شده بود. در اوایل، علماء در آنجا زمان طولانی اقامت نمی کردند. و پس از انجام وظیفه دوباره آنجا را ترک می نمودند. بعدها پادشاهان عثمانی اوقاف زیادی را به طالبان علم و دانش عطا کردند تا فقط برای دانش زندگی کنند و هیچ گونه مشغولیت دیگری آنان را مشغول نکند. پادشاهان عثمانی نیز در سرزمینهایی که تحت حکمرانی آنان قرار داشت به باز کردن مدرسه اهتمام می ورزیدند. بعنوان مثال در دمشق و حلب هر کدام تقریباً ۲۵ مدرسه بغیر از مساجد باز شده بود (قرن ۱۲ هـ / ۱۸ م).

در نظام تدریس این مدارس امتحان و یا دیپلم به معنای امروزی وجود نداشت. فقط اجازه ای از سوی استاد به شاگرد داده می شد که معنای آن حق تعلیم بود. یعنی شاگردی که لیاقت داشت پس از گرفتن اجازه، می توانست شروع به تعلیم نماید. اساتید و مدرسان در بین مردم مقام رفیعی داشتند. برخی از آنها قاضی، برخی طبیب و یا مفتی بودند که از سوی پادشاهان بر این مناصب انتخاب می شدند. دانشمندان و ادیبان هم به علوم عربی و هم به علوم اسلامی از جمله حدیث، فقه، کلام، تفسیر و ... اهمیت زیاد قائل بودند و در این زمینه به تدریس و تألیف مشغول بودند؛ و آناری که برای تدریس عربی استفاده می کردند بیشتر کتابهای العزری و مراح در صرف، الکافیة ابن حاجب در نحو، مفتاح العلوم سکاکی در بلاغت و ... بود.

تألیفات علما نیز به زبان عربی بوده و بیشتر شامل گردآوری علوم گذشته، و شرح و حاشیه بر آثار پیشینیان بوده است. شایان ذکر است که این آثار در میراث ادبی و علمی عربی ارزشمند بوده است. زیرا که این آثار خلاصه کتب عربی قدیم می باشد که هم اکنون اثری از آنها بر جای نمانده است.

علاوه بر اینها علمای آن دوره کتب مختلف مهمی در فنون مختلف همانند تفسیر، عقائد، تاریخ، فرهنگ و دیگر کتب ادبی و فکری را به ترکی ترجمه می کردند و این ترجمه ها احیاناً به دستور پادشاهان عثمانی صورت می گرفت. می توان گفت که در دوره عثمانی اهمیت تألیفات عربی از ترکی بیشتر بود. و زبان ترکی در زمینه های مذکور در جایگاه اول قرار نداشت. بلکه ترکی فقط در زمینه های ابداع فنی و تدوین تاریخی اولویت داشت. و اگر تألیفی به زبان ترکی نوشته می شد، تلخیصهایی برای مردم عامه بود و در سایر موارد فقط زبان عربی به کار می رفت.

همانگونه که گفته شد عربی در دیوان و سیاست عثمانی جایگاه مهمی داشت. در کنار این باید خاطر نشان کرد که پادشاهان نه تنها در سیاست بلکه در ادبیات و زمینه شعر و شاعری نیز به ادبیات عرب و محاضرات مایل بوده و به زبانهای سه گانه شعر می سرودند. هر چند که پادشاهان دیوانی به عربی بر جای نگذاشتند اما اشعار عربی شان زیبا بوده و بیانگر عشق و علاقه آنان به زبان و ادبیات عرب می باشد. بعنوان مثال شعر زیبای ذیل از سلطان احمد پسر محمد بن مراد (ف ۱۰۲۶ هـ) است که به لحاظ ادبی قابل تأمل می باشد:

جَرَحَ الْفُؤَادَ بِصَارِمِي لَحْظِيهِ
إِلَّا تَهْتَكِتِ السُّتُورُ عَلَيْهِ
وَيَخْصُنَا بِالْغُنْجِ مِنْ جُفْنِيهِ
رِيحَانًا وَالْوَرْدُ مِنْ خَدْيِهِ ...

طَبِيٍّ يَصُولُ وَلَا اتِّصَالَ إِلَيْهِ
مَا قَامَ مُعْتَدِلًا وَهَزَّ قَوَامَهُ
يَسْقِي الْمُدَامَةَ مِنْ سُلَاقَةِ رِيْقِهِ
عَيْنَاهُ تَرْجِسُنَا وَآسُ عِذَارِهِ

سلطان سلیم اول - فاتح مصر - برای هیتی از علمای مصر که جهت عرض تبریک حضور وی آمده بودند ابیاتی چند به عربی سروده است.^۱

الْمَلِكُ اللَّهُ مَنْ يَحْطِي بِتَبْلِي مَنْ
يُرِيدُهُ قَهْرًا وَيُضْمِنُ بَعْدَهُ الدَّرَكَا
إِنْ كَانَ لِي أَوْ لِعَيْرِي قَيْدٌ أَوْ نَمْلَةٌ
مَنْ الْبَسِيطِ كَانَ الْأَمْرُ مُشْتَرَكَا

سلطان سلیم در این دو بیت در فتاحت و قطع علاقه از دنیا به پیروی از اهل تصوف می پردازد. و اثر دیگری نیز از سلطان عبد الحمید اول است. وی قصیده ای نبوی سروده که در سال ۱۱۹۱ هـ بر حجره شریف پیامبر (ص) نقش شده است. که به «قصیده حجره نبوی» مشهور می باشد:^۲

يَا سَيِّدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ خُذْ بِيَدِي
فَإَنْتَ نُورُ الْهُدَى فِي كُلِّ كَائِنَةٍ
وَأَنْتَ هَادِي الْوَرَى لِي فِي السُّدَى
وَأَمْنٌ عَلَيَّ بِمَا لَا كَانَ فِي خَلْدِي
وَأَنْتَ بَعِيْنُ الرِّضَا لِي دَائِمًا أَبَدًا
وَأَسْتَرْ بِفَضْلِكَ تَقْصِيرِي مَدَى الْأَمَدِ
مَالِي سِوَاكَ وَلَا أُلَوِي عَلَى أَحَدٍ
وَأَنْتَ بَسْرُ النَّدَى يَا خَيْرَ مُعْتَمِدٍ

همه اینها نشان می دهد که عربی نه تنها زبان عقیده و دین مردم و زبان علم و ادبیات بود، بلکه وسیله ای برای افاده امور رسمی و سیاسی نیز بوده است. و همانند زبان لاتین که در آن زمان در اروپا رایج بود، بعنوان زبان مشترک بین ملت های مسلمان به کار می رفت.

۱- حسین مجیب مصری، صلات بین العرب و الفرس و التری، ص ۲۵۸

۲- عمر موسی پاشا، تاریخ الادب العربی فی العصر العثمانی، ص ۲۸

بخش ۲

نظم و نثر عربی در عهد عثمانی

الف) شعر و اغراض آن

ب) نثر

الف) شعر و اغراض آن

شعر در عهد عثمانی:

در عصر عثمانی جنبش ادبی و شعری - چنانکه پنداشته می شود - متوقف نشد؛ بلکه سرودن شعر برای هر مدرس، ناشر، طالب علم، قاضی و حتی برای شیخ زاویه نیز عادت شده و بصورت امری ضروری برای فرهیختگان درآمد بود. برخی از ناقدان ادعا می کنند که در این دوره تعداد شاعران و ادیبان کاهش یافت؛ و برای توجیه ادعای خود می گویند که پادشاهان عثمانی نسبت به شعر بی توجه بودند و شاعران را تشویق نمی کردند. اما غافل اند از اینکه هیچ عصری نگذشت که تعداد شاعران در آن به اندازه عصر عثمانی زیاد شده باشد.^۱ بویژه بیشتر شاعران در آن زمان در امپراتوری عثمانی ظهور نمودند. اسامی شاعران مشهور و بزرگی که در کتب تاریخ ادبیات این دوره ثبت شده است زیاد می باشد. ابن نقیب حسینی، ابن نحاس حلبی، ابو معتوق موسوی، نابلسی، کیوانی، الخال الطالوی و ... فقط چند تن از شاعران عصر عثمانی می باشند که میراث ادبی ارزشمندی در ادبیات عرب بر جا گذاشته اند؛ و دیوانهای خطی آنها هم اکنون بعنوان میراث فرهنگی عهد عثمانی شمرده می شود. ولی متأسفانه مدتهای مدیدی کسی از آنها خبر نداشته و دوره عثمانی به دوره انحطاط ادبیات عرب متهم شده است. زیرا دیوانهای پرارزش این شاعران و ادیبان منتشر نشده و ناشناخته مانده است.^۲

لازم بذکر است که قسمت اعظم آثاری که شاعران این عصر برجای گذاشته اند، خطی می باشد و اکثر این نسخه های خطی در قفسه های کتابخانه های شرق و غرب مانده؛ برخی ضایع و مفقود شده و برخی نیز هنوز کشف و چاپ نشده و بصورت دست نخورده باقی مانده است. هم اکنون قسمت اندکی از آنها کشف و منتشر گشته و در پیش روی ما قرار دارد و آنها نیز درون برخی دیوانهای چاپ شده و یا از کتب تاریخی و دائرة المعارفها و یا از زندگی نامه ها به دست ما رسیده است. همین آثار اندکی که از دوره عثمانی یافت و منتشر شده دلیلی است بر اینکه دانشمندان و شاعران عثمانی آثاری را که بر جای گذاشته اند میراث ادبی عهد عثمانی به شمار می آید و یگانه دلیلی است بر علیه همه آرا و شایعه های مورخان و ناقدان مخالف دوره عثمانی که مدعی جمود و رکود ادبیات عرب در آن زمان می باشند.

بطور خلاصه می توان گفت که این دوره از لحاظ آثار ادبی نیازمند تحقیق و بررسی دقیق می باشد؛ تا اینکه زیبای های ادبی و دیوانهای مفقود که میراث اصلی آن زمان می باشند، یافت شود؛ و بر همه معلوم گردد که دوره عثمانی به لحاظ ادبی دوره سقوط و جمود نبوده و ادیبان و شاعران برجسته ای داشته است. و شاعران و ادیبان ترک زبانی که در کنار شاعران و ادیبان عرب زبان اشعار زیبای عربی سروده اند وجود داشته اند. و هر چند که ممکن است برخی از آنها در زمینه شعری موفق نباشند ولی کم نیستند آنهایی که به اشعار فصیح و زیبا معروف می باشند. بطور مثال چند تن از شاعران مشهور این دوره را می توان ذکر نمود: همانند یازجی اوغلو (ابن کاتب)، از شاعران ترک زبان قرن ۱۵ م. که منظومه ای بنام مغارب الزمان دارد که در معانی از تفسیر قرآن و حدیث کمک گرفته و از مذهب صوفیه پیروی کرده است.^۳ اثر مذکور در یک مجلد بوده و نسخه ای از آن در کتابخانه های نور عثمانیه و ایاصوفیا موجود می باشد.

نمونه دیگر از شاعران ترک که در دوره عثمانی اشعاری را به عربی سروده ملا محمد فضولی سده ۱۶ م. می باشد. وی زبانهای سه گانه را بخوبی می دانست و ارجوزه هایی به عربی دارد و رمز صوفی را در شعر عربی بکار برده است.^۴

۱- محمد تونجی، الاتجاهات الشعرية في بلاد شام في العهد العثماني، ص ۷ و ۹۲.

۲- عمر موسی پاشا، تاریخ الادب العربی فی العصر العثماني، ص ۲۳.

۳- حسین مجیب مصری، صلات بین العرب و الفرنس و الترك، ص ۲۵۶.

۴- منبع قبلی ص ۳۶۰.

سنبلزاده وهبی^۱ (ف ۱۸۰۹ م) از شاعران ترک این دوره است که به سه زبان ترکی، عربی و فارسی تألیفاتی دارد. وهبی در مقایسه با دیگر شاعران ترک به عربی اهمیت زیادی قائل بود و با این ویژگی بین ترکها مشهور می باشد. او در تعبیر عبارات بهتر به زبان عربی، قدرتمندتر از فضولی است. و همانگونه که فضولی در شعر عربی به فارسی و ترکی گرایش دارد گرایش وهبی به سوی عربی است. و در واقع وی قوی ترین شاعر ترک عهد عثمانی در گرایش به تقلید شعر عرب می باشد. تصویرها و تشبیهاتی که در شعر عربی خود می آورد بیشتر عربی محض و خالص است. او اشعار بسیاری دارد که در اینجا دو نمونه از آن ذکر می-شودوی معلقه امری القیس را تشطیر می کند :

وَأَبْكِي وَاسْتَبْكِي خَلِيلِي قَائِلًا قِفَا نَبِكِ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَ مَنَزِلٍ
وَيَعِزِّلْنِي قَوْمٌ وَيَنْصَحُ مَعْشَرُهُ يَقُولُونَ لَا تَهْلِكِ أَسَى وَ تَحْمَلِ

همچنین وهبی در مدح نبی دیوان طولانی تری دارد که در آن با قصیده «برده بوعری» به معارضا می پردازد. عنوان دیوان او «نظیره لقصیده البرده فی نعت النبی (ص)» می باشد.

إِذَا ارْتَبَعْتَ بِوَادِي الْحَيِّ فِي عِلْمٍ قَفَّ بِالرُّبُوعِ عَلَى زَيْعٍ بَذِي سَلَمٍ
وَ اقْرَأْ سَلَامِي عَلَى قَوْمٍ فَرَّقَهُمْ قَدْ أَوْدَعَ الْعَيْنَ عَوَارًا أَرَأَى دَمِي

در این دوره پیشرفت و تحولی در شعر دیده می شود که شامل اغراض، معانی، اسالیب و فنون جدید می شود؛ و شگفت این که طبیعت و محیط محل اهمیت زیادی نزد شاعران کسب کرد که در دوره های قبل نظیر آن دیده نشده بود. زیرا قبلاً شاعران تلاش خود را صرف رضایت ممدوح می کردند. و شعر را با این نیت می سرودند. اما در این دوره گرایش شعری شاعران تغییر یافته و طبیعت جایگزین رضایت ممدوح گشته و کعبه شعر و مصدر الهام شده بود. بعنوان مثال /امیر منجک باشا یوسفی (۱۰۷۷-۱۰۸۰هـ) که از ترکان چرکس می باشد محیط معینی را تمثیل می نماید. و ابن تقیب (۱۰۴۸-۱۰۸۱هـ) نیز طبیعت شام را با تمام زیبایی سحر آمیزش به تمثیل می کشد. و /ابو معتوق موسوی (۱۰۲۵-۱۰۸۷هـ) تصویری از شعر اصیل عرب می نمایند که از دید صنعت و فنون بیانی و بدیع دچار فساد نشده است. وی درباره ادیب حر و آزاد چنین می گوید :

عَتَبِي عَلَى هَذَا الزَّمَانِ مُطَوَّلٌ يُفْضِي إِلَى الْإِطْنَابِ شَرْحُ بَيَانِهِ
هِيَاهُ أَنْ أَلْقَاهُ وَ هُوَ مُسَالِمِي إِنَّ الْأَدِيبَ الْحَرَّ حُرٌّ زَمَانِهِ

/ابن نحاس (ف- ۱۰۵۲هـ) از غربت و قرابت آداب و انساب سخن می گوید و از ممدوح خود می خواهد که به وی کمک نماید. دیوان او شامل مدحی می باشد که از طریق آن رزق خود را کسب می کند. در شعر ابن نحاس، نسیب، غزل، فخر، وصف، شکوی و فنون شعری نو همانند دو بیتی، و موالیات نیز دیده می شود :

خُذْ بِيَدِي ذَاكَ بَيْنَنَا نَسَبٌ الْفَضْلُ وَالْإِعْتِرَابُ وَالْأَدَبُ

عبد الغنی نابلسی (۱۰۵۰هـ) نیز شعر صوفی را تمثیل می کند. او از بزرگان و پیشوایان تصوف در زمان خود است. وی عقاید صوفی را به شکل مستقیم و غیر مستقیم تعبیر می نماید و درباره وحدت وجود چنین می گوید :

إِنَّمَا وَحْدَةُ الْوُجُودِ لَدَيْنَا وَحْدَةُ الْحَقِّ فَافْهَمُوا مَا نَقُولُ

۱- منبع قبلی، ص ۲۶۶.

وَحَدَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا سِوَاهَا	شَهِدَتْهَا مِنَّا الْكِبَارُ الْفُحُولُ
وَسَوَاءٌ قُلْنَا: الْوُجُودُ أَوْ الْحَقُّ	فَلَا فَرْقَ عِنْدَنَا يَا جَهْلُولُ
لَا تَطْنُ الْوُجُودَ حَيْثُ ذَكَرْنَاهُ	هُوَ الْخَلْقُ عِنْدَنَا الْمَبْدُولُ
وَلِهَذَا كَانَ الْقَنَا هُوَ شَرُّ طَا	عِنْدَنَا لِلْمَزِيدِ فِيهِ حُلُولُ
وَهُوَ طَهَّرَ الْأَرْوَاحَ مِنْ نَجَسٍ	حَلَّ فِيهَا مِنَ الْكَثِيفِ يَجُولُ

اسلوب شعری در عهد عثمانی :

شاعران این دوره به لفظ اهمیت بیشتری داده و صنایع لفظی را در شعر زیاد نمودند. و معانی را در درجه دوم اهمیت قرار دادند. اسلوب شاعران این دوره را در دو روش می توان جمع کرد :

(الف) روش لفظی : که در انواع صنایع بدیع ظاهر شده و تکلفات را به دنبال خود می آورد. شاعران در این روش الفاظ را تزئین کرده و معانی را پیچیده و مشکل می کردند. این روش لفظی بر تمامی اسلوبهای ادبی که در این عصر بکار می رفت چیره شد و صنایع لفظی بر شعر غلبه یافت.

(ب) روش سهل و آسان : این روش به صنایع بیان و بدیعی اهمیت نداده و معانی ساده و بسیط و الفاظ نرم و مأنوس را در پیش می گیرد. در نتیجه الفاظ عام در شعر بکار می رود. روش مذکور، شیوه شاعران مردمی و موشح سرایان و برخی متصوفان بوده و سپس توسط شاعران زجل، موالیا، کان و کان، قوما و ... نیز بکار رفته است.

اسلوب شعری شاعران این دوره در بکارگیری اغراض و فنون شعری بین جودت و رکت تغییر می کرد. و بی شک غرض قصیده نقش فعالی در اسلوب داشته است. بطور مثال شاعران اغراض دین، سلامت زیان و جزالت اسلوب را بیشتر محافظت می-کردند. اما شاعران غزل بیشتر به رقت و عذوبت میل می نمودند؛ و برخی دیگر نیز در جزالت اسلوب برجسته می شدند. برخی نیز احياناً در مقدمه و آغاز شعر به جزالت لفظ تمایل داشتند؛ و این نیز به سبب تقلید از پیشینیان بود. در این عصر مبالغه در تمامی اغراض شعر مشاهده می شود و برای هر شاعر از ضروریات واجب بوده است.

اغراض و فنون شعری :

شاعران این دوره روش قدیم را ادامه داده و از اغراض شعری قدیم همانند مدح، هجاء، رثاء، فخر، غزل، حماسه، وصف، حکمت و ... پیروی نمودند. اما باید دانست که شعر در عهد عثمانی فقط تقلید صرف نبود. با تغییر زمان و حالت در این دوره، مفاهیم نیز نسبت به گذشته تغییر یافته و نظرها نیز نسبت به ادبیات عوض شده و ادبیات از دیربها بیرون آمده بود. پس طبیعی است که ادبیات عثمانی کاملاً شبیه ما قبل خود نباشد و چهره جدیدی به خود بگیرد.

شاعران دوره عثمانی در فنون و اغراض مختلف به صنایع زیادی میل کرده بودند؛ و برخی فنون مرده و از بین رفته را زنده کرده و تجدید نمودند. بعنوان مثال در شعر بدیعیات، دخانیات، قهوه و حشیش از قدیم پیشی گرفتند. و دایره، زجل، موالیا و ... گسترده تر شد. همچنین اتجاهات و اغراض و فنون شعری نو وارد ادبیات عرب گشت و به این نیز بسنده نشده و اشکال شعری جدیدی ایجاد شد که قبلاً وجود نداشت. بدین سبب شعر عربی در این دوره متحمل دگرگونی هایی گشت و جریان های جدید شعری ظهور نمود؛ که برخی ثمره گسترش و پیشرفت اغراض قبلی و یا ابتکار اغراض جدید می باشد که بنابر مقتضای زندگی نو به وجود آمده است؛ که در اینجا این موضوع را بر دو بخش تقسیم کرده و به بررسی آن می پردازیم:

(۱) مهمترین اغراض تقلیدی و (۲) فنون شعری نو .

(۱) مهمترین اغراض و فنون تقلیدی در عهد عثمانی :

مهمترین اغراض شعری این دوره مدح نبوی، رثا، فخر، حماسه، مدح، غزل، وصف، فکاهه، تصوف، شکوی، نظم علوم و فنون و ... می باشد. شاعران در این فنون از پیشینیان تقلید کردند؛ ولی به رغم آن پیشرفت ها و نوآوری هایی در آن دیده می شود. بطور مثال مدح نبوی، فخر، حماسه و رثا پیشرفت کرده و بدیعیات به وجود آمده است؛ و قصائد صوفی به اوج رشد و کمال خود رسیده است. بطور مثال دیوانهایی در تصوف دیده می شود که شاعران در آن به تعبیر از وحدت وجود و یا وحدت مطلق ملتزم می باشند.^۱ در اینجا بطور خلاصه به برخی از اغراض و اهداف شعری اشاره می گردد.

مدح :

برخی از ناقدان، عرب نبودن طبقه حاکم را سبب توقف مدح می پندارند. اما این پندار نادرست است. زیرا که فن مدح در عصر عثمانی متوقف نشده و از اغراض وسیع آن زمان بوده است. شاعران، خلفای عثمانی، امیران محلی، وزیران، دانشمندان، قضات و اعیان را مدح نموده اند. پادشاهان عثمانی نیز مدح را گوش می کردند و اگر خوششان می آمد، صله ای به شاعر عطا می نمودند. در آن زمان شاعران فتوحات و پیروزیهای پادشاهان عثمانی را همواره مدح کرده اند. بعنوان مثال شیخ شهاب الدین /احمد بن حسین با قصیده ای طولانی سلطان با یزید را مدح کرده است. و سلطان نیز علاوه بر هزار دینار، سالانه یکصد دینار طلا به او می داده است که پس از وفات شاعر به اولادش نیز رسیده است. و یا شاعر منجک، سلطان ابراهیم (پسر احمد) را به سبب پیروزی های وی در جنگ، با قصیده ای طولانی مدح کرده و سلطان را مؤمن، شجاع و عادل توصیف نموده است:

لَوْ كُنْتُ أَطْعَمُ بِالْمَنَامِ تَوْهَمًا	مَلِكٌ مِنَ الْإِيْمَانِ جَرَدَ صَارِمًا
لَسَأَلْتُ طَيْفَكَ أَنْ يَزُورَ تَكْرُمًا	بِالْحَقِّ حَتَّى كُفِّرَ أَصْبَحَ مُسْلِمًا

در عصر عثمانی مدح، فراوان دیده می شود. هنگامی که سلطان مراد چهارم به بلاد فارس حمله کرده و بغداد را پس می گیرد مردم قصائد بسیاری در پیروزی سلطان مراد سرودند که قصیده تاج الدین مالکی یکی از آنهاست :

خَلِيفَةُ اللَّهِ مُرَادُ غَزَا	قَلْعَةُ بَغْدَادَ فَأَرَادَهَا
وَعِنْدَمَا حَاصَرَهَا جَيْشُهُ	إِنْدَكَ لِلسُّقْلِ أَعْلَاهَا
وَأَصْبَحَ الشَّاهُ ذَبِيحًا، كَمَا	أُخْبِرُهُ عَنْ كَثْرَةِ قَتْلَاهَا

در این دوره مدح نبوی نیز پیشرفت کرد و از مهمترین اغراض شعری این عصر به شمار می آید؛ و روح تقلید رانزدشاعران این عصر تمثیل می نماید. روش شاعران در این فن همانگونه که معروف است فقط بر مدح پیامبر (ص) استوار می باشد؛ اما ابن نحاس فقط بر مدح کفایت نکرده و از شیوه معروف دیگر شاعران تجاوز نموده و مستقیماً خداوند را خطاب قرار می دهد. کاربرد مدح نبوی به این شیوه، اسلوبی نو و پیشرفتی جدید شمرده می شود؛ که اولین بار ابن نحاس به آن پرداخته است:

أَنْظُرْ إِلَيَّ بِحُسْنِ خَا	بِمَةِ لِأَفْعَالٍ فَظَانِعٍ
سَوْدَنْ وَجْهَ صَحِيفَتِي	شَيْخًا وَ مُكْتَهَلًا وَ يَافِعٍ
حَتَّى لَقَدْ عَمِيتَ عَلَيَّ مَسَالِكِي	وَالصَّبْحُ طَالِعٌ ...

۱- محمد تونجی، الانجازات الشعرية في بلاد الشام ص ۸۵

و رَجَائِي فِيكَ وَ فِيهِ طَامِعٌ
و نَارَةً يَا خَيْرَ شَاعِرٍ

يَا رَبِّ بِابْنِكَ بَابَةٌ
طَوْرًا أُنَادِي: رَبِّ! رَبِّ!

هجاء :

این فن بین شاعران کاربرد داشت و شاعران، نمونه های خوبی از آن ارائه کرده و معانی آنرا تجدید نمودند. افرادی که از سوی شاعران هجو می شدند، بیشتر شامل کسانی بودند که در بین مردم محبوبیت نداشتند. مثلاً "ثروتمندان بخیل و یا کسانی که در مجالس رفتار زننده ای داشتند و حتی حکام ظالم نیز از سوی شاعران هجو می شدند. بعنوان مثال ابن الجابی (ف ۱۰۲۶هـ) شخصی را چنین هجو می کند.^۱

أَرَاكَ تَلُوْمَ النَّاسِ بِالنَّقْصِ مِنْهُمْ وَ أَنْتَ لَعْمَرِي أَنْقَضَ النَّاسِ فِي الذِّكْرِ
فَإِنْ أَنْتَ فِي جَمْعٍ حَضَرْتَ، وَ بَيْنَهُمْ أَفَاضِلُ لَمْ تَنْطِقْ بِشَيْءٍ سِوَى الْحَصْرِ
فَأَنْتَ كَتَوْنِ الْجَمْعِ حَالٍ إِضَافَةً وَ إِنْ شِئْتَ بَلْ مِثْلَ الْقَلَامَةِ مِنْ ظَفْرِ

رثاء :

رثاء در طول اعصار قطع نشده و در عهد عثمانی نیز بر تنوع آن افزوده شده و هر چند که رثا بر شیوه تقلید استوار بوده، تجدیداتی نیز داشته و روح مبالغه در شعر رثا شایع بوده است. شاعران در رثای پادشاهان، امیران، دانشمندان، خانواده و یا خویشاوندان شعر می گفتند؛ و در معنی از پیشینیان تقلید می کردند. آنان در مطلع رثا، مرگ و زهد را ذکر می کردند. و یا به توصیف طبیعت می پرداختند. بطور مثال اگر محبوبه را در مطلع رثا می آوردند، از جدائی، دوری، غم و سوز عشق سخن می گفتند. برخی از شاعران عهد عثمانی در رثای پادشاهان عثمانی شعر گفته اند. بعنوان مثال ابوالسعود با قصیده ای طولانی در رثای سلطان سلیمان چنین گفته است :^۲

أَصَوْتُ صَاعِقَةً أَمْ نَفْخَةُ الصَّوْرِ؟
فَالأَرْضُ قَدْ دَهَيْتُ مِنْ نَقْرِ نَافُورٍ
أَصَابَ مِنْهَا الْوَرَى دَهْيَاءَ دَاهِيَةٍ
وَ ذَاقَ مِنْهَا الْبَرَايَا صَعَقَةَ الطَّوْرِ...
نَاهَتْ عُقُولُ الْوَرَى مِنْ هَوْلٍ وَحْشَتِهِ
فَاصْبَحُوا بِمِثْلِ مَجْنُونٍ وَ مَسْحُورٍ
دُمُوعُهُمْ؟ وَ قَدْ أَنْهَلَتْ مَنَابِعُهَا
كَأَنَّهَا عَيْنُ طُوفَانٍ وَ تَنْوَرٍ

رثای دانشمندان و شعر قبور نیز از تنوعات رثا به شمار می آید. چنانکه شاعران رثای دانشمندان را در شعر آورده اند و عنایت خاصی نیز برای آن قائل بودند و دلیل آن، مقام شامخ دانشمندان در عهد عثمانی در میان مردم بود. شعر قبور نیز در این عصر فراوان دیده می شود که در فن رثا و موعظه به چشم می خورد :

قَبْرِ شَابٍّ فِي عُمْرِهِ مَا تَهْنَأُ

۱- محمد تونجی، الانجاهات الشعرية "فی بلاد الشام فی العهد العثماني. ص ۳۴۵

۲- منبع قبلی، ص ۳۵۶

سَلْبُهُ أَيْدِي الْمَنِيَّةِ مَنَا
قَدْ كَانَ فِينَا مِثْلُ الْهَلَالِ
فَلَمَّا صَارَ بَدْرًا غَابَ عَنَّا ...

در شام شاعران مسیحی نیز در شعررثا نقش داشتند و معانی را که بکار می بردند شبیه معانی شاعران مسلمان شام بود. یعنی حاوی سوز و گذار، اشک و روح دینی بوده است. نعمه بن توما الحلبي در رثای پسرش چنین می گوید:

يَا إِلَهِي حَانَ حِينِي
حِينَما الصَّبْرُ فَقَدْ
يَا إِلَهِي ضَاقَ ذَرْعِي
وَ خَلَا مِنِّي الْجَلْدُ
لَيْسَ لِي إِلَّاكَ يَا مَنْ
لَا يَرْجِيهِ أَحَدٌ

فخر:

شعر فخر در عصر عثمانی به ندرت به چشم می خورد؛ و دلیل آن کمی اندیشه فاخرانه در این عهد می باشد. ابن جزری و حسین بن احمد حلبی از شاعران مشهور این فن می باشند. فن فخر بر دو قسم است:

الف) فخر ذاتی:

شاعر در آن با صفات والای خود- که در کار او و یا در نسب او وجود دارد- خود را می ستاید. همانند ابن السمان دمشقی (ف ۱۰۸۸ هـ) که به خود و قوم خود افتخار می کند.^۱

يُعَبِّرُنِي قَوْمٌ بِقَوْمِي وَمُحَنِّدِي
كَمَا عَيَّبَ بِالْعَضْبِ الصَّقِيلِ الْحَمَائِلُ
أَجَلَ حَسَدُونِي حَيْثُ فَضَّلْتُ دُونَهُمْ
و كَمْ حَسِدْتُ فِي النَّاسِ قَبْلِي الْأَفَاضِلُ
وَمَا الْفَخْرُ بِالْأَجْسَامِ وَالْمَالِ وَالْعُلَا
وَلَكِنْ بِأَنْوَاعِ الْكَمَالِ التَّفَاضِلُ

ب) فخر قومی:

شاعر در آن به حسب و نسب خود می پردازد و فضایل قومی و آباء و اجدادی خود را بر می شمارد. همانند منجک پاشا

یوسفی (۱۰۰۷-۱۰۸۰ هـ):

مَنْ مُشَبَّهِي بَيْنَ الصَّنَادِيدِ
مَشَايَ تَحْتَ سُرَادِقِ
الْفُحُولِ مِنَ الرِّجَالِ؟
ضُرِبْتُ عَلَى هَامِ الْعَوَالِي

مَهْدِي يُحَرِّكُهُ الْعُلَا	مِنْ قَبْلِ رَبَّاتِ الْجَمَالِ
جَدِّي الَّذِي مَلَكَ الْبِلَادَ	يَرَاهُ لَا بِالْجِدَالِ...
عَمِيرِي يُبَالِي بِالْفَخَارِ	وَلَسْتُ فِيهِ مِنْ يُبَالِي

غزل :

غزل از قدیم وجود داشت و در عصر عثمانی رایج تر شده است. شاعران در این شعر معانی پیشینیان را پسندیده و به تقلید و یا به معارضه با آن می پرداختند. و هر چند در شعر غزل شیوه تقلید آشکارا دیده می شود اما نوپردازی و شعر خوب نیز در آن به چشم می خورد. موضوع شعر غزل، زن، غلام، شراب و مجالس انس بود که به آنها موضوعات جدید همانند قهوه، حشیش و دخان نیز افزوده شده است. غزل در این دوره عقیف تر بوده و بذله گویی نیز در آن کمتر دیده می شود. به عبارتی دیگر تصاویر بد و زشت در مقایسه با اعصار قدیم کمتر به چشم می خورد. اما در کل شاعران این دوره به توصیف زیبایی های اعضای بدن روی آوردند که آن نیز نوعی احساس زیبایی فنی می باشد، همانند منجک پاشا یوسفی :

قَسَمًا بِتَرْجِسِ مُقَلَّتِيهِ
و خَلْدِهِ الْمُتَوَرِّدِ
و بَعْضِ قَامَتِهِ الرُّطِيبِ
و عَطْفِهِ الْمُتَأَوِّدِ
و بِمَا حَوَاهُ ثَغْرُهُ
مِنْ لَوْلُو مُتَنَصِّدِ
و بِسَحْرِ نَظَرِهِ الَّذِي
هَارُوْتُ عَنْهُ بِمَرَصِدِ

به رغم اینکه تعداد شاعران غزل در عصر عثمانی زیاد شده است، برخی از بزرگان شعر همانند احمد کیلانی و ابن نحاس که حسن بیان داشتند انگشت نما بودند.

مطلع غزل به قالبهای قبلی شبیه بود و شاعران این عهد یکی از این مقدمات را برای غزل خود انتخاب می نمودند. بطور مثال اگر هدف اصلی شاعر، مدح بود در مطلع غزل به دیدار معشوق، طبیعت خندان و مجالس انس و شراب می پرداختند. و اگر هدف هجو می بود، از جدائی، دوری و جفا سخن می گفتند. منجک یوسفی با مطلع غزل زیبایی که داشت مشهور گشته است. او در مدح سلطان ابراهیم از شیخ او بگونه خفیف و رقیق یاد می کند :

لَوْ كُنْتُ أَطْمَعُ بِالْمَنَامِ تَوْهُمًا لَسَأَلْتُ طَيْفَكَ أَنْ يَزُورَ تَكْرُمًا
حَاشَا صُدُودَكَ أَنْ تُدَمَّ فَإِنِّهَا تَحُلُولِدَيَّ وَإِنْ أُسِغَتْ عَلَقَمًا

در عهد عثمانی غلبه فرهنگ دینی و میل مردم به دین و روی آوردن دانشمندان به سرودن شعر سبب گشت که این جنبه دینی به غزل نیز سرایت نماید. البته این جنبه دینی در غزل قبلاً نیز وجود داشت، ولی معانی دینی در این عصر شایع شده و کاربرد آن فراوان گشته است؛ و شاعران به استخدام الفاظ فقها و متصوفه میل کردند تا به غزل خود حالتی شرعی ببخشند، و معانی غزل را تجدید چهره نمایند. همچنین در این فن میل به تضرع و تکرار کلمات ابتهال و دعا در مطلع هر بیت زیاد شده است. حسن بورینی (۹۶۳ هـ) نیز چنین کرده است:

إِلَهِي أَدِمَّ حَاكِمَ الْحَبِّ فِينَا
مُطَاعًا وَكُلَّ الْبَرَايَا أَسَارَى
إِلَهِي وَزِدْ ذَلِكَ الْقَدَّ لِيْنَا
وَاشْرِبْ سَقِيمَ الْجُفُونِ الْعَقَارَا
إِلَهِي عَلَى ضَعْفِ أَهْلِ الْهَوَى
أَنْلُ لَحْظَةً فِي الْقُلُوبِ إِقْتِدَارَا

وصف:

این فن از فنون ریشه دار در نزد عرب بود که شاعران را به توصیف محیط اطراف خود وای داشت. شاعران در این فن نیز به تقلید از پیشینیان می پرداختند. به آثار از بین رفته و خرابه ها روی می آوردند و روزگارانی را که در کنار آن ها گذرانده بودند یاد می کردند و آنچه را که در آن ها می دیدند به تصویر می کشیدند. به وصف شتر، اسب و وسایل سفر پرداخته و سپس دشت و صحرا را توصیف می کردند. شاعران این دوره اگر چه پیوند خود را با وصف تقلیدی قدیم قطع نکردند، فن وصف در شعر خالی از ابتکار نمانده و نوآوری نیز در آن دیده می شود. شاعران در وصف خود از شعر قدیم الهام گرفته و محیط اطراف خود را به تصویر می کشیدند.

عبد الجلیل المواهبی (ف ۱۱۱۹ هـ) ادیب و عالم دمشق، فواره آب را به سر پیر مردی تشبیه می کند که موی سفید او آشفته گشته و به چپ و راست می گراید و گویی که از شراب مست و یا اینکه از بیماری لزران گشته است. و یا از حزن، بر گونه های خود می زند.

أُنْظِرْ إِلَى فَوَارَةٍ قَدْ حَكَّتْ رَأْسَ عَجُوزٍ أَيْضَ اللَّمْتَيْنِ
مُسْتَشِيرُ الشَّعْرِ بَرَى دَائِمًا مُضْطَرِبًا يَمِيلُ لِلْجَانِبَيْنِ
كَأَنَّهَا تُمْلِي مِنَ الْخَمْرِ أَوْ رَعَاءُ أَوْ تُلَطِّمُ الْوَجْهَيْنِ

شاعران عهد عثمانی همچنین علاقمند به توصیف مجالس شراب و غناء بودند. و در وصف ساقیان و آواز خوانان مبالغه می کردند. در کنار چنین وصفهایی، امور بسیاری همانند خرید و فروش، بازار، تجارت، مهمان، عالمان و صالحان و حتی انسانهای فاسق و نیز مصیبت و فلاکت نیز موضوع وصف آنان را تشکیل می داد:

۱- منبع قبلی، ص ۲۶۷ و شوق ضیق، عصر الدول و الامارات ج ۶، ص ۲۱۳

۲- شیخ ابن بکری، مطالعات فی الشعر المملوکی و العثماني، ص ۱۵۵.

۳- منبع قبلی، ص ۱۵۴.

يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِرْحَمْ عِبَادَكَ مِنْ
هَذِي الزَّلَازِلِ فِيهِ الْهَلَكُ وَالْعَطَبُ
مَا جُثُّ بِهِمْ أَرْضَهُمْ حَتَّى كَانَهُمْ
رُكَّابٌ يَحْرِ بِهَا الْأَنْفَاسُ تَضْطَرِبُ
فَنَصْفُهُمْ هَلَكُوا فِيهَا، وَنَصْفُهُمْ
لِمَصْرُوعِ السَّلَفِ الْمَاضِينَ يَرْتَقِبُ ...

در وصف این دوره الفاظ گل، نرگس، باغچه، الماس و یاقوت ... نیز زیاد رایج شده بود. بطور خلاصه می توان گفت شاعران این دوره هیچ چیزی را جا نگذاشتند و همه چیز را با بیتهای طولانی و یا کوتاه به وصف می کشیدند. و در وصف خود فنون مختلفی را به کار می گرفتند. و تا جایی که نزدیک بود در وصف، از پیشینیان خود نیز گوی سبقت را بریابند.

در عصر عثمانی فن وصف بویژه وصف طبیعت، از بیشترین موضوع های مورد علاقه این عصر بود که به لحاظ روح زندگی و تصویری که ایجاد می کند از دیگر موضوعات قوی تر می باشد. ناگفته نماند که وصف اینگونه (وصف طبیعت) ابتدا در شام رواج یافت و دلیل آن، طبیعت زیبای آنها بود. شاعران این دوره با وصف جزئیات طبیعت به شهرت رسیدند. در این عصر شاعران طبیعت، زیاد گشت و آثار فراوانی خلق شد. ابن نقیب و منجک باشا از شاعران بزرگ طبیعت به شمار می آیند.

در این دوره شاعران، شهرهای بزرگ، اطراف و حومه های آن، آب دریاها و نهرها، گل و گیاه، کاخها و مساجد و ... را وصف نمودند. وصف طبیعت نیز به رغم آنکه تقلید از گذشته بود، خالی از ابتکار و نوآوری نبود و شاعران طبیعت را صرفاً در وصف استفاده نکرده بلکه آنرا در مقدمه اغراض دیگر همچون رثا، غزل و مدح نیز بکار بردند. اینک به ذکر چند نمونه از وصف طبیعت می پردازیم :

وصف شهرها و پارکها :

شاعران شهرهایی را که در آن می زیستند به زیبایی وصف می کردند. قسطنطنیه، دمشق و حلب در این نوع وصف در مکان اول قرار دارد. ابن نقیب مجلس انسی را که در یکی از پارکهای دمشق بوده است. چنین توصیف می کند.^۱

و مَجْلِسُ حَفَّتِ الْغُصُونُ بِنَا
فِيهِ وَ وَجَّهَ الرِّيَاضُ مَبْتَهَجُ
كَأَنَّ أَوْرَاقَهَا يَرْفُ بِهَا
فَوْقَ النَّدَامَى نَسِيمُهَا الْأَرْجُ
خَضِرٌ مِنَ الْأُزْرِ لَا تَنْزَالُ بِهَا
مَنَاقِبُ الرَّاغِصَاتِ تَخْتَلِجُ

وصف دریاها و رودها:

در این عصر شاعران بیشتر به وصف رودخانه ها می پرداختند. اما شاعران شام کشتی ها را بیشتر وصف می نمودند؛ و دلیل آن سفر زیاد آنان به مملکت عثمانی از طریق دریا بود. همچنین بین عثمانی ها و غریبها جنگهای دریایی زیادی صورت می گرفت. طالوی شاعر معروف به خال از شعرایی است که به وصف کشتی پرداخته است :^۲

رَكَائِبُ لَيْسَ تَرْضَى بِالْجَدِيلِ أَبَا
لَكِنَّهَا مِنْ بَنَاتِ الْمَاءِ وَالشَّجَرِ .
شَمَّ الْعَرَانِينَ دُحْمٌ مَا بِهَا وَضَحٌ

۱- شوقی ضیف، عصر الدول و الامارات، ج ۶، ص ۲۷۱

۲- محمد تونجی. الانتجاهات الشعرية في بلاد الشام، ص ۲۸۹

إلا نُجُومُ اللَّيَالِي مَوْضِعُ الْغُرُبِ.

وصف اجزاء طبیعت :

در این نوع وصف، شاعران اجزاء طبیعت را بیش از کل آن وصف نموده اند. مثلاً هنگامی که به وصف باغچه یا گل پرداخته‌اند، بجای آنکه تمام آنرا وصف نمایند، قسمتی از آن را توصیف نموده اند. خیر الدین رملی (ف ۱۰۸۱ هـ) در میان گلها زنبق را چنین وصف می کند.^۱

و زَنْبَقٌ قَدْ أَشْبَهَتْ كَأْسَ فِضَّةٍ
بِرَأْسِ قَضِيبٍ مِنْ زُرْدَةٍ عَجَبٍ
سُدَائِي شَكْلِي زَاوِيَةً بِهِ
عَلَى رَأْسِهَا الْأَعْلَى هِلَالٌ مِنَ الذَّهَبِ

شعر اخوانیات :

در عصر عثمانی شاعران و دانشمندان شاعر به شعر اخوانیات روی آوردند و به آن اهمیت زیادی دادند. زیرا این نوع شعر به تعمق در فکر و نوآوری نیازی ندارد و شاعران بی آنکه قصد ارضاء سلطان و یا ممدوح را داشته باشند در بین خود شعر اخوانیات را بکار می برند.

شعر تعلیمی :

شعر تعلیمی قبل از عهد عثمانی نیز بکار می رفت و شاعران عهد عثمانی نیز به سرودن این نوع شعر می پرداختند و علوم دینی و لغوی همانند صرف و نحو، بلاغت، فقه و ... همچنین برخی کتب را به نظم می کشیدند. تا برای طلبه ها و مطالعه کنندگان حفظ آن آسان تر شود. البته باید خاطر نشان کرد که مطلع این نوع شعر ضعف اسلوب دارد و صناعت عروضی آن واضح تر بوده و شاعران این شعر را در بحر رجز می نوشتند که آسانترین وزنهایست. بعنوان مثال علی بصیر حنفی حموی، مفتی طرابلس (ف ۱۰۹۰ هـ) چند کتاب از جمله الغرور، عوامل جرجانی وقواعد الاعراب را بنظم درآورده است. شاعران این دوره در علوم قرآنی نیز کتابهای بسیاری را به نظم درآوردند. ابی بکر بن محمد القاری (ف ۹۴۵ هـ) نظمی دارد که در آن تعداد حروف سوره فاتحه و عدد همزه و شده را شمرده است.

و عَدَدُ الْحُرُوفِ لِلْفَاتِحَةِ عَشْرُونَ مَعَ أَرْبَعَةٍ وَ مِئَةٍ
و عَدَدُ الشَّدَاثِ فِيهَا أَرْبَعٌ وَ عَشْرُ شَدَاثٍ عَلَيْهَا أُجْمَعُوا
و لَمْ أَعِدْ هَمْزَاتِ الْوَصْلِ وَ كُلَّ حَرْفٍ سَاقِطٍ فِي الْأَصْلِ
لِسَاكِنٍ فَالْمُتَّصِلُ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ نَظْقُ بِجَمِيعِ الْكُتُبِ

شاعران آن زمان تعلیمات لغوی را نیز به نظم درآورده بودند. شمس الدین بن ابی اللطف (ف ۹۹۳ هـ) شعری سروده که در آن نامهای مختلف «نوم» (خواب) را ذکر می کند :^۲

۱- منبع قبلی، ص ۳۹۱

۲- محمد تونجی. الانجاهات الشعرية في بلاد الشام، ص ۴۱۳

النوم بعد صلاة الصبح غيلولة
 فقرو، وعند الصبحي فالتوم فيلولة
 وهو الفتور، وقيل: الميل قيل له:
 إذا زار في العقل أي بالقاف فيلولة
 والنوم بعد زوال بين فاعله
 وبين فرض صلاة كان حيلولة

در کنار این نوع شعر، شعر دیگری نیز در این عصر مشهور بوده که به شعر علمی مشهور است و جنبه علمی دارد. برخی دانشمندان علوم و فنون همانند فلک، هیت و ... شاعر نیز بودند. و آثار علمی خود را از طریق شعر عرضه نموده اند. شهاب الدین احمد الغزری یکی از این دانشمندان شاعر می باشد. وی درباره نامهای ستارگان ثابت منظومه رائیه ای به نظم درآورده است. و همچنین بدر الدین الغزری نزول خورشید در برج حمل را که در سال ۹۷۸ هـ رخ داده، با لفظ «حمل» ضبط نموده است.

رابع عشر شهر شوال الحمل
 إليه نقل الشمس في عام حمل

شاعر احمد بن شاهین قبرسی کیمیاگر بود و پول فراوانی را در راه تبدیل معادن به طلا خرج نمود ولی چون تلاش وی بی نتیجه ماند به یک نظریه علمی رسید و آنرا با شعر چنین بیان نمود: ^۱

لعمري، لقد جربت كل مجرب
 من الناس أضحي يدعي العلم بالحجر
 فان قال إني واصل، قلت كاذب
 غدا واصلًا في الكذب للشمس والقمر

شعر دینی :

شعر دینی در عصر عثمانی در درجه اول اهمیت بود؛ و در این زمینه شعرهایی سروده شده که از نظر تعداد در ادبیات عرب بی سابقه می باشد. شعر دینی در این دوره اصل و اساسی الزم برای تمامی شاعران بود. از نظر کیفی نیز شاعران به این نوع شعر اهمیت ویژه ای قائل بودند. و تمام قدرت علمی، فرهنگی، دینی و تاریخی در بهتر بودن این نوع شعر بکار گرفته شد. هر چند که شعر دینی از نوآوری های این عصر نمی باشد، شاعران عثمانی در پیشرفت آن اهتمام ورزیده اند و به عنوان رهبر و پیش قراول این غرض شعری به حساب می آیند. در عهد عثمانی، اسلام اصلی اساسی بود و به دین جهت شعر دینی رواج یافت و دیوانها پر از قصائد دینی گشت. این غرض شعری در گرایشهای زیر خود را نشان می دهد:

(۱) مدح دینی، (۲) غزل دینی، (۳) بدیعیات، (۴) شعر صوفی، (۵) رثای علما و شعر قبور.

(۱) مدح دینی :

شامل مدح نبوی، صحابه، اهل بیت و مکانهای مقدس نیز می شود. شاعران در مدح دینی روش پیشینیان را دنبال کردند و شکل و مضمون کلاسیک آنرا حفظ نمودند. قصیده را با غزل که حاوی مضامین عالی و معنوی بود آغاز می کردند و وصف نیز نباید وصف خمر و یا زشتمیها می بود. بلکه بیشتر از وصف طبیعت استفاده می شد.

(۲) غزل دینی :

این نوع غزل شعری رمزی پر از معانی و مفاهیم تصوف بوده و در حقیقت مدح دینی در خصوص حضرت پیامبر (ص) می باشد. اما به سبب کثرت عواطفی که در اشعارشان دیده می شود کاربرد الفاظ غزلی و وجدانی را واجب تر می کند. و از اینجاست که مدح نبوی به غزل دینی تغییر می یابد.

این سبک از یک سو به غزل عذری عقیف شباهت دارد و از سوی دیگر به حب الهی بسیار شبیه است. اما شاعران به غزل عذری بسنده نکرده و معانی آنرا پاک و با ذات محمدی به راز و نیاز پرداختند. و مستقیماً با پیامبر (ص) و با دیار مدینه منوره مخاطبه نمودند. گویی که محبوبه خود و دیار او را به یاد می آوردند.

ابو معنوق موسوی (۱۰۲۵-۱۰۸۷ هـ) با ذکر اماکن مقدسه و با عرض اشتیاق به پیامبر (ص) مشهور می باشد :

أَقْصَاءُ صَرْفُ الْبَيْنِ عَنْ جِيرَانِهِ	قَسَمًا بِسُلْعٍ، وَهِيَ حِلْفَةٌ وَأَمَقِ
إِلَّا وَهَمْتُ بِسَاكِنِي وَدِيَانِهِ	مَا أَشْتَاقُ سَمْعِي ذِكْرَ مَنْزِلِ طَبِيعَةِ
اللَّهُ تَمَنَّ فِيهِ سَبْعَ جَنَانِهِ	بَلَدُهُ إِنْ شَاهَدْتَهُ أُيَقِنْتُ أَنَّ

(۳) بدیعیات :

قصائدی است بر بحر بسیط که در مدح پیامبر (ص) سروده شده است. ولی در اینجا مدح هدف اصلی شاعر نمی باشد و مراد از آن عرضه انواع فنون بدیع است.

شرط این شعر اینست که شاعر در هر بیت یک فن بدیع می آورد و خود بیت مثالی بر این فن بدیع می باشد. البته عرض بدیع در بیت بسیار کوتاه بوده و جهت یادگیری فنون بدیعی برای طلاب کفایت نمی کند. بهمین علت بدیعیات، به شرح، تعلیقات و حواشی زیاد نیازمند است. در عصر عثمانی چنین شرح و حاشیه هایی زیاد نوشته شده است و بیشترین محصول فنی در نشر و شعر در این عصر داده شده و شاعران این دوره در بدیعیات شعر فراوانی سروده و به تکلف رفته اند. آنگونه که حتی نزدیک بود خود پیامبر در شعر فراموش شود. آنان تا آنجا که می توانستند قصیده ها را طولانی کرده و اسلوبشان را می آراستند. از مشهورترین شاعران بدیعیه سرا در عصر عثمانی، می توان از ابن معصوم حسینی (ف ۱۱۲۹ هـ) عنوان بدیعیاتش : *انوار الربیع فی انواع البدیع*؛ عبد الغنی نابلسی (ف ۱۱۴۳ هـ) عنوان بدیعیاتش : *نفحات الأزهار علی نسמת الاسحار*؛ عبد القادر حسینی طبری (ف ۱۰۳۳ هـ) عنوان بدیعیاتش : *اشرف البشر بمدح اشرف البشر*؛ قاسم بکره جی حلبی (ف ۱۱۶۹ هـ) عنوان بدیعیاتش : *العقد البدیع فی مدح الشفیع*؛ و ابی الوفاء عرضی که بدیعیه ای مفقود دارد؛ نام برد. همچنین بسیاری از بدیعیات مخطوط می باشند که هنوز بررسی نشده اند و یا اینکه مفقود بوده و اثری از آنها بر جای نمانده است.

شاعران عثمانی در مدح نبی و بدیعیات وزن شعر را رعایت نمی کردند و به قصد تجدید از بحر بسیط خارج می شدند. و به وزنهای سبک و آسان روی می آوردند. بعنوان مثال بدیعه نابلسی از این قبیل است که بجای بحر بسیط، از بحر هزج مربع استفاده شده است :

و إني لست مخلوقاً
ولا شربى ولا أكلى
ولا إني انا الخلاق
ذو صنّع و ذو فعل
انا الشامي انا الهندي
انا الرومي انا الصقلي

۴) شعر صوفی :

تصوف در عهد عثمانی اهمیت زیادی پیدا کرد و حتی پادشاهان عثمانی صوفیان را تشویق نموده و برای آنان زاویه نیز ساختند. حتی برخی از پادشاهان عثمانی خود اهل تصوف بوده و در صوفیگری مهارت های کلی نیز داشتند. بدین سبب برخی از شاعران به شعر صوفی میل نمودند و قصیده های صوفی به اوج فنی خود رسید. عبد الغنی نابلسی از جمله مشهور ترین شاعران این نوع شعر می باشد. وی دیوانی بنام دیوان الحقائق و مجموعه الدقائق دارد که در آن اقرار به وحدت وجود کرده و همواره آنرا تکرار می نماید.^۱

إنه الله وجودٌ واحدٌ	حکمة فینا حرامٌ وحلالٌ
و هو حقٌ و سواه باطلٌ	قال في القرآن و السبع الطوالٌ
اینما انتم تُولُوا ثم وجهٌ	إلا له الحق محمودُ الفعالُ

در بیت آخر شاعر به آیه وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ از سوره بقره اشاره می کند. نابلسی در شعرهای صوفی خود از رمز وزن استفاده می کند تا به لذتی ربانی برسد :^۲

لم أزل في الحبِّ يا أملي	أخلطُ التَّوْحِيدَ بِالْغُزْلِ
ليت لي من نورِ طلعتكم	لمحة كي تنظفي غللي
و غيوني فيك ساجرةً	دمعها كالصَّيْبِ الهطلِ

۵) رثاء علما و شعر قبور : (در قسمت فن رثا آورده شده است).

۱- شوقی ضیف، عصر الدول و الامارات، ج ۶، ص ۲۸۸.

۲- محمد تونجی، الانجاهات الشعرية " فی بلاد الشام، ص ۲۴۸.

شعر حشیش ، شراب، قهوه و تدخین :

قهوه میان شاعران مظهر مستی بود. توتون نیز برای ازاله و از بین بردن اندوه بکار می رفت. شاعران دوره عثمانی نیز در باب تمام اسباب لهو همانند حشیش و قلیان شعر گفته اند. در این دوره مردم و شاعران از حشیش استقبال کرده و شاعران بسویژه شاعران شام حشیش را مدح نموده اند :

فَحَشِيشَةُ الْأَفْرَاحِ هِيَ عِنْدَنَا
لِلْعَاشِقِينَ بَسْطُهَا لِلْأَنْفَاسِ
وَ إِذَا هَمَمْتَ بِصَيْدِ ظَبْيٍ نَافِرٍ
فَاجْهَدْ بِأَنْ يَرَعَى حَشِيشَ الْقَنْبَسِ

تدخین :

در عصر عثمانی دانشمندان به مخالفت از دخانیات می پردازند و پادشاهان عثمانی نیز از آنها حمایت می کنند. در آن زمان بود که تدخین در ادبیات بعنوان فن جدید ظاهر می شود. همچنین هنگامی که از سوی فقها و حکام نوشیدن قهوه نیز منع می گردد، قهوه نیز، وارد ادبیات می گردد. ابن عماد الدین (در سال ۹۶۱ هـ) در زمانی که قهوه منع شده بود درباره آن چنین شعر سرایی می کند: ^۱

قُلْ لِأَبِي الْفَتْحِ إِذَا جِئْتُهُ
قَوْلَ عَجُولٍ غَيْرِ مُسْتَأْنِي
أَدْرِكُ بَنِي الْبَرَشِ عَلَى بَرَشِهِمْ ^۲
قَدْ مُنِعُوا مِنْ قَهْوَةِ الْبَنِّ

برخی از شاعران به توصیف شراب پرداخته و به نوشیدن آن تشویق نموده اند. علی بن محمد العشری شامی (ف ۱۰۹۰ هـ) شعری درباره شراب این چنین سروده است: ^۳

قُمْ هَاتِهَا وَ ضَمِيرُ اللَّيْلِ مُشْرِحُ
وَ الْبَدْرُ فِي لَجَّةِ الظُّلُمَاءِ مُسْتَبِجُ
عَجِّلْ بِهَا وَ حِجَابُ اللَّيْلِ مُنْسَدِلُ
مِنْ قَبْلِ يَبْدُو لَنَا فِي وَ كُرِّهِ الصَّبْحُ
وَ اسْتَضْحَكَ الدَّهْرُ قَدْ طَالَ الْعَبُوسُ بِهِ
لَا يَضْحَكُ الدَّهْرُ حَتَّى يَضْحَكَ الْقَدْحُ
وَ لَا يَطِيبُ الْهَوَى يَوْمًا لِمُغْتَبِقِ
حَتَّى يَكُونَ لَهُ فِي الْيَوْمِ مُصْطَبِحُ

۱- منبع قبلی، ص ۲۹۳

۲- البرش : نوعی از حشیش است.

۳- شوفی ضیف، عصر الدول و الامارات، ج ۶ ص ۲۶۲

که در آن شاعر در خطاب به ساقی از او می خواهد پیمانه شرابی به او بدهد.

شعر مزاح:

علی رغم اینکه این نوع شعر در عهد عثمانی ناشناخته تر بود، در بین شاعران مصری بیشتر رواج داشت. مصطفی زین الحمصی شاعر مشهور این فن می باشد که از طریق وصف غذا شعر مزاح می سرود. وی با اشعاری که در معارضه با معاصر خود محمد بن هلال (ف ۱۳۱۱ هـ) معروف به هلالی حموی سروده مشهور گشته است. هرگاه که هلالی قصیده موشحی در مدح یکی از امراء و اعیان می سرود، زین الدین با وصف غذا به معارضه با او می پرداخت و به سبب زیاده روی در این کار به «گرسنه» مشهور گشت.^۱

هلالی:

عَنِّي لَوْأَ قَلْبِي كَوَّوْا، عَزَّأ حَوَّوْا
و عَلَى الْعَرْشِ مِنَ الْحُسْنِ اسْتَوَّوْا

معارضه حمصی:

لَحْمًا شَوَّوْا، خُبْزًا طَوَّوْا، بَيْضًا قَلَّوْا
و عَلَى السَّمَنِ الْقَبَوَاتِ اسْتَوَّوْا.

(۲) فنون شعری نو:

مادر عصر عثمانی شاهد جریان های شعری جدید می باشیم که برخی از آنها - همانگونه که قبلا اشاره شد - حاصل گسترش اغراض قبل بوده و یا اینکه نتیجه ابتکارات این دوره می باشد. برخی از شاعران این عصر به معانی و اغراض تقلیدی اکتفا نکرده و در کنار شعر تقلیدی، فنون شعری و وزن های نو همانند زجل، رباعی، موالیا، موشح، احاجی و... را زیاد بکار بردند و بدون تکلف و با فنون نو، به سرودن شعر پرداختند. فنون شعری نو شامل شکل های پیرونی نیز می شود. در این دوره به ظواهر سطحی شعر و محسنات و آرایه های لفظی و انواع بازی با الفاظ و حتی تفنن در اشکال شعر همانند شعر هندسی اهمیت بسیار داده می شود.

همچنین طرد و عکس، مجبوك، مشجر، تاریخ شعری و... از فنون شعری نو به شمار می آید. شاعران این دوره انواع مختلف صنایع بدیعی را در شعر بکار بردند که مشهورترین آنها توریه، اقتباس و تضمین می باشد. در این دوره توریه دلیل نبوغ و سبب برتری شاعری بر شاعر دیگر به شمار می رفت. بویژه بازی های لفظی بسیار دیده می شود. و تمام اینها اکنون شگفتی انسان را بر می انگیزد که چگونه در آن زمان شاعران به انجام چنین اموری می پرداختند. بعنوان مثال قصائدی دیده می شود که اگر افقی خوانده شود مدح، و اگر عمودی خوانده شود، هجو است. و یا اینکه اگر بصورت عادی خوانده شود یک معنا دارد و اگر برعکس خوانده شود (یعنی از آخر به اول) معنای آن عکس معنای قبلی می گردد.

آری عصر عثمانی به دلیل تصنعات فراوان در فنون و اغراض شعر، سبب پیشرفت و دگرگونی های فراوان در شعر عربی گردیده است. که در اینجا به ذکر مهمترین آنها می پردازیم:

۱- محمد تونجی، الاتجاهات الشعرية ... ص ۴۴۶.

تاریخ شعری:

این فن ذکر تاریخ یک حادثه در شعر یا نثر با حساب ابجد می باشد. در این حساب هر حرف الفبای عربی معادل رقمی خاص می باشد. این حروف و ارزش رقمی آن چنین است: ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظف:

(آ-۱)، (ب-۲)، (ج-۳)، (د-۴)، (ه-۵)، (و-۶)، (ز-۷)، (ح-۸)، (ط-۹)، (ی-۱۰)، (ک-۲۰)، (ل-۳۰)، (م-۴۰)، (ن-۵۰)، (س-۶۰)، (ع-۷۰)، (ف-۸۰)، (ص-۹۰)، (ق-۱۰۰)، (ر-۲۰۰)، (ش-۳۰۰)، (ت-۴۰۰)، (ث-۵۰۰)، (خ-۶۰۰)، (ذ-۷۰۰)، (ض-۸۰۰)، (ظ-۹۰۰)، (غ-۱۰۰۰).

فن تاریخ قبل از عصر عثمانی شناخته شده بود. لکن کم استفاده می شد. و در عهد عثمانی این فن گسترش یافت و در شعر و نثر کاربرد زیادی پیدا کرد. در دوره های قبل از عثمانی شاعران بدون رعایت شرط و قانون خاصی به سرودن شعر در این فن می پرداختند اما در عهد عثمانی برای این فن شروط و قواعدی وضع شد. عبدالغنی نابلسی اولین کسی است که فن بدیع را در آن وارد کرد. و معاصران وی نیز این کار او را پسندیده و به تقلید از او پرداختند و این فن وارد صنایع بدیعی شد. از دانشمندان عثمانی اولین کسی که تاریخ شعری را به کار برد، نویسنده الشقائق النعمانیه می باشد. وی در وفات شیخ تاج الدین ابن ابراهیم چنین گفته است:

إِنْتَقَلَ الشَّيْخُ وَتَارِيخُهُ قَدْ رَسَّ اللَّهُ بِسِرِّ رَفِيعِ. (ف: ٧٨٢)

از مشهورترین شاعرانی که فن تاریخ را در اشعار خود بیش از دیگران بکار برده اند عبدالرحمن بن محمد شاکر (ف ۱۱۳۶هـ) ملقب به بهلول است. او شاگرد عبدالغنی نابلسی بود و از سوی استاد خود «شیخ ادبیات شام» نامیده شد. وی مدحی با ۱۸۰ بیت سروده که در هر بیت آن تاریخ ۱۱۳۶هـ را گنجانده است.

شاعر مشهور دیگر طالوی معروف به الخال می باشد که در رثا علامه مهمنداری چنین گفته است:

وَأَسْوَدَ ضَوْءِ الْفَلَاقِ
جَاسِدَ كَالْغَسَقِ
أَنْ حَالُ لَوْنِ الْمَشْرِقِ
رِي ثُمَّ زَادَتْ حُرْفِي
(أَمَاتُ مُنْفِي جَلَقِ)

حساب تاریخ وفات مہمندی:

(امات: ۱+۴۰+۴۰)، (مفتی: ۴۰+۸۰+۱۰) (جلیق: ۲+۳۰+۳۰+۱۰) = ۱۱۳۴ هـ

شاعران دوره عثمانی، در هر حادثه و یا خبر وفات، ولادت، جنگ، تعیین والی و یا عزل او و... مبادرت به سرودن شعر تاریخی می نمودند. بنابراین، این فن دارای فایده نیز بود. بخصوص اگر درباره واقعه ای مهم سروده شده باشد.

الغاز و احاجی:

الغاز و احاجی نیز در عهد عثمانی به سبب رغبت شاعران گسترش یافت؛ و شاعران برای نشان دادن برتری های خود در لغت، آن را نوعی ورزش فکری نیز به حساب می آوردند؛ و با آن هوش دیگران را آزمایش می کردند. بدین ترتیب این فن در عهد عثمانی وارد فنون علم بدیع گشت. شاعران حتی آنقدر در آن پیشرفتند که آنها در علوم فرائض نیز بکار بردند. بطوریکه

انبیا، صحابه و ائمه موضوع این نوع شعر گشت؛ و شاعران با بیان صفات آنها خواستار پیدا شدن نام آنها بودند. بعنوان مثال *الحجر العالملی* درباره امام علی (ع) این چنین به لغز پرداخته است:^۱

قَالَ لِي الْعَدَالُ: دَعْ حَبَّه
ما فيه الأ شقوة أو أذى
فَزَادَ فِي الْقَوْلِ قُوَادِي أَسَى
ما ضَرَّ عَذَّالِي لِي لَوْ زَالَ ذَا؟

موشحات:

نوعی از شعر که بر قطعه و قافیه های معلوم سروده می شود و شاعر در آن شعر خود را به یک قافیه محدود نمی کند. این شعر دارای قطعه هایی بنام قفل می باشد که قطعه های دیگری بنام ادوار و یا اغضان (شاخه درخت) به دنبال آن می آید. این فن در عهد اندلسی ها اختراع شده است. در عهد عثمانی موشح سرایان دینی و صوفی زیاد شد و فن مذکور بیشتر در شام رواج یافت و توسعه آن نیز اکثراً توسط متصوفین صورت گرفت. از مشهورترین شاعران موشح اسلامی، می توان از *عبد الغنی نابلسی* و *ابن معنوق* ... نام برد. در اینجا نمونه ای از موشحه متصوف مشهور *الاهل بالیمنی حاتم* (ف ۱۰۱۳ هـ) ذکر می شود:^۲

يا وَرْدَ نِيسان يا بَهجَةَ الدَّنِّ و الدان
من عِلْمِكَ نَقْضُ الْعَهْدِ
يَبْلِي بُتْعَبان يَلْدَغُ لِسَانه يا فَتان
حَتَّى يَصِيرُ فِي اللُّحُودِ

فنون عامیانه مردمی:

زجل، موالیا، قوما و کان و کان از فنون عامیانه به حساب می آیند. گفته می شود که زجل برای اولین بار در قرن پنجم هجری در اندلس بوجود آمد و در بلاد عرب گسترش یافت. اما محل پیدایش موالیا، قوما و کان و کان عراق می باشد که سپس در قرن هفتم هـ در بلاد عرب رواج پیدا می کند. در تمامی این فنون شاعران شعر خود را به زبان عامیانه می سرایند و از هرگونه محدودیت شعری آزاد می باشند.

زجل:

بمعنی بالا بردن صدا و آوازخوانی است. پس می توان گفت که فقط با غنا خوانده می شود و نوعی از موشحه به حساب می آید که اسلوبی عامیانه و رایج دارد؛ و همه اینها موجب رواج این فن در عهد عثمانی شده است. از مشهورترین موضوع های آن انتقاد از وضع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و وصف حوادث روزانه و رثا می باشد. برخی از شاعران مسلمان و مسیحی نیز آنرا در مدح دینی بکار برده اند.

زجال طیمشاوس کرنوک (اواسط قرن ۱۱ هـ) در مدح حضرت مریم چنین گفته است:^۳

بِاسْمِ الطَّاهِرَةِ مَرِيَمَ
يَحْلُو لِي الْمَدِيحَ

۱- محمدتونیجی، الاتجاهات الشعرية... ص ۴۴۰

۲- صرموسی پاشا تاریخ الادب العربی فی الیهلالعثمانی، ص ۸۲

۳- محمدتونیجی، الاتجاهات الشعرية فی بلاد الشام... ص ۴۹۴

و ليس يوجَدُ اسْمُ اعْظَم
 كَاسِمِ ابْنِهَا الْمَسِيحِ
 لِهَذَا كُلِّ مَتَكَلِّمٍ
 يَكْرُرُ مِنْهَا وَيَصِيحُ

موالیا:

موالیا نیز در دوره عثمانی همانند زجل زنده بود. این فن دومین فن از فنون عامیانه مردمی می باشد که روی آن ساکن می باشد. محیی در خلاصه الاثر (۱/ ۱۰۹) در این فن چنین می گوید: «ساکنان واسط اولین کسانی اند که موالیا را اختراع نمودند. این فن در بحر بسیط است که آسان می باشد... برده ها بر روی درختان نخل با این فن اشعار می سرودند و در آخر شعر همه باهم «یا موالیا» می گفتند (اشاره به ساداتشان). به همین علت به این اسم نامیده شده است...»

این معوق در عتاب برخی دوستانش از موالیا چنین استفاده می نماید.

كُنْتُ أُرْتَجِيكَ إِذَا جَارَ الزَّمَانُ عَلَيَّ
 بِكَ أَسْتَعِينُ وَتَوَطَّى هَامَتِي نَعْلِي
 فَعَكَسْتُ ظَنِّي وَبَعْضُ الظَّنِّ غَيَّ وَلِي
 حَاشَاكَ حَاشَاكَ يَا سَهْمِي تُرَدُّ إِلَيَّ

همچنین موالیا در زمینه های دینی و صوفی نیز فراوان شد:

عَوَّدْتُ حُبِّي بَطَّةً وَالزُّمَرُ مَعَ قَافٍ
 وَهُودٍ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالنَّمْلُ وَالْإِحْقَافُ
 وَالْفَجَرُ وَالْحَجَرُ مَعَ حَمِّ عَسَقٍ
 وَالطُّورُ وَالنُّورُ وَالْأَنْعَامُ وَالْأَعْرَافُ.

کان و کان:

نوعی از زجل به شمار می رود که جهت وعظ، ارشاد و زهد برای به نظم کشیدن قصه ها و حکایات تخصیص یافته است. و به همین دلیل در فن مذکور عبارت «کان و کان» و یا «کن و کان» زیاد گفته می شود:^۱

قُمْ يَا مُقَصِّرَ تَضَرُّعٍ
 قَبْلَ أَنْ يَقُولُوا: كَانُ وَ كَانُ
 لِلْبَرِّ تَجَرِي الْجَوَارِي
 فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ.

قوما:

نوع دیگری از زجل که ویژه سحر در ماه رمضان می باشد. در این فن در آخر هر بیت «قوما قوما للسحور» می آید. قوما در دوره عباسی ابداع گشته و در عصر عثمانی نیز برای بیدار کردن مردم از خواب در ماه رمضان بکار می رفت.

۱- منبع قبلی، ص ۴۹۵

فنی است قدیمی که از چهار مصرع و یا دو بیت تشکیل شده است. ایرانیان این فن را زیاد بکار می بردند و به زبان فارسی آنرا دوبیتی می گفتند. در دوره عثمانی نیز رباعیات زنده ماند و شاعرانی همچون حسن البورینی، بها الدین العاملی، عبدالغنی التابلسی و... از رباعی استقبال نمودند. آنها توره را در رباعی وارد نمودند و از آن استفاده فراوانی نمودند. از رباعی در مدح حضرت محمد(ص) نیز استفاده می شد. همانند شعر شهاب خفاجی (۱۰۶۹هـ):^۱

ما جُرَّ لَظْلَ أَحْمَدَ أَذْيَالُ فِي الْأَرْضِ كَرَامَةٌ كَمَا قَدْ قَالُوا
هَذَا عَجَبٌ يَا لَهُ مِنْ عَجَبٍ وَالنَّاسُ بِظُلْمِهِ جَمِيعًا قَالُوا

خفاجی در این رباعی به سخنی که درباره پیامبر گفته شده است اشاره کرده می گوید که سایه پیامبر(ص) بر زمین نمی افتد؛ زیرا او نوری روحانی است و نور سایه ای ندارد. در این دو بیت توره ای در واژه «قالوا» بکار رفته است. که اولی از ریشه «قول» به معنای گفتن است و دومی از «قیلوله» و به معنای (در سایه قرار گرفتن) می آید.

بازی با قافیه ها:

فنی نو نبوده و قبل از دوره عثمانی نیز شاعران آنرا بکار می بردند؛ و شاعران دوره عثمانی از این فن استقبال کرده و در آن مهارت داشتند. شکل های مختلفی دارد که عبارت اند از:

(۱) قافیه اضافی:

زمانی است که در یک قطعه دو قافیه موجود است. و می شود یکی از آنها را انداخت. ابن عماد الدین (۹۷۱ هـ) شعری با این فن سروده است:^۲

اشْرَبَ مِنَ الْبِنِّ قَهْوَةُ النَّدْمَا
وَادْرَكَنَ مِنْهَا الْمُبَاحُ فَمَا - أَحْلَى
فَلَا تُشْبِهُ لِشُرْبِهَا الْحَرَمَا
قَدْ نَصَّ أَهْلُ الْعُقُولِ وَالْعِلْمَا - أَنْ لَا

(۲) قافیه مشترک:

این فن را در ابتدا دانشمندان لغت در شعر استفاده کردند. آنان با سرودن قطعه های شعری معانی ناآشنای واژگان سخت یا برخلاف قاعده را به شاگردان خود می آموختند. روش آن طوری است که در آخر هر بیت یک واژه می آید که معنا های مختلفی دارد. خلیل بن احمد (ف ۱۷۰هـ) این فن را ابداع نموده است و شاعران عثمانی نیز به آن توجه نموده اند. یوسف بن عمران حلبی قصیده ای ۶۰ بیتی دارد که در قافیه هر بیت آن واژه عجز را آورده است:^۳

لِحَاطِ دُونَهَا غَوْلُ الْعَجُوزِ
وَشَكَّتْ ضَعْفَ اضْعَافِ الْعَجُوزِ
لِحَاطِ رَشًّا لَهَا اشْرَاكُ جَفْنِ
فَكَمْ قَنَصَتْ مِثَالِي مِنْ عَجُوزِ
وَكَمْ أَصَمَّتْ وَلَمْ تَعْرِفْ مُجِبَا

۱- شوقی ضیق، عصرالدول و الامارات، مصر، ص: ۱۷۵.

۲- محمد تونجی، الانجاءات الشعرية ... ص ۴۵۴

۳- منبع قبلی، ص ۴۵۶

كما الكسعى في رمي العجوز

عجوز در مصرع اول به معنی «مرگ» و در مصرع دوم بمعنی «سوزن»، و در بیت دوم بمعنی «شیر» و در بیت سوم نیز بمعنی «خر وحشی» آمده است.

(۳) محبوبک الطرفین:

در این فن بیت های قصیده با یک حرف آغاز و خاتمه می یابد. البته این فن نیز قدیمی است و شاعران عثمانی از آن استقبال نموده و مبالغه کرده اند. یعنی آنرا در چهار طرف هر بیت بکار می بردند. طوری که هر چهار طرف بیت از یک حرف ساخته می شد. احمد باعونی (۹۲۴هـ) شعری در این فن سروده است:

و واد به الغيد الحسان قد استووا
و ورد ظباء الحی في ظلّه ثووا
و وافوا به من مهبتي في الهوى خووا
و ولوا و عن عهد المحبين ما لووا

(۴) تطریز:

فن دیگری است که در آن شاعران در حروف اول هر قطعه نام معدوح را پنهان می کنند. این فن نیز در نزد شاعران عثمانی پیشرفت و رواج داشته است. نظام الدین حسینی قطعه غزلی دارد که در حروف اول هر بیت آن نام خدیجه را آورده است:

خَلْتُ خَالَ الْغَدِّ فِي وَجْتِهِ
نُقْطَةَ الْعَنْبَرِ فِي جَمْرِ الْغَضَى
دَامَتْ الْأَفْرَاحُ لِي مُذْ أَبْصَرْتُ
مُقَلَّتِي صُبْحَ مُحَيَّا قَدْ أَضَا
يَتَمَنَّى الْقَلْبُ مِنْهُ لَفْتَةً
و بهذا الحَظَّ لِلْعَيْنِ رِضَا
جَاهِلٌ رَامَ سُلُوكًا عَنْهُ اذْ
حَظَرَ الْوَصْلَ وَ اُولَانِي النَّضَى
هَامَتِ الْعَيْنُ بِهِ لَمَّا رَأَتْ
حُسْنَ وَجْهِ حِينَ كُنَّا بِالْأَضَا

(۵) ذات القوافی:

به این فن تشریح، توأم و تخییر نیز می گویند. نوعی نظم است که در آن ساختار یک بیت قابل تبدیل به دویست با قافیه و وزن جداگانه می باشد. تحریری اولین کسی است که این فن بدیعی را ساخته است:

يا خَاطِبَ الدُّنْيَا الدُّنْيَا انْهَ
شَرَكُ الرَّدَى وَ قَرَارَةُ الْاَكْدَارِ
دَارٌ مَتَى مَا اضْحَكْتُ فِي يَوْمِهَا
أُبَكْتُ غَدًا، بَعْدًا لَهَا مِنْ دَارِ.

که می توان آنرا به صورت زیر با قافیه و وزن جداگانه نوشت که در این صورت بحر آن عوض می شود:

۱- منبع قبل، ص ۴۵۷

۲- محمد تونجی، الانجاءات الشعرية، ص ۴۹۵.

يا خاطب الدنيا الدنية
انها شرك الردى
دار متى ما اضحكت
في يومها أبكت غدا

بازی با شکل قصیده

(۱) طرد و عکس:

از نام های دیگر آن «ما لا يستحيل بالانعكاس»، «مقلوب» و «مستوی» است. این فن قبل از دوره عثمانی نیز مشهور بود و در دوره عثمانی شاعران قطعه های فراوانی با این فن سرودند، که از چپ و راست قابل خواندن می باشد:

قَمَرٌ يَفْرُطُ عَمْدًا مُشْرِقٌ
رَشٌّ مَاءٌ دَمْعٌ طَرْفٌ يَرْمِي
قَدْ حَلَا كَاذِبٌ وَعَدَ تَابِعٌ
لَعِبًا تَدْعُو بِذَاكَ الْحَدَقِ

(۲) شعر متقلب:

نوعی از شعر طرد و عکس می باشد که شاعران در آن تکلفات فراوانی بکار بردند. مثلاً قطعه شعری سرودند که اگر از راست خوانده شود مدح و اگر از چپ خوانده شود هجو می باشد. یکی از شاعران چنین مدح گفته است:

حَلَمُوا فَمَا سَاءَتْ لَهُمْ شَيْئٌ
سَمَحُوا فَمَا شَحَّتْ لَهُمْ مَنٌ

که عکس آن هجو می باشد:

مَنْ لَهُم شَحَّتْ فَمَا سَمَحُوا
شَيْئٌ لَهُم سَاءَتْ فَمَا حَلَمُوا

(۳) شعر مشجر:

این فن ویژه عثمانیان می باشد و قبل از دوره عثمانی وجود نداشت. شاعران عثمانی با این شعر خانه ها و کاخ هایشان را می آراستند. تشجیر در لغت بمعنی منشعب شدن یک واژه از واژه دیگر است؛ و در شعر نوعی نظم می باشد که به شکل درخت آراسته شده و واژگان آن به شکل درخت با یکدیگر تداخل دارند؛ و این درخت از قصیده کاملی که یک بحر و یک قافیه دارد به وجود می آید. و اغلب موضوع آن مدح پیامبر و توسل به رسول می باشد.

(۴) شعر هندسی:

نوعی از شعر محبوب که به شکل های هندسی همانند دایره و مثلث سروده می شود و سرایندهان این نوع شعر سروده های خود را اینگونه می آراستند و به آن مباهات می کردند. در این شعر یک بیت از دایره ای ساخته می شود که در محور آن یک حرف وجود دارد و خواننده برای خواندن از مرکز شروع می کند و شاعران هر بیت را در یک دایره می سرودند. فن مذکور قبل از عثمانی ها نیز رایج بود و در آن روحی اسلامی به چشم می خورد. به همین دلیل در زمان عثمانیان نیز رواج یافت و عثمانیان این اشکال شعری را با رنگ های گوناگون آمیخته و زراندود می کردند و در تزیین ساختمان ها و دیوارهای آن بکار می بردند.

نمونه های دیگری از فنون شعری نو:

(۱) قصیده مهمله

قصیده ای که همه حروف آن بدون نقطه می باشد.

حَالُ السُّرُورِ وَالْكَمَدِ
مَوْلَايَ الصَّمَدِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الصَّمَدِ
اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

أَصْلُ الْأُصُولِ وَالْعَمْدُ	أَوَّلُ كُلِّ أَوَّلٍ
رَأْيُ عُلَمَاءٍ وَالْمَدَدُ	الْوَاسِعُ الْأَلَاءُ وَالْأَ
لَا دِرْعَ إِلَّا مَا سَرَدُ	الْحَوْلُ وَالطَّوْلُ لَهُ
لَا عُدَدُ وَلَا عَدَدُ	كُلُّ سِوَاهُ هَالِكٌ

۲) قصیده معجمه:

قصیده ای که در آن تمامی حروف نقطه دار هستند.

بَيْنَ جَنبِي شِقَّةٌ خُسْنَتْ	فِي قَضِيضٍ تُبَيِّنِي خُسْنِ
قَضَتْ جَفَنِي بِقَفْطَةٍ ثَبَّتْ	عَبَّ بَيْنَ قَبْتُ فِي غَبَرِ
بِي شَقِيْقٍ يَغِيْبُ غِيْبَةً ذِي	صَغْنٍ بَيْنَ تَجَنِّيْبِي

۳- افعال یک کلمه و اعجام دیگری:

لَا تَقِي الْعَهْدَ فَتَشْقِيْنِي وَلَا	تَنْجِزُ الْوَعْدَ فَتَشْقِي الْعِلْمَ
تَقْتَضِي أَحْكَامَ بَغِي، طَالَمَا	تَقْذَرُ أَحْكَامَهَا بَيْنَ الْمَلَأِ

۴- افعال یک حرف و اعجام دیگری:

و نَدِيمٌ بَاتَ عَنَدِي	لَيْلَةً مِنْهُ غَلِيْلٌ
خَافَ مِنْ صُنْعِ جَمِيْلٍ	قَلْتُ لِي صَبْرٌ جَمِيْلٌ

صنایع لفظی:

شاعران این دوره انواع صنایع لفظی را در اشعار خود بکار می بردند که بیانگر مهارت آنها در شعر بود. معروف ترین این

صنایع عبارت اند از:

۱) تضمین و اقتباس:

تضمین عبارت است از آوردن اشعار بزرگان در ضمن شعر و نثر و اقتباس نیز به معنی ذکر آیات و احادیث در شعر و نثر می باشد. شاعران عهد عثمانی این دو فن را زیاد بکار می بردند؛ و هدف آنها از کاربرد آن حفظ اصالت و میراث فرهنگی زبان و ادبیات عرب و زنده نگهداشتن آن بود. تقریباً تمامی شاعران این دو فن را کم و بیش بکار می برند. بعنوان مثال می توان نمونه ای از اقتباس ابن تغیب را ذکر کرد:

و هُوَ الرَّسُولُ إِلَيْكَ مِنِّي وَلَيْتَنِي
كُنْتُ اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا.

سوره فرقان ۳۷/۱۵

۲) توریه و جئاس:

از مشهورترین فنونی است که در این عصر کاربرد زیاد داشت. نواجی قاهری (ف: ۸۴۹ هـ) پستی را چنین توصیف می

کند:

هِيَ نَفْعٌ وَلَذَّةٌ لِلنُّفُوسِ	و حَيَاةٌ وَرَاحَةٌ لِلْجُلُوسِ
كَمْ نَدِيمٍ أَرْحَبَهُ بِاتِّكَاءِ	و تَوَاضَعَتْ عِنْدَ رُفْعِ الرُّؤُوسِ

تمامی این ها از مهمترین زیبایی های بدیعی است که در عصر عثمانی رواج داشت.

(ب) فثر

نثر در عهد عثمانی

بارزترین چیزی که در این عصر دیده می شود پیشرفت و شکوفایی نثر به شکل عام و نثر دیوانی به شکل خاص می باشد. طبیعت زندگی سیاسی و انتقال قدرت از ممالک به سلاطین عثمانی از عوامل مهمی است که در پیشرفت نثر سهیم بوده است. همانگونه که قبلاً اشاره شد در این عصر به ادبیات و ادیبان اهمیت زیادی داده شد، و برخلاف آنچه که برخی از ناقدان ادعا می کنند شعر و نثر از بین نرفت. زیرا منتقدان عصر عثمانی ویژگی ها و مقیاس های ادبی خاص این دوران را در نظر نمی گیرند. در این دوره نویسندگان الفاظ را بر معانی مقدم گرفتند و معانی را در درجه دوم قرار دادند تا از ادیبان سلف تقلید نمایند. آنان در نثر از فنون بلاغی بهره فراوان جستند و در صنعت و تکلف اغراق نمودند. اما هیچ کدام از این ها بمعنی از بین رفتن نثر نمی باشد. بلکه از ویژگی های ادبی این دوران به شمار می آید.

ادیبان و دانشمندان این دوره در نثر به کتابت طولانی، آرایه های لفظی، سجع مکرر و کاربرد انواع صنایع بدیعی از جمله طباق، جناس، توریه، اقتباس، تضمین و... اهمیت می دادند و با این صنایع نوشته های خود را می آراستند. وارد شدن این صنایع به زبان تالیف و پیچیده تر شدن اسلوب نثر همگی در راستای ذوق عموم بوده است؛ و ادیب ماهر کسی به شمار می رفت که صنایع لفظی بیشتری را در نوشته های خود بکار می برد. البته ناگفته نماند که در کنار چنین ادیبانی، عده ای نیز از اسلوب آزاد استفاده می کردند و آثار آنها بدور از هرگونه تکلف و صنایع بدیعی می باشد.

در عهد عثمانی نثر به دو شکل دیده می شود: نثر فنی و نثر علمی. نثر فنی خود بر دو نوع می باشد: الف) کتابت دیوانی

و ب) رسائل ادبی.

الف) کتابت دیوانی:

این نثر شامل نامه های پادشاهان و حاکمان می باشد و برای آن دیوان خاصی معروف به دیوان انشا تاسیس شده بود. از مشهورترین نویسندگان دیوان انشا در عصر عثمانی شیخ مرعی (ف ۱۰۳۰ هـ) صاحب کتاب *بدیع الانشاء و الصفات فی المکاتبات و المراسلات*، و نیز شیخ حسن عطار (ف ۱۲۵۰ هـ) صاحب کتاب *انشاء العطار* می باشد.

بنابر ادعای برخی از ناقدان انتشار زبان ترکی در عهد عثمانی نثر دیوانی را از بین برده است. اما باید گفت در اینکه در این دوره قدرت در دست حکام ترک بوده و مرکز حکومت آن ها نیز استانبول بوده است، شکی نیست و استفاده از زبان ترکی و نامه نگاری به آن، امری کاملاً طبیعی می باشد. اما آنچه که این ناقدان نادیده می گیرند وقوف کامل پادشاهان عثمانی به زبان عربی می باشد؛ و اینکه عربی در آن زمان - هم اکنون نیز چنین است - زبان اول دین اسلام بود و اکثر ممالک عرب زبان نیز تحت حکمرانی عثمانیان قرار داشت و پادشاهان عثمانی نیز این زبان را همانگونه که آنرا زبان اول اسلام می دانستند، هم به جهت حکومت بر قلمروی وسیع خود؛ و هم جهت ارتباط با دیگر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان، بکار می بردند؛ و امروزه اسناد و مدارک بجا مانده از آن زمان نیز گواه این امر می باشد.

ب) رسائل ادبی:

نثری ادبی حاوی اخوانیات مختلف می باشد. همانند مراسلات دوستانه و شخصی؛ مناظرات ادبی و... در این نثر نیز نویسندگان به شکل الفاظ بیشتر از جوهر معانی اهمیت داده و در استفاده از توریه، تضمین، اقتباس و جناس مبالغه می کردند. که در اینجا نمونه ای از آنرا می آوریم. مرعی الکریمی (ف ۱۰۳۳ هـ) در معاتبه ای چنین نوشته است:

«الصدق لفظٌ على الألسنة موجودٌ، ومعناه في الحقيقة مفقودٌ، فهو كالكبريت الأحمر، يُذكر ولا يُبصر، أو كالغناء والغول، لفظٌ يوجد بلا مدلول. وهذه شيمٌ غالب أبناء الزمان، من الأخلاء والإخوان. فمثلهم ... كلعج السراب، المستحيل فيه الشراب، أو كالخيال الذي يبدو في المنام، وهو في الحقيقة أضغاث أحلام.»^۱

نثر علمی:

شامل آثار زبان شناسان، مؤرخان و... می باشد که اسلوب آن ها از تکلف دور می باشد؛ و دلیل آن علمی بودن موضوع تصنیف های آن ها بود که نیازی به آراستن آن ها با الفاظ نبود.

در سرزمین هایی که تحت حکمرانی عثمانیان قرار داشت قشر دبیران و صاحبان تصانیف بیش از همه گسترش یافت. و این دوره از تاریخ شاهد نبوغ نویسندگان ترک در آناتولی و روملی شد که در سایه پادشاهان عثمانی در زمینه های مختلف آثار مهمی را به زبان عربی از خود برجای گذاشتند. بعنوان مثال در زمینه تاریخ ادبیات عرب، شرح حال و سیرت رسول اکرم (ص) نویسندگانی همچون تاشکبری زاده؛ حاجی خلیفه، علی ده ده بن مصطفی علاء الدین بوسنوی، ابن داعی، قینالی زاده و... ظهور کردند. و یا در زمینه دایره المعارف می توان از ساجقلی زاده، راغب پاشا، ابن کمال پاشا (بها الدین عاملی) نام برد.

آثار ارزنده ای را که دانشمندان عثمانی در زمینه علوم و ادبیات بویژه ادبیات عرب برجای گذاشته اند کم نیستند. اغلب این آثار که امروزه به دست ما رسیده خطی و برخی نیز چاپ شده اند که در اینجا به ذکر مولفان مشهور آن دوره به همراه آثارشان می پردازیم:

ادیبان نثر و زبان شناسان در عصر عثمانی:

در این دوره تالیف و رساله های ادبی فراوانی در لغت از دانشمندان و ادیبان برجای مانده که در اینجا منظور از لغت، فرهنگ لغت، صرف، بلاغت و... می باشد که در اینجا به ذکر چند نمونه اکتفا می شود:

شهاب الدین خفاجی (ف: ۱۰۶۹ هـ):^۲

(۱) شفاء العلیل بما فی کلام العرب من الدخیل: وی در مقدمه این کتاب تعریف و شرط های آنرا آورده و سپس به الفاظ معرب پرداخته و آن ها را بر حروف ابجد ترتیب کرده است. اثر مذکور در مصر و ... به چاپ رسیده است.

(۲) شرح درة الغواص فی اوهام النواص للحریری: اثر لغوی و نقدی است، که در مصر به چاپ رسیده است.

(۳) طراز المجالس: درباره ادبیات و لغت است؛ که خفاجی آنرا به ۵۰ بخش تقسیم نموده و بحث ها و مقاله هایی را از بزرگان ادب همانند جاحظ، صاحب... به آن اضافه کرده است.

(۴) خبا یا الزوایا بما فی الرجال من البقایا: کتاب ادبی است که نسخه ای از آن در دارالکتب مصری و برلین، غوطا، وین، کوپرولو موجود است.

(۵) ریحانة الألبا و زهرة الحياة الدنيا: در شرح حال بزرگان بخصوص شاعران و ادیبان است.

یوسف بدیعی دمشقی (ف: ۱۰۷۳ هـ):^۳

(۱) «کتاب الحداثی البدیعی فی الانواع الادبیة: کتابی است در بیان و شعر.

۱- شوقی ضیف، عصر الدول و الامارات، ج ۶، ص ۳۱۸

۲- جرجی زیدان، تاریخ الآداب اللغة العربیه ج ۳، ص ۳۰۸

۳- منبع قبلی، ص ۳۰۹

(۲) الصبح المنبي عن حثیة المتنبي: شرح حالی نقدی و طولانی است بر متنبي و نسخه ای از آن در دارالکتب مصر، برلین و پاریس موجود می باشد.

عبدالقادر بغدادی (ف: ۱۰۹۳ هـ):^۱

(۱) خزانة الأدب و لب لباب لسان العرب: شرح شواهد کافیة در نحو است که در ضمن آن شرح حال شاعران و ادیبان بزرگ را که در جاهلیت و صدر اسلام بودند، آورده است. این اثر در مصر به چاپ رسیده است.

(۲) تعریب تحفة الشاهدي .

سید مرتضی الزبیدی (ف: ۱۲۰۵ هـ)^۲

(۱) تاج العروس فی شرح جواهر القاموس: اثری است مطبوع

(۲) اتحاف السادة المتقین: شرح احیاء العلوم غزالی که در فاس و مصر چاپ شده است.

(۳) الامالی الشیخونیه: موضوع آن حدیث است. نسخه ای از کتاب مذکور در برلین می باشد.

(۴) نشوة الارتیاح فی بیان حقیقة المیسر و القдах: نسخه ای از آن در برلین می باشد.

محمد بن علی الصبان (ف: ۱۲۰۶ هـ)^۳

(۱) حاشیة علی شرح الاشمونی علی الألفية: اثری است مشهور که در مصر به چاپ رسیده است.

(۲) الرسالة الکبری فی البسملة: اثری است مطبوع در مصر.

(۳) منظومة فی علم العروض: در مصر به چاپ رسیده است.

(۴) رسالة فی الاستعارات: نسخه ای از آن در الجزایر است.

سید نعمان خیرالدین الالوسی (ف: ۱۳۱۷ هـ)^۴

(۱) تکملة حدیقة الورود: الالوسی در این اثر خود نامه هایی که بین ادیبان هم عصر خود جریان یافته است گردآوری کرده است.

(۲) جلاء العینین فی المحاکمة بین الاحمدین: در این اثر حسن بیان و روعه اسلوب و سهولت و جذابیت اسلوب وی

تجلی می کند که بزرگان ادب نیز بر آن تقریظ نوشته اند اثر مذکور در بولاق به چاپ رسیده است.

(۳) غالية المواعظ: اثری است مطبوع.

خسرو زاده بورسائی (۹۹۸ هـ)^۵

(۱) تنبيه الأنام فی توجیه الکلام بما یخطی به العوام: در برلین موجود می باشد.

مصطفی گلیولی (۱۰۲۴ هـ)^۶

(۱) زیدة الامثال.

۱- جرجی زیدان، تاریخ الآداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۳۱۰

۲- منبع قبلی ص ۳۱۰

۳- چودت رکابی، الادب العربی من الاتحاد الی الازد هار، ص ۱۳۹

۴- عباس عزازی، تاریخ الادب العربی فی العراق، ص ۲۳۶

۵- جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیه ج ۳ ص ۳۱۲

۶- منبع قبلی، ص ۳۱۲

علی بن محمد الاشمونی (ف ۹۲۹هـ):

۱) تشرح علی الألفية ابن مالك: از مهمترین تصنیفات نحوی وی می باشد.

شیخ علی بن احمد الهیتی (تقریباً ۱۰۲۵هـ به بعد)^۱

۱) مختصر القاموس المحيط: چکیده القاموس بوده و از بهترین تالیفات لغوی وی به شمار می آید.

محمد بن احمد الاحسانی: (ف ۱۰۸۳هـ)^۲

۱) حاشیه علی شرح الألفية للسيوطي.

نورالدین ابن السید نعمه الله الجزایری. (ف ۱۱۵۸هـ):^۳ وی از دانشمندان بزرگ لغت می باشد.

۱) تحروق اللغات في التمييز بين مفاد الكلمات.

ابو الثناء شهاب الدین محمود الالوسی (ف: ۱۲۷۰هـ):^۴

۱) الخريدة الغيبة في شرح القصيدة العينية.

۲) روح المعاني: تفسیری است مشهور از وی.

۳) كشف الطرة عن الغرة: در شرح دره الغواص للحریری بوده که در آن اشتباهات لغت دانان و کاتبان را تصحیح کرده

است.

شیخ ابراهیم فصیح الحیدری (ف ۱۲۰۰هـ)^۵

۱) نفع الرند شرح سقط الزند.

۲) شرح المقامة الطيفية للسيوطي

۳) شرح المقامات للحريري.

دیگر کتابهای صرف و نحو:

۱) اظهار الأسرار في النحو. اثر محمد بن پیر علی برکلی.

۲) شرح المغني: اثر احمد بن محمد حلبی (ابن ملا).

۳) شرح القطر: اثر شهاب الدین احمد ابن جمال عبدالله الفاکهی.

۴) تصريف الاثنوي: اثر علی ابن حامد اثنوی.

۵) حاشية اللقائي علی شرح تصريف العزي. اثر ابن عبدالله محمد بن حسن.

۶) حل العقود من نظم المقصود: شرح امام ابی عبدالله مغربی.

۷) عنوان الظرف في علم الصرف: اثر علامه هارون عبدالرزاق الازهری.

و ده ها کتاب دیگر...

۱- عباس عزوای، تاریخ الآداب العربی فی العراق، ص ۲۲

۲- منبع قبلی، ص ۲۵

۳- منبع قبلی، ص ۳۳

۴- منبع قبلی، ص ۵۲

۵- عباس عزوای، تاریخ الادب العربی فی العراق، ص ۵۸

کتاب های ادبی:

برخی از ادیبان مجموعه هایی ادبی در نثر برجای گذاشته اند که فواید تاریخی دارند و در اینجا به ذکر برخی از آن ها می پردازیم:

(۱) *مسألة الحزن و التذكرة عند مصائب الزمن*: این اثر حاوی احادیث نبوی بوده و فوائد تاریخی دارد. اثری است از محمد بن رمضان الغزی مصری که تقریباً در سال ۹۳۰ هـ نوشته شده است و در کتابخانه های برلین و کوپرولو موجود می باشد.

(۲) *نزهة الناظر و بهجة الخاطر*: اثر زین الدین بن خالد البلاطسنی شامی است. (ف ۹۳۶ هـ). اثر مذکور در اسکوریال می باشد.

(۳) *تحصين المنازل من هول الزلازل*: اثر بدرالدین علی بن جزار که در سال ۹۸۴ آنرا تألیف کرده است. کتاب مذکور در دارالکتب المصریه موجود می باشد.

(۴) *الخبر عن معرفة عجایب البشر*: اثر ابو عبدالله التواتی الباجی (۱۰۲۴)، حاوی مجموعه حکایات که در موزه بریتانیا موجود می باشد.

(۵) *روضة المشتاق و بهجة العشاق*: اثر شیخ الاسلام احمد افندی (۱۰۳۰) و کتابی در نظم و نثر می باشد. در موزه بریتانیا موجود است.

(۶) *مطالع البدور العلیة في منازل السرور الأدبية*: اثر علی الشربینی (۱۰۴۴) در برلین.

(۷) *روض الأدب*: حسین انطاکی (۱۱۳۰) که در آستانه به چاپ رسیده است.

(۸) *جواهر الذخائر في الکبائر و الصغائر*: اثر بدر الدین الغزی عاملی دمشقی (۹۴۹ هـ) در دارالکتب المصریه.

(۹) *نزهة الأخبار و مجموع النوادر و الأخبار*: اثر ابن ابی الوفا بن معروف به *الخلوتی الحوی* (تقریباً ۱۰۳۱)

(۱۰) *أبکار الأفكار و فاکهة الأخبار*: اثر صالح تمرتاشی (۱۰۵۵)

(۱۱) *روض الأخبار*: اثر محیی الدین بن خطیب، قاسم بن یعقوب اماسیانی (ف: ۹۴۰) در مصر به چاپ رسید.

(۱۲) *جالب السرور و سالب الغرور*: اثر محمد قره باغی (۹۴۲) و مقالاتی در علم محاضرات است که موضوعش اخلاقی، اداری، و ادبی می باشد.

(۱۳) *نور الحقيقة و نور الحديقة*: اثر حسین بن عبدالصمد حارش (۹۴۵).

(۱۴) *عیون الأخبار*: اثر عیسی بن احمد اللخمی الاشیللی (۹۳۰). در پاریس و برلین.

(۱۵) *سفينة نوح*: اثر عمر بن احمد بن علی حلبی الشماع. در سال ۹۲۷ هـ آنرا جمع کرده است. شامل اخبار، زندگی نامه،

آداب، اشعار، حکم، فقه، احکام و... است که چند جلد می باشد.

مورخان تاریخ، نویسندگان سیرت النبی و شرح حال در عصر عثمانی:

در این دوره در روملی و آناتولی و نیز در سرزمین های عرب و... مولفان و نویسندگان زیادی در تاریخ، سیرت پیامبر و

شرح حال ظهور کردند که به ذکر چند نمونه می پردازیم:

شمس الدین شامی (ف ۹۴۲ هـ)^۱

(۱) *السيرة الشامية*: در سیرت پیامبر است.

(۲) *عقود الجمان في مناقب أبي حنيفة النعمان*: در شرح حال امام ابوحنیفه است. نسخه ای از آن در دارالکتب مصری و

ایاصوفیا و وین موجود می باشد.

۱- جورجی زیدان، تاریخ الآداب اللغة العربیه ج ۳، ص ۲۱۳

ابن طولون صالحی: (ف ۹۵۳هـ)

(۱) أنباء الامراء بأبناء الوزراء: اثری است در شرح حال ۳۱ وزیر.

قینالی زاده (ف ۹۷۹هـ)

(۱) طبقات العلماء الحنیفة.

محبی (ف ۱۱۱۱هـ)

(۱) خلاصة الاثر في أعيان القرن الحادي عشر: فرهنگ تاریخ است شامل ۱۳۰۰ شرح حال.

ابن ایاس (ف ۹۳۰هـ):

(۱) بدائع الزهور في وقائع الدهور: تاریخ مصر تا سال ۹۲۱ هـ می باشد.

(۲) مرج الزهور في وقائع الدهور: تاریخ عمومی است که در وین و پاریس موجود می باشد.

(۳) نزهة الأعم في العجائب والحكم: اثر مذکور در آیا صوفیا موجود می باشد.

شهاب الدین المنوفی (ف: ۹۳۱هـ):

(۱) الفيض المديد في أخبار النيل السديد: اثر مذکور در مرسیلیا موجود می باشد.

محمد بن عبدالمعطی الاسحاقی (ف: بعد از سال ۱۰۳۲ هـ):

(۱) الروض الباسم في اخبار من مضى من العواصم: تاریخ پیامبر، خلفای راشدین اموی ها، عباسی ها، فاطمی ها و... می

باشد.

حسین بن محمد دیاربکری (ف: ۹۹۰هـ)

(۱) الخميس في أحوال أنفس نفيس: کتاب مذکور در مصر چند بار به چاپ رسیده است. کتابی است در سیرت پیامبر و

انبیاء تورات و دولت های قدیم و...

تاشکبری زاده (ف ۹۶۸هـ):

(۱) الشقائق النعمانية في علماء الدولة العثمانية: اثری است حاوی شرح حال ۵۲۲ عالم و شیخ. مهمترین اثر تاشکبری زاده به

شمار می آید. وی این اثر خود را به ترتیب سال های سلسله پادشاهان عثمانی که دانشمندان در زمان آن ها زیسته اند مرتب

نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه های اروپا، مغرب، آستانه، بریتانیا و... موجود بوده و در کشورهای مختلف به چاپ

رسیده است.

(۲) مفتاح السعادة و مصباح السيادة: در موضوعات علوم است.

(۳) نوادر الأخبار في مناقب الأخيار: فرهنگی شامل شرح حال ها می باشد.

علی ده ده بن مصطفی علاء الدین بوسنوی (ف ۱۰۰۷ هـ):

(۱) محاضرات الأوائل و مسامرات الأواخر: در مصر و... به چاپ رسیده است.

عبدالله بن صلاح الدین ابن داعی (قرن ۱۱)

(۱) فتوح السلطان مراد في بلاد اليمن.

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، حاجی خلیفه:

(۱) كشف الظنون في أسامي الكتب و الفنون: فرهنگ نام تألیفهای عربی است که تقریباً ۱۴۵۰۰ نام کتاب را به ترتیب

حروف ایجاد نوشته است.

(۲) تقويم التواريخ: در آستانه به چاپ رسیده و نسخه و ترجمه ای از آن در موزه بریتانی موجود می باشد.

(۳) تحفة الأخيار في الحكم و الأمثال و الأشعار: مجموعه ادبیات، تاریخ و شعر است.

احمد بن قره کمال (۹۳۰هـ)

(۱) جواهر البیان فی دولة آل عثمان:

نجم الدین غزی (ف ۱۰۶۱ هـ):

وی از برگزیدگان نثر این عصر است که آثار بسیاری دارد.

(۱) الکواکب السائرة فی تراجم أعیان المئة العاشرة که یکی از آثار مهم وی به شمار می آید.

دایره المعارف ها و مجموعه ها در عصر عثمانی:

ساجقلی زاده (ف ۱۱۵۴ هـ):^۱

(۱) ترتیب العلوم: وی در این اثر علوم و اقسام آنرا شمرده است. اثر مذکور در برلین و وین موجود می باشد.

(۲) رسالة فی فن المناظرة: نسخه هایی از این اثر در برخی از کتابخانه های مهم اروپا موجود است.

راغب پاشا (ف ۱۱۷۶ هـ):

(۱) سفینه الراغب و دفینه الطالب: مجموعه ای است که مشتمل بر ادب، لغت، شعر، علم، طبیعت، حدیث، طب، ریاضیات،

منطق و... می باشد که در مصر به چاپ رسیده است.

ابن کمال پاشا (۹۴۰ هـ)

(۱) رسالة فی الخضاب.

(۲) کتاب فی طبیعة الأفیون: هر دو در دارالکتب المصریه موجود می باشند.

(۳) طبقات الفقهاء .

(۴) طبقات المجتهدین الحنفیة: هر دو در برلین می باشند.

(۵) رجوع الشيخ إلى صباه.

بها الدین عاملی (۱۰۳۰ هـ)

(۱) الكشکول: دایره المعارف مشهوری است که بارها در مصر و تهران به چاپ رسیده است. ظاهرا کتاب ادبیات است اما

علاوه بر ادبیات، تاریخ، شعر، امثال، علوم اسلامی، تصوف و کلام، شامل علوم و فنون مختلف و حتی هندسه، جبر، نجوم، طب

و... نیز می شود.

(۲) المختلأ: مانند کشکول است. اما شامل ادبیات و شعر، امثال و حکم و پند می باشد.

(۳) أسرار البلاغة: در ادبیات است.

میخائیل الغزیری السوری: (ف ۱۲۰۸ هـ):^۲

با توجه به فعالیت های علمی و ادبی وی به اهمیت تالیف، تصنیف و فهرست در عصر عثمانی پی می بریم. العزیزی از

پیشوایان وضع فهرست برای نسخه های خطی گم شده و ناشناخته عربی می باشد که در آن زمان از کتابخانه های زیدانیه مغرب

دزدیده شده و به اسپانیا برده شده بود. وی دایره المعارف بزرگی نوشته است که صدها نسخه خطی و مدارک پر قیمت تاریخی و

معلومات نادر را شامل می شود. اهمیت فعالیت های وی به لحاظ اینکه نسخه های خطی را ثبت کرده، بسیار مهم می باشد.

دیگر دایره المعارف ها:

(۱) عشرة أبحاث عن عشرة علوم: اثر عماد الدین دمشقی (۹۸۶ هـ).

۱- جرجی زیدان، تاریخ الأدب اللغة العربیه ج ۳، ص ۳۵۱

۲- صرموسی پاشا، تاریخ الادب العربی فی العصر العثماني، ص ۶۹

(۲) روضة المفهوم في نظم نفاية العلوم للسيوطي: اثر سنباطي (۹۹۰هـ).

(۳) نيجان العنوان: اثر احمد رشیدی مغربی (۱۰۹۶ هـ): ارجوزه ای است در ۲۳۷ بیت درباره تصوف، منطق، نحو، و اصول.

و ده ها دایره المعارف دیگر....

لازم به ذکر است که در اینجا به نام برخی از بزرگان ادب و آثار آن ها اشاره شد، تا اینکه تصویری از اهمیت نشر در عصر عثمانی ارائه گردد. و بدانیم این عصر در تنظیم متون، تلخیص کتب، تصنیف شروح مختلف و گردآوری، ترتیب و تجکیم آن ها ادامه عصر مملوکی ها بوده و نمی توان آنرا در ادبیات عرب عصری تاریک پنداشت. بلکه تمامی فعالیتهایی که در زمینه ادبیات عرب از سوی ادیبان و دانشمندان این عصر انجام گرفته همگی در راستای شکوفایی و پیشرفت ادبیات، حفاظت و صیانت این میراث کهن بوده است.

بخش ۳

تأثیر متقابل زبان عربی و ترکی

بر یکدیگر

الف) تأثیر ترکی بر عربی

ب) تأثیر عربی بر ترکی

تأثیر متقابل زبان عربی و ترکی بر یکدیگر

زبان عربی و ترکی در طول تاریخ بر یکدیگر تأثیرات متقابل داشته اند. زبان عربی زبان شریعت مقدس اسلام و دین مشترک این دو ملت می باشد. و ترکی نیز زبان امپراتوری مقتدر و بزرگی بوده که قرن های متمادی بر سراسر اوراسیا و ممالک عربی حکمرانی نموده است. هرچند که ریشه این دو زبان کاملاً از یکدیگر جدا می باشد، واژگان و ترکیب های فراوانی به یکدیگر داده اند؛ و هدف در این بخش تأثیر متقابل است که بین این دو زبان وجود داشته است. زیرا همانگونه که می دانیم این دو زبان لهجه های فراوانی دارند؛ که امروزه نیز در مناطق مختلف جهان کاربرد دارد. این لهجه ها بخصوص لهجه های زبان عربی که امروزه در کشورهایی چون مصر، عراق، شام، اردن و... استفاده می شود در اینجا مدنظر نمی باشد؛ و اگر یک واژه بخصوص از ترکی وارد یک لهجه از زبان عربی گشته در این پژوهش به آن کلی نگریسته شده و اینکه در کدام لهجه عربی کاربرد دارد، بحث نشده و یا به ندرت ذکر شده است. زیرا موضوع لهجه ها بحثی طولانی بوده و خارج از ظرفیت این پایان نامه قرار دارد. بنابراین به منظور جلوگیری از پراکندگی موضوع این بخش در دو قسمت جداگانه تحت عنوان های: الف) تأثیر ترکی بر عربی و ب) تأثیر عربی بر ترکی، ارائه خواهد شد.

الف) تأثیر ترکی بر عربی

زبان ترکی از گروه زبان های اورال) آلتای می باشد که زبان های فنلاندی و مجاری نیز شاخه ای از این گروه زبانی است؛ و در مناطق وسیعی از اوراسیا، به ویژه آناتولی و روسیه، آسیای میانه و شمال شرق سیریری گسترده دارد. این زبان در اصطلاح زبان شناسان، از آن دسته زبان هایی است که به زبان های التصاقی معروفند. بدین معنا که اگر در ترکی بخواهیم بگوییم در ترکیه و یا از ترکیه باید بگوییم ترکیه ده و یا ترکیه دن، یعنی با الصاق پسوندهایی معانی واژگان تغییر می کند. و همین ویژگی آن را در خانواده زبان های آلتایی قرار داده و آن را از فارسی و عربی جدا می نماید. در حالی که عربی از خانواده زبان های سامی بوده و شباهتی به زبان های اورال - آلتای ندارد؛ ولی با این حال واژگان و ترکیب هایی از زبان ترکی وارد عربی شده و این نیز بدلیل تأثیرپذیری متقابل این دو زبان صورت گرفته است.

آری این واژگان و ترکیب های خارجی زمانی وارد عربی گشت که حکومت عرب از هم پاشید و سلاطین و امرای ترک قدرت را در دست گرفتند. تأثیر زبان ترکی بر عربی بویژه در زمینه واژگان حکومتی و اداری به قدری است که سبیلی از واژگان ترکی وارد عربی گشته و این تأثیرپذیری به طرق مختلف صورت گرفته است. بعنوان مثال در برخی موارد تلفظ حروف عربی و در برخی نیز قواعد عربی تغییر یافته؛ و یا اینکه خود واژگان و ترکیب های ترکی مستقیماً وارد عربی شده است. بیشتر این واژگان اصطلاحات رسمی حکومتی، اداری، سیاسی، نظامی و مالی می باشند و در کنار آن ها واژگانی نیز در زمینه های مختلف همچون فرهنگ پوشاک، خوراک و... دیده می شوند. بطوری که ملاحظه می شود برخی از واژگان ترکی، ترکی محض بوده و برخی دیگر نیز ترکی آمیخته به عربی می باشند. و یا اینکه خود واژگان عربی ابتدا به زبان ترکی وارد شده و در آن زبان معنای دیگری به خود گرفته و با همان معنای ترکی دوباره به عربی رفته است. که در این مورد مثالهای فراوان وجود دارد. در برخی موارد واژگانی نیز

وجود دارند که در اصل عربی و یا فارسی می باشند. ولی با ترکیب ترکی ساخته شده اند که در اینجا آن ها نیز در گروه واژگان و ترکیب های ترکی قرار گرفته اند.

اینک نمونه هایی از تاثیر ترکی بر زبان عربی:

تغییر در صدای برخی از حروف زبان عربی: مانند تلفظ حرف ض بصورت ظ زیرا حرف ض منحصر به زبان عربی بوده و از ویژگی های آن به شمار می آید. و تلفظ آن برای غیر عرب زبانان مشکل می باشد. در این مورد نیز ترک ها حرف ض را بصورت ظ تلفظ نموده اند و این تغییر تلفظ به همین گونه وارد زبان عربی - البته نه عربی فصیح بلکه زبان عامیانه - شده است. بعنوان مثال حضره، ضابط، عریضه و... بصورت حضره، ظابط، عریظه و... تلفظ می گردد.

تغییر در برخی از ترکیب های زبان عربی؛ همانند:

(۱) اختلاط قواعد مذکر و مؤنث.

(۲) اختلاط قواعد مثنی و جمع.

(۳) ساختن برخی از ترکیب های عربی به روش ترکیب ترکی. همانند تقدم مضاف الیه بر مضاف: لاظ اوغلو، به جای ابن لاظ، یوز باشی، به جای رئیس المانه؛ که احياناً برخی از آن ها در زبان عربی نیز به همین گونه بکار گرفته شده اند: مانند صف ضابط به جای ضابط الصف؛ و بلوک امین به جای امین بلوک.

(۴) برخی از ترکیب هایی که با پسوند های ترکی ساخته شده اند. مانند ساختن ترکیب نسبی با افزودن پسوند لی، همانند: عثمانلی به جای عثمانی؛ و یا با افزودن پسوند لو: دولتو، عصمتلو و عطوفتو (به معنای با دولت، با عصمت و با عطوفت).

(۵) ساختن اسم فاعل با پسوند جی که بر شغل و حرفه دلالت دارد و در زبان عربی به وفور دیده می شود:

المکتوبیجی: نامه رسان الاجزاجی: داروساز المنزنجی: مخزن دار، انباردار التمرجی: این واژه مرکب از تیمار فارسی و پسوند جی ترکی است. العربیجی: درشکه جی البویاجی: رنگرز المحاسبیجی: حسابدار.

(۶) افزودن کلمه باش ترکی به معنی سر در ابتدای واژگان عربی و یا در آخر آن ها به همراه یای نسبت همانند: الباش کاتب: سردبیر الباش صراف: رئیس صراف الحکیم باشی: حکیم باشی القافله باشی: رئیس قافله المعمارجی باشی: معمارباشی باش مهندس: سیر مهندس.

(۷) ساختن مصدر جعلی با افزودن یه به واژگان عربی که اعراب آن را از ترکان عثمانی گرفته اند. همانند: الارسالیه المغلویه الاخباریه اللسانیه، اللسانیات المحجویه العدلیه المقدوریه الاکرامیه.

وارد شدن واژگان فراوانی در زمینه های گوناگون از زبان ترکی به زبان عربی. که برخی از آنها در لهجه، و برخی نیز حتی در عربی فصیح کاربرد داشته و در فرهنگ ها نیز جای گرفته است و به اختصار عبارتند از:

(۱) برخی واژگان حکومتی و اداری از قبیل:

الباشا (پاشا): لقب والی.

سنجقیات: نام ولایات مصر که اداره آن بر عهده دو مدیر با دو درجه بود: الف) بکوات یا سناجق. و ب): کشاف که بالاتر از سنجق بود.

الضبطجیه (زبطجیه): ماموران توقیف اطراف مصر در زمان عثمانی.

الشور بجیه: از مسؤولان بزرگ عثمانی.

التیسق: به معنی نهی و ممانعت که در عربی بصورت فعل نیز درآمده است: یسق الحاكم علی فلان.

الیطق: بازداشت، توقیف: یطق الوالی علی فلان.

الطرّة (طغرا): مهر پادشاه، خط طغرا.

السرائی: کاخ

البکلیک (بیلیک): مالیات زمین

السلامک: قسمت ویژه ای در کاخ پادشاهان که مهمان های مرد را به آنجا می بردند.

الشمقدار: کفش دار

الباسا: قانون، دستور

(۲) اصطلاحات مالی:

افندیة الروزنامة؛ افندیة و یا باش قلم: روزنامه، نام اداره مالیه است. و افندیة الروزنامة نام گروه نویسندگانی است که در

آنجا کار می کنند.

(۳) اصطلاحات نظامی:

الواجقات: نام گروهی از سربازان ترک که الواجات نامیده می شدند.

الانما: فرمانده ارتش

الشاوشان: نام الواجات می باشد. واژه شاوش (همان چاوش است) که ترکی بوده و به شکل فارسی جمع بسته شده

است.

التفکشیان: تفنگداران

الانکشاری: سربازان جدید

ینکجری (ینی چری): سربازان پیاده

الاورطة باشا: لقب افسران ویژه در الواجات.

قلقات: بخش هایی از پلیس. (مفرد آن قلق است که از واژه قوللق ترکی ساخته شده است.)

الامباشی (البکباشی، بینباشی): سرگرد

البوزیاشی: سروان

السنجقدار: پرچمدار

الجاویش: گروهیان

الآلای (آلای): هنگ

القشلة: سربازخانه

الباش چاووش: استوار

التوفک: تفنگ

الاوردی (اوردو): ارتش

الطابور: گردان

البک: گروهان

الکراکون (قراغول، کراقول): مرکز پلیس.

الموزر: نوعی سلاح

الطوب: توپ (این واژه ترکی است و به زبان فارسی نیز از ترکی وارد شده است.)

الطوبجی: توپچی

الطوبجیة: توپخانه

اتابک العساکر: آتا در ترکی به معنی بابا است. و اتابک لقب امیر ارتش می باشد.

قایم مقام (قایم مقام): در قدیم درجه ای در ارتش بود که در اصل عربی بوده و ترک ها بدین شکل آن را بکار برده اند. همانگونه که قبلا اشاره شد برخی از واژگان عربی در دوره عثمانی وارد ترکی شده و معنای آن تغییر یافته و با همان معنای جدید دوباره وارد عربی شده و در برخی از کشورهای عربی با همان معنایی که در ترکی کسب کرده بود، بکار رفته است. چنین واژگانی به وفور در عربی یافت می شوند. که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

الناظر: وزیر

المتصرف: صاحب

الصدر الاعظم: وزیر والامقام، نخست وزیر

عرض سبز: اصل واژه در عربی عرض به معنی شرف می باشد. که در زبان ترکی با پسوند سبز بکار رفته و ض به ص تبدیل شده و دوباره به عربی با معنی بی شرف برگشته است.

عرض حال: در ترکی به معنای تقاضا نامه است. اصل آن عربی بوده و به معنای بسط الحال می باشد. در ترکی معنی جدیدی به خود گرفته و سپس در زبان عربی عراقی ها وارد شده است.

قالوبلا: واژه ای ترکی از زبان فصیح عربی قالوا بلی گرفته شده است. و در ترکی به معنی از زمان قدیم می باشد که با همین معنی دوباره به عربی وارد شده است.

میری: مربوط به خزانه دولت واژه ای از عربی فصیح به معنی امیری می باشد. ولیکن در ترکی تلفظ و معنایش تغییر یافته و در زبان عربی عامیانه عراقی ها وارد شده است.

عجمی: به معنی تازه کار و غیر ماهر. اصل این واژه در عربی به معنی غیر عرب بکار می رفته. اما در ترکی معنای آن به ناشی و تازه کار تغییر یافته و دوباره به عربی وارد شده است. و در زبان عربی عراقی ها با همان معنایی که در ترکی بدست آورده بکار می رود.

عدلیه: به معنی وزارت دادگستری که اعراب آن را از ترکی گرفته و ابتدا به آن وزاره العدلیه گفته و سپس نیز آن را به وزاره العدل تغییر داده اند.

عمل: به معنی اسهال واژه ای عربی که ترک ها معنای آن را تغییر داده و به ویژه در عراق این کاربرد بکار می رود. اختیار: در عربی به معنی انتخاب نمودن می باشد ولی در ترکی معنی شیخ و پیر را به خود گرفته و با همین معنی به لهجه های عربی وارد شده است.

قبض: در عربی به معنای امساک می باشد. ولی در ترکی به معنی یبوست بکار رفته و بعدا همین معنی نیز در برخی لهجه های عربی رایج شده است.

قایم مقام (قایم مقام): واژه ای عربی است که ترک ها آن را به همین شکل در رتبه های نظامی بکار می برند. که بعدها اعراب همین اصطلاح را با همین معنا از ترک ها گرفتند.

کبار: معنای آن در ترکی به لطیف و ظریف تغییر و دوباره با همین معنی جدید به عربی بازگشته است. معارف: در اصل عربی بوده و در ترکی معنی وزاره المعارف را به خود گرفته و دوباره به عربی وارد شده است. مغازه: اصل واژه در عربی مخزن می باشد که در ترکی به مغازه تغییر یافته و دوباره با همین شکل به زبان عربی وارد شده است.

مالیه: واژه ایست عربی که در ترکی به معنی وزاره المالیه تغییر معنی داده و با همین معنی به عربی بازگشته است. ماموریه: در اصل واژه ایست عربی که در ترکی به اصطلاحی حکومتی تغییر یافته و با همین معنی در زبان عراقی ها وارد شده است. (ذهب فلان فی ماموریه: یعنی فی مهمه حکومتیه).

مراسم: جمع مرسوم به معنی تعیین شده، برنامه ریزی شده، در عربی است. که در ترکی به معنای مراسم (مراسم ازدواج و...) تغییر یافته و با همین معنا به عربی رفته و در آنجا رواج پیدا کرده است.

برخی از واژگان نیز از ترکی وارد عربی شده و ظاهر آن تغییر یافته است:

العَشِي: که تغییر یافته آشچی به معنی آشپز است.

العطشجي: که تغییر یافته آتشچی است.

تَیْگَش: از مصدر ترکی باشلاماک به معنی شروع نمودن است؛ و در شام کاربرد دارد.

برداغ: تغییر یافته بارداک به معنی لیوان است.

جاموللغ: تغییر یافته چامورلوک به معنی گلگیر می باشد.

واژگان مربوط به غذا:

البرزک: نوعی غذایی که از خمیر و گوشت درست کنند.

الباکلاوا(باقلاوا): نوعی شیرینی

التیرق: برگ انگور که برای تهیه غذای دلمه استفاده می شود.

الطولمة: دولمه

البرما، برما: از شیرینی های معروف می باشد.

البرغل: بلغور

الچرک: نوعی نان

القَمِیْمَح(کایماق): سرشیر

الکیک: کیک، واژه ای است لاتین که از ترکی وارد عربی شده است.

واژگان دیگر:

الباشقة: آخر

التدک: یدک

الکمرک: گمرک

الزنگین: ثروتمند

الناموسسز: خسیس بی شرف

الجفتلک: مزرعه

الاورنیک: (اورنگ) نمونه

آنجق: به سختی

الطاقم: یک دست لباس، کت و شلوار

التیک: بیگ

البقجة: بقچه

البصمة: مهر

الشلیک ج بشالک: پول مسی که معادل ۳ غروش می باشد.

البَيَّوْتُك: پست، بداخلاق
 البسطُجی: پستیچی
 البرنجی: ممتاز
 الافندی: آقا
 الضبان ج ضبانات (طایان): کف داخل کفش
 الشیش ج شیش: سیخ
 الجبّخانة: مهمات، انبار مهمات.
 التک: ارايه ای که دو چرخ دارد و از یک سو با اسب برده می شود.
 التکنّة: (در معماری): قسمتی از سرستون را گویند.
 التّصمّة: تسمه
 التّن: (توتون): توتون
 البویا: رنگ
 البطلّة: تیشه
 الکریاج: شلاق
 القوزة (قوزی): بره، گوشت بره
 قَتَقَ: مهمان شد
 القوتق: مهمان
 القبا: نامانوس و خشن، کلام قبا: کلام خشک و خشن
 القَبْضاي ج قبضایات: شجاع، قهرمان، لوطی.
 القاووق: کلاه بند
 الباشلق: کلاه
 الطابور ج طوابیر: به معنای گروه، جمعیت
 الشُبّی: قلیان، چبق
 الإسکَمَلَة: میز کوچک
 دَمَغ (دَمَغَا): داغ زد، مهر زد.
 دَمَغَة؛ دامگه: مهر، نشانه، علامت
 دَغَرِي: حقیقت، ارواح دغری: مستقیم می روم
 داشِرْمَة؛ رزق داشِرْمه: غارت شده، به غارت رفته
 القاشق: قاشق
 الخاشوقَة: قاشق بزرگ
 الجِزْمَة: چکمه
 آل: قرمز
 الآلتون: طلا، آلتون کوپری: پل طلائی
 الارسلان؛ اصلان: شیر بیشه (عرب ها اسم بچه هایشان را با آن تسمیه می کنند).
 الاياغ: قدح شراب

الدوشک: بستر

الشحنة: رئیس پلیس یا محافظ شهر (ازواژگان ترکی قدیم می باشد).

الباجی: خواهر

البیادة: واژه ای فارسی که عراقی ها آن را از عثمانی ها گرفته اند. و معنی آن را گسترش داده و به معنی بی کار استفاده می کنند.

الچاقو(چاقی): کارد

الجوقه: گروه مردم

الچاکوچ، چکیچ: چکش

الجمجة: قاشق بزرگ

الخاتم: بانوان

الخنسة: مجروح، بیمار

الخوجه: استاد

الدگمه(دوغمه): دگمه

القرمه: گشت سرخ کرده

القوطیه: (قوطو): جعبه کوچک

الکوجه: کوچه

الآبلا: خواهر بزرگ، آبی

الآبلوکا: در اصل ایتالیایی بوده اما به عربی از ترکی وارد شده و به معنی احاطه و محاصره می باشد.

آیری: جداگانه، آخر، دیگر.

الحیوة (آیوا): به

باغ: بند

البونباغ: کراوات

الباحورة(باحور): هفت روز بسیار گرم در ماه اوت، گرمای شدید

الباروت: باروت

الباستون (باسطون): عصا

الباشی بوزوک: سرباز داوطلب

البکتاشی: درویش، صوفی

الأسکی: رخت آویز

الهوتطه (آواتا): پول بادآورده

الایران (عیران): دوغ

بیلکی(تلکی): شاید، بلکه

بی بی: عمه

البیک: خسته، فرسوده

البوغاز: خلیج، تنگه

البوش: خالی

البز: یخ

الچنگال: بقال

الچکمکچی: (چخمخچی) چخماق چی

الچام: کاج

الشرف (چرشف): چادر، لحاف

الشلی (چلی): سید محترم، آقا

الچوجک: بچه

الدادی: دایه

الذلی: مجنون، دیوانه

الدمیرجی: آهنگر

الدوگم: پیچ، دوراهی

الاجزچی: داروساز

الادیسیز: بی ادب، (ادب عربی و سیز ترکی است).

الاکمک: نان

الاکمکخانه: نانوايي بزرگ، (نانوايي بزرگ سربازان در عثمانی بوده که هم اکنون نیز در بغداد استفاده می شود).

الایلچی (الچی): فرستاده، پیک

الکنج: جوان

الخاصگی: واژه ای ترکی به معنی مسؤول خصوصی در کاخ های سلطنتی در عهد عثمانی که واژه خاصه عربی می باشد.

الاسکله: واژه ای ترکی که در اصل ایتالیایی می باشد و از ترکی وارد عربی شده است. سقفی که برای ساختن بناها و

ساختمان ها به صورت موقت ایجاد می شود.

الاسکلت: واژه ای ترکی از ریشه یونانی به معنی استخوان بندی، پیکره ساختمان

الچندرمه (ژاندارمه): واژه ترکی از ریشه فرانسوی: سرباز حدود

الکلفت (کالافات): درزگیری کشتی

الکامه (کاما): خنجر، قمه

الکمره (قماره): کلمه ترکی از ریشه ایتالیایی - معنی کابین

الکامچی: شلاق

القمریه؛ کمریه: قسمتی در باغچه کاخ های سلطنتی

القنچ؛ کچک (کاپاک): سرپوش

الکارا: (قره): سیاه

الکرداغ: (قره داغ): کوه سیاه

کَرگوز (قره قوز): نوعی بازی

القیطان (کیتان): بند کفش

القران (کازان): دیگ بزرگ

الصاغ: صحیح، سالم، دست راست.

الصنل: کفش صندل

الطوب: توپ

الکرسنه: واژه ترکی از ریشه به معنی چوب های ساختمان

الکلیج: شمشیر

القیمه: گوشت چرخ کرده

الکوجو: چرخ، ماشین

الکولتوک: مبل

الکویچه: سوراخ دگمه در لباس

الکوتو: جعبه ای از ورق

لاکا: چسب

لاله(لا): خدمتکار، مربی بچه، مربی شهزاده

مگازه(مغازه): دکان بزرگ

پارا: پول

رزه: میخ پیچ

ب) تاثیر عربی بر ترکی

ترک ها از زمانی که اسلام را به عنوان دین و آیین زندگی خود برگزیدند همواره با اعراب ارتباط داشتند و این ارتباط به ویژه در زمان امپراتوری عثمانی گسترش یافت. آنان جهت شناخت بیشتر اسلام با عربی آشنا شدند. و در نتیجه این آشنایی و به هم پیوستگی در زمینه های مختلف اشکال گوناگونی از واژگان و الفاظ عربی وارد زبان ترکی گشت. تاثیرپذیری ترکی از عربی به اشکال مختلف می باشد که عبارتند از:

تغییر در معنی واژگان عربی وارده به زبان ترکی:

به عنوان مثال، فقط: که در عربی به معنی لاغیر؛ تنها، بس بوده، اما در ترکی به معنی لکن، اما به کار برده می شود. ناموس: که در عربی به معنی شریعت، دین، محرم اسرار و... است. اما در ترکی به معنی شرف بکار می رود (که این معنی در زبان عربی در زبان عامیانه کاربرد دارد).

وَرَم: در عربی به معنی آماس بوده اما در ترکی در معنی بیماری سل بکار می رود.
مُدْمَش: در عربی به معنی تعجب آور، حیرت انگیز بوده اما در ترکی به معنی (ا) ترسناک، وحشتناک و (۲) فوق العاده، تعجب آور می باشد.

آخَذَ: در عربی به معنی گیرنده بوده و اما در ترکی در معنی گوشی تلفن به کار می رود.
بَعْضاً: در عربی به معنی جزء، بعضی بوده اما در ترکی تغییر یافته و به معنی احیاناً به کار می رود.
اهْلِيَّة: در عربی به معنای صلاحیت بوده اما در ترکی به معنای گواهینامه رانندگی به کار می رود.
فناء: در عربی به معنای نیستی، ناپایداری، مرگ و... بوده اما در ترکی به معنای بد می باشد.
إِخْتِيَار: در عربی به معنای انتخاب بوده اما در ترکی به معنای پیر، شیخ به کار می رود.
قَطْعَة: در ترکی به معنای قاره می باشد.

کِبَار: در عربی جمع و به معنی بزرگان بوده اما در ترکی بصورت مفرد و در معنی ظریف و لطیف به کار می رود.
كُفْر: در عربی به معنی انکار بوده اما در ترکی در معنی ناسزا میباشد.
مَاجِرَا: در ترکی در معنی مغامره = ماجرا بکار میرود.

مُحْجُوب: در ترکی به معنی خجالت کشیده و شرمند می باشد.
مَآذُون: در ترکی به معنی فارغ التحصیل از دانشگاه است.
رَقِيب: در عربی به معنای نگهبان، دیده بان بوده اما در ترکی در معنی رقیب، هم چشم است.
طَنْطَنَة: در عربی سر و صدای تنبور، نی و... و طنین بوده اما در ترکی به معنی احتشام، عظمت، تکبر به کار می رود.
عُقْلَاء: در عربی جمع عاقل بوده اما در ترکی مفرد و به معنی آدم فضول و پررو است.
ذَاتَا: در ترکی به معنی در حقیقت، در واقع، اساساً است.

ساخته شدن مصدرهای جدید در زبان ترکی با استفاده از افعال کمکی ترکی و مصدرهای عربی (و فارسی):

۱) افعال کمکی ترکی به معنای کردن و انجام دادن:

الف) اَتَمَک و اِیْلَمَک:

حیرت اتمک، ایلَمک	قصور اتمک، ایلَمک	ایمان اتمک، ایلَمک
التفات اَتَمَک، اِیْلَمَک	عملیات اتمک، ایلَمک	سجده اتمک، ایلَمک
ظهور اَتَمَک، اِیْلَمَک	افترا اتمک، ایلَمک	یمین اَتَمَک، اِیْلَمَک
جلب اَتَمَک، اِیْلَمَک	دعا اتمک، ایلَمک	

قبول اتمک، ایلمک

نظر اتمک، ایلمک

خطا اتمک، ایلمک

ب. قیلماق نیز همانند دیگر افعال کمکی بوده اما در ترکی امروزه بیشتر به همراه واژه نماز به معنی بجای آوردن واداکردن (نماز قیلماق) استفاده میشود.

دعا قیلماق

فدا قیلماق

شکر قیلماق

دوا قیلماق

ج. فعل کمکی یاپماق:

عملیات یاپماق

خطا یاپماق

حیله یاپماق

قصور یاپماق

۲) افعال کمکی ترکی به معنی شدن

الف) اولماق:

فایدالی اولماق (مفیدشدن، از فایده عربی)

قبول اولماق

ضررلی اولماق (مضرشدن، از ضرر عربی)

خوش اولماق

در زبان ترکی نمونه های فراوانی از چنین ساختارهایی وجود دارند. البته غیر از آن ها واژگان عربی بسیار زیادی در زبان ترکی وجود دارند که در زیر به برخی از آن ها اشاره می شود. معانی این واژگان عربی وارد شده به زبان ترکی، با معنی عربی آن یکسان می باشد. و اگر موردی متفاوت باشد ذکر خواهد شد.

	عَبَثْ	Abes
ادات استفهام در زبان ترکی ، به معنای آیا که برای بیان تردید و شبهه بکار می رود.	عَجَبًا	Acaba
جمع عجیبه در عربی است. اما در ترکی بصورت مفرد و به معنی عجیب بکار می رود	عجایب	Acayip
	عَجَلَه	Acele
به معنای اورژانس	عاجل	Acil
	عاجز	Aciz
کلمه عربی اما ساختار فارسی است	عاجزانه	Acizane
	عضله	Adale
	عداله	Adalet
	عدد	Adet
(در ترکی واو تلفظ نمی شود.)	غفور	Af
	آفه	Afet

	عافیه	Afiyet
در ترکی به صورت مفرد استفاده می شود به معنی دوست، رفیق	احباب	Ahbab
	آخره	Ahret
	احکام	Ahkam
در ترکی مفرد است	اخلاق،	Ahlak
(عربی + ترکی) با اخلاق	(اخلاق لی)	Ahlakli
(عربی + ترکی) بی اخلاق	(اخلاق سبز)	Ahlaksız
	احمق	Ahmak
	عائله	Aile
	عقیده	Akide
هوشمند	عاقل لی	Akıllı
در ترکی مفرد می باشد.	اقرباء	Akraba
	بحث	Bahis
	بقال	Bakkal
	باقلاء	Bakla
	بسیط	Basit
	باطل	Batil
	بایع	Bayi
	بدن	Beden
مجرد	بکار	Bekar
	بلا	Bela
مجانی	بَلَش (بلاشیء	Beleş
	برکت	Bereket
	براق	Berrak
	بیاض	Beyaz
	جاده	Cadde
	جاهل	Cahil
	جائز	Caiz
مسجد	جامع	Cami
	جانی	Cani
	جاسوس	Casus
	جهنم	Cehennem
	جماعه	Cemaat
	جنازه	Cenaze
	جریان	Cereyan

	جسارت	Cesaret
	جسد	Ceset
	جواب	Cevap
گردو	جوز	Ceviz
	جزا	Ceza
	جهاز	Çeyiz
	دائما	Daima
به معنی: دربارہ	دائر،	Dair
	دعوت	Davet
	دلیل	Delil
	ابعاد	Ebat
	ابدی	Ebedi
	اجل	Ecel
(عربی + فارسی) داروخانه	اجزا خانه	Eczahane
(عربی + ترکی) مودب	ادب لی	Edepli
	اهمیه	Ehemmiyet
	اکثریه	Ekseriyet
(ال در ترکی به معنی دست و دیگران می باشد): دیگران، غریبه ها، هر کس	ال عالم	Elalem
در عربی جمع بوده اما در ترکی بصورت مفرد استفاده می شود.	البسه	Elbise
خداحافظ	الوداع	Elveda
	اذان	Ezan
به معنی ربا	فائض	Faiz
	فاره	Fare
	فقیر	Fakir
	غافل	Gafil
	غرض	Garaz
	غریبه	Garibe
	غریب	Garip
	خبر	Haber
	حجم	Hacim
	حقارة	Hakaret
	حقیقت	Hakikat
به معنی مردم	خلق	Halk
	خمیر	Hamur
	خرابه	Harabe

	حرام	Haram
	خصلت	Haslet
	حشرات	Haşarat
شیخ	خیاله	Hayalet
	حیاه	Hayat
	حیران	Hayran
به معنی نژاد، اصل	عرق	Irk
	اصرار	Israr
	عباده	İbadet
	اجتهاد	İçtihat
افطار در رمضان	افطار	İftar
	افترا	İftira
	اقناع	İkna
	ایمان	İman
	اذن	İzin
	قبر	Kabir
	قبول	Kabul
	کابوس	Kabus
	کانون	Kanun
	قاتل	Katil
	قضا	kaza
	قبله	Kible
(از لحم العجین) یک نوع غذای گوشتی که با خمیر پخته می شود و در ترکیه مشهور است	لحمجون	Lahmacun
	لقب	Lakap
	لعنت	Lanet
	لطیف	Latif
	لائق	Layık
	لازم	Lazım
	لقمه	Lokma
	لطفاً	Lütfen
به معنی حقوق ماهانه	معاش	Maaş
	ماده	Madde
	مغاره	Mağara
	مغدور	Mağdur

(که مصل تلفظ می شود به معنی حکایه، اسطوره)

مغفره	Mağfiret
ماهیه	Mahiyet
محکمه	Mahkeme
منظره	Manzara
مثل	Masal
مایع	Mayi
نعش	Naaş
نبض	Nabız
نیت	Niyet
نقصان	Noksan
عمر	Ömür
عرف	Orf
عذر	Özür
راحه	Rahat
صبح	Sabah
ساعه	Saat
صدقه	Sadaka
سفر	Sefer
تقدیر	Takdir
تعقیب	Takip
اجره	Ücret
ائمه	Ümmet
اسلوب	Uslub
واعظ	Vaiz
وقار	Vakar
یعنی	Yani
ضعیف	Zayıf
ظالم	Zalim
زمان	Zaman
ظرافه	Zerafet

بخش ۴

بحث و نتیجه گیری

بحث و نتیجه گیری

با توجه به آنچه که درباره زبان و ادبیات عرب در عهد عثمانی ارائه گشت، در اینجا سعی بر آنست بی آنکه تعصبی به خرج دهیم درباره وضعیت ادبیات آن دوران به قضاوتی منطقی دست یابیم؛ و به برخی از انتقاداتی که از ادبیات آن دوران می شود پاسخ گوئیم.

اینکه زبان و ادبیات عرب در دوران عثمانی چگونه بوده و آیا در راستای پیشرفت آن از سوی ادیبان و دانشمندان آن عصر فعالیتی انجام گرفته و یا نه، موضوع ساده ای نیست تا بتوان بدون پژوهشی فراگیر و دقیق به آن پاسخ گفت. (زیرا عهد عثمانی عصری طولانی و قلمرویی وسیع را در بر می گیرد). و برای افرادی که می خواهند زبان و ادبیات عرب را در این دوره تحقیق نمایند، لازم است تا کشور به کشور تمامی این قلمرو وسیع را گشته و همه اسناد و نسخه های خطی بجا مانده از آن دوران را مطالعه نمایند. و حین مطالعه نه تنها آثار مربوط به ادبیات بلکه اسناد تاریخی مربوط به وضعیت سیاسی، اجتماعی، اداری و نظامی آن زمان را نیز بررسی نمایند.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی اکثر اسناد تاریخی و نسخه های خطی سوزانده و یا دزدیده شد. و به کتابخانه ها و موزه های خارج از این امپراتوری انتقال یافت و بیشتر آن نیز امروزه مفقود بوده و یا هنوز دست نخورده باقی مانده است. و روش معقول آنست که محصولات ادبی این عصر هراندازه که بیشتر کشف شود، معرفت ما نیز نسبت به این دوران زیادتیر خواهد گشت. زیرا بیشتر آثار ادیبان و دانشمندان این عصر از ما پنهان مانده است؛ و آنچه که اکنون از ادبیات این دوره به ما عرضه می گردد در حقیقت همه حقایق و یا ادبیات اصلی این دوره نیست. بلکه بیشتر آن ها از سوی ناقدان و یا مورخان عرب ضد عثمانی به ما عرضه می شود. و دلیل آن نیز احساس حقارتی است که در برابر آن امپراتوری مقتدر مانع از قضاوت درست آنان می گردد؛ و یا اینکه کمبود منابع و اطلاعاتی می باشد که باز آن ها نیز به سبب تعصب افرادی کوتاه فکر - همانگونه که اشاره شد - پس از فروپاشی امپراتوری از بین رفته و یا به نقاط دیگر جهان انتقال یافته است.

برخی دیگر از ناقدان نیز به کثرت شرح و حاشیه در ادبیات این دوره اشاره کرده و آن را از عوامل جمود ادبیات می شمارند. در حالی که شرح ها و حاشیه های بجا مانده از این دوره علاوه بر اینکه ارزش ادبی دارند، به ویژه به لحاظ تاریخی ارزشمند می باشند. حتی این آثار سبب شده است تا برخی از متن های اصلی که امروزه از بین رفته اند، فراموش نشده و به دست ما برسند. بعلاوه باید گفت که همه آثار آن زمان نیز بر شرح و حاشیه خلاصه نمی شود و در کنار آن ما شاهد نوآوری ها و آثاری مهم نیز می باشیم. اشعاری که به عنوان دلیل بر جمود ادبیات عصر عثمانی ارائه می شود، در واقع اشعار کسانی است که شعر حرفه اصلی آنان نبوده و شاعر محض نبوده اند. بلکه از نویسندگان ادبی، مورخان و متفکران آن عصر به شمار می رفتند. بعنوان مثال شوق ضیف، عبدالحلیم عباسی را به عنوان شاعر این دوره معرفی کرده و از آن انتقاد می کنند. در حالیکه شاعرانی چون ابن تقیب، ابن نحاس، ابن منجک، نحال طالوی، ابن معتوق، نابلسی و... هستند که شعر این عصر را تمثیل می کنند؛ و ادعای مورخان

و ناقدان مربوط به زمانی می شود که هنوز نسخه های خطی عهد عثمانی و دیوان های مهم آن دوران کشف و چاپ نشده بود؛ و شاعرانی که می توان آن ها را ممثلان شعر عثمانی نشان داد، کم نیستند.^۱

شهاب خفاجی ادیب نثرنویس عهد عثمانی (سده ۱۱ هـ) در مورد شعر محمد بن رومی معروف به *مثنای می* گوید: «در شعر وی سستی و در ادبیات و معانی اش نیز ضعف دیده می شود.» این مطلب نشان می دهد که در عهد عثمانی شعر ضعیف از شعر خوب کاملاً تمیز داده می شد و تمامی آن دوره را نمی توان با برخی از اشعار ضعیف دلیلی بر رکود ادبیات به حساب آورد. نکته مهم دیگری که این ناقدان به آن توجه نمی کنند این است که شعر عهد عثمانی را با زمان های گذشته مقایسه کرده و آن را با مقیاس های امروزی می سنجند و گویا انتظار آنان اینست که عصر عثمانی همانند عصرهای قبلی بوده و ادبیات عرب با آن عروض و قافیه سخت در عصر عثمانی نیز ادامه یابد.

در عصر عثمانی شاعران و ادیبان از صنایع بدیعی و آرایه های لفظی فراوان بهره جستند و آن را مقام بر معانی گرفتند. زیرا اسلوب رایج و مطلوب این دوره همین بود. آنان قیود سخت و پیچیده عروض و قافیه را کنار گذاشته و به شعر آزاد پرداختند؛ و قصیده هم از نظر شکل و هم به لحاظ کاربرد زبان عامیانه و هم از نظر اسلوب (همانند موشح، دوبیتی، کان کان، زجل، موالیا و...) پیشرفت نموده و در کنار همه این گرایش های آزاد برخی از شاعران نیز همانند *امیر منچک*، *ابن معنوق*، *موسوی*، *ابن تقیب*، *کیوانی* و... روش قدیم را تقلید نموده و به دور از آرایه های بدیعی و سبک آزاد عصر خود به شعرسرایی پرداختند.

و اگر بدون تعصب وقایع ادبیات این دوره را بنگریم، بهتر است بگوییم که در این دوره صفحه ای جدید در تاریخ ادبیات عرب گشوده می شود. و در حقیقت ادبیات این دوره را می توان گذر از ادبیات قدیم به ادبیات عصر جدید به حساب آورد. بنابراین شاید بدور از منطق نباشد اگر ادعا شود که سبک ادبی آزاد که هم اکنون در ادبیات معاصر دیده می شود همان ادامه اسلوب و سبکی است که در دوره عثمانی بنیان نهاده شده است.

۱- عمر موسی پاشا: تاریخ الادب العربی فی العصر العثماني، ص ۲۲.

فصل ۲

سهم دانشمندان دوره عثمانی

در

زبان و ادبیات عرب

(با توجه به دو کتاب «الشقائق

النعمانیة» و «العقد المنظوم»)

در این فصل سهم دانشمندان دوره عثمانی در ادبیات عرب بررسی می‌شود. همانگونه که می‌دانیم فعالیت دانشمندان آن زمان در این زمینه بیشتر بگونه تدریس و یا تالیف بوده که اغلب در مدارس مشهور عثمانی بویژه در بورسا تعلیم می‌دیدند و یا اینکه برخی نیز به کشورهای عربی بویژه مصر، یا به ایران و حتی آسیای میانه رفته و نزد دانشمندان آنجا تحصیل می‌کردند و پس از تکمیل آموخته‌هایشان، با اخذ اجازه جهت تدریس دوباره به کشور خود باز می‌گشتند^۱ و نیز شمار بسیاری از دانشمندان دیده می‌شود که از کشورهای گوناگون به کشور عثمانی رفته و در شهرهای مهم آنجا همچون بورسا، استانبول، ادرنه و... که در آن زمان مراکز علم بوده‌اند ماندگار می‌شدند.

دانشمندان دوره عثمانی حتی اگر غیر عرب نیز می‌بودند، آثار گوناگونی به زبان عربی از خود بر جای گذاشته‌اند. آثار ادبی آنها در زمینه‌های صرف، نحو بلاغت (معانی، بیان و بدیع)، وضع، لغت، اشتقاق، عروض، قافیه، خطابت و شعر و یا اینکه در زمینه‌های دیگر از جمله تفسیر، فقه، اصول، فروع، حدیث، طب، ریاضیات، نجوم، هیئت و... می‌باشد. بیشتر آثاری که دانشمندان آن زمان ارائه کرده‌اند شرح و حاشیه بوده و منابع مورد استفاده آنها اغلب تکراری و یکسان می‌باشد. همانند العزیز زنجانی و مراح ابن مسعود در صرف، الکافی ابن حاجب در نحو، مفتاح العلوم سکاکی و تلخیص قزوینی در بلاغت.

بدین ترتیب دانشمندان عثمانی آثار فوق الذکر و یا نظایر آنها شرح کرده و یا به شرح شارحان مشهوری چون تفتازانی و سید شریف جرجانی حاشیه نوشته‌اند. از اینروست که برخی از آنان با عنوان المحشی (= حاشیه نویس) مشهور شده‌اند. و یا اینکه برخی از فعالیت‌های دانشمندان آن زمان بصورت حاشیه بر حاشیه بوده است. با وجود این نمی‌توان گفت که در آن دوره هیچگونه اثر مستقل ادبی وجود نداشت. علی‌رغم کثرت شرح و حاشیه، دانشمندانی را می‌بینیم که به نوآوری و تالیف پرداخته‌اند. بعنوان مثال ملافتاوری در صرف و نحو، و کرماسی در بلاغت هر کدام تالیفات مستقلی داشتند؛ و برخی از نمونه‌های ادبی همچون نظم و نثر در بین شماری از ادیبان همانند خضر بیگ، خیالی، احمد پاشا و سعدی چلبی به چشم می‌خورد. گفتنی است که شرح و حاشیه و یا دیگر آثار مستقل دانشمندان آن زمان امروزه به دست ما رسیده و نسخه‌های خطی آنان هم اکنون در کتابخانه‌های مشهور جهان همانند استانبول بولاق، تهران، پاریس، مونیخ و... موجود می‌باشند.

دانشمندان دوره عثمانی حتی اگر ترک نیز نبوده و از خارج امپراتوری عثمانی^۲ به آنجا مهاجرت کرده باشند، نزد پادشاهان عثمانی ارزش و احترام بسیار داشتند. مثلاً برخی از آنان از سوی پادشاه به منصب تدریس، فتوا، قضا، قضاء عسگری و... منصوب می‌شدند و برخی نیز معلم پادشاه یا همراه و مشاور وی در سفر و یا در امور دولتی بودند، و برخی دیگر نیز تعلیم و آموزش شاهزادگان را بر عهده می‌گرفتند. برخی از دانشمندان نیز به دستور پادشاه کتاب تالیف می‌کردند. و اگر دانشمندی در یک زمینه علمی مهارت می‌یافت در حضور پادشاه با هم‌تایان خود به بحث و مناظره می‌پرداخت و اگر چیره می‌شد به دریافت پاداش نائل می‌گشت.

شایان ذکر است که پادشاهان عثمانی نیز به آثار دانشمندان اهمیت می‌دادند و با پرداخت حقوق ماهانه و هدایا آنان را تشویق می‌نمودند. و بهمین دلیل نیز قشر مدرس و طالب علم در این دوره زیاد بوده و فعالیت‌های دانشمندان دوره عثمانی در علوم بویژه علوم عربی و معارف قابل توجه بوده است.

1- BAŞTACI, CAHİT, XV-XVI. Asırlarda Osmanlı Medreseleri S. 37

امپراتوری عثمانی بیش از ۶۰۰ سال بطول انجامید و با توجه به مدت طولانی آن بررسی تمامی دانشمندان آن دوره کار بسیار گسترده و شاید خارج از ظرفیت یک پایان نامه کارشناسی ارشد باشد. بدین جهت در این پژوهش این موضوع به کتاب *الشقائق النعمانية في علماء الدولة العثمانية والعقد المنظوم في ذكر افاضل الروم* منحصر گردیده است. *الشقائق* کتاب مشهور تاشکیری زاده می باشد که به زبانهای عربی و ترکی بصورت یک کتاب مستقل و نیز در حاشیه *وفیات الاعیان ابن خلکان* چاپ شده است. و *العقد المنظوم* اثر متق رومی که در ذیل *الشقائق* به رشته تحریر درآمده است.^۱ هر دو کتاب، دانشمندان و مشایخ دوره عثمانی را همراه با شرح حال و آثار آنها به ترتیب سالهای سلطنت پادشاهان عثمانی از آغاز امپراتوری تا دوره سلطان مراد سوم (۶۹۹-۱۰۰۳ هـ/ ۱۲۹۹-۱۵۹۵ م) آورده است.

در این پایان نامه ضمن بررسی این دو کتاب، با مراجعه به منابع مختلف به ذکر آن دسته از دانشمندان عثمانی پرداخته‌ام که آثار آنها در زمینه زبان و ادبیات عرب بوده است. و در این بررسی شرح حال و آثار عربی آنها را نیز ذکر نموده‌ام. گاهی در منابع مختلف در تاریخ و محل تولد و یا وفات دانشمندان و حتی آثار آنها با تضاد و اختلافاتی رو به رو گشته‌ام، که در اینجا با بررسی تک تک آنها سعی نموده‌ام تا این تضاد را برطرف نمایم. و یا حتی المقدور آنچه را که قریب به واقعیت است بیاورم. همچنین آثار دانشمندان را حتی الامکان جستجو کرده‌ام تا اطلاعات بیشتری در مورد موضوع و چاپ شدن و یا نشدن آنها ارائه دهم و در صورت عدم توفیق در این مورد در ذیل آنها به یافت نشدن موضوع و یا موارد دیگر اشاره نموده‌ام. در بخش یک این فصل ۱۲۲ دانشمند ارائه می‌گردد که درباره آنها اطلاعات کم و بیش کاملی یافت شده است. اما تعدادی نیز هرچند که در علوم عربی تبحر داشتند، به سبب یافت نشدن اطلاعات کافی درباره شرح حال و بویژه آثار عربی و نوآوریهای آنها، در بخش دو به صورت فهرست وار ارائه شده‌اند و تعداد آنها به ۱۵۱ می‌رسد. روش ترتیب دانشمندان بر طبق روند سالها می‌باشد. یعنی از آغاز امپراتوری عثمانی تا دوره سلطان مراد سوم (۶۹۹-۱۰۰۳ هـ/ ۱۲۹۹-۱۵۹۵ م).

۱- شرح حال این دو دانشمند در قسمت خود آمده است.

بخش ۱

ذکر نام و نشان دانشمندان دوره

عثمانی

و مختصری از شرح حال آنان به

همراه آثار ادبی و غیر ادبی آنها

(۱) شیخ اده بالی

(ف: ۷۲۶ هـ/۱۳۲۶ م.)

وی به دلیل اینکه بنیانگذار معنوی امپراتوری عثمانی به شمار می آید، اهمیت ویژه‌ای دارد. سلطان عثمان غازی با دختر او ازدواج کرده و سلطان اورخان دومین پادشاه عثمانی نوه او می باشد. وی اثر ادبی خاصی ندارد. ولی به دلیل اهمیتی که دارد با این دانشمند آغاز می نمایم.

شرح حال:

شیخ اده بالی در *کارامان*^۱ به دنیا آمد و علوم ابتدایی را همانجا تحصیل کرد. سپس به شام سفر نمود و فقه، تفسیر، حدیث و اصول را از محضر مشایخ شام آموخته و پس از بازگشت به وطن خود به تصوف روی می آورد. وی در تفسیر، حدیث، تصوف و بویژه در فقه تخصص داشته و نزد سلطان عثمان غازی در مسایل شرعی معتقد بود. هنگامی که سلطان عثمان، بیلجیک را در سال ۶۹۹ هـ/۱۲۹۹ م. فتح نمود او را به عنوان قاضی آنجا منصوب کرد.

شیخ اده بالی اولین قاضی امپراتوری عثمانی بوده و در حالی که بیش از ۱۲۰ سال داشت در سال ۷۲۶ هـ/۱۳۲۶ م وفات کرد. آرامگاه وی در شهر بیلجیک ترکیه واقع می باشد.

منابع:

عثمانلی مؤلفری: ج ۱، ص ۱۶

الشقائق النعمانية: ص ۶.

(۲) خطاب بن ابی القاسم قره حصارى

(ف: در حدود ۷۳۰ هـ/۱۳۳۰ م)

شرح حال:

وی از دانشمندان اصول و فقه حنفی عثمانی در سده هشت هجری می باشد که در شهر *کارا حصار*^۲ به دنیا آمد؛ و در موطن خود نزد دانشمندان هم عصر خویش بهره جست؛ و سپس به شام رفت و از دانشمندان آنجا فقه، حدیث و تفسیر آموخت و سرانجام به کشور خود بازگشت و در همانجا درگذشت.

آثار وی:

(۱) شرح منار الانوار: شرحی است از خطاب قره حصارى بر «منار الانوار» اثر امام ابوالبركات عبدالله بن احمد معروف به

حافظ الدین نسفی در اصول فقه.

(۲) شرح كنز الدقائق: شرحی است از خطاب قره حصارى بر «كنز الدقائق» اثر حافظ الدین نسفی در فروع فقه حنفی.

(۳) شرح المختار في فروع الحنفية.

۱- کارامان یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

۲- کارا حصار یکی از شهرهای ترکیه است.

۴) شرح منظومه التسفي: قره حصارى بر منظومه نسفى كه در خلافيات مى باشد شرح مفيدى نوشته و آن را در دو مجلد به سال ۷۱۷ هـ در دمشق به اتمام رسانيده است.

منابع:

- | | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| الشفائق النعمانية : ص ۷. | هدیه العارفین : ج ۱، ص ۳۴۷. |
| معجم المؤلفین : ج ۴، ص ۱۰۳. | عثمانلى مؤلفلىرى : ج ۱، ص ۲۸۹. |

۳) داود قیصری قرامانی (ف: ۷۵۱ هـ/۱۳۵۰ م.)

شرف الدین داود بن محمود بن محمد قیصری، قرامانی.

شرح حال:

وی از دانشمندان و عارفان سده هشت هـ می باشد که در قیصری^۱ به دنیا آمد. ابتدا در موطن خود تحصیل کرده و سپس عازم مصر می شود و در آنجا سکنی می گزیند و نزد دانشمندان بزرگ مصر تفسیر، اصول و حدیث می آموزد. علامه محقق از دانشمندان راسخ و از عارفان و صوفیان بزرگ زمان خود بود که مذهب حنفی داشت؛ و در فقه، تصوف، حدیث و علوم عقلی مشهور بود. به سبب شرحی که بر فصوص حکم نوشته است به شارح فصوص نیز معروف می باشد. هنگامی که سلطان اورخان اولین مدرسه امپراتوری عثمانی را تأسیس می نماید وی را به عنوان مدرس منصوب می کند.

آثار ادبی وی:

۱) شرح مختصر اندلسی: شرحی است بر مختصر شیخ اندلسی در عروض.

۲) شرح قصیده الخمریه: شرحی است بر قصیده ابن فارض. که این شرح در کتابخانه عمومی ترکیه موجود می باشد.

۳) کشف وجوه الغر لمعانی الدر: شرحی بر «قصیده تائیه» ابن فارض می باشد.

۴) شرح قصیده قرّة عین الشهود: شرحی است بر اثر شیخ اکبر.

آثار دیگر:

۱) مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم: این اثر «شرح فصوص الحکم» محیی الدین ابن عربی می باشد که به مقدمه شرح فصوص هم معروف است و موضوع آن تصوف می باشد و در ایران به نام فصوص الحکم قیصری به چاپ رسیده است. قیصری در مقدمه شرح خود، اصول علم تصوف را بیان کرده است. این کتاب که آغاز شهرت قیصری بود شامل یک مجلد بزرگ در ۱۲ بخش می باشد: ۱) وجود حق. ۲) اسماء و صفات حق. ۳) اعیان ثابته. ۴) جوهر عرض. ۵) عوالم کلیه و حضرات خمس الهیه. ۶) مسائل متعلق به عالم مثال. ۷) مراتب کشف و انواع آن. ۸) عالم مربوط به صورت حقیقت انسانی بر حسب مراتب. ۹) خلافت محمدیه. ۱۰) مراتب و اسماء روح اعظم که در عالم انسانی هست. ۱۱) رجوع روح و مظاهر علویه و سفلیه آن به حق. ۱۲) نبوت، رسالت، ولایت.

این اثر در تهران به سال ۱۳۰۰ هـ، و در بمبئی به سال ۱۳۰ هـ به چاپ رسیده است.

۲) رسالة فی الوحدة الوجود: متعلق به فصل اول شرح فصوص قیصری است. تهران ۱۳۱۵ هـ چاپ سنگی.

۳) تحقیق ماء الحیاة و کشف اسرار الظلام.

۴) نهاییه البیان فی درایة الزمان: در مورد موضوع دو اثر اخیر پس از جستجو چیزی یافت نشد.

۵) شرح فصوص الحکم: شرح کوچکی است این شرح در کتابخانه عمومی ترکیه موجود می باشد.

۶) شرح منازل السائرین.

۷) رسالة فی بیان احوال خضر (ع). (در مورد این اثر اخیر پس از جستجو چیزی به دست نیامد).

منابع:

۱- قیصری یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

الشقائق النعمانية : ص ۸. معجم المؤلفين : ج ۴، ص ۱۴۲. هديه العارفين : ج ۱، ص ۳۶۱
معجم المطبوعات العربية : ص ۱۵۳۷. عثمانلی مؤلفلری : ج ۱، ص ۶۸. کشف الظنون : ص ۱۹۸۷

۴) علاءالدین اسود (ف: ۸۰۰ هـ / ۱۳۹۸ م.)

علاءالدین علی بن عمر الاسود، معروف به قره خواجه.

شرح حال:

از فقیهان حنفی و دانشمندان مشهور دوره سلطان اورخان می باشد که در افیون کارا حصار ترکیه به دنیا آمد. علاءالدین جهت تکمیل تحصیلات خود به ایران سفر می کند؛ و سپس به موطن خود باز می گردد و از سوی سلطان اورخان به عنوان مدرس مدرسه ازبیک منصوب می گردد و در آنجا شرح مفیدی بر کتاب الوقایه می نویسد. شمس الدین فناری دانشمند مشهور عثمانی ابتدا نزد علاءالدین اسود به تحصیل پرداخته بود. آرامگاه علاءالدین در ازبیک^۱ می باشد. آثار بجا مانده از وی بیشتر حاشیه و شرح علوم دینی است.

آثار وی:

۱) شرح الوقایه: شرحی است در دو مجلد بر کتاب وقایة الروایة فی مسائل الهدایة صدر الشریعة در فروع فقه حنفی که در آن مشکلات وقایه را حل کرده است وی این شرح خود را العنایه فی شرح الوقایه نامیده است.
۲) شرح مغنی: شرحی است از علاءالدین اسود بر کتاب مغنی در اصول فقه.

منابع:

الشقائق النعمانية : ص ۹. معجم المؤلفين : ج ۶، ص ۲۹۱. عثمانلی مؤلفلری : ج ۱، ص ۳۵۱.

۵) محسن قیصری (ف: ۷۵۵ هـ / ۱۳۵۴ م.)^۲

عبدالمحسن بن مجد الدین قیصری

شرح حال:

ادیب و شاعر عهد عثمانی و از دانشمندان حنفی در سده هشت هـ که در شهر قیصری^۳ به دنیا آمد؛ و نزد مجدالدین قیصری و دیگر دانشمندان آن زمان به تحصیل پرداخت و فنون ادبی و علوم شرعی گوناگون را فرا گرفت و سپس عازم شام شد و نزد دانشمندان آنجا تفسیر، حدیث، و فقه آموخت و به موطن خود بازگشت. وی دو کتاب درباره فقه و فرائض تألیف نموده و یکی از دو تألیف خود را شرح کرده است.

۱- ازبیک یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

۲- کتاب معجم المؤلفین تاریخ وفات قیصری را سال ۸۷۲ هجری ذکر نموده که اشتباه می باشد. زیرا وی از علمای دوره سلطان اورخان (۷۲۶-۷۶۱ هجری) می باشد.

۳- قیصری یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح مختصر اندلسی: وی در این اثر مختصر شیخ اندلسی را که در عروض می باشد شرح کرده و به آن نکات مفیدی را افزوده است.

آثار دیگر:

(۱) فرائض القیصری.

(۲) فقه القیصری.

(۳) منظومه فی الفقه. (در مورد این آثار پس از جستجو چیزی یافت نشد).

(۴) منظومه فی الفرائض: قیصری در باب علم فرائض منظومه ای نوشته و سپس آن را شرح کرده است.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۶، ص ۱۷۲.

الشقائق النعمانیة: ص ۱۰،

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۶۲۱.

۶) جمال الدین آقسرائی (ف: قبل از ۸۰۰ هـ / ۱۳۹۸ م)^۱

جمال الدین محمد بن محمد بن امام فخرالدین محمد رازی، معروف به آقسرائی.

شرح حال:

وی از نوادگان فخرالدین رازی، فاضل، محقق، عارف و دانشمند مذهب شافعی در سده هشت هـ می باشد. علوم عربی، تفسیر و علوم نقلی را خوب می دانست. و در علوم شرعی و ادبی مهارت داشت.

جمال الدین در آکسارای در نزدیکی قونیه به دنیا آمد. او مدرس مدرسه کارامان معروف به زنجری بوده و صحاح جوهری را از حفظ بود که در آن زمان از جمله شرایط تدریس در آن مدرسه به شمار می رفت. وی آثاری به زبان عربی از خود بر جای گذاشته است که بیشتر در زمینه های فقهی و تفسیر می باشند.

آثار ادبی وی:

۱) ایضاح الايضاح: این اثر شرح کتاب «الایضاح» خطیب قزوینی در معانی و بیان می باشد. و نسخه خطی آن که به دست جمال الدین آقسرائی نوشته شده است، در کتابخانه داماد ابراهیم استانبول به شماره ۱۰۲۰ موجود است.

۲) کشف الاعراب فی شرح اللباب: اللباب اثر اسفراینی در نحو می باشد که مشتمل بر یک مقدمه و ۴ بخش بوده و بخش اول در اعراب، دوم در معرب، سوم در عوامل، و چهارم درباره مقتضای اعراب است. و جمال الدین آقسرائی این اثر را شرح کرده است.

آثار دیگر:

۱) شرح مجمع البحرین و ملتقى النهرین: شرحی است بر کتاب ابن الساعانی در فروع فقه حنفی.

۲) شرح الغایة القصوی فی درایة الفتوی: شرحی است بر کتاب بیضاوی در فروع فقه شافعی.

۳) حاشیة علی الکشاف: حاشیه ای است بر تفسیر زمخشری

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۱۴، معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۱۹۲، الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۷۰،
هدیه العارفین: ج ۲، ص ۱۶۵، معجم المطبوعات العربی: ص ۴۶۲، عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۶۵.

۷) برهان الدین احمد (ف: ۸۰۰ هـ / ۱۴۰۰ م)

قاضی احمد برهان الدین ارزنجانی، مشهور به امیر قاضی و قاضی ارزنجان.

شرح حال:

وی از دانشمندان فاضل عثمانی در سده هشت هـ بوده و اصلاً از اهالی قیصری می باشد که ابتدا بعنوان قاضی شهر ارزنجان^۲ و پس از مدتی امیر قاضی مشهور می گردد. وی تحصیلات خود را در مصر کامل کرده و به موطن خود باز می گردد

۱- تاریخ وفات آقسرائی در منابع متفاوت می باشد، به طوری که در کتاب معجم المؤلفین و هدیه العارفین سال ۷۷۱ هجری؛ در اعلام زرکلی حدود سال ۷۷۵ هجری و در روایات دیگر ۷۹۱

هجری می باشد. وی کتاب «ایضاح الايضاح» خود را در تاریخ ۷۷۱ هجری به اتمام رسانیده است پس تاریخ وفات ایشان نمی تواند قبل از این تاریخ باشد.

۲- ارزنجان یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

سرانجام در سال ۸۰۰ هـ، در جنگ با یکی از طوائف چنگیز کشته می شود. امیر قاضی از خود آثاری را به زبان عربی بر جای گذاشته است. اثر ادبی وی پس از جستجو یافت نشد.

آثار وی:

(۱) *إكسير السعادت في اسرار العبادات*: امیر قاضی این اثر خود را به زبان عربی نوشته و یک نسخه از آن در کتابخانه آیاصوفیا موجود می باشد.

(۲) *الترجیح*: حاشیه مفیدی بر التلویح تفتازانی در اصول فقه می باشد که آن را الترجیح نامیده است. این اثر بین دانشمندان آن زمان مشهور و مقبول بوده است.

منابع:

الشفائق النعمانية: صص ۱۶-۱۵. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۹۶.

۸) علامه شمس الدین فناری (۷۵۱-۸۳۴ هـ / ۱۳۵۰-۱۴۳۱ م)

محمد بن حمزه بن محمد، مشهور به علامه فناری^۱.

شرح حال:

وی یکی از دانشمندان بزرگ حنفی در سده هشت و نه هـ می باشد که در روستای فنار از توابع بورسا^۲ به دنیا آمد. علم تصوف را از پدر خود آموخت. علامه فناری در موطن خود نزد علمای مشهوری چون علاءالدین اسود (شارح مغنی)، و جمال الدین محمد آفسرائی تحصیل نمود سپس به مصر رفت و نزد اکمل الدین البابر تی (ف: ۷۸۶ هـ) تحصیلات خود را تکمیل نمود و سپس به موطن خود بازگشت و بعنوان مدرس در مدرسه مناستر به تدریس پرداخت. او در بیروت، بورسا و قسطنطنیه قاضی بوده همچنین مفتی مملکت عثمانی نیز بود. و بدین جهت نزد سلطان بایزید قدر و منزلتی عظیم داشت. فناری در امور شرعی اهتمام تمام می ورزید و اولین کسی است که به مرتبه شیخ الاسلامی نائل گشته است.

فناری یگانه عصر خود و جزء چند تن از بزرگان علمی دوره عثمانی می باشد که هر یک در رشته ای متخصص بودند. او در منطق، اصول، علوم عربی، عقلی و نقلی، بویژه در معانی و بیان استاد بود. آثار وی در فقه، عقاید، منطق، تصوف، و علوم عقلی از صد تجاوز می کند. فناری سرانجام به سال ۸۳۴ هـ / ۱۴۳۱ م، در موطن خود وفات یافته است. و آرامگاهش در بورسا می باشد.

آثار ادبی وی:

۱) شرح القوائد الغیائیة: شرحی است از فناوری بر کتاب القوائد الغائیة اثر قاضی عضد الدین عبد الرحمن احمد الایجی در معانی و بیان.

۲) اساس التصریف: اثر فناری در علم صرف می باشد که یک مقدمه و چند باب و یک خاتمه دارد.

۳) حاشیه علی الضوء: «الضوء» اثر محمد اسفراینی در نحو است. وی المصباح مطریزی را شرح نموده و آنرا المفتاح نامیده است که بعداً این شرح را هم تلخیص کرده و این تلخیص را «الضوء» نامید. بسیاری از دانشمندان بر این اثر حاشیه نوشتند که حاشیه فناری هم یکی از اینها می باشد.

۴) شرح تلخیص المفتاح: تلخیص المفتاح، اثر محمد بن عبد الرحمن قزوینی؛ در معانی می باشد که فناری آن را شرح

نموده است. نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۲۸۵۰ موجود است.

۵) شرح المصباح: المصباح اثر مطریزی در نحو است و مشتمل بر پنج بخش می باشد: ۱) اصطلاحات نحوی. ۲) عوامل

لفظی قیاسی. ۳) عوامل لفظی سماعی. ۴) عوامل معنوی. ۵) فصلهایی از عربی. علامه فناوری شرح فوق را بر این اثر نوشته است.

آثار دیگر:

۱- از سبوطی نقل شده است که شهرت علامه شمس الدین به فنار، سبب حرفه او بود. (فتر در زبان ترکی به معنی فانوس می باشد). اما این پندار اشتباه است. زیرا «فناری» به دلیل نسبت وی به

فنار که روستایی در نزدیکی بورسا می باشد، است.

۲- بورسا شهری در ترکیه است.

(۱) *فصول البدائع في أصول الشرائع*: تالیف فناوی در اصول فقه است. وی در این اثر خود، المنار البزدوی؛ مختصر امام رازی و مختصر ابن حاجب و غیره را جمع کرده و این کارش ۳۰ سال به طول انجامیده است. این اثر در استانبول به سال ۱۲۸۹ هـ به چاپ رسیده است.

(۲) *عين الأعيان في تفسير القرآن*: این اثر تفسیر سوره فاتحه است در یک جلد. این تفسیر فناری در استانبول به سال ۱۳۲۶ هـ چاپ شده است. و نسخه ای با دست خط فناری در کتابخانه ملامراد و پیش نویس آن هم در کتابخانه محمود پاشا موجود می باشد.

(۳) *شرح الإيساغوجي*: رساله ایساغوجی، اثر اثیر ابهری سمرقندی در منطق می باشد. و فناری شرح دقیقی بر آن نوشته است. شرح او در هند به نام یکرروزی شرح ایساغوجی معروف بوده و مطبوع می باشد.

(۴) *الفوائد الفناریة*: این هم شرح ایساغوجی در منطق است. در استانبول در سالهای ۱۲۶۸ و ۱۳۰۹ هـ چاپ شده است.
(۵) *كتاب المنطق (و یا کتاب الفناری)*: موضوع این اثر در منطق می باشد که به سال ۱۳۰۴ هـ در استانبول به چاپ رسیده است.

(۶) *عويصات الأفكار في إختيار أولي الأبصار*: رساله ای است در علوم عقلی که خطی نیز می باشد.
(۷) *أنموذج العلوم*: رساله ای شامل مسائلی از صد قن می باشد. در واقع این رساله متعلق به فناری نبوده بلکه اثر پسرش محمد شاه می باشد.

(۸) *مصباح الأنس بين المعقول والمشهود*: این اثر، شرح «مفتاح الغیب» صدرالدین قونوی در تصوف می باشد.

منابع:

- الشقائق النعمانية: صص ۲۰-۱۷ معجم المؤلفين: ج ۹، ص ۲۷۲ الاعلام، زرکلی: ج ۶، ص ۳۴۲
هدیه العارفين: ج ۲، ص ۱۸۸ معجم المطبوعات العربية: ص ۱۴۶ عثمان مؤلفهري: ج ۱، ص ۳۹۰
كشف الظنون: صص ۷۴-۱۲۹۹-۱۷۰۹-۱۷۶۶

(۹) ابن بزازی (۷۲۹-۸۱۶ هـ/۱۳۲۹-۱۴۱۳م)^۱

امام حافظ الدین محمد بن محمد بن شهاب بن یوسف کردری، بریقینی، خوارزمی، مشهور به *ابن بزازی*.
شرح حال:

وی از دانشمندان و فقیهان سده هشت و نه هـ می باشد که در کازورن از توابع شیراز به دنیا آمد و مبانی علوم را از پدر خود فرا گرفت و در کشور خود مشهور گشت. سپس عازم شهر قریم شده و سالیانی را در آنجا اقامت گزید. وی پس از سالها اقامت در آنجا به مملکت عثمانی می رود و با شمس الدین فناری به بحث و مناظره می پردازد و در فروع فقه بر او غلبه می یابد. در این مناظره فناری نیز در اصول فقه بر او چیره می شود. وی از دانشمندان مذهب حنفی بوده و در فروع و اصول از بزرگان روزگار خود به شمار می رفت که تصنیفات بسیاری از او به یادگار مانده است.

آثار وی:

۱- تاریخ وفات ابن بزازی در کتاب شقائق ۸۲۷ هجری، در معجم المؤلفین ۸۱۶ هجری، و به روایت دیگر ۸۱۷ هجری قید شده است.

(۱) الفتاوی البزازیة : اثر مشهور ابن بزازی در باب فتوا است اثر مذکور کتاب جامعی است که ابن بزازی در آن چکیده مسایل فتواها را از کتابهای مختلف تلخیص نموده و آن را الجامع الوجیز نامیده است. وی تالیف این اثر را در سال ۸۱۲ هـ به پایان رسانیده است.

(۲) مناقب الإمام أبي حنیفة : کتاب بسیار مفید ابن بزازی می باشد که مشتمل بر مطالب عالی بوده و در هند به سال ۱۳۲۱ هـ به چاپ رسیده است.

(۳) تفسیر القرآن العظیم.

(۴) شرح البخاری.

منابع:

الشقائق النعمانية : ص ۲۱. معجم المؤلفین : ج ۳، ص ۱۷۷. معجم المطبوعات العربیه : ص ۵۵۶.

(۱۰) محمد بن یعقوب فیروز آبادی (۷۲۹/۸۱۷ هـ-۱۳۲۹/۱۴۱۴ م)

مجد الدین یعقوب ابن ابراهیم فیروز آبادی شیرازی، معروف به صاحب قاموس.
شرح حال:

فیروز آبادی به سال ۷۲۹ هـ در کازرون از توابع شیراز به دنیا آمد. هفت ساله بود که قرآن را حفظ نمود و به همراه پدر به شیراز رفت. ادبیات و لغت را نزد پدر و دیگر دانشمندان شیراز فرا گرفت سپس عازم عراق و قاهره شد و نزد دانشمندان آنجا به تحصیل علوم پرداخت. پس از آن به ممالک شرق و شام سفر کرده و تحصیلات خود را کامل نمود و در حدیث، تفسیر و لغت استاد شد. به کشور عثمانی سفر نمود و نزد سلطان بایزید به مرتبه عالی رسید و سلطان به او هدایای بسیاری اهدا کرد. وی از آنجا به هند و زبید یمن سفر نموده و قضاوت در تمام یمن به او سپرده می شود. او که مذهب شافعی داشت در لغت، ادبیات، حدیث و تفسیر مرجع عصر خود بود. گفته می شود که فیروز آبادی حافظه ای بسیار قوی داشت. بطوریکه هر روز صد سطر حفظ می نمود. وی سرانجام در سال ۸۱۷ هـ در حالیکه قاضی زبید بود درگذشت.
از ایشان تصانیف زیادی بر جای مانده است که از چهل تجاوز می کند.

آثار ادبی وی:

(۱) اللامع المعلم العجائب، الجامع بین المحکم و العباب : تمام این کتاب لغت نامه ای است که ۶۰ جلد بوده و فیروز آبادی

این اثر خود را در دو جلد تلخیص نموده و آنرا القاموس المحيط نامیده است که مطبوع می باشد.

(۲) القاموس المحيط و القابوس الوسیط الجامع لما ذهب من کلام العرب شماطیط : این اثر به القاموس نیز معروف است. در

کلکته به اعتناء استاد ماتیولمسون در چهار جلد بزرگ چاپ شده است. (۱۲۳۲ هـ) و جزء سوم آن از سوی عاصم افندی به زبان ترکی ترجمه شده و در استانبول به سال ۱۲۵۰ هـ به چاپ رسیده است. در تهران به سال ۱۲۶۴ هـ، تبریز ۱۲۸۹ هـ، بمبئی ۱۲۷۲ هـ و مصر ۱۳۴۴ هـ بارها چاپ شده است.

(۳) تحبیر الموشین فی التعبير بالسین و الشین : این اثر در چاپ خانه ثعالیه الجزایر به سال ۱۳۲۷ و در چاپ خانه الاهلیه،

بیروت، به سال ۱۳۳۰ هـ به چاپ رسیده است. درباره موضوع این اثر پس از جستجو چیزی یافت نشد.

آثار دیگر:

(۱) صراط المستقیم: بمبئی سال ۱۲۷۲ ق، چاپ سنگی. در خاطمه القاموس به چاپ رسیده است.
(۲) تحفة الأیّیه فیمن ینسب إلی غیر اُمیه (اییه): در مصر به سال ۱۶۵۱ هـ / ۱۹۵۱ م، در ضمن نواذر المخطوطات چاپ شده است.

در باره این دو اثر پس از جستجو مطلبی یافت نشد.
(۳) سفر السعادة: در حدیث و سیرت نبوی است. در هامش النور الکبیر فی اصول التفسیر در مصر (بدرن تاریخ) چاپ شده است.

(۴) تنویر المقیاس من تفسیر سیدی عبدالله بن عباس: این تفسیر بنا به روایت معجم المطبوعات العربیه در واقع اثر فیروز آبادی نبوده بلکه وهما به او نسبت داده شده است.

(۵) الإشارات إلی ما کتب الفقه من الأسماء و الأماكن و اللغات: اثری است خطی.

(۶) بغیة الرشاف من خطبة الکشاف: اثری است خطی.

(۷) البلغة فی تاریخ أئمة النحاة و اللغة: اثری است خطی. درباره این اثر نیز پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

(۸) فتح الباری فی شرح صحیح البخاری: در شرح صحیح البخاری بوده و در ۲۰ مجلد می باشد.

منابع:

- | | |
|---|--|
| معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۱۱۸ | الشقائق النعمانیة: ص ۲۱. |
| هذیه العارفین: ج ۶، ص ۱۸۰. | الاعلام، زرکلی: ج ۸، ص ۱۹. |
| معجم المطبوعات العربیه و المعریه: ص ۱۴۶۹. | مولفین کتب چاپی خان بابا مشار: ج ۵، ص ۸۶۱. |
| | کشف الظنون: ص ۳۵۴. |

(۱۱) شهاب الدین سیواسی، ایاتلوغی. (ف: قرن ۸ هـ).

شرح حال:

از دانشمندان و مشایخ دوره عثمانی در سده هشت هـ که غلام یکی از اهالی سیواس^۱ بود. در خردسالی مبانی علوم را آموخت و از دانشمندان عصر خود بهره جست و در هر علمی از دیگران پیشی گرفت؛ و به خدمت شیخ محمد جانشین شیخ زین الدین حافی رسید و در کنار او به تصوف روی آورد. سپس به همراه شیخ خود به ایاتلوغ مهاجرت کرد و در آنجا به احترام و اکرام پسر آیدین که در آن زمان در ایاتلوغ حکومت داشت، نایل گشت. و سرانجام در حدود سال ۷۸۰ هـ^۲ در همانجا وفات یافت. از وی آثاری به زبان عربی بر جای مانده است.

۱- سیواس: یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

۲- درباره تاریخ وفات ایاتلوغی، اطلاع صحیحی در دست نیست در برخی منابع تاریخ وفات وی ۷۸۰ هجری و در برخی دیگر ۸۶۰ هجری شده است هیچ کدام با سالهای سلطنت سلطان بایزید سازگار نیست.

آثار وی:

- ۱) *عیون التفاسیر*: این تفسیر شهاب الدین در دو مجلد بوده و میان مردم به تفسیر شیخ نیز معروف می باشد.
- ۲) *رسالة النجاة من شر الصفات*: تالیف وی در تصوف می باشد.
- ۳) *ریاض الأزهار فی جلائل الأبصار*: در اصول می باشد.

منابع:

- الشقائق النعمانية*: ص ۲۲. *معجم المؤلفین*: ج ۴، ص ۳۰۹. *عثمانلی مؤلفلری*: ج ۱، ص ۹۰.

(۱۲) حسن پاشا

(ف: ۸۲۷ هـ / ۱۴۲۵ م)^۱

حسن پاشا ابن علاء الدین الاسود

شرح حال:

دانشمند زبان عربی در سده هشت و نه هـ و پسر بزرگ علاء الدین الاسود می باشد. در ابتدا نزد پدر خود نحو را فراگرفت و سپس به همراه شمس الدین فناری نزد جمال الدین آقسرائی تحصیل خود را کامل نمود. بیشتر زندگی خود را با مدرسی گذرانده و شاگردان زیادی همانند قطب الدین ازنیقی از محضر درس او بهره جسته اند. وی ساکن بورسا بود^۲ که یک مدرسه و یک مسجد نیز به نام او در بورسا وجود دارد. حسن پاشا علاوه بر معلمی، به مناصب قاضی عسکری و وزارت نیز رسید. اشتها عمده وی بیشتر به سبب آثار عربی او می باشد. که این آثار جزء کتابهای درسی مدارس عثمانی نیز بوده است.

آثار ادبی وی:

۱) *الإفتاح فی شرح المصباح*: حسن پاشا، شرحی بر المصباح که اثر مشهور مطریزی در نحو است، نوشته و آنرا الافتاح نامیده است. نسخه ای از این شرح در بسیاری از کتابخانه ها موجود می باشد. کتابخانه موزه توپ قاپی به شماره ۷۷۰۷/۱۱۳۸، و آنتالیا ۵۳۸/۲.

۲) *المفراج فی شرح مراح الأرواح*: شرحی است بر اثر احمد بن علی بن مسعود در صرف، که نسخه ای از این شرح در کتابخانه شهید علی پاشا به شماره ۲۵۶۸ موجود می باشد.

۳) *شرح العزى*: تصریف العزى اثر عزالدین زنجانی در صرف بوده و به تصریف الزنجانی هم مشهور می باشد. حسن پاشا این اثر را شرح کرده که یک نسخه از این شرح در کتابخانه سلیمانیه، جار الله افندی ۲۰۸۸ موجود می باشد.

۱- معجم المؤلفین تاریخ وفات حسن پاشا را ۱۰۲۵ هجری قید کرده است که این تاریخ اشتباه می باشد. زیرا وی اولاً از دانشمندان دوره سلطان بایزید بوده و ثانیاً بهمهرا شمس الدین فناری نزد

جمال الدین آقسرائی درس خوانده است و فناری بین سالهای ۷۵۱-۸۳۲ هجری می زیسته است. و جمال الدین آقسرائی نیز قبل از ۸۰۰ هجری وفات یافته است بنابراین تاریخ وفات ۸۲۷ درست تر می باشد.

۲- بورسا یکی از شهرهای ترکیه است.

منابع:

- الشقائق النعمانية : ص ۲۳. معجم المؤلفين : ج ۳، ص ۲۴۶.
 هديه العارفين : ج ۱، ص ۲۸۷. عثمانلی مؤلفلری : ج ۱، صص ۲۷۱-۲۷۲.
 كشف الظنون : ص ۱۷۰۸. دائره المعارف وقف ديانت تركيه : ج ۱۶، صص ۳۳۸ (۳۳۹).

(۱۳) محمدشاه فناری (ف: ۸۳۹ هـ / ۱۴۳۶ م).^۱

محمد شاه بن محمد بن حمزه ابن شمس الدين فناری؛ معروف به ابن فناری

شرح حال:

پسر شمس الدين فناری، از فقیهان بزرگ حنفی و جزء چند تن از بزرگان علمی عثمانی در سده نه هـ می باشد که هر کدام در رشته ای متخصص بودند. او در معانی و بیان، هیئت، قرائت و علوم متداول، یگانه عصر خود بود. دانشمند و فاضل هوشمندی که در زمان پدرش شمس الدين فناری- در حالی که فقط ۱۸ سال داشت- تدریس در مدرسه سلطانیه بورسا به او واگذار شد. در اولین روز تدریس، دانشمندان و فاضلان بورسا نزد او جمع شده و درباره مسائل و فنون مختلف از او سؤالاتی کردند؛ و او بر همه سؤالات بهترین پاسخها را داد. وی در بیروت، بورسا و استانبول قاضی بود که بعدها به مقام شیخ الاسلامی می رسید و نزد پادشاهان عثمانی مقرب می شود. از محمد شاه فناری چند اثر به زبان عربی به یادگار مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) رسالة في البيان : محمد شاه در علم بیان رساله ای نوشته که خطی می باشد و در منابع پس از جستجو مطلبی درباره آن

یافت نشد.

(۲) شرح أساس التصريف : اساس التصريف اثر شمس الدين فناری (پدر محمدشاه) می باشد که درباره صرف بوده و شامل

یک مقدمه و چند باب و یک خاتمه است. و محمد شاه این اثر پدرش را شرح کرده است. نسخه ای از این شرح در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۳۰۷۲ موجود است.

آثار دیگر:

(۱) نموذج العلوم : رساله ای است شامل مسائلی از صد فن که این اثر محمدشاه اشتباهاً به شمس الدين فناری (پدر

محمدشاه) نسبت داده شده است.

(۲) تلخیص الفصول و ترصیص الأصول: محمدشاه بر کتاب فصول البدائع فی اصول الشرائع که اثر پدرش در اصول فقه

می باشد حاشیه ای نوشته و آنرا تلخیص الفصول ... نامیده است.

(۳) عین الأعیان فی تفسیر سورة الفاتحة : این اثر محمدشاه در استانبول به سال ۱۳۲۶ ق چاپ شده است.

(۴) حاشیه علی شرح الوقایة : الوقایه اثر امام برهان الشریعه محمود ابن صدر الشریعه اول، در فروع فقه حنفی بوده و

محمدشاه بر شرح آن حاشیه ای نوشته است.

۱- تاریخ وفات محمد شاه در منابع متفاوت می باشد. در اعلام زرکلی ۸۲۰ هـ در مؤلفین کتب چاپی مشار ۸۳۴ هـ و در عثمانلی مؤلفلری ۸۳۰ هـ قید شده است.

منابع:

- الشقائق النعمانیة: ص ۲۳. الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۷۵.
عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، ص ۱۵. مولفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار: ج ۵، ص ۷۵۵.

(۱۴) شیخ قطب الدین ازنیقی (ف: ۸۲۱ هـ/ ۱۴۱۸ م)

شرح حال:

از دانشمندان و مشایخ مشهور سلطان بایزید در سده هشت و نه هـ بوده و در علوم شرعی و تصوف مهارت داشت. وی در ازنیق^۱ به دنیا آمد و نزد دانشمندان عصر خود به تحصیل پرداخت و در همه علوم بویژه در علوم شرعی ماهر گشت. شیخ قطب الدین در سال ۸۲۱ هـ در ازنیق فوت کرد. اثر ادبی از وی پس از جستجو یافت نشد.

آثار وی:

- (۱) کتاب الصلاة: این اثر ازنیقی، شامل مسایل شرعی درباره نماز است.
(۲) العقد الثمین و العقد الیمین.
(۳) زاد المعاد: این اثر در فروع فقه و اخلاق بوده و نسخه ای از آن در کتابخانه انجیرلی درگاهی که در بورسا واقع است، موجود می باشد.

منابع:

- الشقائق النعمانیة: ص ۲۴. معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۱۳۳.
قاموس الاعلام: ص ۳۶۷۲. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۱۴۴.

(۱۵) ابن جزری (۷۵۱-۸۳۳ هـ/ ۱۳۵۰-۱۴۲۹ م):

شمس الدین ابوالخیر محمدبن محمدبن محمدبن علی بن یوسف جزری عمری دمشقی، شیرازی، معروف به ابن

جزری

شرح حال:

مورخ، مفسر، فقیه مذهب شافعی، ناظم، عالم نحو و بیان، از حافظان حدیث و شیخ اقراء زمان خود در سده هشت و نه هـ، که در دمشق به دنیا آمد. ۱۳ ساله بود که قرآن را حفظ کرد و نزد برخی از شیوخ قرائت سبعة (هفتگانه) را آموخت و برای قاریان مدرسه‌ای به نام دار القرآن بنا کرد. چند بار به مصر سفر کرد و در آنجا قرائت اثنی عشری و ثلاث عشر، اصول، معانی و بیان را فرا گرفت و به دمشق باز گشت و قاضی دمشق شد. حدیث را از شاگردان دمیاطی و ابرقوهی، و فقه را از اسنوی و

۱- ازنیق یکی از شهرهای ترکیه می باشد.

آموخت. سپس به اسکندریه رفت و از شیخ الاسلام ابوالفدا اسماعیل بن کثیر اجازه فتوا گرفت. در سال ۷۹۳ هـ/ ۱۳۹۱ م قاضی شام شد. و در سال ۷۹۸ هـ/ ۱۳۹۶ م وارد مملکت عثمانی شد و در دارالملک سلطان بایزید واقع در بورسا اقامت گزید. جمع زیادی از اهالی بورسا قرائت عشر را نزد وی آموختند. هنگام ظهور فتنه تیمور در سال ۸۰۵ هـ/ ۱۴۰۳ م تیمور لنگ ابن جزری را بهمراه خود به ماوراءالنهر برد که بعدها به سمرقند انتقال یافته و در آنجا شرح المصابیح را تالیف می کند او سرانجام به شیراز کوچ می کند و در آنجا قاضی می شود. ابن جزری در همانجا به سال ۸۳۳ هـ/ ۱۴۳۰ م وفات می یابد. از وی آثار مشهور و منظوم فراوانی بر جای مانده که بیشتر آنها درباره قرائت می باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) الجوهره: منظومه ای در نحو است.

(۲) حاشیه علی الإيضاح: الايضاح اثر خطیب قزوینی در معانی و بیان است که ابن جزری این اثر را شرح کرده است.

آثار دیگر:

(۱) النشر فی القراءات العشر: این جزری این کتاب را درباره قرائت تالیف نموده است که در دو مجلد می باشد و در مصر چاپ شده است. مختصر این اثر التقریب و تحبیر التیسر فی القراءات العشر نام دارد.

(۲) طيبة النشر فی القراءات العشر: منظومه ای است درباره قرائت و در قاهره به سال ۱۲۸۲ هـ چاپ شده است.

(۳) الحصن الحصین من کلام سید المرسلین: کتاب پرارزشی حاوی دعاها و ذکرهای برگزیده پیامبر اکرم (ص) که در اخبار و احادیث آمده است. ابن جزری تالیف این اثر را در سال ۷۹۱ هـ در دمشق به پایان می رساند. این اثر در مصر به سال ۱۲۷۷ هـ، کلهنو ۱۸۷۷ م، و الجزایر ۱۳۲۸ هـ به چاپ رسیده است.

(۴) الدرّة المضيئة فی قراءات الأئمة الثلاثة المرضیة: در تمه قراءات عشر می باشد. و در قاهره به سال ۱۲۸۵ هـ چاپ شده است.

(۵) المقدمة الجزریة: منظومه ۱۰۷ بیتی در تجوید است که به الجزریه نیز معروف می باشد. این اثر مطبوع بوده و ابن جزری آنرا شرح کرده و زیاده التجویدات نامیده است که در ایران به سال ۱۳۲۱ هـ چاپ شده است.

(۶) النهایة: در طبقات قرآ است که در دو مجلد موجود می باشد و در قاهره به سال ۱۳۵۲ هـ چاپ شده است.

منابع:

الشفائق النعمانیة: صص ۳۰، ۲۵. معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۲۹۱

الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۷۴. هدیه العارفین: ج ۶، ص ۱۸۷.

معجم المطبوعات العربیة: ص ۶۲.

(۱۶) ابن ملک (ف ۸۰۱ هـ/ ۱۳۹۹ م)^۱

شرح حال:

۱- تاریخ وفات ابن ملک در کشف الظنون و معجم المطبوعات العربیة سال ۸۵۵ هجری قید شده است.

فقیه، دانشمند اصول، محدث، صوفی و از مشهورترین دانشمندان حنفی مذهب دوره سلطان بایزید در سده هشت و نه هـ می باشد. وی پیچیدگی های علوم را حل می کرده است و در همه علوم بویژه در علوم شرعی مهارت داشت. او معلم امیر محمد بن آیدین بود و در تیره یکی از توابع از میر^۱ سکنی داشت و در آنجا تدریس می کرد. آرامگاه وی در تیره می باشد.

آثار وی:

(۱) شرح منار الأنوار: شرحی است بر منار الانوار اثر امام ابوالبرکات عبدالله بن احمد معروف به حافظ الدین نسفی در اصول فقه. این شرح برای اولین بار در آستانه به سال ۱۳۱۴ هـ به چاپ رسیده است.

(۲) شرح مجمع البحرين: شرح بسیار زیبایی است بر مجمع البحرين اثر مظفر الدین احمد بن علی بغدادی معروف به ابن ساعتی در فروع فقه حنفی.

(۳) مبارق الأزهاري شرح مشارق الأنوار: مشارق الانوار اثر امام رضی الدین حسن ابن محمد الصاغانی درباره حدیث است که نام کامل آن: مشارق الانوار النبویه من صحاح الاخبار المصطفویه است. ابن ملک بر این اثر شرح زیبایی نوشته و نکات بی شماری را در آن آورده است. تعداد زیادی از فاضلان این اثر را شرح نموده اند که شرح ابن ملک مشهورترین آنهاست. این اثر در چاپخانه شرکت خیریه آستانه به سال ۱۳۱۱ هـ به چاپ رسیده است.

(۴) رسالة في التصوف: ابن ملک رساله ای در تصوف، اهل آن و تحقیق مذهبشان نوشته که این رساله گواهی است بر اینکه وی در تصوف نیز دانش و معلومات فراوانی داشته است.

(۵) شرح تحفة الملوك: متن کتاب از ابی بکر رازی در فروع فقه حنفی می باشد که ابن ملک آنرا شرح کرده است.

(۶) بدر الواعظین و ذخیر العابدین: ابن مالک این اثر را درباره اخلاق و موعظه نوشته که مشتمل بر احادیث، آثار، حکایات، و اشعار فراوان بوده و در دو مجلد می باشد. وی آنرا به سلطان بایزید اهدا نموده است.

منابع:

- | | |
|------------------------------|--------------------------------------|
| الشفائق النعمانية: ص ۳۰. | معجم المؤلفين: ج ۶، ص ۱۱. |
| هدیه العارفين: ج ۱، ص ۲۱۷. | معجم المطبوعات العربیه: ص ۲۵۲. |
| عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۱۹. | كشف الظنون: صص ۲۳۱، ۲۷۵، ۱۸۵۳، ۱۶۰۱. |
- فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی مرعشی، شماره ۱۲۱۹۳.

(۱۷) ابن ملک زاده (ف: ۸۵۴ هـ / ۱۴۵۰ م)

محمد افندی ابن عبد اللطیف بن ملک، معروف به ابن ملک زاده

شرح حال:

وی از دانشمندان دوره سلطان بایزید در سده نه و پسر ابن ملک است که از شرح حال وی پس از جستجو مطلبی یافت نشد. او آثاری به زبانهای ترکی و عربی دارد.

آثار وی:

۲- از میر یکی از شهرهای ترکیه است.

۱) الفصائل: کتابی است به زبان عربی، در فضیلت ماههای رجب، شعبان، رمضان.
 ۲) روضه المتقین فی مصنوعات رب العالمین: نسخه ای از این اثر که ابن ملک زاده با دست خط خویش نوشته است در کتابخانه اسماعیل پادشاه بغدادی موجود می باشد. این اثر وی به زبان ترکی ترجمه شده است.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۳۱. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۸) عبد الرحمن انطاکی (ف: ۸۵۸ هـ/ ۱۴۵۴ م)

زین العابدین عبد الرحمن بن محمد بن علی بن احمد بن محمد انطاکی

شرح حال:

از مشایخ و دانشمندان حنفی دوره سلطان بایزید در سده نه و عالم به علوم حدیث، تفسیر، فقه، خواص الحروف و تصوف بوده و در علم تاریخ نیز مهارت داشت.

وی در آنتاکیا^۱ به دنیا آمد و مدتی در قاهره به تحصیل علوم پرداخت. و هنگامی که به علوم علاقمند شد به کشورهای مختلفی از جمله شام، قاهره و بلاد غرب سفر کرد تا اینکه به هدف خود رسید. سپس وارد شهر بوسا شد و آنجا را بعنوان موطن خود برگزید و سرانجام در همانجا نیز فوت کرد. فناری با عبد الرحمن انطاکی ملاقات کرده و در علوم غریبه از او بهره فراوان جست. وی در خواص اسماء و در تاریخ تصنیف های بی شماری دارد.

آثار وی:

۱) الفوائد المسکة فی الفوائد المکیة: این کتاب بهترین تصنیف عبد الرحمن انطاکی در تصوف می باشد که با کتاب فتوحات مکه ابن عربی رقابت می کند. وی بیش از یکصد موضوع علمی را در این کتاب وارد کرده و آنرا در یکصد فصل مرتب نموده است. ولی فقط توانسته است که ۳۰ فصل آنرا به اتمام برساند. کتاب مذکور خطی می باشد.

۲) مناهج التوسل فی مباحج التوسل: وی این اثر را در ۶۶ لطیفه تنظیم کرده و دربار هر کدام نیز رازی پنهانی را ذکر نموده و سپس به دنبال آن، نکته و حکایتی آورده است. این اثر همراه با کتاب جنان الجناس صلاح الدین صفوی در چاپخانه الجوانب به سال ۱۲۹۹ هـ چاپ شده است.

۳) نظم السلوک فی تواریخ الخلفاء و الملوک: وی در این اثر خود تاریخ را از هجرت تا سال ۸۰۶ هـ به اختصار درآورده است.

۴) شمس الآفاق فی علم الحروف و الأوفاق: اثر وی در یک مجلد بزرگ بوده است که به ترتیب حروف تنظیم شده است.
 ۵) الفوائد السنية: عبد الرحمن انطاکی اثر تهذیب الاسماء و اللغات امام محیی الدین یحیی ابن شرف النووی را تلخیص نموده و آنرا الفوائد السنية نامیده است. تهذیب الاسماء ... کتاب مشهور در یک مجلد است که النووی در آن الفاظ موجود در شش کتاب را جمع کرده است. این شش کتاب عبارتند از مختصر المزنی، المذهب، الوسیط، التنبیه، الوجیز و الروضه. و در آنها همه

۱- آنتاکیا از شهرهای ترکیه است.

لغات لازم موجود است. النوی علاوه بر اینها نام های رجال، ملائکه و جنها را که در این کتابها موجود نیست، ضمیمه کرده است و اثر خود را بر دو قسمت ترتیب نموده است که قسمت اول درباره نامها و قسمت دوم درباره لغات می باشد.

۶) *درة الآفاق في علم الحروف والأوقاف*: اثر وی می باشد که پس از جستجو درباره آن مطلبی یافت نشد.

۷) *درة الألفاظ البلغاء و غرر الحاظ الفصحاء*: پس از جستجو مطلبی درباره این اثر به دست نیامده است.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۳۱. معجم المؤلفين: ج ۱، ص ۱۸۴.
هدیه العارفين: ج ۱، ص ۵۳۱. معجم المطبوعات العربيه و المعريه: ص ۵۶۴.
الاعلام، زرکلی: ج ۴، ص ۹۱. کشف الظنون: صص ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴.

۱۹) ابن قاضی سماو (ف ۸۱۸ هـ/ ۱۴۱۵ م)^۱

شیخ بدرالدین محمد (محمود) بن قاضی اسرائیل بن عبد العزیز سیمای، معروف به ابن قاضی سماو^۲
شرح حال:

از مشایخ متصوف و حنفی مذهب دوره سلطان بایزید در سده هشت و نه هـ بود که در قلعه سماونه از توابع کوتاهیه در دوران سلطان مراد (۷۶۱-۷۹۱ هـ) به دنیا آمد.

پدرش در آنجا قاضی و امیر لشکر بود. و قلعه سماونه را نیز پدر در زمان سلطان مراد، فتح کرده بود. ابن قاضی سماو تحصیل را در اوان خردسالی و در نزد پدر شروع و قرآن را حفظ میکند. صرف و نحو را از مولی یوسف یاد گرفته و سپس راهی مصر می گردد. و همراه با شریف جرجانی نزد مبارک شاه- عالم منطق و مدرس قاهره و شیخ اکمل الدین تحصیل نموده و به تمام علوم زمان خود نائل می شود. پس از مدتی جهت ارشاد به تبریز می رود. و در مناظره ای که میان تیمور و دانشمندان رخ داده بود به عدالت حکم می کند و همه از حکم شیخ راضی می شوند. و دانشمندان به فضل ایشان اعتراف کرده و تیمور نیز به او هدایای زیادی عطا می کند.

ابن قاضی سماو سپس به حلب، قونیه، و تیره سفر کرده و در ادرنه به مقام قاضی عسکری می رسد. وی از روی حسادت سخن چینان در ازینق زندانی می شود و بعد به زغره (از ولایات روم ایلی) می گریزد و در آنجا نیز از سوی مفسدان به تلاش برای به دست آوردن سلطنت متهم گشته و در سیروز کشته می شود.

آثار ادبی وی:

۱) *عنقود الجواهر*: ابن قاضی سماو اثر المقصود در صرف را شرح نمود و آنرا *عنقود الجواهر* نامیده است. بنا به روایات کشف الظنون، مولف المقصود، مجهول می باشد.

آثار دیگر:

۱- تاریخ وفات ابن قاضی سماو در منابع متفاوت می باشد: در شقائق و معجم المطبوعات سال ۸۱۸ هجری در معجم المؤلفین الاعلام زرکلی، هدیه العارفين و کشف الظنون ۸۲۳ هجری ذکر شده است.

۲- در اکثر منابع نام شیخ بدرالدین به اشتباه *ابن قاضی سماونه* آمده است که صحیح آن *ابن قاضی سماو* می باشد. و سماو شهری از توابع کوتاهیه در ترکیه است.

۱) *الطائف الإشارات*: ابن قاضی سماو هنگامی که در ازنیق زندانی بود این اثر را در فقه تالیف و بر آن شرحی به نام التسهیل نوشته است.

۲) *جامع الفصولین*: این اثر تالیف وی در فروع فقه حنفی بوده و در آن اثرهای فصول العمادی و فصول الاستر و شنی را جمع کرده است. این کتاب از کتابهای مشهور او بوده و بویژه بدلیل اینکه در مورد معاملات می باشد در دست حکام متداول بود. ابن قاضی سماو این تالیف را در ۴۰ فصل تنظیم کرده و آنرا به سال ۸۱۴ هـ به پایان رسانده است. کتاب مذکور در دو مجلد می باشد که همراه با حاشیه اللالی الدریه فی الفوائد الخیریه در چاپخانه الازهریه به سال ۱۳۰۰ هـ به چاپ رسیده است.

۳) *أسرار الدقائق*: تالیف وی در تصوف بوده و خطی می باشد.

منابع:

- | | |
|--|----------------------------|
| معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۱۵۲. | الشقائق النعمانیة: ص ۳۳. |
| معجم المطبوعات العربیة و المعریة: ص ۲۱۰. | هدیه العارفین: ج ۶، ص ۴۱۰. |
| كشف الظنون: ص ۱۸۰۷. | الاعلام، زرکلی: ج ۸، ص ۴۰. |

۲۰) حاجی پاشا (ف: ۸۲۰ هـ / ۱۴۱۷ م)

جلال الدین خضر بن علی ابن مروان بن علی بن حسام الدین، معروف به حاجی پاشا آیدینی. شرح حال:

از دانشمندان علوم عقلی و حکمی دوره سلطان بایزید در سده هشت و نه هـ بوده و اگر چه به آیدینی^۱ معروف شده است اصلاً از مردم قونیه می باشد. حاجی پاشا به مصر سفر کرده و نزد شیخ اکمل الدین به تحصیل می پردازد. مدتی سخت بیمار می شود و از اینرو به طب روی آورده و در آن ماهر می شود بطوریکه بیمارستان مصر به او واگذار می شود. وی آثار مختلفی در زمینه های تفسیر و طب بر جای گذاشته است.

آثار وی:

۱) *مجمع الأنوار فی جمع الأسرار*: تفسیر دو جلدی که به زبان عربی نگاشته است. نسخه ای از آن در کتابخانه جلال الله ولی الدین افندی موجود می باشد.

۲) *مسالك الكلام في مسائل الكلام*: این اثر حاجی پاشا، شرح طوابع الانوار بیضاوی در دقائق علم کلام است.

۳) *شرح مطالع الأنوار*: شرحی است بر مطالع الانوار قاضی سراج الدین محمود ارموی در منطق.

منابع:

- | | |
|--------------------------------|------------------------------|
| الشقائق النعمانیة: ص ۳۴. | هدیه العارفین: ج ۱، ص ۹۴۵. |
| معجم المؤلفین: ج ۴، ص ۱۰۱. | قاموس الاعلام: ص ۱۹۰۶. |
| معجم المطبوعات العربیة: ص ۷۳۳. | عثمانلی مؤلفلری: ج ۳، ص ۲۱۱. |

۱- آیدین از شهرهای ترکیه است.

(۲۱) حیدر ابن محمود حوافی (۷۸۰-۸۵۴هـ / ۱۳۷۸-۱۴۵۱م)

برهان الدین حیدر بن محمود (محمد) حوافی هروی.

شرح حال:

مفسر، متکلم، مفتی مملکت عثمانی و از دانشمندان بزرگ معانی و بیان در سده هشت و نه هـ می‌باشد. او شاگرد علامه تفتازانی بوده و از دانشمندان بزرگ دوره سلطان محمد پسر یلدرم بایزید می‌باشد. حیدر حوافی همان دانشمندی است که در سیروز فتوای اعدام ابن قاضی سماو را صادر کرده بود.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح الإيضاح: الايضاح اثر محمد بن عبد الرحمن قزوینی در معانی و بیان می‌باشد که حیدر حوافی آنرا شرح کرده

است.

آثار دیگر:

(۱) شرح فرائض السراجیة: شرحی است بر اثر سید شریف جرجانی در فرائض.

(۲) شرح المواقف: شرحی است بر اثر الایجی در علم کلام.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۳۷. هدیة العارفین: ج ۱، ص ۳۴۱

معجم المؤلفین: ج ۴، ص ۹۲. قاموس الاعلام: ص ۱۳۰۲

(۲۲) قرا یعقوب (۷۸۹-۸۳۳هـ/۱۳۸۷-۱۴۳۰م)

یعقوب ابن ادریس بن عبدالله نکیده ای، لارندی، معروف به قرا یعقوب.

شرح حال:

از فقیهان بزرگ حنفی در سده هشت و نه هـ می‌باشد. در اصول، معانی و بیان و علوم عربی مهارت داشت. وی نحوی و مفسر بود. در نکیده از توابع کارامان ترکیه به دنیا آمد و در همانجا تحصیل را آغاز کرد. سپس به شام و قاهره رفت و دوباره به وطن خود بازگشت و تا آخر عمر در لارنده (مرکز نکیده) اقامت گزید. وی در لارنده مدرس و مفتی بود. و آثاری را به زبان عربی بر جای گذاشته است.

آثار وی:

(۱) شرح مصابیح السنة: شرحی است بر مصابیح السنة بغوی در حدیث.

(۲) شرح مشکاة المصابیح: شرحی است بر اثر بغوی.

(۳) شرح الهدایة: شرحی است بر الهدایة مرغینانی در فقه حنفی.

منابع:

الشقائق النعمانية: صص ۳۹-۴۰. معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۲۴۱

هدیه العارفین: ج ۶، ص ۵۴۶. الاعلام، زرکلی: ج ۹، ص ۲۵۴.

(۲۳) علامه کافیه جی

(۷۸۸-۸۱۷هـ/۱۳۸۶-۱۴۷۴م)

ابو عبدالله محیی الدین محمد بن سلیمان بن سعد بن مسعود برغمی، مشهور به کافیه جی.
شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی در سده هشت و نه هـ می باشد. علامه کافیه جی به سبب سر و کار زیادش با کتاب کافیه به این نام مشهور شده است. وی در علوم عقلی مانند کلام، اصول، فقه، نحو، صرف، اعراب، معانی و بیان، جدل، منطق، فلسفه و هیئت علامه بود. و مهارت در فقه و تفسیر داشت. او در حدیث نیز صاحب نظر بوده و دارای تصنیفاتی می باشد. در علوم عقلی هم تصنیفات بی شماری دارد.

کافیه جی در «ککجه کی» از توابع شهر صروخان ترکیه به دنیا آمد و اصلاً از اهالی برغمه^۱ می باشد. او از شاگردان شمس الدین فناری و ابن ملک بوده است و سیوطی نیز از همشینیان وی می باشد. کافیه جی ابتدا به تبریز و سپس به مصر رفت و نزد علما و فضلاء بزرگ به تحصیل پرداخت و در مصر به مقام شیخ الاسلامی خانقاه رسید و مشهور گشت. و سرانجام در مصر به سال ۸۷۹ هـ وفات یافت.

وی آثار زیادی از خود بر جای گذاشته است که بیشتر آنها مختصر می باشند.

آثار ادبی وی:

- (۱) شرح قواعد الإعراب: الإعراب عن قواعد الإعراب اثر ابن هشام نحوی است و کتاب مختصری در قواعد اعراب می باشد. این کتاب ۴ باب دارد که عبارتند از: (۱) جمله و احکام آن (۲) جار و مجرور. (۳) بیست کلمه. (۴) اشاره.
- کافیه جی آن را شرح کرده است و از بهترین شرحهایی است که بر کتاب فوق نوشته شده است.
- (۲) نزهة المعرب: اثر وی در نحو بوده و خطی می باشد.
- (۳) رساله ای شامل ۱۱۳ بحث درباره جمله زید قائم.
- (۴) تشریح مسألة الاستثناء.
- (۵) الإلحاح بإفادة لَوِّ للإمتناع: این اثر خطی می باشد که پس از جستجو چیز زیادی درباره آن یافت نشد.

آثار دیگر:

- (۱) التیسیر فی علم التفسیر: مختصری در علوم تفسیر می باشد. کافیه جی می گوید که این علم را خودش کشف کرده است و این اثر از مفیدترین آثار او به شمار می آید.
- (۲) أنوار السعادة: شرحی است بر کلمه شهادت.
- (۳) مختصر فی علم الحديث.
- (۴) نزهة الأرواح و غبطة الأشباح: تالیف وی در تصوف است.
- (۵) المختصر المفید: تالیف وی در علم تاریخ می باشد.
- (۶) تفسیر الآيات المتشابهات.
- (۷) شرح الأسماء الحسنی.

منابع:

۱- برغمه از شهرهای ترکیه می باشد.

الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۲.

هدیه العارفین: ج ۶، ص ۲۰۸.

عثمانلی مؤلفری: ج ۲، ص ۴.

الشقائق النعمانية: صص ۴۱-۴۰.

معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۵۱.

كشف الظنون: ص ۱۹۳۹.

(۷۸۶-۸۵۶هـ/۱۳۸۴-۱۴۵۲م)

(۲۴) ابن غانم

شیخ عبداللطیف بن عبدالرحمن بن احمد بن علی بن غانم سعدی، خزرچی، انصاری، مقدسی. معروف به ابن غانم و ابن بنانه شرح حال:

دانشمند، ادیب و از مشایخ و صوفیان شافعی مذهب دوره سلطان محمد در سده هشت و نه هـ می باشد. که در قدس به دنیا آمد. ابتدا به تحصیل علوم پرداخت و سپس به تصوف روی آورد و به خدمت شیخ عارف عبدالعزیز رسید و از او اجازه ارشاد گرفت. هنگامی که شیخ زین الدین خافی به قدس رفت ابن غانم با او ملاقات می کند. وی به خراسان و جام و سپس به دمشق رفته و از آنجا به شهر قونیه می رود و پس از زیارت آرامگاه مولانا جلال الدین بلخی عازم بوسا می شود و در همانجا نیز فوت می کند.

آثار وی:

(۱) تحفة المواهب في المقامات و المراتب: ابن غانم این کتاب را در بیان مقامات و مراتب تالیف کرده است.

(۲) الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر: درباره این اثر پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

(۳) نفحة الأسحار و رحلة الأسرار علی منهج المختار إلی مشهد الأنوار: منظومه رانیه وی می باشد که پس از جستجو درباره

آن چیزی یافت نشده است.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۶، ص ۱۰.

كشف الظنون: ص ۱۹۶۸.

الشقائق النعمانية: صص ۴۲-۴۱.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۶۱۶.

(۲۵) یوسف بالی ابن یکان (ف: ۸۹۵هـ / ۱۴۹۰م)

ستان الدین یوسف بالی محمد یکان بن ارمغان، مشهور به ابن یکان.

شرح حال:

وی اصلاً از اهالی آیدین می‌باشد که در شهر بورسا سکونت داشت. از فقیهان حنفی مذهب سده نه هـ، عالم و مدرس برخی از مدارس بورسا بود که در همانجا نیز وفات یافته است.

آثار وی:

(۱) حاشیه علی أوائل التلویح: حاشیه‌ای است از ابن یکان بر اثر تلویح تفتازانی در اصول فقه.

(۲) شرح الهدایة: شرحی است بر الهدایه شیخ الاسلام مرغینانی در فروع.

منابع:

الشقائق النعمانیة: ص ۴۹.

معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۳۲۸.

(۲۶) سید احمد بن عبدالله فریمی (قریمی): (ف ۸۶۲هـ / ۱۴۵۸م)

شرح حال:

اصلاً از اهالی فریم بوده است و هنگامی که فریم رو به خرابی می‌نهد به مملکت عثمانی می‌رود. و از طرف سلطان مراد بعنوان مدرس مدرسه‌ای در شهر مرزفون^۱ منصوب می‌گردد بعدها در زمان سلطان محمد فاتح به استانبول رفته و به تدریس مشغول می‌شود. هنگامی که سلطان محمد فاتح درباره احوال شهر فریم و سبب خرابی آن سوال می‌کند، وی در پاسخ می‌گوید: «آنجا شهری بزرگ با ۶۰۰ مفتی و ۳۰۰ مصنف بود که با علم معمور بوده است اما رو به خرابی نهاد. زیرا که وزیری پیدا شد که دانشمندان را خوار شمرد و توهین کرد. و دانشمندان که همانند قلب در وجود انسان هستند همگی پراکنده شدند و در نتیجه شهر خراب گشت.»

احمد فریمی سرانجام در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح اللباب: اللباب اثر اسفراینی در نحو است که آنرا در یک مقدمه و چهار بخش تنظیم کرده است. بخش اول در

اعراب، دوم: معرب، سوم: عوامل و چهارم: مقتضای اعراب می‌باشد. و احمد فریمی آنرا شرح کرده است.

(۲) المعول: حاشیه‌ای است بر المطول تفتازانی در معانی و بیان.

(۳) حاشیه علی لبّ الالباب: لبّ الالباب فی علم الاعراب اثر اسفراینی می‌باشد که مختصر کافی ابن حاجب است. و

حاوی فروع و نحو و مواد آن بوده و شامل دقایق اسرار عربی است. این اثر را نقره کار شرح کرده است و احمد فریمی نیز بر آن شرح، حاشیه‌ای نوشته است.

۱- مرزفون یکی از شهرهای ترکیه است.

آثار دیگر:

- (۱) شرح العقائد: شرحی است بر «عقاید» علامه تفتازانی.
 (۲) حاشیه علی التلویح: حاشیه‌ای است که احمد فریمی بر «تلویح» علامه تفتازانی در اصول فقه نوشته است.

منابع:

- الشفائق النعمانیة: ص ۵۰. هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۳۱.
 قاموس الاعلام: ص ۷۹۰. معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۲۹۷.
 کشف الظنون: صص ۱۹۲، ۴۷۵.

. *****

(۲۷) ملاکورانی (۸۱۳-۸۹۳هـ / ۱۴۱۰-۱۴۸۸م).

شیخ الاسلام، شمس الدین احمد بن اسمعیل بن عثمان کورانی.

شرح حال:

از دانشمندان دوره سلطان مراد دوم و سلطان محمد فاتح در سده نهم هـ می‌باشد. مفسر، محدث، دانشمند اصول و فقه حنفی مذهبی که ابتدا شافعی بود. وی وقت خود را صرف تدریس، فتوا، تصنیف و عبادت می‌کرد. حدیث، علوم قرآنی و تفسیر تدریس می‌نمود.

ملا کورانی اصلاً کرد و از اهالی شهر زور^۱ بود. در موطن خود به تحصیل علوم پرداخت و سپس به قاهره رفت و در آنجا فقه شد و قرآت عشر را به نحو احسن فرا گرفت. او به هنگامی که در قاهره بود با ملا یکان ملاقات کرده بود. کورانی سپس به مملکت عثمانی رفته و به خدمت سلطان مراد رسید و سلطان با دیدن فضائل ملا او را به عنوان مدرس شهر بورسا تعیین نمود. در آن زمان سلطان محمد پسر سلطان مراد امیر شهر مغنیا بود و از معلمانی که پدرش می‌فرستاد چیزی یاد نگرفته و قرآن را نیز ختم نکرده بود. سلطان مراد ملاکورانی را بعنوان معلم پسر خود تعیین نمود و از او خواست که اگر محمد از دستورش نافرمانی کند، او را کتک بزند. هنگامی که کورانی نزد سلطان محمد می‌رسد، و خواست پدرش را به او می‌گوید، سلطان محمد او را مسخره می‌کند و کورانی نیز او را در آن مجلس به شدت کتک می‌زند. پس از آن سلطان محمد از هیبت ملا ترسیده و قرآن را در مدت کوتاهی ختم می‌کند.

ملا کورانی در دوران سلطنت سلطان محمد فاتح به سمتهای قاضی عسکری، قضاء بورسا و فتوا منصوب شد و مدت هشت سال شیخ الاسلام بوده است. وی در استانبول وفات یافت.

آثار ادبی وی:

- (۱) المرشح: ملا کورانی «کافیه» ابن حاجب را که در نحو است، شرح کرده و آنرا المرشح نامیده است.
 (۲) شافیه: قصیده‌ای ۶۰۰ بیتی درباره عروض می‌باشد.

آثار دیگر:

- (۱) غایة الأمانی فی تفسیر السبع المثانی: تفسیر قرآن است که کورانی در این تفسیر خود ایرادهای بسیاری بر علامه زمخشری و علامه بیضاوی وارد کرده است.

۱- شهر زور: ولایتی در عراق که در منطقه کوه‌های کردستان و در مرز صفویان واقع بود.

(۲) الکوتر الجاری علی ریاض البخاری: این اثر شرح بخاری است در سه مجلد. وی در آن بسیاری از مواضع شرح کرمانی و ابن حجر را رد کرده است.

(۳) در اللوامع: شرح «جمع الجوامع» در فقه است.

(۴) فرائد الدرر فی شرح لوامع الفرر: درباره علم قرائت می‌باشد.

منابع:

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| الشفائق النعمانیة: صص ۵۱، ۵۵. | معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۲۸۸. |
| الاعلام، زرکلی: ج ۱، ص ۹۴. | هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۳۵. |
| عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، ص ۳. | |

(۲۸) خضر بیک (خضر بی) (۸۱۰-۸۶۳هـ/۱۴۰۷-۱۴۵۹م)

خیر الدین خضر بیک بن قاضی جلال الدین ابن صدر الدین ابراهیم، ملقب به «جرب العلم».

شرح حال:

از دانشمندان بزرگ عثمانی در نحو، صرف، معانی و بیان، عروض، کلام و ... در سده نه هـ می‌باشد. وی در شهر سوریه حصار ترکیه به دنیا آمد. پدرش در آن زمان قاضی آنجا بود. خضر بیک مبانی علوم را نزد پدر آموخت و سپس به ملا یکان پیوست و علوم عقلی و نقلی و دیگر علوم متداول را نزد او تحصیل کرد. او با دختر یکان ازدواج کرد و در سوریه حصار و بورسا مدرس شد. وی به شدت به علوم عشق می‌ورزید و بدین سبب فنون بی‌شماری را یاد گرفت.

می‌گویند که پس از شمس الدین فناری کسی همانند او بر علوم غریبه مسلط نبوده است. دانشمندان بسیاری همچون قسطلی، علاءالدین عربی، خطیب‌زاده، خواجه زاده، و خیالی از محضر درسی او بهره جستند. خضر بیک تیزهوش و کثیر الحفظ بود و از ادبیات عربی، ترکی و فارسی معلومات زیادی داشت و ماهرانه به هر سه زبان شعر می‌سرود وی اولین کسی است که گفتن تاریخ با حساب ابجد را در شعر ترکی ابداع نموده است. خضر بیک به غایت به عربی مسلط بوده و منظومه‌های محکمی به عربی سروده است.

وی پس از فتح استانبول از سوی سلطان محمد فاتح، بر منصب قضاء استانبول، تعیین می‌شود و اولین قاضی آنجا می‌باشد. و تا آخر عمر نیز بر همان منصب باقی می‌ماند.

آثار ادبی وی:

(۱) عجاله لیلۃ أو لیلتین: این اثر قصیده نونیه خضر بیک است که آن را در خطاب به سلطان محمد فاتح سروده است.

(۲) أرجوزة فی العروض.

(۳) القصیده التائیة: قصیده‌ای ادبی می‌باشد که احساسات شاعرانه خضر بیک را منعکس می‌کند.

آثار دیگر:

(۱) القصیده النونیة التوحیدیة فی العقائد الإسلامیة: مشهورترین اثر خضر بیک می‌باشد. قصیده‌ای در ۱۰۵ بیت در

خصوص عقائد که در استانبول به سال ۱۲۵۸ هـ چاپ شده است.

(۲) حاشیة علی شرح تجرید العقائد.

منابع:

- الشقائق النعمانية: صص ۵۵، ۵۸. معجم المؤلفين: ج ۴، ص ۱۰۰.
 الاعلام زرکلی: ج ۱، ص ۹۴. هديه العارفين: ج ۱، ص ۳۴۶.
 عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۹۰. قاموس الاعلام: ص ۲۰۴۷.
 معجم المطبوعات العربيه: ص ۸۲۴.

(۲۹) خضر شاه (ف: ۸۵۳هـ/۱۴۴۹م)

خضر شاه بن عبداللطيف متشوی

شرح حال:

دانشمند اصول، متکلم و حکیم حنفی مذهب دوره سلطان مراد در سده نه هـ می باشد. اصلاً از اهالی «متشه» ترکیه می باشد. علوم را در موطن خود فرا گرفته سپس عازم مصر می شود. و پس از ۱۵ سال اقامت در آنجا دوباره به کشور خود باز می گردد. او مشغول علوم و عبادت بوده و به زندگی مختصری قناعت داشت و از امور دنیوی روی گردان بود و سرانجام در موطن خود وفات نمود.

آثار وی:

- ۱) تعلیقه علی التلویح: تعلیقه ای است که خضر شاه بر تلویح تفتازانی در اصول نوشته است.
 ۲) شرح التجرید: شرحی است بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی در کلام.
 ۳) تعلیقات علی التنقیح: تعلیقاتی است که خضر شاه بر «تنقیح» تفتازانی در اصول نوشته است.

منابع:

- الشقائق النعمانية: ص ۵۹. معجم المؤلفين: ج ۴، ص ۱۰۸.
 عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۸۹. کشف الظنون: صص ۱۷۸۱، ۴۹۷، ۳۵۱.

(۳۰) علاءالدین طوسی (ف: ۸۷۷هـ/۱۴۷۲م)^۱

علاءالدین علی بن محمد بتارکانی، طوسی.

شرح حال:

وی از دانشمندان و حکیمان مشهور و از فقیهان حنفی مذهب در سده نه هـ می باشد که پس از تکمیل علوم عقلی و نقلی در ایران؛ به مملکت عثمانی رفته و از سوی سلطان مراد به تدریس در مدرسه بورسا گمارده می شود. سلطان محمدفاتح نیز

۱- تاریخ و محل وفات علی طوسی در منابع متفاوت می باشد: در کتاب الاعلام زرکلی و معجم المؤلفين سال ۸۷۷ هـ؛ در هديه العارفين: سال ۸۸۷ هـ؛ مؤلفین کتب چاپی مشار: سال

۸۶۰ هـ و سمرقند؛ در معجم المطبوعات سال ۸۸۵ هـ خراسان و یا تبریز ذکر شده است.

که پس از فتح استانبول کلیسای آنجا را به مدرسه تبدیل کرده بود؛^۱ یکی از آنها را در اختیار علاءالدین طوسی قرار می دهد. سلطان محمد فاتح گاهی همراه با وزیر خود محمود پاشا به حلقه درس علاءالدین طوسی می رفت و نزد او «حواشی شرح عضد» اثر سید شریف را می خواند. سلطان محمد به علاءالدین طوسی و خواجهزاده دستور می دهد تا برای محاکمه بین کتابهای «تهافت الفلاسفه» امام غزالی و «الحکماء» ابن رشد، کتابی تصنیف کنند. علاءالدین طوسی کتاب خود را دیرتر از خواجهزاده تمام کرد و آن را «الذخیره» نامید. کتاب خواجهزاده بر کتاب طوسی ترجیح داده شد و این سبب گردید که طوسی مملکت عثمانی را ترک و به تبریز و از آنجا به ماوراءالنهر برود.

وی پس از مدتی از تمامی مشاغل دنیوی قطع علاقه کرده و به سیر و سلوک و تصوف روی آورد. و سرانجام در سمرقند و یا به روایتی دیگر در خراسان و یا در تبریز دار فانی را وداع گفت. تصانیف او نزد تمامی دانشمندان مورد قبول می باشد.

آثار وی:

(۱) الذخیره فی المحاکمه بین الغزالی و ابن رشد : موضوع آن فلسفی است و علی طوسی این کتاب را به دستور سلطان محمد فاتح در محاکمه بین کتاب «تهافت الفلاسفه» غزالی و «الحکماء» ابن رشد نوشته است. در حیدرآباد به سال ۱۳۱۷ هـ چاپ شد.

(۲) حاشیه علی التلویح : حاشیه ای است بر تلویح نقتازانی در اصول.

(۳) حاشیه علی لوامع الأسرار : این اثر درباره منطق و حکمت می باشد.

منابع:

- | | |
|---|--|
| الشقائق النعمانیة : صص ۶۰-۶۱. | معجم المؤلفین : ج ۷، ص ۱۸۵. |
| الأعلام، زرکلی : ج ۱، ص ۱۶۲. | هدیه العارفین : ج ۱، ص ۷۳۷. |
| فهرست کتب چاپی عربی خان بابا مشار : ص ۳۹۰ | مؤلفین کتب چاپی خان بابا مشار : ج ۴، ص ۳۰۳ |
| معجم المطبوعات العربیة : ص ۱۲۴۸. | |

(۳۱) حمزه قرامانی (ف: ۸۷۱ هـ / ۱۴۶۷ م)

نورالدین حمزه بن محمود قرامانی

شرح حال:

وی از مردم کارامان ترکیه و از مفسران و دانشمندان دوره سلطان مراد در سده نه هـ می باشد. که علوم شرعی، تفسیر و حدیث را نزد دانشمندان عصر خویش یاد گرفت و در همه آنها به متهای فضیلت رسید. او با تدریس و فتوا مشغول بود و در موطن خود وفات یافته است.

آثار وی:

۱- مدتی بعد از سوی سلطان محمد فاتح هشت مدرسه بنا می شود و تدریس از این کلیساها به این مدارس منتقل می شوند. این مدارس به «مدارس هشتگانه» مشهور بودند.

(۱) تفسیر التفسیر فی التیسیر و التیسیر: این اثر حاشیه‌ای بر «انوار التنزیل» بیضاوی در تفسیر زهراوین (سوره بقره و آل عمران) می‌باشد که نزد دانشمندان حاشیه مقبولی است.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۶۲. معجم المؤلفین: ج ۴، ص ۸۱

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۳۷.

(۳۲) ابن تمجید (ف: ۸۴۲ هـ/ ۱۴۳۸ م)

مصلح الدین مصطفی بن ابراهیم، مشهور به ابن تمجید

شرح حال:

وی از مفسران و از دانشمندان دوره سلطان مراد است. او معلم سلطان محمد فاتح بود و آثاری منظوم به عربی و فارسی دارد و در حدود سال ۸۴۲ هـ وفات یافته است.

آثار وی:

(۱) حاشیه علی تفسیر البیضاوی: ابن تمجید بر تفسیر علامه بیضاوی حاشیه‌ای نوشته؛ وی آن را از حاشیه کشاف تلخیص نموده است. در سه مجلد می‌باشد و در استانبول به سال ۱۲۸۵ هـ چاپ شده است.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۶۲. معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۲۳۶.

معجم المطبوعات العربیة: ص ۵۳. هدیه العارفین: ج ۲، ص ۴۳۳.

(۳۳) الیاس سینویی (ف: ۸۹۱ هـ/ ۱۴۸۷ م)

الیاس بن ابراهیم سینویی بوسایی.

شرح حال:

وی از دانشمندان و فاضلان حنفی مذهب عثمانی در سده نه هـ بود که در همه علوم مشارکت داشت. بویژه در علوم عربی و تفسیر. سینویی از اهالی سینوب ترکیه بود که بعدها به بوسا رفت و تا پایان عمر خود در مدرسه سلطانیه بوسا مشغول تدریس شد.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح العروص: شرحی است بر عروض اندلسی که الیاس سینویی آن را «فتح النقوض فی شرح العروص» نامیده است.

آثار دیگر:

(۱) رسالة في التفسير: رساله‌ای است در تفسیر برخی آیات قرآن کریم. وی در آن مهارت خود را در تفسیر نشان داده است.

(۲) شرح الفقه الأكبر: الیاس سینوبی بر کتاب «الفقه الاکبر» امام اعظم ابی حنیفه شرح لطیفی نوشته است.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۶۳. کشف الظنون: ص ۱۱۳۵.
هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۲۵. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۲۲.

(۳۴) علی قوچ حصاری (۷۵۰-۸۴۱هـ / ۱۳۴۹-۱۴۳۷م)

علاءالدین علی بن موسی بن ابراهیم قوچ حصاری

شرح حال:

از دانشمندان شهر قوچ حصار ترکیه در قرون هشت و نه هـ می‌باشد که در جوانی برای تکمیل تحصیلات خود به ایران و ماوراءالنهر رفته و نزد علامه تفتازانی و سید شریف جرجانی به کسب معلومات می‌پردازد. سپس عازم قاهره می‌شود و در آنجا به مقام مشیخه الاشرفیه^۱ می‌رسد. پس از مدتی دوباره به مملکت عثمانی باز می‌گردد. و از سوی سلطان مراد دوم بعنوان مدرس در برخی مدارس منصوب می‌شود. او در علوم عربی مهارت کامل داشت.

آثار ادبی وی:

(۱) کشف الرموز و مفتاح باب الکنوز: حاشیه‌ای است در شرح سعدالدین تفتازانی بر کتاب «مفتاح العلوم» سکاکی که موضوع آن بلاغت می‌باشد و علی قوچ حصاری در این حاشیه پیچیدگی‌های آن را آشکار نموده و بر شرح‌های قبلی ردیه آورده است. وی تحقیقات خود را نیز بر آن اضافه کرده و حاشیه خود را «کشف الرموز و مفتاح باب الکنوز» نامیده است؛ که مقبول همگان می‌باشد و نمودی است از وسعت معلومات قوچ حصاری. نسخه‌ای از حاشیه مذکور در کتابخانه «ولی الدین افندی» موجود می‌باشد.

آثار دیگر:

(۱) أسئلة علاءالدین: این اثر قوچ حصاری که مشتمل بر فنون متفرقه متداول می‌باشد بیانگر دانش و معلومات وی بوده و شامل شش فصل و یک خاتمه است؛ که فصول آن عبارت‌اند از: (۱) تسمیه. (۲) اخبار النبوه. (۳) فقه. (۴) اصول فقه. (۵) بلاغت. (۶) منطق. ملاخسرو و سراج الدین توفیقی هر کدام شرحی بر این کتاب نوشته‌اند.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۶۳. معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۲۴۸.
قاموس الاعلام: ص ۳۱۷۱. هدیه العارفین: ج ۱، ص ۷۳۱.
عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۵۲. کشف الظنون: ص ۱۷۶۵.

۱- مشیخه، مقام شیخ اسلامی در دوران عثمانی است.

(۳۵) قاضی بلاط (ف: ۸۵۳هـ / ۱۴۴۹م)

عبداللطیف بن محمد بن عبدالرحمن قزوینی، مشهور به قاضی بلاط

شرح حال:

وی از دانشمندان فاضل و زاهدان قرن نه هـ می‌باشد. و اصلاً از اهالی قزوین است. (از شرح حال وی پس از جستجو مطلبی یافت نشد).

آثار ادبی وی:

(۱) *أبکار الأفكار*: حاشیه بسیار زیبایی است که قاضی بلاط بر «ضوء المصباح» محمد اسفراینی نوشته است و موضوع آن نحو می‌باشد.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۵. معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۱۴.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۱۶.

(۳۶) محمد بن قطب الدین ازنیقی (ف: ۸۸۵هـ / ۱۴۸۰م)

محیی الدین محمد بن قطب الدین محمد ازنیقی.

شرح حال:

از دانشمندان و فاضلان حنفی مذهب و از اهالی شهر ازنیق ترکیه می‌باشد که علوم شرعی و عقلی را نزد شمس الدین فناری آموخته و در آنها ماهر داشت. سپس به تصوف روی آورد، و سرانجام در ادرنه به سال ۸۸۵هـ درگذشت. از وی آثار زیادی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) *الإشارات الحائزّة لشرح الرامزة*: این اثر شرحی است بر «عروض خزرجه» امام ضیاءالدین الخزرجی و موضوع آن عروض و قافیه می‌باشد.

آثار دیگر:

(۱) *مرشد المتأهل*: موضوع آن اخلاق می‌باشد و به سال ۱۳۱۳هـ در بیروت چاپ شده است.

(۲) *شرح مفتاح الغیب*: شرح با ارزشی است در تصوف که قطب الدین ازنیقی بر «مفتاح الغیب» صدر الدین قونوی نوشته و بطور خلاصه لطائفی را در آن آورده و سعی کرده است که از اطناب اجتناب نماید.

(۳) *تلفیقات المصایب*: شرحی است بر کتاب «مشکاه مصایب السنه» از بغوی

۴) زبدة التحقيق و نزهة التوفيق: شرحی است بر «النصوص فی تحقیق الطور المخصوص» اثر صدرالدین قونوی در دو بخش. بخش اول آن در بیان حقائق و قواعد کلی است. و بخش دوم، در بیان معارف و نصائح و نتائج اعمال و برخی از اخلاق فاضله انسانی می‌باشد.

منابع:

- الشفائق النعمانیة: ص ۶۵. معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۱۵۳.
هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۱۱. قاموس الاعلام: ص ۴۱۹۴.
معجم المطبوعات العربیة: ص ۴۳۰. کشف الظنون: صص ۲۰۱، ۱۷۶۸، ۴۱۷، ۱۹۵۶.

۳۷) شاه فتح الله شیروانی (ف: ۸۵۷ هـ/ ۱۴۵۳ م)

فتح الله بن عبدالله شیروانی

شرح حال:

از دانشمندان و فاضلان حنفی مذهب در قرن نه هـ می‌باشد. وی علوم عقلی و شرعی را از سید شریف جرجانی آموخت و پس از آن عازم مملکت عثمانی شد و در شهر قسطنطنیه^۱ اقامت گزیده و با تدریس مشغول گشت و در اوائل سلطنت سلطان محمد فاتح در همانجا در گذشت.

آثار ادبی وی:

۱) شرح الإرشاد الهادی: «الارشاد الهادی» اثری است از علامه تفتازانی در نحو و مشتمل بر یک مقدمه و سه بخش. مقدمه در تعریف نحو و کلمه، بخش اول در اسم، دوم در فعل و سوم در حرف می‌باشد. که شاگردش شاه فتح الله شیروانی آن را شرح کرده است.

منابع:

- الشفائق النعمانیة: ص ۶۵. هدیه العارفین: ج ۱، ص ۸۱۵.
عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۹۲.

۳۸) محمد یازیجی زاده (ابن کاتب) (ف: ۸۵۵ هـ/ ۱۴۵۱ م)

محمد بن صالح، معروف به یازیجی زاده و ابن کاتب.

شرح حال:

وی که به «یازیجی اوغلو» و «شیخ محمد بیجان» نیز معروف است، از شاعران و مشایخ صوفی و حنفی مذهب قرن نه هـ و از شهر گلیبولو^۲ می‌باشد. که در همانجا نیز وفات یافته است.

آثار وی:

۱- قسطنطنی: از شهرهای ترکیه می‌باشد.

۲- گلیبولو: شهرهای ترکیه می‌باشد.

(۱) شرح فصوص الحکم: شرحی است بر فصوص محیی الدین ابن عربی در تصوف.
 (۲) مغارب الزمان لغروب الأشياء في العين و العیان: منظومه‌ای است که یازبجی اوغلو معانی آنرا از تفسیر قرآن و حدیث گرفته در آن مذهب صوفیه به کار برده است. کتابی است در یک مجلد و پنج فصل و نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌های شهید علی پاشا، نور عثمانیه و آیاصوفیا موجودی می‌باشد. فصول این کتاب شامل:

- (الف) ترتیب موجودات و نظام.
- (ب) خطابات خداوند با انبیاء.
- (ج) کلمات خداوند با ملائکه.
- (د) خطاب خداوند روز قیامت.
- (ه) کلمات خداوند در درجات عالیه، می‌باشد.
- (۳) «تفسیر الفاتحه الشریفه».

منابع:

- الشقائق النعمانیة: ص ۶۷.
- معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۸۵ و ج ۱۱، ص ۱۵۵.
- قاموس الاعلام: ص ۴۷۸۳.
- هدیه العارفین: ج ۲، ص ۱۹۸.
- عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۱۹۴.

(۳۹) محمد بن فرامرز (ف: ۸۸۵هـ/۱۴۸۰م)

شیخ الاسلام محمد بن فرامرز (فرامرز) بن علی، معروف به ملا خسرو و مولی خسرو.
شرح حال:

وی از دانشمندان فقه حنفی و اصول در قرن نه هـ می‌باشد. او از اهالی طائفه ارساق ترکمنهای توقاد (یکی از شهرهای ترکیه) بوده و نزد برهان الدین حیدر هروی که در زمان وی مفتی دولت عثمانی بود، به تحصیل پرداخته و در علوم معقول و منقول به تبحر رسیده است. در زمان سلطان محمد تدریس در مدرسه بورسا و ایا صوفیا، همچنین منصب قضاء در استانبول، غلظه و اسکدار (شهرهایی در اطراف استانبول) بر عهده ملا خسرو گذاشته شد. سلطان محمد فاتح همیشه به وجود او افتخار می‌کرد و می‌گفت: ملا خسرو، ابوحنیفه زمان خویش است. وی سرانجام در استانبول وفات یافت.

آثار ادبی وی:

- (۱) حاشیه علی المطول: المطول شرح مفصلی است از تفتازانی در معانی و بیان و در واقع شرح «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی می‌باشد؛ که تفتازانی آن را «المطول» نامیده است. و ملا خسرو نیز حاشیه خود را بر المطول نوشته است.
- (۲) حاشیه علی شرح مفتاح العلوم: «مفتاح العلوم» اثر سکاکی در بلاغت و فصاحت است که تفتازانی این اثر را شرح کرده و ملاخسرو نیز حاشیه خود را بر شرح تفتازانی نوشته است.
- (۳) شرح تلخیص المفتاح: شرحی است بر «تلخیص المفتاح» اثر خطیب قزوینی در معانی و بیان. این تلخیص شامل یک مقدمه و سه فن می‌باشد که عبارتند از: (۱) معانی (۲) بیان و (۳) بدیع.

آثار دیگر:

- (۱) حاشیه علی التلویح: حاشیه‌ای است بر «التلویح» اثر تفتازانی در اصول. این اثر مطبوع می‌باشد.
- (۲) درر الحکام فی شرح غرر الاحکام: این اثر در فروع فقه حنفی بوده و در دو مجلد می‌باشد. ملاخسرو این اثر را در سال ۸۸۳هـ تألیف کرده که شرحی است مختصر بر کتاب «غرر الاحکام». هر دو اثر از ملاخسرو می‌باشند. و در استانبول به سال ۱۳۱۰ به چاپ رسیده است. و نسخه‌ای از آن که با دست خط ملاخسرو نوشته شده در کتابخانه «کوپرولو» موجود می‌باشد.
- (۳) مرآة الأصول فی شرح مرآة الوصول: ملاخسرو ابتدا متن مرفاه الوصول را در علم اصول تألیف کرده و سپس بر آن شرح لطیفی به نام «مرآة الأصول» نوشته است. که در استانبول به سال ۱۳۰۲هـ به چاپ رسیده است.
- (۴) نقد الأفكار فی رد النظر: شرحی است بر رساله علاءالدین رومی که این رساله حاوی شش فن (تسمیه، اخبار نبوت، فقه، اصول، بلاغت و منطق) می‌باشد.

منابع:

- | | |
|------------------------------|--|
| الشقائق النعمانية: ص ۷۰-۷۱. | معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۹۶. |
| الاعلام زرکلی: ج ۷، ص ۲۱۹. | قاموس الاعلام: ص ۲۰۴۳. |
| عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۹۲. | معجم المطبوعات العربیه: ص ۱۷۹۰. |
| هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۱۱. | فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرعشی: شماره ۱۵۴۸. |

(۴۰) خواجهزاده

(ف: ۸۹۳هـ / ۱۴۸۸ م)

مصلح الدین مصطفی بن یوسف بن صالح بوسایی، مشهور به خواجهزاده
شرح حال:

وی از دانشمندان و حکیمان دوره سلطان محمد فاتح و بایزید دوم در قرن نه هـ می باشد، که در شهر بورسا به دنیا آمد و در همانجا نیز به تعلیم و تعلم پرداخت. ابتدا اصول، معانی و بیان را نزد ابن قاضی ایاتلوغ تحصیل کرد و سپس معلم سلطان محمد فاتح شد. و در دوران سلطنت وی منصبهای قضاء و قاضی عسکری ادرنه و منصب قضاء استانبول و تدریس در سلطانیه بورسا، تدریس در ازنیق و همچنین منصب قضاء ازنیقبر عهده او گذاشته شد؛ و در زمان سلطان بایزید دوم نیز بعنوان مفتی بورسا تعیین گشت و تا پایان عمر بر همان منصب باقی ماند. از او آثاری به زبان عربی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح العزیز و حواشیه: شرح و حاشیههایی است که وی بر متن عزالدین زنجانی نوشته است و موضوع آن صرف می باشد که سالها در مدارس مختلف عثمانی به عنوان کتاب درسی تدریس می شده است. خواجهزاده این اثر خود را هنگامی که معلم سلطان محمد فاتح بود به رشته تحریر درآورده است.

آثار دیگر:

(۱) تهافت الفلاسفة: خواجهزاده این اثر را به دستور سلطان محمد فاتح در محاکمه بین «التهافت» غزالی و «الحکماء» ابن رشد نوشته است. این اثر غزالی در هاشم مصر به سال ۱۳۲۱ هـ و در بمبئی نیز به سال ۱۳۰۴ هـ به چاپ رسیده است.

(۲) حاشیه علی شرح المواقف: المواقف اثر الایجی درباره کلام است که خواجهزاده بدستور سلطان بایزید حاشیه ای بر آن تالیف کرد اما به پایان نرسانید این اثر خطی می باشد.

(۳) حاشیه علی شرح التنقیح: حاشیه خواجهزاده بر اثر تفتازانی در اصول فقه می باشد.

منابع:

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------------|
| الشقائق النعمانية: صص ۷۶، ۸۵. | معجم المؤلفین: ج ۱۲، صص ۲۹۰-۲۹۱. |
| الاعلام، زرکلی: ج ۸، ص ۱۴۸. | هدیه العارفین: ج ۲، ص ۴۳۳. |
| عثمانلی مؤلفری: ج ۱، ص ۲۹۳. | معجم المطبوعات العربیه: ص ۸۴۲. |
| کشف الظنون: صص ۱۱۳۹، ۵۱۳، ۴۹۷. | فهرست کتابهای چاپی عربی مشرق: ص ۲۲۸. |

(۴۱) احمد خیالی

(۸۴۲-۸۷۵هـ / ۱۴۳۸-۱۴۷۰ م)

شمس الدین احمد بن موسی ازنیقی، مشهور به خیالی
شرح حال:

از فاضلان و دانشمندان اصول و از متکلمان و فقیهان حنفی مذهب در قرن نه هـ می باشد. وی شاگرد علاءالدین طوسی و حضر بیک بود که پس از اتمام تحصیلات خود نزد خضر بیک به مصر رفت و در محضر فضلی آن کشور به تحصیل پرداخت. تحصیلات او بیشتر در نحو بود و بهمین جهت نیز در نحو مهارت داشت.

خیالی در ابتدا بعنوان مدرس مدرسه سلطانیه بورسا تعیین گشت و سپس در ازنیق به تدریس پرداخت و در همانجا نیز درگذشت. وی آثار زیادی دارد و به سه زبان ترکی، عربی و فارسی اشعاری سروده است. و بقول خودش شعر او در عربی بهتر از شعر ترکی و فارسی او می باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) تعلیقات علی المطول: تعلیقاتی است بر «مطول» تفتازانی، نسخه ای از آن در کتابخانه عاطف افندی به شماره ۲۳۱۳ موجود می باشد. «المطول» تفتازانی در اصل شرحی است بر «تلخیص المفتاح» اثر خطیب قزوینی در بلاغت.

(۲) اشعار مختلف به زبان عربی

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی شرح عقائد النسفی: حاشیه ای است از احمد خیالی بر شرح تفتازانی به اثر «عقائد النسفی» از نجم الدین عمر بن محمد نسفی. این حاشیه در یک مجلد بوده و به سال ۱۳۱۶ هـ در استانبول چاپ شده است.

(۲) حاشیه علی منتهی السؤل و الأمل: این اثر در اصول و جدل می باشد.

(۳) حاشیه علی شرح تجرید الکلام.

(۴) وقایع الروایة فی مسائل الهدایة.

(۵) حاشیه علی أوائل شرح التجرید: «تجرید الکلام» از خواجه نصیرالدین طوسی در کلام شیعی است که خیالی بر اوائل شرح آن حاشیه ای نوشته است.

(۶) شرح القصیده النونیة: شرحی است بر قصیده نونیة خضر بیک در کلام. مشهورترین شرحی است که بر این قصیده نوشته شده و در اکثر کتابخانه های ترکیه موجود می باشد.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۲، صص ۲۹۰-۱۸۷.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۳۲.

معجم المطبوعات العربیة: ص ۸۵۲.

مؤلفین کتاب چاپی مشار: ج ۱، ص ۳۸۷.

الشقائق النعمانیة: ص ۸۵.

الاعلام، زرکلی: ج ۱، ص ۲۴۷.

عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۹۱.

کشف الظنون: ص ۱۳۴۸.

(۴۲) مصطفی قسطلانی (ف: ۹۰۱ هـ / ۱۴۹۶ م)

مصلح الدین مصطفی بن محمد قسطلانی، معروف به کستلی

شرح حال:

از قاضیان و مدرسان مشهور عثمانی در قرن نه و اوائل قرن ۱۰ هـ می باشد وی نزد دانشمندان مشهوری چون خضر بیک به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیلاتش به عنوان مدرس شهر مدرنی و دیمه توقه منصوب گشت. سپس به مقام قضاء

بورسا، ادرنه، استانبول و نیز منصب قضاء عسکری روم ایلی رسید. به سبب کثرت اشتغال در تدریس و قضا وقت زیادی در تصنیف نداشت. سرانجام به سال ۹۰۱ هـ در استانبول درگذشت.

آثار وی:

(۱) رسالة في جهة القبلة.

(۲) حاشیه علی عقائد النسفی: حاشیه‌ای از کستلی است بر عقائد النسفی در کلام. و در استانبول به سال ۱۳۱۶ هـ به چاپ

رسیده است.

(۳) تعلیقه علی التلویح: تعلیقه‌ای است بر مقدمات اربعه تلویح در اصول.

(۴) رسالة في تفسر آية «فَسَحَقُوا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ».

منابع:

الشقائق النعمانية: صص ۷۸، ۸۹. معجم المؤلفين: ج ۱۲، ص ۲۸۲.

هدیه العارفین: ج ۶، ص ۴۳۳. معجم المطبوعات العربیه: ص ۱۵۵۹.

کشف الظنون: صص ۲۰۲۴، ۱۱۴۵، ۱۵۹.

(۴۳) حسن سامسونی (ف: ۸۹۱ هـ/ ۱۴۸۶ م)

حسن بن عبدالصمد سامسونی

از فاضلان و دانشمندان اصول، فقیه و متکلم قرن نه هـ که در شهر سامسون ترکیه به دنیا آمد و نزد علمای عصر خود به تحصیل پرداخت و سپس به خدمت ملا خسرو درآمد و نزد وی بر همه علوم اصلی و فرعی، عقلی و شرعی نائل شد. او معلم سلطان محمد فاتح بود و قضاء و تدریس استانبول را بر عهده داشت. سامسونی و سرانجام به سال ۸۹۱ هـ درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی المطول: حاشیه‌ای است که سامسونی بر مبحث «حقیقت و مجاز» المطول اثر تفتازانی در معانی و بیان

نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) تعلیقه علی التوضیح: درباره اصول فقه است.

(۲) حاشیه علی شرح منتهی السؤل و الامل: اثر «منتهی السؤل» درباره اصول و جدل بوده و سامسونی بر شرح آن

حاشیه‌ای نوشته است.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۹۶. معجم المؤلفين: ج ۳، ص ۲۳۶.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۸۸. کشف الظنون: صص ۴۷۶، ۱۸۵۶.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرعشی شماره ۹۱.

(۴۴) حاجی حسن زاده

(ف: ۹۱۱ هـ / ۱۵۰۵ م)

شمس الدین محمد بن مصطفی ابن حاجی حسن بالیکسری، معروف به حاجی حسن زاده
شرح حال:

از دانشمندان و فقیهان تفسیر، لغت، صرف و علوم عقلی و شرعی دوره عثمانی در قرن نه و ۱۰ هـ می باشد که پس از تحصیلات اولیه به خدمت مولی یکان درآمد و در مدارس متعدد بورسا و استانبول تدریس کرده و قضاء کلیولای، بورسا و قسطنطنیه را بر عهده گرفت. در استانبول چند مدرسه و مسجد بنا نمود و سرانجام در سال ۹۱۱ هـ در زمان سلطان بایزید دوم درگذشت.

آثار ادبی وی:

- (۱) میزان التصریف : حاجی حسن زاده این اثر خود را در صرف، تالیف کرده است که امروزه در دسترس نمی باشد.
- (۲) غرائب اللغات : وی به دستور پادشاه در این کتاب لغات عجیب و غریب را جمع آوری می کرد. اما عمرش بر اتمام آن کفایت نکرد.

آثار دیگر:

- (۱) حاشیه علی تفسیر سورة الأنعام : حاشیه ای است بر تفسیر علامه بیضاوی.
- (۲) حاشیه علی المقدمات الأربع فی التوضیح : التوضیح در اصول فقه می باشد اما پس از جستجو درباره آن مطلب زیادی یافت نشد.

- (۳) تعلیقه علی مقدمات التلویح : تعلیقه ای است از حاجی حسن زاده بر مقدمات التلویح اثر تفتازانی در اصول.
- (۴) مجمع البحار : در دو مجلد بوده و موضوع آن فقه می باشد.

منابع:

- | | |
|-----------------------------|--------------------------------------|
| الشقائق النعمانية : ص ۹۷. | معجم المؤلفین : ج ۱۲، ص ۲۶. |
| هدیه العارفین : ج ۲، ص ۲۲۵. | معجم المطبوعات العربیه : ج ۱، ص ۲۷۳. |
| كشف الظنون : ص ۱۹۱۸. | |

(۴۵) علی قوشچی

(ف: ۸۷۹ هـ / ۱۴۷۴ م)

علاء الدین علی بن محمد سمرقندی ملقب به قوشچی
شرح حال:

متکلم، ادیب، منجم و از فقیهان حنفی در قرن نه هـ که در انواع علوم مشارکت داشت. او در علوم ریاضی نیز دارای مهارت بوده و اصلاً از مردم سمرقند می باشد. پدرش از خدام امیر الغ بگ امیر ماوراءالنهر بوده و برای او باز نگه می داشت. و به این سبب به «قوشچی» مشهور شده است. وی پس از اتمام تحصیلاتش در سمرقند به کرمان رفت و نزد علمای آنجا به تحصیل پرداخت. و سپس به تبریز و از آنجا به استانبول سفر کرد و در استانبول اقامت گزید. و در مدرسه ایاصوفیا به تدریس پرداخت. وی در آنجا رساله های متعددی به عربی و فارسی نگاشت و سرانجام در سال ۸۷۹ هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

- (۱) عنقود الزواهر فی نظم الجواهر: اثر وی در صرف می باشد که در مصر و استانبول به سال ۱۸۶۶ م به چاپ رسیده است.

(۲) شرح الکافیة: شرحی است که قوشجی بر کافیة ابن حاجب عثمان بن عمر در نحو عربی نوشته است. ابن حاجب نکات علم نحو را در این کتاب خود به اختصار آورده است.
آثار دیگر:

(۱) شرح تجرید الاعتقاد: این اثر به شرح جدید نیز معروف است. «تجرید الاعتقاد» اثری است از خواجه نصیرالدین طوسی که قوشجی بر آن شرح لطیف و مشهوری نوشته است؛ و در تهران به سال ۱۲۸۵ هـ و در تبریز به سال ۱۳۰۱ هـ چاپ شده است.

(۲) محبوب الحمائل: رساله‌ای است از قوشجی در مباحث حمد؛ قوشجی در این اثر به تحقیق و بحث و بررسی دربارهٔ سخنان سید شریف در مباحث حمد پرداخته و بیست متن را در یک مجلد جمع کرده است. که هر متنی درباره یک موضوع علمی می‌باشد.

(۳) حاشیة علی اوائل شرح الکشاف: حاشیه‌ای است بر تفسیر تفتازانی.

(۴) تفسیر البقرة و آل عمران

منابع:

- | | |
|---|---|
| معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۲۲۷. | الشقائق النعمانية: صص ۹۷، ۹۹. |
| معجم المطبوعات العربیة والمعریة: ص ۱۵۳۰ | هدیه العارفین: ج ۱، ص ۷۳۶. |
| قاموس الاعلام: ص ۳۱۹۷. | کشف الظنون: صص ۱۲۳۶، ۱۶۷۶، ۱۶۱۱، ۴۹۷، ۳۴۸ |
| الاعلام، زرکلی: ج ۵، ص ۱۶۲ | بروکلمان: ج ۲، ص ۲۳۴ |

(۴۶) مولی مصنفک (۸۰۳-۸۷۵ هـ / ۱۴۰۱-۱۴۷۰ م)

علاءالدین علی بن محمد بن مسعود بن محمود بن عمر شاهرودی بسطامی هروی رازی عمری بکری مشهور به مولی مصنفک شرح حال:

از محققان و دانشمندان قرن نه هـ که بسبب اشتغال زیادش با تصنیف، به مصنفک شهرت یافت. (کاف در زبان فارسی برای تصغیر است.) او از اولاد امام فخرالدین رازی بوده و به عمر بن خطاب و ابوبکر صدیق (رضی الله عنهما) نسبت داده می‌شود. مولی مصنفک بسال ۸۰۳ هـ در خراسان بدنیا آمد و برای تحصیل عازم هرات شد. سپس در سال ۸۴۸ هـ به مملکت عثمانی آمد و بعنوان مدرس در مدرسه قونیه به تدریس پرداخت. او سرانجام به استانبول می‌رود و در همانجا نیز وفات می‌یابد. وی علوم ادبی را نزد جلال الدین یوسف الاویهی (از شاگردان علامه تفتازانی)؛ فقه شافعی را نزد امام عبدالعزیز بن ابهری و فقه حنفی را در محضر امام نصیح الدین محمد بن محمد تحصیل نمود. از ایشان آثار زیادی به عربی و فارسی بر جای مانده است که بیشتر آنها شرح و حاشیه می‌باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح الإرشاد: شرحی است که مصنفک در سال ۸۲۳ هـ بر «ارشاد الهادی» اثر علامه تفتازانی نوشته است. این اثر شامل یک مقدمه و سه بخش بوده و مقدمه در تعریف نحو و کلمه، و قسمت اول در اسم، دوم: در فعل و سوم: در حرف می‌باشد.

(۲) شرح المصباح: شرحی است که مصنفک آن را به سال ۸۲۵ هـ بر «المصباح» اثر مطریزی نوشته است. موضوع این اثر نحو بوده و شامل پنج باب می‌باشد که عبارتند از: (۱) اصطلاحات نحوی. (۲) عوامل لفظی قیاسی (۳) عوامل لفظی سماعی. (۴) عوامل معنوی. (۵) فصلهایی از عربی.

(۳) شرح المطول: شرحی است که مصنفک آن را به سال ۸۳۲ هـ بر «المطول» علامه تفتازانی نوشته است. لازم بذکر است که تفتازانی نیز المطول خود را که در معانی و بیان می‌باشد بر شرح «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی نوشته است. (۴) شرح شرح المفتاح: «شرح المفتاح» اثر علامه تفتازانی می‌باشد که وی در آن بخش سوم مفتاح العلوم سکاکی را که در علم معانی و بیان است شرح کرده و از بهترین شرحها می‌باشد. و مولی مصنفک نیز این اثر خود را بسال ۸۳۴ هـ در شرح شرح مفتاح تفتازانی نوشته است.

(۵) شرح قصیده الروحیه: شرحی است از مصنفک بر قصیده روحیه ابن سینا که موضوع آن نفس و روح می‌باشد.

(۶) شرح لبّ الالباب: شرح وی است بر «لب الالباب» اثر اسفراینی در نحو که شامل غرائب نحو و فروعات آن می‌باشد.

(۷) شرح المراح: شرح مصنفک می‌باشد بر اثری از احمد بن علی بن مسعود با نام «مراح الارواح» در صرف.

(۸) الکوکب الدریه فی شرح قصیده البردیة: شرح وی است بر «قصیده البرده»

(۹) شرح العوامل المائة: شرحی از مصنفک است بر اثر عبدالقاهر جرجانی در نحو.

آثار دیگر:

(۱) الأحكام الحدود: تالیف وی در فقه حنفی می‌باشد.

(۲) حاشیه علی الکشاف: حاشیه وی است بر کشاف زمخشری در تفسیر.

(۳) شرح المصاییح: شرح مصنفک است بر اثر بغوی در حدیث.

(۴) المحمدیه: اثری است از مصنفک در تفسیر قرآن.

(۵) مختصر المتظم و ملقط المتظم: مصنفک در این اثر «المتظم» ابن جوزی را که موضوع آن تاریخ می‌باشد خلاصه کرده است.

(۶) شرح وصیه الامام أبی حنیفه:

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۷۱۲، ص ۲۴۰.

الشقائق النعمانیة: ص ۱۰۲، ۱۰۰.

الاعلام، زر کلی: ج ۵، ص ۱۶۱.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۷۳۵.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرعشی: ج ۲۴،

کشف الظنون: صص ۱۷۶۵، ۱۶۵۱، ۱۱۷۹، ۶۷، ۳۰.

شماره ۹۲۱۱/۱.

(ف: ۸۵۰ هـ / ۱۴۴۶ م)^۱

(۴۷) سراج الدین محمد بن عمر حلبی

۱ - تاریخ وفات سراج الدین محمد حلبی در هدیه و معجم المؤلفین ۸۵۰ هـ قید شده است. ولی با توجه به اینکه وی از دانشمندان دوره سلطان محمد فاتح بوده و در اوایل سلطنت او

درگذشته است، می‌توان نتیجه گرفت که تاریخ وفات سراج الدین بین سالهای ۸۵۵-۸۸۶ هـ می‌باشد.

شرح حال:

از متکلمان و منطق دانان و از دانشمندان صرف و نحو در قرن نه هـ می باشد. وی از اهالی حلب بود و هنگامی که تیمور به حلب می تازد سراج الدین را با خود به ماوراءالنهر می برد. او نزد دانشمندان ماوراءالنهر آموخته هایش را تکمیل کرده و سپس در زمان سلطان مراد دوم به مملکت عثمانی می رود. سلطان مراد او را تکریم کرده و او را به عنوان معلم پسرش سلطان محمد فاتح منصوب می نماید. پس از مدتی، تدریس در مدرسه ادرنه نیز به او واگذار می شود. وی سرانجام در اوائل سلطنت سلطان محمد فاتح وفات می یابد..

آثار ادبی وی:

(۱) کشف الوافیة فی شرح الکافیة: کافیه اثر ابن حاجب در نحو می باشد که استرآبادی آن را سه بار شرح کرده است. شرح اول او که بزرگتر می باشد «البسیط» نام دارد. شرح دوم که شرح متوسطی بوده و بیشتر متداول می باشد «الوافیه» نام دارد و شرح سوم کوچکتر است. و سراج الدین حلبی نیز وافیة استرآبادی را شرح کرده و آن را «کشف الوافیة فی شرح الکافیة» نامیده است.

(۲) حاشیة علی شرح العزى: العزى اثر عزالدین زنجانی در صرف می باشد که به «تصریف زنجانی» نیز مشهور است. و علامه تفتازانی آن را شرح کرده و سراج الدین نیز حاشیه خود را بر شرح تفتازانی نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) حاشیة علی مطالع الأنوار: حاشیه ای است از سراج الدین بر اثر مطالع الأنوار ارموی در منطق.

(۲) المنهج السدید الی کلمة التوحید: تالیفی است از سراج الدین که در کتابخانه آیاصوفیا موجود می باشد.

(۳) حواش علی شرح الطوالع: «طوالع الأنوار» مختصری درباره کلام بوده و اثر بیضاوی می باشد که عیدالله بن محمد قاضی تبریز معروف به سید عبری آن را شرح کرده و سراج الدین حلبی نیز بر این شرح حاشیه ای نوشته است.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۱۰۲. معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۸۱
هدیه العارفین: ج ۲، ص ۱۹۶. الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۱۹۶
کشف الظنون: صص ۱۷۱۷، ۱۱۴۰. ایضاح المکنون: ج ۲، ص ۵۹۱

(۴۸) خواجه خیرالدین (ف: ۸۸۳ هـ / ۱۴۷۸ م)

خیرالدین بن عبدالله، معروف به خواجه خیرالدین

شرح حال:

از دانشمندان دولت عثمانی در قرن نه هـ می باشد. وی در ابتدا نزد دانشمندان عصر خود به تحصیل پرداخت و پس از آن به خدمت خضر بیگ درآمد. و به عنوان معلم سلطان محمد فاتح منصوب گشت. وی در استانبول مسجد و مدرسه بنا نمود و در برخی مدارس نیز تدریس می کرد. خواجه خیرالدین در اواخر سلطنت سلطان محمد فاتح در گذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح قصیده بانت سعاد .
منابع: الشقائق النعمانية: ص ۱۰۵. جدیة العارفین: ج ۱، ص ۳۵۷

۴۹) ابن افضل

(ف: ۹۰۸هـ/ ۱۵۰۲م)

حمید الدین بن افضل الدین حسینی، معروف به ابن افضل

شرح حال:

از دانشمندان و فاضلان معروف عثمانی در قرن نه و اوایل قرن ۱۰ هـ می‌باشد. او تحصیل را نزد پدر آغاز کرد و پس از تکمیل تحصیلاتش نزد دیگر دانشمندان، به خدمت ملایکان درآمد. وی به عنوان مدرس مدرسه بورسا و مفتی و قاضی استانبول منصوب گشت؛ و سرانجام به سال ۹۰۸ هـ در زمان سلطان بایزید درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی تلخیص المفتاح: حاشیه‌ای است که ابن افضل بر «تلخیص المفتاح» اثر محمد ابن عبدالرحمن قزوینی معروف به خطیب قزوینی نوشته است که موضوع آن معانی و بیان می‌باشد.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی شرح الطوالع: حاشیه‌ای است که ابن افضل بر شرح شمس الدین محمود اصفهانی بر اثر بیضاوی بنام «طوالع الانوار» نوشته است و موضوع آن کلام می‌باشد.

(۲) حاشیه علی شرح منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأصول و المجلد: حاشیه‌ای است که ابن افضل بر شرح عضدالدین عبدالرحمن الایجی به اثر ابن حاجب به نام «منتهی السؤل...» که به مختصر المنتهی و مختصر ابن حاجب نیز مشهور است) نوشته است.

منابع:

الشفائق النعمانیة: صص ۱۰۵، ۱۰۶. معجم المؤلفین: ج ۴، ص ۸۴

كشف القنون: صص ۴۷۶، ۱۱۱۶، ۱۸۵۶، ۱۸۵۷

۵۰) یعقوب پاشا (ف: ۸۹۱هـ/ ۱۴۸۶م)

یعقوب بن خضر بک بن قاضی جلال الدین

شرح حال:

از فقیهان و دانشمندان اصول و مدرسان معروف عثمانی در قرن نه هـ می‌باشد. او که بعنوان قاضی بورسا منصوب شده بود از مدرسان سلطانیه بورسا و یکی از مدارس هشتگانه معروف استانبول نیز بوده است که به سال ۸۹۱ هـ در بورسا در گذشته است. وی تصنیفاتی به عربی دارد.

آثار وی:

(۱) حواش علی شرح الوقایة: حاشیه‌ای است بر «شرح الوقایة» صدر الشریعه در فروع فقه حنفی که در آن سئوالاتی را به ایجاز مطرح نموده و مورد قبول همگان می‌باشد.

(۲) حاشیه علی منتهی السؤل و الأمل: حاشیه‌ای است بر «منتهی السؤل و الأمل» در علم اصول و جلد.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۱۰۹. معجم المؤلفین: ج ۳، ص ۲۴۸

مدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۴۶. الاعلام، زرکلی: ج ۹، ص ۲۵۸

کشف الظنون: صص ۱۸۵۷، ۲۰۲۲

(۵۱) علی فناری (ف: ۹۰۳/۱۴۹۷ م)^۱علاءالدین علی بن یوسف بالی ابن شمس الدین فناری
شرح حال:

از دانشمندان و فقیهان قرن نه و ۱۰ هـ می‌باشد. وی از نوادگان شمس الدین فناری بود؛ و در کلام، اصول، فقه، علوم شرعی، تصوف، حساب، هیئت و ریاضی به ویژه در بلاغت و ادبیات عرب مهارت داشت.

او در زمان سلطان محمد فاتح در بورسا متولد شد و در همان سنین جوانی به هرات، بخارا و سمرقند سفر کرد و نزد دانشمندان مشهور ماوراءالنهر آموخته‌های خود را تکمیل نمود. بطوریکه مدتی در آنجا مدرس بود. علی فناری پس از آن به موطن خود بازگشته و به مناصب قضاء بورسا و قاضی عسکری روم ایلی می‌رسد. او در کنار قضاء با تدریس نیز مشغول بود و علیرغم اشتغال زیادش در علوم و تحقیق به تألیف کتاب اهمیت زیادی نمی‌داد و به همین دلیل نیز آثار زیادی ندارد.

آثار ادبی وی:

(۱) الوافیة شرح الکافیة: شرحی است که بر کافیة ابن حاجب در نحو نوشته و آنرا الوافیة نامیده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه «افیون گدیک احمدپاشا» به شماره ۱۸۲۹۰، ۱۸۲۹۱ و ۱۸۲۹۲ موجود می‌باشد.

(۲) حاشیة علی شرح السید علی المفتاح: حاشیه‌ای است که ابن فناری آن را به شرح مفتاح العلوم سکاکی توسط سید شریف نوشته و موضوع آن بلاغت می‌باشد.

منابع:

الشفائق النعمانیة: صص ۱۱۱، ۱۱۳. هدیة العارفین: ج ۱، ص ۷۳۹.
کشف الظنون: صص ۱۳۷۱، ۱۳۷۲. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۵۲.
الاعلام، زرکلی: ج ۵، ص ۱۸۸.

(۵۲) حسن چلبی (۸۴۰-۸۹۱ هـ / ۱۴۳۶-۱۴۸۶ م)

بدرالدین حسن چلبی بن محمد شاه فناری، معروف به ملاحسن چلبی
شرح حال:

از دانشمندان و فاضلان مشهور قرن نه هـ می‌باشد که در صرف، نحو و بلاغت عربی، کلام، اصول، فقه و دیگر علوم عقلی مهارت داشت و به سبب برتری علمی که داشت در همان سنین جوانی به تدریس پرداخت. وی در زمان سلطان محمد فاتح در بورسا متولد شد. و تحصیلات خود را نزد دانشمندان مشهوری چون فخرالدین عجمی، علاءالدین طوسی و ملاخسرو تمام کرد. و به تدریس در مدرسه «حلبیه» واقع در شهر ادرنه پرداخت و به سبب علاقه فراوانی که به زبان عربی داشت تصمیم گرفت تا «مغنی اللیب» ابن هشام در نحو را نزد یکی از علمای مغرب قرائت نماید. بدین منظور تدریس را رها کرده و عازم مصر شد و

۱ - تاریخ وفات علاء الدین علی فناری، در بیشتر منابع ۹۰۳ هـ آمده ولی در الشقائق ۹۰۱ هـ قید شده است.

کتاب مذکور را نزد یکی از علماء قرائت نمود و از او به اجازه نائل شد. حسن چلبی این اثر را با خط خود استنساخ کرده و به سلطان محمد فاتح تقدیم نموده است.

او همچنین نزد برخی از شاگردان ابن حجر، صحیح بخاری را قرائت نموده و در روایت حدیث به اجازه نائل گشت و پس از بازگشت به موطن خود در مدرسه ازنیق و نیز در یکی از مدارس هشت گانه استانبول به تدریس پرداخت و در زمان سلطان بایزید دوم بازنشسته شده و سرانجام در بوسا درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی المطول: اثر مذکور حاشیه‌ای است بر «المطول» تفتازانی که موضوع آن بلاغت می‌باشد و تفتازانی نیز آن را بر شرح تلخیص المفتاح محمد بن عبدالرحمن قزوینی معروف به خطیب قزوینی نوشته است. حسن چلبی به سبب این حاشیه به «المحشی» مشهور شده است بطوری که کاتب چلبی با ذکر خیر از این اثر یاد کرده می‌گوید اثری کامل و سرشار از فایده می‌باشد. و سیوطی نیز از این اثر و مولف آن به ستایش سخن می‌گوید. نسخه‌هایی از این اثر در کتابخانه‌های مختلف موجود است.

(۲) حاشیه علی مختصر المعانی: حاشیه‌ای است بر اثر «مختصر المعانی» تفتازانی. (که تفتازانی این اثر خود را در شرح «تلخیص المفتاح» نوشته و آنرا «مختصر المعانی» نامیده است). نسخه‌ای از آن در کتابخانه دولتی بایزید به شماره ۲۷۵۷ و در راغب پاشا به شماره ۱۲۵۳ موجود است.

(۳) رسالة فی بیان الحاصل بالمصدر: حسن چلبی در این اثر به بررسی مصدر زبان عربی می‌پردازد. نسخه‌ای از آن در کتابخانه «خلق المال» به شماره ۴۹۸-۵۰b و ۲۴۴۸/۶ موجود است.

(۴) حاشیه علی حاشیه العصام علی الفوائد الضیائیة: حاشیه‌ای است که آن را حسن چلبی بر حاشیه عصام الدین اسفراینی بر شرح «الکافی» ملاجمی نوشته است. و نسخه‌ای از آن در کتابخانه الهیات آنکارا به شماره ۶۰۲۰/۲۹۲۰ موجود است.

(۵) حاشیه علی شرح السید علی المفتاح: حاشیه‌ای که آن را حسن چلبی بر شرح سید شریف بر «مفتاح العلوم» سکاکی نوشته و موضوع آن بلاغت می‌باشد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه توپ قاپی به شماره ۸۰۹۸A 1659 و 8091A.1647 موجود است.

(۶) حاشیه علی شرح آیات المتوسط: حاشیه‌ای است بر شرح برخی بیت‌های «آیات المتوسط» سید رکن الدین الحسن بن محمد بن شرف شاه العلوی الاستر ابدی. نسخه‌ای از این حاشیه در کتابخانه ملی آدانا^۱ به شماره ۸۰۸/۲۵۶ موجود است.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی شرح المواقف: حاشیه‌ای است که آن را حسن چلبی بر شرح سید شریف جرجانی به اثر «المواقف» از عضد الدین الایجی نوشته و موضوع آن کلام می‌باشد. در بولاق به سال ۱۸۴۱ م و آستانه^۲ ۱۲۳۹ هـ چاپ شده است.

(۲) حاشیه علی التلویح: حاشیه‌ای است بر «التلویح» تفتازانی در اصول که در هند چاپ شده است.

(۳) حاشیه علی أنوار التنزیل: حاشیه‌ای است بر «أنوار...» بیضاوی

منابع:

۱- آدانا: شهری در ترکیه است.

۲- آستانه نام دیگر استانبول می‌باشد.

الشقائق النعمانية: صص ۱۱۴، ۱۱۵.

معجم المؤلفين: ج ۳، ص ۲۱۴.

مدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۸۸.

معجم المطبوعات العربیه: ص ۷۵۷.

کشف الظنون: صص ۴۷۴، ۴۹۶.

ایضاح المکنون: ج ۲، ص ۱۹۳.

۵۳) حسام زاده

(قرن نه هـ / ۱۵۰ م)^۱

مصلح الدین مصطفی ابن حسام الدین حسین بن محمد بن حسام الدین بورسائی، معروف به حسام زاده
شرح حال:

از دانشمندان مشهور علوم ادبی، شرعی، حدیث و تفسیر در قرن نه هـ می باشد که در عصر سلطان محمد فاتح در بورسای متولد شد و پس از اتمام تحصیلات خود نزد دانشمندان هم عصر خود بعنوان مدرس مدرسه و مفتی بورسای منصوب گشت. او در انشا مهارت داشت؛ و به فصاحت لفظ، بلاغت معانی، سلاست نظم مشهور بود که سرانجام به سال ۸۵۵ هـ در زادگاهش وفات یافت.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح المطول: حاشیه ای است بر «المطول» تفتازانی در معانی و بیان. (المطول نیز شرحی است که تفتازانی آنرا بر «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی نوشته است. تفتازانی این اثر را دوبار شرح کرده که شرح اول مفصل بوده و «المطول» نام دارد. شرح دوم شرح مختصری است که به «المختصر» معروف می باشد).

(۲) مجموعه المنشآت: مجموعه انشائی از حسام زاده می باشد که در آن نامه های خود را به برادر و دوستانش گردآوری کرده است. لفظ آن فصیح؛ معانی اش بلیغ و نظمش سلیس می باشد.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی التلویح: حاشیه ای است بر تلویح تفتازانی در اصول.

(۲) حاشیه علی شرح المقاصد: پس از جستجو مطلبی درباره این اثر یافت نشد.

(۳) حاشیه علی شرح الوقایه: حاشیه ای است بر «شرح الوقایه» صدر الشریعه در فروع فقه حنفی.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۱۱۵.

معجم المؤلفين: ج ۱۲، ص ۲۴۸.

مدیه العارفین: ج ۶، ص ۴۳۹.

عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۲۷۵.

۵۴) یوسف بن حسین کرامنتی (کرامنتی، کرامنتلی).

(ف: ۹۰۶ هـ / ۱۵۰۰ م)

شرح حال:

۱- تاریخ وفات حسام زاده در هدیه و معجم المؤلفین سال ۱۰۳۵ هـ قید شده است که اشتباه می باشد. زیرا وی در دوران سلطان محمد فاتح (بین سالهای ۸۸۶-۸۵۵ هـ) زیسته است.

از شخصیت‌های مهم علمی، فقیه، متکلم، دانشمند اصول و بیان و از قضات دولت عثمانی در سده نه و ۱۰ هـ می‌باشد. او بویژه بر علوم عربی و شرعی تسلط کامل داشت و تدریس در برخی مدارس و نیز قضاء بوسا و استانبول در زمان سلطان محمد فاتح بر عهده وی بود. از کرامستی، تصنیفاتی چند به عربی به یادگار مانده است که بیشتر آنها در بلاغت عربی بوده و بیانگر قدرت وی در حوزه بلاغت می‌باشد. او سرانجام به سال ۹۰۶ هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

- (۱) المختار فی المعانی والبیان: اثر کرامستی در بلاغت بوده و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های سلیمانیه به شماره ۶۱۷، و موزه توپ قابی ۸۱۶۲۸.۱۶۸۶ موجود است.
- (۲) شرح المطول: شرحی است بر «المطول» تفتازانی در معانی و بیان. این اثر خطی می‌باشد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۲۱۹۳ موجود می‌باشد.
- (۳) أقدار واهب القدر: درباره معانی و بیان است.
- (۴) التبيين في المعاني والبيان: اثر کرامستی در بلاغت بوده و از یک مقدمه و دو فن (معانی و بیان) و یک خاتمه تشکیل می‌شود. نسخه‌ای از آن در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۲۸۷۰ موجود می‌باشد.
- (۵) التیان (التیان) فی شرح التبيين: کرامستی این اثر را در شرح «التبيين» خود نوشته است. نسخه‌ای از دست خط مؤلف در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۲۹۸۷ موجود است. نسخه دیگر آن نیز در کتابخانه موزه توپ قابی به شماره ۸۱۵۶A۱۷۰۲ موجود است.
- (۶) المَّتَخَب من المعاني: کرامستی اثر «التبيين» خود را خلاصه کرده و آن را «المتخب» نامیده است. و نسخه‌ای از آن در کتابخانه موزه توپ قابی به شماره ۸۱۶۰ A۱۷۰۵ و در سلیمانیه به شماره ۲۲۸۳ موجود است.
- (۷) حاشية المختصر: «المختصر» اثر مشهور تفتازانی در بلاغت می‌باشد که آن را در شرح «التلخیص» خطیب قزوینی نوشته است. و کرامستی نیز آن را شرح کرده است.
- (۸) رسالة من القواعد البيانية: رساله‌ای است از کرامستی در بیان که نسخه‌ای از آن در سلیمانیه به شماره ۱۷۹۴ موجود می‌باشد.

(۹) حاشية على شرح المفتاح.

آثار دیگر:

- (۱) الوجيز: مختصری است در اصول فقه که آن را «الوجيز» نامیده است. این اثر خطی می‌باشد.
- (۲) زبدة الوصول الى علم الأصول: کرامستی آن را در اصول دین نوشته است که خطی می‌باشد.
- (۳) كتاب الوقف: اثری است در ۲۰ باب.

منابع:

معجم المؤلفين: ج ۱۳، ص ۲۹۴

الاعلام، زرکلی: ج ۹، ص ۳۰۲

هدیه: ج ۲، ص ۵۲۳

الشقائق النعمانية: ص ۱۲۷

عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، صص ۵۴، ۵۳

کشف الظنون: صص ۴۷۶، ۴۷۸

(۵۵) حاجی بابا طوسی (سده نه هـ / ۱۵ م)

شیخ ابراهیم بن عبدالکریم طوسی، معروف به حاجی بابا
شرح حال:

از دانشمندان مشهور عثمانی در سده نه هـ می‌باشد. وی که بر علوم ادبی و شرعی تسلط داشت بیشتر با تدریس مشغول بود. تصنیفاتی دارد که در آن زمان بین طلاب مشهور بوده است.

آثار ادبی وی:

(۱) *أَوْقَى الْوَأَقِيَةِ فِي شَرْحِ الْكَافِيَةِ*: حاجی بابا این اثر را در اعراب «کافیه» ابن حاجب که موضوع آن نحو می‌باشد نوشته است.

(۲) *إِعْرَابُ الْمُصْبَاحِ*: مصباح اثر مطریزی در نحو است که حاجی بابا روی این اثر کار کرده است و آن را اعراب المصباح نامیده است.

(۳) *شرح قواعد الإعراب*: شرحی است از حاجی بابا طوسی بر «الاعراب عن قواعد الاعراب» ابن هشام نحوی. که مختصر مشهور ابن هشام در قواعد اعراب بوده و شامل چهار باب است: (۱) جمله و احکام آن، (۲) جار و مجرور، (۳) بیست کلمه و (۴) اشارات.

(۴) *شرح العوامل*: شرحی است از حاجی بابا طوسی بر «العوامل المائة» عبدالقاهر جرجانی در نحو.

(۵) *رسالة في اللهو*: رساله‌ای است از حاجی بابا طوسی در دو باب که باب اول در حرمت لهو، باب دوم در اثبات حلال و حرام می‌باشد.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۱۲۸ *كشف الظنون*: ص ۸۸۷

معجم المؤلفين: ج ۱، ص ۵۰

(۵۶) قره سنان (ف: ۸۸۵ هـ / ۱۴۸۰ م)

سنان الدین یوسف بن عبدالملک بن بخشایش مشهور به قره سنان

شرح حال:

از دانشمندان و ادیبان مشهور عثمانی در قرن نهم هـ می‌باشد. وی پس از اتمام تحصیلاتش در برخی از مدارس شروع به تحصیل می‌کند. قره سنان در علوم عربی و فنون ادبی مهارت کامل داشت. تاریخ وفات او ۸۸۵ هـ می‌باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) *رواح الأزواح*: قره سنان این اثر را در شرح «مراح الارواح» اثر احمد بن علی بن مسعود نوشته است که موضوع آن صرف عربی می‌باشد.

(۲) *الصافية*: شرحی است که قره سنان بر «الشافیه» ابن حاجب در صرف نوشته است.

(۳) *المضبوط في شرح المقصود*: شرحی است بر اثر «المقصود» در صرف که در مؤلف آن اختلاف وجود دارد. گفته می‌شود که امام اعظم آن را تألیف کرده. قره سنان شرح آن را در سال ۸۳۹ هـ به اتمام رسانیده است.

آثار دیگر:

- (۱) زَيْنُ الْمَنَارِ فِي شَرْحِ مَنَارِ الْأَنْوَارِ: شرحی است که قره سنان بر «منار الانوار» حافظ الدین نسفی در اصول فقه نوشته است.
- (۲) حواش علی شرح الوقایة: حاشیه‌ای است که قره سنان بر اثر صدر الشریعه در فروع فقه حنفی نوشته است.
- (۳) هَزَمُ الْجُيُوشِ فِي الْغَالِبِ وَ الْمَغْلُوبِ.
- (۴) الضَّمَائِنُ: مختصر قره سنان است. آغازش: الحمد لله الذي يعلم ما فی الضمیر الی آخر ... که درباره موضوع آن پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

منابع:

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------|
| عثمانلی مؤلفعلری: ج ۱، ص ۳۹۷ | الشقائق النعمانیة: ص ۱۲۹ |
| کشف الظنون: صص ۱۸۲۶، ۱۸۰۷، ۱۰۸۸، ۱۰۲۲ | معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۳۱۹ |
| هدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۶۰ | قاموس الاعلام: ص ۲۶۳۴ |

(قرن نه هـ) (۵۷) آی طوغمش قره‌مانی (اَیْدَغُمُش)

مصلح الدین مصطفی بن زکریا بن آی طوغمش قرمانی
شرح حال:

از فقیهان حنفی و دانشمندان سده نه هـ می‌باشد. وی متولد کارامان ترکیه است که پس از تحصیلات مقدماتی به قاهره سفر کرده و نزد دانشمندان آن دیار آموخته‌هایش را تکمیل می‌نماید و دوباره به موطن خود باز می‌گردد.

آثار ادبی وی:

- (۱) حاشیة علی ضَوْءِ الْمَصْبَاحِ: حاشیه‌ای است که قرمانی بر «ضوء» نوشته است و آن نیز تلخیص و شرح محمد اسفرائینی بر «المصباح» مطرزی در نحو می‌باشد.
- آثار دیگر:

- (۲) التوضیح: شرحی است از قرمانی بر «مقدمه کتاب الصلاة» فقیه ابی اللیث سمرقندی.
- (۳) إرشادُ الرَوَايَةِ: شرحی است از قرمانی بر «الهدایه» مرغینانی در فروع فقه.

منابع:

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۲۵۳ | الشقائق النعمانیة: ص ۱۳۰ |
| کشف الظنون: صص ۱۷۹۵، ۲۰۳۷ | الاعلام، زکلی: ج ۱۲، ص ۲۵۳ |
| | هدیه العارفین: ج ۲، ص ۴۳۳ |

۱- تاریخ آی طوغمش قرمانی در معجم المؤلفین و زکلی و هدیه العارفین سال ۸۰۹ هجری قید شده که به نظر اشتباه می‌رسد. زیرا وی در دوران سلطان محمد فاتح یعنی بین سالهای

(۵۸) دینقوز احمد افندی (ف: ۸۷۴ هـ/۱۴۶۹ م)

شمس الدین احمد بن عبدالله معروف به دینقوز

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده نه هجری می‌باشد. وی از مدرسین مدارس مختلف بویژه مدرسه سلطان بایزید در بورسا بود. وی با تدریس و آثار خود در فعالیت‌های علمی بورسا سهم زیادی داشته است. تصنیفاتی زیبا از احمد افندی به یلداگار مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح المراح: شرحی است که احمد افندی بر «مراح الارواح» تألیف احمد بن علی بن مسعود در صرف نوشته است. و بقول کاتب چلبی - مولف کشف الظنون - شرحی معتبر و مفید می‌باشد. این اثر به‌همراه الفلاح شرح المراح، اثر ابن کمال پاشا در چاپخانه میمنیه ۱۳۰۹ هـ به چاپ رسیده است و نسخه‌های خطی آن در بسیاری از کتابخانه‌ها و یک نسخه چاپی آن نیز در کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه اولو داغ به شماره ۴۹۲۰۷۵ موجود است.

(۲) شرح المقصود: شرحی است بر کتاب المقصود در صرف.

(۳) رساله بناء الافعال: رساله‌ای در صرف می‌باشد که یک نسخه آن در کتابخانه کوپرولو به شماره ۴/۶/۱۱۱/۶۵۱ و

۶۵۳۸۳ موجود است.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی شرح آداب البحث: حاشیه‌ای است بر شرح آداب البحث تألیف مسعود شیروانی.

منابع:

الشقائق النعمانیة: ص ۱۳۰ معجم المطبوعات العربیة: ص ۹۰۶

عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۰۵ قاموس الاعلام: ج ۱، ص ۱۳۰

کشف الظنون: ص ۱۸۰۹، ۱۶۵۱ معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۲۲۰

(۵۹) آق شمس الدین (قرن نه هـ^۱)

شمس المله و الدین محمد بن حمزه، مشهور به آق شمس الدین

شرح حال:

از نوادگان شیخ شهاب الدین سهروردی و از بزرگان و علمای مشهور عثمانی در سده نه هـ می‌باشد. وی در دمشق متولد شد^۲

۱- تاریخ وفات آق شمس الدین در منابع مختلف می‌باشد: در معجم المؤلفین آمده که وی در سال ۸۶۵ هـ زنده بوده اما بنا به قاموس الاعلام: تاریخ وفات وی ۸۶۴ هـ و بنا به

عثمانلی مؤلفلری ۸۶۳ هـ می‌باشد.

۲- عثمانلی مؤلفلری درباره محل تولد آق شمس الدین آنچه را که در شقائق آمده است رد می‌کند و می‌گوید: «اگر چه شقائق وی را از مردم شام معرفی می‌کند ابن عقیده اشتباه می‌باشد

و آق شمس الدین در عثمان چیک (یکی از شهرهای ترکیه) متولد شده است».

و در کودکی به همراه پدر به مملکت عثمانی سفر کرد. وی به سبب ذکاوتی که داشت علوم متداول حتی طب را نیز آموخت. مدتی در مدارس مختلف مدرس بود. سپس به تصوف روی می آورد. از وی تصنیفاتی به زبان عربی و ترکی بر جای مانده است. آثار وی:

(۱) رسالة النورية: اثری عرفانی در سلوک طریقت و مشکلات علم حقیقت به زبان عربی می باشد. و نسخه ای از آن در کتابخانه های استانبول موجود می باشد.

(۲) حل مشکلات: وی در این اثر برخی از سخنان بزرگان تصوف را حل کرده است که این کتاب نیز به عربی می باشد.

منابع:

عثمانلی مؤلفی: ج ۱، ص ۱۲

الشقائق النعمانیة: صص ۱۲۸، ۱۴۲

معجم المؤلفین: ج ۹، ص ۲۷۱

قاموس الاعلام: ص ۲۶۵

(۶۰) عبدالله الالهی (ف: ۸۹۶هـ/۱۴۹۱م)

شیخ عبدالله بن ... سیمای، مشهور به الهی

شرح حال:

شیخ طریقت نقشبندی در سده نه هـ می باشد. که در سیمای یکی از استانهای آناتولی به دنیا آمد. مدتی در استانبول سکنی گزید. و سپس همراه علی طوسی به ایران سفر نمود. و بعد از آن عازم سمرقند شد و در تربت بهاءالدین نقشبندی معتکف گشت. پس از آن دوباره به استانبول بازگشت و بعد از وفات سلطان محمد فاتح در مساجد با وعظ مشغول شد. به زبان عربی و ترکی تصنیفاتی دارد که بیشتر آن درباره تصوف می باشد.

آثار وی:

(۱) تحیات الأرواح: رساله ای است در تصوف.

(۲) زاد المشتاقین: رساله ای است در علم لدنی

(۳) نجات الأرواح عن دس الأشیاع: رساله ای است که شیخ عبدالله در آن سخنان مشایخ را گردآوری نموده و ممزوج از دو

زبان عربی و فارسی است.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۴۷۰

الشقائق النعمانیة: صص ۱۵۴، ۱۵۲

كشف الظنون: صص ۱۹۲۸، ۹۴۷، ۳۷۹

معجم المؤلفین: ج ۶، ص ۳۶

قاموس الاعلام: ص ۳۰۹۹

(۶۱) خواجه عبيدالله سمرقندی (ف: ۸۹۵هـ/۱۴۹۰م)

شیخ ناصرالدین عبيدالله بن محمود بن احمد شاشی سمرقندی، ملقب به /حرار

شرح حال:

وی از زاهدان و صوفیان طریقت نقشبندی در سده نه هـ می‌باشد که در شهر تا شکند بدنیا آمد. نسب خواجه عییدالله سمرقندی به امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌رسد. وی در روستای کمان کشان درگذشت و در سمرقند به خاک سپرده شد.

آثار وی:

(۱) العروة الوثقى لأرباب الارتقاء: درباره این اثر پس از جستجو چیزی یافت نشد.

(۲) أنیس السالکین: موضوع آن تصوف می‌باشد.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۱، ۲۵۰

الشقائق النعمانية: صص ۱۵۸، ۱۵۵

(۸۱۷-۸۹۸ هـ / ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م)

(۶۲) ملا عبدالرحمن جامی

نورالدین، ابوالبرکات، شیخ الاسلام عبدالرحمن بن احمد بن محمد جامی شیرازی هروی

شرح حال:

دانشمند، شاعر و ادیب بزرگ ایران در سده نه هـ می‌باشد. مفسر و فقیه منسوب به طریقت نقشبندی که در روستای خرچرد قصبه جام واقع در خراسان به دنیا آمد. تخلص وی به «جامی» هم بسبب تولد و هم به حکم ارادتی است که به شیخ الاسلام احمد جامی (ف ۵۳۶هـ) داشت. وی ابتدا به هرات رفت و در آنجا به تحصیل علوم پرداخت و اکثر علوم و فنون را یاد گرفت. او در ادبیات عربی و فارسی دست مهارت داشت و نظم و نثر زیادی از خود بر جای گذاشته است.

در شقائق آمده است هنگامی که سلطان بایزید شهرت وی را شنید او را به کشور خود دعوت کرد. و هدایای ارزشمندی برای او فرستاد. جامی سپس به دعوت سلطان محمد فاتح تا قونیه آمد. اما به سبب وفات فاتح نتوانست با او دیدار نماید. او کشورهای مختلف را گشت و سرانجام به هرات بازگشت و در سن ۸۱ سالگی در همانجا وفات نمود. همه تصنیفات بجا مانده از جامی از دید فضلاء مورد قبول می‌باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) الفوائد الضیائیة فی شرح الکافیة: شرحی است که جامی بر کافیة اثر ابن حاجب در نحو نوشته است. و در آن همه

شرحهایی را که بر کافیة ابن حاجب نوشته شده بود به بهترین نحو تلخیص نمود و شرح خود را نیز بر آنها افزود. و آن را «الفوائد الضیائیة فی حل مشکلات الکافیة» نامید این شرح جامی بهترین و مشهورترین شرحی است که بر کافیة نوشته شده است. جامی آن را برای پسرش نوشت و در سال ۸۹۷ هـ آن را به پایان رسانید. اثر مذکور در تهران بسال ۱۲۶۵ هـ ق، تبریز بسال ۱۳۱۰ هـ ق، استانبول ۱۳۱۸ هـ ق، لکهنو بسال ۱۸۸۸ م، مصر ۱۳۴۰ هـ ق و بمبئی ۱۲۷۶ هـ ق، به چاپ رسیده است.

(۲) رساله‌ای در عروض و قافیه: رساله‌ای است که جامی آن را در عروض و قافیه به زبان عربی و فارسی نوشته است. این

رساله در استانبول بسال ۱۲۶۱ هـ ق، پاریس ۱۸۲۷ م، و در کلکته ۱۸۷۲ م به چاپ رسیده است.

(۳) شرح بعضی آیات قافیه ابن فارض: پس از جستجو مطلبی درباره آن یافت نشد.

۴) رسالتان في المعنى: دو رساله است در معنا که یکی کوچک و دیگری بزرگ می باشد. درباره این اثر جامی پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

آثار دیگر:

- ۱) الدرّة الفاخرة: منظومه‌ای است در یک مجلد که جامی آن را در فلسفه ربوبی و تحقیق مذهب صوفیه، متعلمین و حکماء درباره وجود و صفات خداوند و نظام عالم، به تحریر کشیده است.
- ۲) تفسیر: تفسیری است که جامی آن را بر اوائل قرآن کریم نوشته است و در آن قسمتی از باطن قرآن را نشان داده است.
- ۳) سلسله الذهب: جامی این اثر خود را بر ذم طوائف رافضی نوشته است.
- ۴) شرح فصوص الحکم: شرحی است که جامی آن را بر فصوص الحکم محیی الدین ابن عربی در تصوف نوشته است. این اثر مطبوع می باشد.

۵) رسالة في کلماتي الشهادة.

۶) شرح النقایة مختصر الوقایة: موضوع آن درباره فقه حنفی می باشد.

۷) لوايح: موضوع آن درباره عرفان می باشد.

منابع:

- | | |
|--|--------------------------------|
| هدیه العارفين ج ۱، ۵۳۴ | الشقائق النعمانيه: صص ۱۵۹، ۱۶۰ |
| الاعلام، زرکلی: ج ۴، ص ۶۷ | قاموس الاعلام: صص ۱۷۶۰، ۱۷۵۹ |
| مؤلفين کتب چاپی مشار: ج ۳، ص ۷۹۸ | معجم المؤلفين: ج ۵، ص ۱۲۲ |
| فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی مرعشی شماره ۸۹ | معجم المطبوعات العربيه ص ۶۷۱ |

(۶۳) محمد نکساری (ف ۹۰۱هـ / ۱۴۹۶م)

محیی‌الدین محمد بن ابراهیم بن حسن نکساری^۱

شرح حال:

فقیه، متکلم و مفسر، حافظ قرآن، ریاضی دان و مدرس مسجد ایاصوفیا در سده نه و اوایل سده ۱۰هـ می‌باشد که در شهر نکسار ترکیه بدنیا آمد و نزد یوسف بالی بن فناری و مولی یکان به تحصیل پرداخت و مدتی در شهر قسطنطنیه با تدریس مشغول گشت. سپس به وعظ مردم در مسجد ایاصوفیا پرداخت. سلطان بایزید خان برای گوش فرا دادن به تفسیر وی به ایاصوفیا می‌آمد. وی سرانجام بسال ۹۵۱هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح الإيضاح: شرحی است که نکساری بر الايضاح عبدالرحمن قزوینی معروف به خطیب قزوینی نوشته است و موضوع آن معانی و بیان می‌باشد.

آثار دیگر:

(۱) تفسیر سورة الدخان .

(۲) حاشیه علی شرح أنوار التنزیل: حاشیه‌ای است بر انوار التنزیل بیضاوی در تفسیر.

(۳) شرح غممة العقائد: شرحی است از نکساری بر «عمدة العقائد» نسفی.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۱۸

الشفائق النعمانیة: صص ۱۶۶، ۱۶۵

کشف الظنون: صص ۱۱۶۸، ۱۱۴۶، ۱۱۴۵، ۲۱۱

کشف الظنون: صص ۱۱۶۸، ۱۱۴۶، ۱۱۴۵، ۲۱۱

(۶۴) اخى زاده، اخى چلبى (ف ۹۰۲هـ / ۱۴۹۷م)

یوسف بن جنید توقاتی، معروف به اخى زاده، اخى چلبى و یوسف چلبى

شرح حال:

از فقیهان حنفی مذهب عثمانی در سده نه و اوایل سده ۱۰هـ می‌باشد که در شهر توقات ترکیه بدنیا آمد و نزد احمد فریمی و مولی خسرو به تحصیل پرداخت. سپس در مدارس بورس، ادرنه، و استانبول به تدریس مشغول شد؛ و بعدها نیز بعنوان مدرس مدارس هشتگانه منصوب گشت.

۱- نکساری در برخی منابع تکساری و تکساری قید شده است که به دلیل انتساب نکساری به نکسار ترکیه، «نکساری» صحیح است.

۲- تاریخ وفات وی در معجم المؤلفین ۹۰۵هـ آمده است.

اختری زاده در استانبول مسجدی بنا کرد و همه کتابهای خود را وقف آنجا نمود و سرانجام نیز بسال ۹۰۲ هـ در استانبول در گذشت. تصنیفات به جا مانده از او به زبان عربی می باشد.

آثار وی:

(۱) *قَدَائِمَةُ الْمُتَعَدِّينَ*: رساله ای است خطی درباره مسائل فقهی و توحیدی که در آن مسائل مربوط به الفاظ کفر را جمع کرده است.

(۲) مختصر فتاوی قاضیخان .

(۳) *ذخیره العقبی*: حاشیه ای است خطی از اختری زاده بر شرح «وقایه الروایه فی مسائل الهدایه» صدر الشریعه در فقه.

(۴) *زُبْدَةُ التَّعْرِيفَاتِ*: اثری است مطبوع از اختری زاده که پس از جستجو مطلب بیشتری درباره آن یافت نشد.

منابع:

الشفائق النعمانیة: ص ۱۶۷ معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۲۸۶

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۶۳ قاموس الاعلام: ص ۸۰۶

عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، ص ۵۳ الاعلام، زرکلی: ج ۹، ۲۹۶

۶۵) مولی لطفی (ف: ۹۰۴ هـ / ۱۴۹۸م)

لطف الله بن حسن توقاتی

شرح حال:

مولی لطفی از فقیهان، متکلمان و دانشمندان اصول، منطقی، معانی و بیان عثمانی در سده نه و اوایل سده ۱۰ هـ می باشد که به عربی تسلط کامل داشت. وی در شهر توقات به دنیا آمد؛ و از علی قوشچی علوم ریاضی را فرا گرفت. سلطان محمد او را مسؤول کتابخانه ساخت و در دوران سلطان بایزید بعنوان مدرس مدارس بورس، قلبه و مدرسه دارالحديث مدرسه منصوب گشت. رقیبان وی سبب فضیلتی که داشت به او حسادت می کردند. و دانشمندان نیز از دست زیان دراز او عصبانی بودند. و به او نسبت الحاد داده و خونس را مباح می دانستند که سرانجام بسال ۹۰۴ (و به روایتی ۹۰۰ هـ) کشته شد. وی آثار زیادی در علوم شرعی و عربی دارد.

آثار ادبی وی:

(۱) *حاشیة علی شرح المفتاح*: حاشیه ای است که مولی لطفی بر شرح سید شریف بر «مفتاح العلوم» نوشته است. لازم به

ذکر است که مفتاح العلوم اثر سکاکی در بلاغت بوده و سه بخش می باشد: (۱) صرف، (۲) نحو، (۳) معانی و بیان.

(۲) *تلخیص التلخیص*: شرحی است که مولی لطفی بر «تلخیص المفتاح» محمد قزوینی در معانی و بیان نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) *السبع الشداد*: رساله وی شامل هفت سوال بر سید شریف می باشد. این رساله بقدری زیباست که اگر مولی لطفی

تصنیف دیگری نداشت. بر فضیلت وی پس بود اثر مذکور خطی می باشد.

(۲) *تعلیقهای بر صحیح بخاری*

(۳) *حاشیة علی شرح مطالع الأنوار*: موضوع آن منطق می باشد.

- ۴) المطالب الإلهية: مولی لطفی رساله‌ای در علوم شرعی و عربی نوشته و در آن تقریباً صد موضوع علمی را آورده و اقسام علوم شرعی و عربی را ذکر کرده است. ولی سپس این رساله علوم را شرح کرده و آن را «المطالب الالهیه» نامیده است.
- ۵) ترجمه الفرج بقدر الشدة: وی این اثر را ترجمه کرده است. پس از جستجو مطلب زیادی در مورد آن یافت نشد.
- ۶) مراتب الموجودات: این اثر خطی است.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۸، ص ۱۵۴	الشقائق النعمانية: صص ۱۷۱، ۱۶۹
قاموس الاعلام: ص ۳۹۹۲	هدیه العارفین: ج ۱، ص ۸۳۹
معجم مطبوعات العربیه: ص ۹۴۷	الاعلام، زرکلی: ج ۶، ص ۱۰۷

(۶۶) علی جمالی (ف ۹۳۲هـ / ۱۵۲۶م)

علاءالدین علی بن احمد محمد جمالی

شرح حال:

وی از فقیهان حنفی و از بزرگان علوم شرعی و دینی و از یگانه‌های فتوی در سده نه و ۱۰هـ می‌باشد. او ابتدا نزد مصلح الدین بن حسام علوم عقلی و شرعی را آموخت و در زمان سلطان محمد فاتح به عنوان مدرس مدرسه ادرنه منصوب گشت و در زمان بایزید خان فتوی شهر آماسیه و استانبول و تدریس مدرسه بورسا بر عهده وی گذاشته شد. علی جمالی در زمان سلطان سلیم خان درگذشت. او بر عربی تسلط کامل داشت و تصنیفاتی نیز به عربی از وی به جا مانده است.

آثار وی:

۱) المختارات: تصنیفی است از علی جمالی در فقه که در آن مسائلی را جمع‌آوری کرده و آن را «مختارات الفتوی» نامیده است. اثر مذکور خطی می‌باشد.

۲) مختصر الهدایة: اثریست خطی در فروع فقه حنفی.

۳) آداب الأوصیاء: اثری است در فقه حنفی و مطبوع.

درباره این آثار علی جمالی پس از جستجو مطلب زیادی یافت نشد.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۸، ص ۲۵	الشقائق النعمانية: صص ۱۷۶، ۱۷۳
	الاعلام، زرکلی: ج ۵، ص ۶۳

(۶۷) ابن مؤید (ف ۸۶۰-۹۲۲هـ / ۱۴۵۶-۱۵۱۶م)

عبدالرحمن بن علی بن مؤید اماسی مشهور به ابن مؤید

شرح حال:

از استادان خبره در فنون ادبی و علوم عربی در سده نه و ۱۰هـ می‌باشد. وی به سه زبان ترکی، عربی و فارسی مقتدر بر شعر و انشا بود و در تفسیر، حدیث، بلاغت و بیان مهارت داشت.

ابن مؤید به سال ۸۶۰هـ در شهر آماسیه ترکیه به دنیا آمد و سپس به حلب رفته و نزد دانشمندان حلب کتاب «المفصل» زمخشری در نحو را خواند. پس از آن به ایران آمد و نزد جلال‌الدین دوانی علوم عقلی، عربی، تفسیر و حدیث را تحصیل نمود و از جانب او به اجازه نایل گشت. وی در زمان سلطنت بایزید به آماسیه برگشت و قضاء استانبول را بر عهده گرفت و در زمان جنگ سلطان سلیم خان و شاه اسماعیل، سلطان سلیم را همراهی نمود. ابن مؤید سرانجام بسال ۹۲۲هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی :

(۱) حاشیه علی شرح المفتاح: حاشیه‌ای است که ابن مؤید بر شرح تفتازانی بر کتاب «مفتاح العلوم» سکاکی در بلاغت نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) تفسیر سوره القدر: اثری است خطی.

(۲) فتاوی مؤیدزاده: مجموعه فتاوهای مشهور ابن مؤید است که خطی می‌باشند.

(۳) رسالة في آية الحج أشهر معلومات.

(۴) رسالة في الكلام.

منابع:

معجم المؤلفين: ج ۵، ص ۱۵۵

الشقائق النعمانية: صص ۱۷۶، ۱۷۹

قاموس الاعلام: ص ۳۰۷۰

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۵۴۴

الاعلام، زرکلی: ج ۴، ص ۹۱

عثمانی مؤلفی: ج ۱، ص ۳۵۵

(۶۸) محمد سامسونی (ف ۹۱۹هـ - ۱۵۱۳م)

محیی‌الدین محمد بن حسن بن عبدالصمد سامسونی

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده نه و ۱۰هـ و منسوب به شهر سامسون ترکیه می‌باشد. سامسونی ابتدا نزد علاء‌الدین علی عربی به تحصیل پرداخت و سپس به عنوان مدرس در مدارس بورسا، ادرنه، استانبول، و ازنیق به تدریس مشغول شد. وی تا پایان عمرش در منصب قضاء ادرنه بود و در همانجا نیز فوت کرد.

آثار ادبی وی:

(۱) حواش علی شرح المفتاح: حاشیه‌ای از محمد سامسونی بر شرحی که سید شریف بر «مفتاح العلوم» سکاکی در بلاغت

و فصاحت نوشته است. حاشیه وی همچنین بر شرح تفتازانی بر مفتاح العلوم را نیز شامل می‌شود.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی شرع التجريد: حاشیه‌ای است از محمد سامسونی بر تجرید العقاید سید شریف.

(۲) حواش علی التلویح: حاشیه‌ای است از سامسونی بر التلویح تفتازانی در اصول فقه.

منابع:

معجم المؤلفين: ج ۹، ص ۱۹۶

الشقائق النعمانية: صص ۱۸۰، ۱۷۹

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۲۷

۶۹) قاضی بغداد (ف ۹۲۲هـ / ۱۵۱۶م)

قوام الدین یوسف بن حسن حسینی شیرازی مشهور به قاضی بغداد

شرح حال:

دانشمند حنفی مذهب، عارف، متکلم و از اصولیان سده نه و ۱۰هـ و از مردم شیراز می باشد وی مدتی در بغداد سکنی گزید و قضاء بغداد را بر عهده گرفت و بدین سبب نیز به قاضی بغداد مشهور گشت. در منابع آمده است که وی ابتدا به ماردین - یکی از شهرهای ترکیه - سفر کرد و سپس به دار السعادت سلطان بایزید خان آمد و از سوی سلطان به عنوان مدرس سلطانیه بورسا و نیز یکی از مدارس هشت گانه تعیین گشت. یوسف شیرازی در اوائل سلطنت سلطان سلیم در بورسا فوت کرد وی به زیادهای عربی و فارسی در تفسیر، حدیث و اصول آثار زیادی دارد.

آثار وی:

۱) شرح نهج البلاغة: شرحی است بر نهج البلاغة امیرالمؤمنین حضرت علی ابن ابی طالب.

۲) حاشیه علی المواقف: حاشیه ای بر اشتباهات مواقف اثر الایچی در کلام.

۳) حاشیه علی التلویح: حاشیه ای است بر تلویح تفتازانی در اصول.

۴) کفاية الراوي والسماع: در حدیث است.

۵) حاشیه علی أنوار التنزیل: حاشیه ای است بر انوار تنزیل بیضاوی.

۶) تفسیر آیه «یا أرض ابلعی مائک»

منابع:

الشقائق النعمانیة: ص ۱۹۰ معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۲۹۰

مدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۲۳ قاموس الاعلام: ص ۳۵۳۹

کشف الظنون: ص ۱۹۹۱ اعلام، زرکلی: ج ۹ ص ۳۰۰

۷۰) ادریس بدلیسی (ف ۹۲۱هـ / ۱۵۱۵م)^۱

ادریس بن حسام الدین علی بدلیسی

شرح حال:

از امراء و علمای کرد سده نه و ۱۰هـ می باشد که در علوم گوناگون تبحر داشت. وی به مملکت عثمانی مهاجرت نمود و از سوی سلطان بایزید مورد تکریم واقع شد. او در زمان سلطان سلیم به کردستان اعزام شد و در الحاق دیار بکر، موصل و کردستان تحت اداره عثمانی سهم بسزایی داشت.

۱- تاریخ وفات بدلیسی در منابع متفاوت است چنانکه در معجم ۹۳۰هـ و در عثمانلی مؤلفه ۹۲۷هـ و در قاموس الاعلام ۹۲۱هـ آمده است. اما بنا به روایت شقائق وی در اوایل

سلطنت سلطان سلیم در گذشته است بنابراین تاریخ وفات وی قریب به ۹۲۱هـ می باشد.

بدلیسی قصائدی به عربی و فارسی دارد و رساله‌هایی نیز در مطالب متفرقه به یادگار گذاشته است که جالب توجه می‌باشند. او در اوائل سلطنت سلطان سلیم درگذشت.

آثار وی:

- (۱) الإیاء من مواقع الوباء: درباره بیماری طاعون و جواز فرار از آن می‌باشد.
- (۲) رسالة فی النفس.
- (۳) الحقّ التّین فی الحقّ المبین: موضوع آن کلام می‌باشد.
- (۴) شرح قصّوص الحکم: شرحی است بر قصّوص محیی الدین ابن عربی در تصوف.
- (۵) کنز الخفی فی بیان مقامات الصوفی: در بیان مقامات صوفیان است.

منابع:

- | | |
|--------------------------------|---------------------------|
| الشقائق النعمانیة: ص ۱۹۱، ۱۹۰ | معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۲۱۷ |
| هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۹۶ | قاموس الاعلام: ص ۸۱۱ |
| کشف الظنون: صص ۲۴۷، ۱۰۶۳، ۱۷۱۶ | عثمانلی مؤلفلری: ج ۳، ص ۶ |

(۷۱) ابن سیدی علی (ف ۹۳۱هـ / ۱۵۲۴م)

یعقوب بن سیدی علی میمون بورسایی مشهور به ابن سیدی علی، سیدی علی‌زاده و شارح شرعه

شرح حال:

از دانشمندان و فاضلان عثمانی در سده‌های نه و ۱۰ هـ می‌باشد. وی در شهر بورسا به دنیا آمد و نزد دانشمندان عصر خویش تحصیل کرد. سپس در مدارس مختلف به تدریس پرداخت و قاضی ادرنه شد. او در سال ۹۴۱ و یا ۹۴۰ هـ هنگامی که از سفر حج باز می‌گشت درگذشت.

ابن سیدی علی به سبب علاقه فراوانی که به شرح کتاب «الشرعه» داشت سلطان بایزید او را «شارح شرعه» لقب داده بود. وی تصنیفاتی به زبان عربی دارد.

آثار ادبی وی:

- (۱) حاشیه علی شرح دیباجة المصباح: المصباح اثر مطریزی در نحو می‌باشد که شخصی دیباجة آن را شرح کرده است و بنا به روایت کشف الظنون نام این شخص معلوم نمی‌باشد. ابن سیدی علی شرح مذکور را شرح کرده است که در اصول نحو و قواعد آن می‌باشد. اثر مذکور خطی بوده و بین طلاب متداول است.
- (۲) شرح گلستان: شرحی است بر گلستان سعدی به زبان عربی. اثری است خطی.

آثار دیگر:

- (۱) مفاتیح الجنان و مصابیح الجنان: شرحی است بر شرعه الاسلام در تصوف. اثر مذکور در آستانه بسال ۱۳۰۶ هـ چاپ شده است و کتاب مفیدی می‌باشد.
- (۲) التذکرة: در حدیث می‌باشد و اثریست خطی.
- (۳) حاشیه علی شرح السراجیه: اثری است خطی در فرائض.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۱۹۱ معجم المطبوعات العربية: ص ۱۰۷۷
هدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۴۹ الاعلام، زرکلی: ج ۹، ص ۲۶۵
کشف الظنون: صص ۱۵۰۱، ۱۷۱۰، ۱۵۰۴

۷۲) شجاع الدین الیاس (۸۳۹-۹۲۹هـ / ۱۴۳۵-۱۵۲۳م)

شجاع الدین الیاس بن الیاس دیمه توکایی

شرح حال:

عابد، زاهد، عالم و فاضل سده نه و ۱۰هـ که بیشتر وقت خود را در علم و عبادت می گذراند. وی از شهر «دیمه توکای ترکیه» می باشد که نزد علمای عصر خویش به تحصیل پرداخت و بعنوان مدرس مدرسه دیمه توکا منصوب گشت. سپس تدریس در مدارس مختلف و سرانجام قضاء ادرنه و بورسا را بر عهده گرفت. وی در حالیکه بیش از ۹۰ سال داشت درگذشت. بیشتر اشتغال شجاع الدین الیاس با علوم عقلی بود و اکثر آثار وی شرح و حاشیه می باشند.

آثار ادبی وی:

۱) حاشیه علی الرسالة السمرقندیة: حاشیه ای است بر رساله شیخ احمد ابن ابی حسن الجامی در بلاغت.

آثار دیگر:

شجاع الدین الیاس بر تمامی تصنیفات سید شریف جرجانی حاشیه نوشته است:

۱) حاشیه علی شرح التجرید .

۲) حاشیه علی شرح المطالع .

۳) حاشیه علی شرح الشمسیة: در منطق است.

۴) حاشیه علی عضدیة .

۵) حاشیه علی العقائد: حاشیه ای است که شجاع الدین الیاس بر اثر مولی قسطلانی نوشته است.

منابع:

الشقائق النعمانية صص ۱۹۲، ۱۹۳ عثمانلی مؤلفلری ج ۱، ص ۳۳۳

معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۳۱۳ هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۲۵

۷۳) یوسف حمیدی، مشهور به «شیخ سنان» (ف ۹۱۲هـ / ۱۵۰۶م)

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در سال ۹۱۲هـ در شهر حمید ترکیه بدنیا آمد و در نزد دانشمندان عصر خود همانند قاضی زاده و خواجه زاده به تحصیل پرداخت. وی مدرس برخی از مدارس استانبول و بورسا بود و سرانجام در موطن خود وفات یافت.

پس از جستجو فقط یک اثر ادبی از او یافت شد.

اثر وی:

۱) حاشیه علی شرح المفتاح: مفتاح العلوم اثر سکاکی می باشد که حاوی سه بخش است: ۱) صرف. ۲) نحو. ۳) معانی و بیان. این اثر را سید شریف جرجانی شرح نموده و شیخ سنان نیز بر آن شرح حاشیه ای نوشته است که مورد قبول همگان بوده است.

منابع:

قاموس الاعلام: ص ۲۶۳۴.

الشقایق النعمانیة: ص ۱۹۶

(ف: ۹۲۲هـ / ۱۵۱۶م)

۷۴) سعدی چلبی

سعدی بن تاجی بک، معروف به سعدی چلبی و تاج زاده

شرح حال:

وی از فاضلان و دانشمندان عثمانی در سده نه و ۱۰ هـ می باشد که نزد دانشمندان مشهوری چون قاضی زاده قاسم و محمد بن حاج حسن به تحصیل پرداخت و به شهرت رسید و در مدارس مختلف بورسا و استانبول به تدریس پرداخت. وی به علوم عربی تسلط کامل داشت و به عربی قصیده های زیبایی سروده است که در اعلا ترین مرتبه می باشند. سعدی چلبی همچنین اشعاری نیز به زبان ترکی و فارسی دارد. او سرانجام به سال ۹۲۲ هجری وفات یافت.

آثار ادبی وی:

۱) شرح المفتاح: شرحی است از سعدی چلبی بر مفتاح العلوم سکاکی در بلاغت.

۲) حاشیه علی شرح المفتاح: حاشیه ای است که وی بر شرح سید شریف جرجانی بر المفتاح سکاکی نوشته است.

۳) حاشیه علی حاشیه السید علی المطول: حاشیه ای است که سعدی چلبی بر حاشیه سید شریف بر المطول اثر تفتازانی در بلاغت نوشته است. نسخه ای از این حاشیه در کتابخانه موزه توپ قاپی به شماره A.۱۷۲۹.۸۱۲۶ موجود است.

۴) قصائد عربی: قصیده هایی است که به نظر تاشکیری زاده فرقی با قصیده های شاعران و فصیحان عرب ندارد.

۵) خیر الأحلام فی تعبیر المنام: سعد چلبی متون ادبی مختلفی نوشته است که به غایت بلیغ می باشند و خیر الاحلام نمونه ای از آنهاست که به سبک مقامه نگاشته شده است. نسخه ای از آن در کتابخانه سلیمانیه بخش اسعد افندی به شماره ۲۵۸۰ و در موزه توپ قاپی به شماره A.۱۰۴۲.۸۳۴۲ موجود می باشد.

آثار دیگر:

۱) نظم العقاید النسفیة: وی در این اثر عقائد نسفی در کلام را به نظم آورده است که بسیار بلیغ و زیبا می باشد.

۲) نظم المؤنثات السماعیة: منظومه ای است که پس از جستجو مطلبی در مورد آن یافت نشد.

۳) حاشیه علی شرح الوقایة: حاشیه ای است بر باب شهید شرح الوقایة صدر الشریعه.

منابع:

قاموس الاعلام: ص ۲۵۷۳.

الشقایق النعمانیة ص ۱۹۷.

عثمانلی مؤلف لری: ج ۱، ص ۳۳۳.

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۲۵.

کشف الظنون: ص ۱۷۶۵.

(ف ۹۲۲هـ / ۱۵۱۶م)

(۷۵) علی شیرازی

مظفر الدین علی بن محمد شیرازی

شرح حال:

عالم و فاضل صوفی و شافعی مذهب در سده نه و ۱۰ هجری که نزد دانشمندان عصر خود همچون صدرالدین شیرازی و علامه جلال الدین دوانی به تحصیل پرداخت. وی سپس به مملکت عثمانی کوچ کرد و از سوی سلطان بایزید به تدریس در برخی مدارس استانبول تعیین شد. ولی پس از مدتی به سبب بیماری چشم از تدریس باز نشسته شد و در بورسا سکنتی گزید و سرانجام در همانجا در گذشت.

علی شیرازی در علوم متعدد عالم بود و در علوم عقلی مهارت کامل داشت. وی همچنین در کلام و منطق نیز استاد بود و حساب، هیئت و هندسه را نیز خوب می دانست.

آثار ادبی وی:

(۱) حواش علی الکافیة: حاشیه ایست ارزشمند که علی شیرازی بر الکافیة ابن حاجب در نحو نوشته است

آثار دیگر:

(۱) شرح فصوص الحکم: شرحی است بر اثر مجیب الدین ابن عربی در تصوف.

(۲) شرح تهذیب المنطق و الکلام: شرحی است بر اثر تفتازانی.

منابع:

الشقایق النعمانیة: صص ۲۰۰، ۱۹۹. قاموس الاعلام: ص ۴۳۱۶.
معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۲۰۴. هدیه العارفين: ج ۱، ص ۷۴۱.

(ف: سده ۱۰هـ / ۱۶م)

(۷۶) حکیم شاه محمد قزوینی

شرح حال:

از دانشمندان و پزشکان سده ۱۰ هـ و از مردم قزوین می باشد. وی مفسر، دانشمند منطق و کلام و از شاگردان علامه جلال الدین دوانی بود که به مکه مکرمه سفر کرد و مدتی در آنجا مانده و با دعوت سلطان بایزید به استانبول آمد. وی تصنیفات فراوانی دارد و سرانجام در زمان سلطان سلیم درگذشت.

آثار ادبی وی:

پس از جستجو فقط یک عدد اثر ادبی از قزوینی یافت شد.

(۱) شرح کافیة: شرحی است بر کافیة ابن حاجب در نحو که از بهترین تصنیفات وی می باشد.

آثار دیگر:

(۱) تفسیر القرآن: قزوینی در این اثر از سوره نحل تا آخر قرآن را تفسیر کرده است و زیباترین و لطیفترین اثر وی

می باشد.

(۲) کتاب ربط السور والآیات.

(۳) حواشی علی التهاق: حاشیه وی است بر «تهاق» خواجه زاده.

(۴) شرح ايساغوجي: شرحی است بر اثر اثیر الدین ابهری سمرقندی در منطق.

۵) ذیل تذکره الشعراء: ضمیمه‌ای است که محمد قزوینی، بر تذکره الشعراء علی شیروانی نوشته است.

منابع:

- الشقایق النعمانیة: ص ۲۰۰. قاموس الاعلام: ص ۱۹۷۰.
معجم المؤلفین ج ۱۱، ص ۱۵۱. کشف الظنون: ص ۵۱۳.

(۷۷) ابن بخشی (قرن ۱۰هـ / ۱۶م)^۱

یحیی ابن بخشی بن ابراهیم کوفانی

شرح حال:

از دانشمندان سده نه هـ می‌باشد. وی مدرس توزلا از توابع استان قراسی ترکیه می‌باشد. ابن بخشی مدتی به تصوف و سیر و سلوک روی آورد. سپس نیز با وعظ مشغول گشت. وی سرانجام در توزلا درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) صحاح عجمی: در لغت است.

(۲) لمع المسائل النحویة فی شرح عوامل البرکوة: پس از جستجو مطلبی درباره آن یافت نشد.

(۳) شرح العوامل المئة: شرحی است که ابن بخشی بر عوامل المائه عبد القاهر جرجانی در نحو نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) شرح شرعة الاسلام: شرحی است بر شرعه در تصوف و نسخه‌ای از آن در کتابخانه نور عثمانیه موجود می‌باشد.

(۲) أنوار القلوب .

(۳) دیوان الالهیات .

(۴) مقتل امام حسین بن علی .

(۵) مولد النبوی .

آثار فوق از ابن بخشی مطبوع می‌باشد که پس از جستجو مطلبی در مورد آنها یافت نشد.

منابع:

- الشقایق النعمانیة: ص ۲۰۱. هدیه العارفین: ج ۲، ص ۵۳۰.
معجم المؤلفین ج ۱۳، ص ۱۸۷. عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۱۹۹.

(ف: ۹۲۰هـ / ۱۵۱۴م)

(۷۸) کمال الدین اسماعیلی قرامانی

شرح حال:

از دانشمندان دولت عثمانی در سده نه و ۱۰ هـ می‌باشد که در شهر کارامان ترکیه به دنیا آمد و نزد دانشمندان عصر خود همچون خیالی و مولی خسرو تحصیل نمود. وی مدرس برخی از مدارس بود و در شهر ادرنه نیز بعنوان قاضی منصوب گشته

۱- در برخی منابع، تاریخ وفات ابن بخشی ۸۶۰ هـ آمده است. ولی به دلیل هم عصر بودن وی با سلطان بایزید (۸۸۶-۹۱۸هـ): تاریخ اوائل ۹۰۰ هـ درست‌تر می‌باشد.

بود که پس از مدتی از تدریس عزل شد و تا آخر عمر خود در خانه با علم و عبادت مشغول گشت. او تصنیفات زیادی دارد که بیشتر آنها حاشیه و شرح می باشند و برخی نیز آثار خودش است. متأسفانه پس از جستجو تصنیفات ادبی وی یافت نگردید.

آثار وی:

(۱) تاریخ: تالیفی است از قرامانی که تاریخ جهان را از ابتدای آفرینش تا سال ۹۰۰هـ شامل می شود.

(۲) حاشیه علی الموائف: حاشیه ای است بر «مواقف» الایجی در علم کلام.

(۳) شرح أنوار التنزیل: شرحی است بر «انوار التنزیل» بیضاوی.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۱۷

الشفائق النعمانیة: ص ۲۰۲

(۷۹) ابن ام ولد (ف ۹۵۰هـ / ۱۵۴۳م)

عبد الاول بن حسین بن حسن بن حامد، معروف به ابن ام ولد

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که نزد مولی خسرو به تحصیل پرداخت. و در شهر سیوری ترکیه و دیگر شهرهای بزرگ بعنوان قاضی منصوب گشت. وی در همه علوم بخصوص فقه، حدیث، علوم قرائت و عربی تبحر داشت و سرانجام در استانبول به سال ۹۵۰هـ درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) حواشی علی شرح الکافیة: حاشیه ای است از ابن ام ولد بر شرحی که خبیصی بر کافیه ابن حاجب نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) مختصر الکشاف: تلخیصی است بر تفسیر کشاف زمخشری.

منابع:

معجم المؤلفین: ج ۵، ص ۲۷

الشفائق النعمانیة: ص ۲۰۲

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۴۹۳

(۸۰) محمد بن عراق (۸۷۸-۹۳۳هـ / ۱۴۷۳-۱۵۲۷م)

شمس الدین شیخ الاسلام محمد بن علی بن علی بن عبد الرحمن بن عراق دمشقی، معروف به ابن عراق

شرح حال:

محمد بن عراق از اولاد امراء جرکس در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در دمشق بدنیا آمد. وی ابتدا در بیروت سکنی گزید و به تصوف روی آورد. سپس به مکه رفت و در آنجا سکنی گزید و سرانجام در همانجا نیز درگذشت. ابن عراق تالیفات زیادی به زبان عربی دارد. اشعاری نیز دارد. متأسفانه پس از جستجو آثار ادبی وی یافت نشد.

آثار وی:

- (۱) هِدَايَةُ الثَّقَلَيْنِ فِي فَضْلِ الْحَرَمَيْنِ .
 - (۲) السَّفِينَةُ الْعِرَاقِيَّةُ فِي لِبَاسِ الْخِرْقَةِ الصُّوفِيَّةِ .
 - (۳) الْمُنْحُ الْعَامِيَّةُ وَ النَفَحَاتُ الْمَكِّيَّةُ .
 - (۴) شرح العباب : در فقه شافعی است که این اثر خود را به پایان نرسانده است.
 - (۵) مواهب الرحمن في كشف عورات الشيطان : رساله‌ای است در علم مواعظ که خطی می‌باشد.
 - (۶) جوهره الخواص : رساله‌ای است در علم مواعظ که خطی می‌باشد.
 - (۷) كشف الحجاب بِرَوِيَّةِ الْجَنَاب : این اثر خطی است.
 - (۸) سَفِينَةُ النَّجَالِمِ إِلَى اللَّهِ الْتَجَا .
- در مورد آثار فوق مطلب زیادی یافت نشد .

منابع:

- الشقائق النعمانية : صص ۲۱۲، ۲۱۳
 الاعلام، زرکلی : ج ۷، ص ۱۸۲
 معجم المؤلفين : ج ۱۱، ص ۲۱
 هديه العارفين : ج ۲، ص ۲۳۲

(۸۱) شیخ بایزید خلیفه ابن عبدالله (ف: ۹۰۵هـ / ۱۵۰۰م)

شرح حال:

از مشایخ دوره سلطان بایزید در سده نه و اوایل سده ۱۰هـ می‌باشد. وی در شهر ادرنه ترکیه سکنی داشت و به پند و نصیحت مردم مشغول بود که سرانجام نیز در همانجا درگذشت.

آثار وی:

- (۱) شرح النصوص في تحقيق الطُّورِ المخصوص : شرحی است بر اثر شیخ صدر الدین فونوی
- (۲) سَجْنَجَلُ الْأَرْوَاحِ : در تفسیر سوره فاتحه است.
- (۳) بَيَانُ الْأَسْرَارِ لِلْمُحَرَّرِ فِي بُؤَادِي الْمَلِكِ الْجَبَّارِ الْغَفَّارِ .
- (۴) حَاشِيَةٌ عَلَى أَنْوَارِ التَّنْزِيلِ : حاشیه‌ای است بر تفسیر بیضاوی.
- (۵) حَاشِيَةٌ عَلَى فُصُوصِ الْحُكْمِ : حاشیه‌ای است بر اثر ابن عربی.
- (۶) تفسیر الفاتحة : اثر بایزید خلیفه است.

منابع:

- الشقائق النعمانية : ص ۲۲۱
 معجم المؤلفين : ج ۳، ص ۲۸
 هديه العارفين : ج ۱، ص ۲۳۰
 عثمانلی مؤلفلری ج ۱، ص ۴۰

(۸۲) شیخ جمال الدین اسحاق قرامانی، معروف به جمال خلیفه. (ف: ۹۳۳هـ / ۱۵۲۷م)

شرح حال:

مفسر، عالم صرف و از مشایخ عثمانی در سده نه و ۱۰هـ از شهر قرامان ترکیه می‌باشد و نزد مولی قاضی زاده و مصلح الدین قسطلانی به تحصیل پرداخت و به سبب خط زیبایی که داشت سلطان محمد فاتح از او خواست تا کافیه ابن حاجب را املاء کند جمال خلیفه به تصوف روی آورد و مدتی با وعظ و ارشاد مردم مشغول گشت. وی به سال ۹۳۳هـ و به روایتی دیگر ۹۳۰هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

۱) التوابع فی الصرف: متن مفید و جامعی در صرف می‌باشد که جمال خلیفه بعدا این اثر خود را نیز شرح نموده است. اثر مذکور در کتابخانه‌های پولونیا به شماره ۸/۳۳۶، برلین ۶/۶۷۷۵، و نور عثمانیه ۴۶۵۰ موجود می‌باشد.

آثار دیگر:

- ۱) حاشیه علی أنوار التنزیل و أسرار التأویل.
- ۲) الأطوار السبعة: رساله‌ای است در اطوار سلوک.
- ۳) رسالة فی دوران الصوفیة و رقصهم: در رد و جواب به سنبل سنان.
- ۴) تفسیر جمال خلیفه: تفسیری است از سوره مجادله تا آخر قرآن.

منابع:

- | | |
|--------------------------------|----------------------|
| الشقایق النعمانیة: صص ۲۲۲، ۲۲۳ | بروکلمان: ج ۹، ص ۲۹۳ |
| معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۲۳۶ | کشف الظنون: ص ۱۴۶ |

(۸۳) ابن کمال پاشا (ف ۹۴۰هـ/۱۵۳۳م)

شمس الدین شیخ الاسلام احمد بن سلیمان بن کمال پاشا، مشهور به ابن کمال پاشا، کمال پاشا زاده و مفتی ثقلین شرح حال:

از دانشمندان عثمانی، فقیه، ادیب و شاعر سده نه و ۱۰هـ می باشد که در اکثر علوم مشارکت داشت. وی در شهر توقات ترکیه به دنیا آمد و در ادرنه نزد مولی قسطلانی و مولی خطیب زاده و دیگر دانشمندان به تحصیل پرداخت. ابن کمال پاشا ابتدا در مدارس مختلف شهرهای ادرنه و اسکوب به تدریس پرداخت و بعدها به مناصب قضاء ادرنه و قاضی عسکری، ولایت آناتولی و فتوای استانبول رسید. او به هنگام فتح مصر سلطان سلیم را همراهی نمود. و به دستور سلطان کتاب النجوم الظاهره را به ترکی ترجمه کرد. و سرانجام در استانبول درگذشت.

ابن کمال پاشا از دانشمندانی بود که شبانه روز همه وقت خود را صرف علوم می نمود. وی در انشاء مهارت داشت و رساله های زیادی را در مباحث مبهم و پیچیده نوشته است او به زبان عربی و فارسی تسلط کامل داشت و به سه زبان ترکی، عربی و فارسی در حدود ۳۰۰ جلد تالیف دارد. همه تالیفات ابن کمال پاشا مورد قبول می باشند. وی بیشتر به سبب تالیفات عربی خود مشهور می باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح المفتاح: حاشیه ایست از ابن کمال پاشا بر شرحی که سید شریف بر مفتاح العلوم سکاکی در بلاغت و فصاحت نوشته است.

(۲) رسالة في أقسام المجاز .

(۳) رسالة في من التبعيضیه .

(۴) کتاب في المعانی: شرحی است از ابن کمال پاشا بر متنی که خود در معانی نوشته است.

(۵) الکلمات العربیه: رساله ای است در کلمات عربی که در هفتمین جلد مجله المقتبس به چاپ رسیده است.

(۶) الفلاح بشرح المراح: شرحی است بر مراح الارواح اثر احمد بن علی ابن مسعود در صرف که آنرا الفلاح نامیده است. اثر مذکور مطبوع می باشد.

(۷) اظهار اناظهار علی اشجار الاشعار: دربارہ ادبیات می باشد که پس از جستجو مطلبی درباره آن یافت نشد.

(۸) شرح قصیده خمیره: شرحی است بر اثر عمر بن علی ابن فارض مصری که شامل ۳۲ بیت می باشد.

(۹) محیط اللغة في اللغات الفارسیة و العربیة: وی در این اثر لغات را به فارسی ترجمه کرده و آنرا همانند جوهری بر حروف الفبا مرتب کرده است.

(۱۰) مزیه اللسان الفارسی علی سائر الألسنة ما خلا العربی: این اثر ابن کمال پاشا در تهران به سال ۱۳۳۲ هـ چاپ شده است.

(۱۱) ریحان الارواح في شرح المراح: مراح الارواح اثر احمد بن علی بن مسعود در صرف می باشد که مختصری است نافع و متداول. ابن کمال پاشا اثر مذکور را به ترکی ترجمه نموده و آنرا ریحان الارواح نامیده است.

آثار دیگر:

- (۱) رجوع الشيخ إلى صباه: کتابی است بر سبک مزاح و شوخ طبعی که ابن کمال پاشا آنرا به خواسته سلطان سلیم تألیف نمود. این اثر در بولاق به سال ۱۳۰۹هـ-مصر ۱۳۰۹ هـق به چاپ رسیده است.
- (۲) ترجمة النجوم الزاهرة في أحوال مصر والقاهرة: این کتاب اثری است از یوسف بن تغری بردی درباره تاریخ مصر و پادشاهان آن، ابن کمال پاشا آنرا به دستور سلطان سلیم به ترکی ترجمه نمود. روایت می‌شود که سلطان سلیم هر روز ترجمه‌های وی را مطالعه می‌نمود و هنگامی که به مصر حمله کرد درباره تاریخ و پادشاهان آن دیار اطلاعاتی وسیعی داشت.
- (۳) شرح جامع الصحيح البخاري .
- (۴) تفسير القرآن إلى سورة الصافات .
- (۵) التجويد (التجريد): این کتاب اثر ابن کمال پاشا در کلام می‌باشد که سپس خود شرحی بران نوشت و آنرا تجرید التجويد نامید.

(۶) الإصلاح والإيضاح: کتابی است در فقه حنفی که خطی نیز می‌باشد.

(۷) تغيير التنقيح: اثری است در اصول فقه و در استنبول به سال ۱۳۰۱هـ چاپ شده است.

(۸) شرح مشکاة المصابيح: شرحی است بر اثر بغوی در حدیث.

(۹) رسالة في الجبر والتقدير: اثری است خطی.

(۱۰) تعليم الأمر في تحريم الخمر .

(۱۱) راحة الأرواح في دفع عاهة الأشباه: اثری است درباره طاعون.

(۱۲) المنيرة: موضوع این اثر درباره موعظه و تصوف می‌باشد.

منابع:

- | | |
|----------------------------------|--------------------------------------|
| الشفائق النعمانية : صص ۲۲۶، ۲۲۷. | هدیه العارفين : ج ۱، ص ۱۴۱. |
| مولفین کتب چاپی مشار: ج ۱، ص ۴۴۶ | كشف الظنون صص : ۱۶۵۱، ۱۸۶۶، ۱۹۴، ۱۴۷ |
| معجم المؤلفين ج ۱، ص ۲۳۸. | معجم المطبوعات العربية: ص ۲۲۷. |
| الاعلام، زرکلی : ص ۱۳۰ | تاریخ ادبیات زیدان : ج ۳، ص ۳۲۷ |

(۸۴) محمد شاه (ف ۹۲۹-۱۵۲۳م)

محیی الدین محمد شاه بن علی بن یوسف بالی ابن شمس الدین فناری

شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی و از نوادگان فناری در سده نه و ۱۰هـ می‌باشد. که در زمان سلطان محمد فاتح به دنیا آمد. و نزد خطیب زاده و دیگر دانشمندان به تحصیل پرداخت و به هنگام سلطنت بایزید بعنوان مدرس مدرسه مناستر در شهر بورسا منصوب شد و در عهد سلطان سلیم قضاء بورسا و استانبول و سپس قاضی عسکری عربستان را بر عهده گرفت و در ولایت روم ایللی قاضی عسکر شد ؛ و تا پایان عمر خود در همانجا ماند. بیشتر آثار محمد شاه شرح و حاشیه می‌باشند.

آثار وی:

(۱) حواش علی شرح المواقف : حاشیه ایست که محمد شاه بر شرح سید شریف بر المواقف در کلام نوشته است.

(۲) حواش علی شرح السراجیة : حاشیه‌ای است در فرائض.

(۳) شرح اثبات الواجب: حاشیه‌ای است بر اثر دوانی.

(۴) حاشیه‌ای علی شرح الطوالع: حاشیه‌ای است از محمد شاه بر شرحی که اصفهانی در طوالع الانوار بیضاوی در کلام نوشته

است

منابع:

الشقایق النعمانیة: صص ۲۲۸، ۲۲۹. هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۳۰

معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۷۲. کشف الظنون: صص ۱۲۴۸، ۸۴۳

(۸۵) فناری زاده (ف: ۹۵۴هـ-۱۵۴۷م)

محیی الدین پیر محمد بن علی بن یوسف بالی ابن شمس الدین فناری

شرح حال:

وی از دانشمندان و فقیهان عثمانی در سده ۱۰هـ که در فتوا علامه بود. فناری زاده ابتدا نزد پدرش علی بن یوسف بالی به تحصیل پرداخت و پس از وفات پدر نزد دیگر دانشمندان همچون خطیب زاده و افضل زاده به تحصیل خود ادامه داده و بعنوان مدرس در مدارس استانبول و بورسا به تدریس پرداخت. وی سپس به مناصب قاضی عسکری آناتولی و روم ایلی و فتوای استانبول رسید. بعد از آن فناری زاده تدریس و فتوا را ترک کرد و به تصنیف و آموزش و تفسیر پرداخت و در حالی که هنوز تفسیر را تمام نکرده بود در سال ۹۵۴هـ درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) لسان الحکمة: کتابی است درباره زبان. وی این اثر را به عربی و فارسی تالیف کرده است.

(۲) حواش علی شرح المفتاح: حاشیه‌ای است بر شرح سید شریف بر مفتاح العلوم سکاکي در بلاغت.

آثار دیگر:

(۱) تفسیر شریف: فناری زاده این تفسیر را ناتمام گذاشته است.

(۲) حاشیه‌ای علی شرح الهدایة: حاشیه‌ای است از فناری زاده بر شرح ملازاده بر الهدایه که اثر شیخ الاسلام مرغینانی در فروع

فقه می‌باشد.

منابع:

الشقایق النعمانیة: ص ۳۲۹. هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۴۳. معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۷۳

کشف الظنون: ص ۱۵۴۶. عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، ص ۱۸.

(۸۶) جمالی (ف: ۹۵۷هـ/ ۱۵۵۰م)

محیی الدین محمد بن علاء الدین علی بن محمد، معروف به جمالی

شرح حال:

مورخ و فقیه عثمانی در سده ۱۰هـ که پس از تحصیل نزد پدر بزرگش حسام زاده و موید زاده بعنوان مدرس مدرسه قسطنطنیه و قاضی ادرنه منصوب گشت و سرانجام بسال ۹۵۷هـ درگذشت. جمالی آثاری در فقه و تاریخ دارد.

آثار وی:

(۱) التاریخ العثماني .

(۲) محررات علی الهدایة: الهدایه اثر مرغینانی در فروع فقه حنفی است که جمالی با تجدید نظر دوباره آنرا به رشته تحریر درآورده است.

منابع:

الشقاقی النعمانیة: ص ۲۰۳. مدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۴۳.

معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۳۰۶.

(۸۷) ابن حاجی حسن (ف ۹۳۹ هـ / ۱۵۳۲ م)

محمد شاه ابن محمد ابن حاج حسن، معروف به ابن حاجی حسن

شرح حال:

فقیه، مفسر، محدث عثمانی در سده نه و ۱۰هـ که در اکثر علوم مشارکت داشته و بر علوم عربی، عقلی و شرعی تسلط داشت و در نظم، انشاء، تاریخ و حفظ مناقب گذشتگان استاد بود. ابن حاجی حسن آثاری در حاشیه و رساله دارد.

آثار وی:

(۱) شرح علی ثلاثیات البخاری: شرحی است بر اثر امام عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری و منظور بخاری از «ثلاثیات» احادیثی است که با سه راوی به حضرت پیامبر (ص) می‌رسد.

(۲) حاشیة علی تفسیر بیضاوی .

(۳) شرح علی مختصر قدوی: متنی در فروع فقه حنفی است.

منابع:

الشقاقی النعمانیة: صص ۲۳۱، ۲۳۰. معجم المؤلفین: ج ۱۱ ص ۲۰۹.

مدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۳۴. کشف الظنون: ص ۵۲۲.

(۸۸) حسام الدین حسین بن عبدالرحمن توقانی، معروف به ابن مدرس (ف ۹۲۶هـ/۱۵۲۰م)

شرح حال:

از دانشمندان دولت عثمانی در سده نه و ۱۰هـ که نزد افضل‌زاده عبدالرحمن بن مؤید و خواجه‌زاده تحصیل نموده و سپس بعنوان مدرس در مدارس شهرهای مختلف به تدریس پرداخت. قضاء ادرنه و بورسا را بر عهده گرفت. ابن مدرس پیوسته با علوم مشغول بود و آثار وی بیشتر رساله و حاشیه می‌باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح العوامل المائة: شرحی است بر اثر عبدالقاهر جرجانی در نحو.

آثار دیگر:

(۱) حاشیة علی شرح تجرید العقاید: حاشیه‌ای است از ابن مدرس بر شرح سید شریف جرجانی بر تجرید.

(۲) حاشیة علی شرح مواقف: حاشیه‌ای است از ابن مدرس بر شرح سید شریف بر مواقف اثر عضد الدین الایبجی در کلام.

(۳) رساله فی ذکر الجهر و جوازه .

(۴) رساله فی استخلاف الخطیب و جوازه

منابع:

هدیه العارفین : ج ۱، ص ۳۱۷

الشقائق النعمانیه : ص ۲۳۱

(۸۹) ابن خطیب (۸۶۴-۹۴۰هـ/۱۴۶۰-۱۵۳۴م)

محیی الدین محمد بن قاسم بن یعقوب امامی معروف به ابن خطیب

شرح حال:

وی از دانشمندان دوره سلطان سلیم در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در علوم بسیاری مشارکت داشت. ابن خطیب به سال ۸۶۴ در شهر آماسیه ترکیه به دنیا آمد و نزد دانشمندان عصر خود همچون مولی اخوین، سنان پاشا به تحصیل پرداخت. وی تا آخر عمر خود در مدارس مختلف با تدریس مشغول بود و حتی معلم سلطان احمد پسر سلطان بایزید نیز شده است. ابن خطیب از علوم غریبه همانند وفق، تعبیر، جفر، موسیقی و علوم ریاضی معلومات فراوانی داشت و در فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و علوم قرآنی کاملاً ماهر بود. او در وعظ و خطابه نیز استاد بود. از وی قصائدی به زبان ترکی و عربی بر جای مانده است. ابن خطیب در کنار تألیفات خود حاشیه، شرح و رساله های بسیاری به عربی نوشته است.

آثار ادبی وی:

(۱) روض الأخبار الممتخب من ربيع الأبرار: برگزیده هایی از اثر ربيع الأبرار علامه زمخشری می باشد که موضوع آن علم محاضرات است. ابن خطیب خلاصه ای از آن را گلچین کرده و از کتب ادباء نیز بر آن افزوده و آن را روض الاخبار نامیده است. این اثر در بولاق به سال ۱۲۸۰ هـ و قاهره ۱۲۷۹ هـ و مصر ۱۲۷۹ هـ به چاپ رسیده است. اثر مذکور از سوی محمد ابن پیر علی معروف به عاشق چلبی به زبان ترکی ترجمه شده است.

آثار دیگر:

(۱) رساله فی موضوعات العلوم .

(۲) رساله فی مختارات العلم .

(۳) آباء الاصطفا فی حق آباء المصطفی .

(۴) حاشیه علی شرح الفرائض : حاشیه ای است بر شرح سید شریف جرجانی بر «فرائض السراجیه».

درباره این آثار پس از جستجو مطلب زیادی یافت نشد.

منابع:

هدیه العارفین : ج ۲، ص ۲۳۵.

الشقائق النعمانیه : ص ۲۳۸

بروکلمان ج ۹، ص ۳۱۹.

معجم المؤلفین : ج ۱۱، ص ۱۴۸.

کشف الظنون : ص ۸۳۳

الاعلام، زرکلی : ص ۲۲۹، ۷

۹۰) قوام الدین قاسم بن خلیل (۸۷۷-۹۱۹هـ/۱۴۷۳-۱۵۱۳م)

شرح حال:

از دانشمندان دولت عثمانی در سده نه و ۱۰هـ و عموی تاشکبری زاده می باشد. وی نزد دانشمندان مشهور عصر خویش همچون محمد نکساری، خواجه زاده، ابن مؤید و لطفی توقانی و... به تحصیل پرداخت و مشهور گشت؛ و در مدارس مختلفی مشغول تدریس شد. او در علوم ادبی و عقلی مهارت داشت و بر کتابهای مشهور تعلیقاتی نوشته است. اما بیشتر آنها در دریا از بین رفته اند.

آثار ادبی وی:

۱) *اسئلة علی شرح مطول: «المطول»* اثر تفتازانی در معانی و بیان است. در واقع این اثر شرحی از اثر «تلخیص المفتاح» خطیب قزوینی بوده و تفتازانی بر آن شرح مفصلی نوشته و آن را المطول نامیده است. و قاسم بن خلیل نیز بر این شرح سئوالاتی وارد نموده است.

آثار دیگر:

۱) *رسالة في الوجود اللّٰهني*: در این مورد پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۳۳. هدیة العارفین: ج ۱، ص ۸۳۲.

۹۱) سنان الدین یوسف (ف ۹۴۵هـ/۱۵۳۸م)

سنان الدین یوسف بن علی بن محمد شاه بن محمد یکانی

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی و فقیه و ادیب سده ۱۰هـ که پس از پایان تحصیلاتش نزد دانشمندان عصر خود در مدارس شهرهای بورسا، اینه گول و ازینق به تدریس پرداخت و سپس به منصب قضاء آماسیه رسید و به دستور سلطان سلیم در دیوان عالی حفاظت دفتر بیت المال را بر عهده گرفت. وی قاضی دمشق شد و پس از آن دوباره به تدریس پرداخت. سنان الدین تصنیفاتی به زبان عربی دارد که بیشتر آنها رساله می باشند.

آثار ادبی وی پس از جستجو یافت نشد.

آثار وی:

۱) *حاشیة علی شرح المواقف*.

۲) *الإشارة إلى غزوة روافض الأعجام وإستيلاء ملك الروم على مملكة الشام*: سنان الدین یوسف این اثر را به سال ۹۲۲هـ تألیف کرده که درباره فتح کشورهای عربی به دست سلطان سلیم می باشد و نسخه خطی آن در پترزبورگ به شماره ۲۴/۸۱ و در قاهره به شماره ۲۷۹/۵ موجود است.

۳) *غزوة السلطان سلیم للأعجام*: اثری است خطی.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۴۲ جرجی زیدان: ج ۳، ص ۳۴۲

معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۳۱۹ بروکلیمان: ج ۹، ص ۳۰۰

۹۲) ام ولدزاده (ف ۹۵۰هـ/۱۵۴۳م)

زین العابدین عبدالعزیز بن حسین بن حامد تبریزی، مشهور به ام ولدزاده

شرح حال:

دانشمند، شاعر، ادیب و فقیه حنفی مذهب در سده ۱۰هـ می باشد که پس از اتمام تحصیلاتش نزد دانشمندان عصر خود، در مدارس استانبول، بورسا، ترابزون و ادرنه به تدریس پرداخت. پس از آن به مناصب فتوای آماسیه و قضای شهرهای مختلف رسید. ام ولدزاده در بیشتر علوم مشارکت داشته و اشعاری را نیز به عربی سروده است که به غایت فصیح و بلیغ می باشند. وی اشعاری نیز به زبان فارسی دارد.

آثار وی:

۱) الرسالة السیفیة.

۲) حاشیة علی صدر الشریعة.

درباره این دو اثر پس از جستجو مطلبی یافت نشد.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۴۴ هدیه العارفین: ج ۱، ص ۵۸۳.

معجم المؤلفین: ج ۵، ص ۲۴۵. قاموس الاعلام: ص ۳۰۷۸.

۹۳) عبدالرحیم عباسی (۸۶۶-۹۶۳هـ/۱۴۶۲-۱۵۵۶م)

بدرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن عبدالرحمن بن احمد بن حسن بن داود بن سالم عباسی حموی قاهری دمشقی

شرح حال:

از دانشمندان و ادیبان و زبان شناسان سده ۱۰هـ می باشد که در مصر متولد شد. و به تحصیل علوم ادبی، بلاغت، حدیث و تفسیر پرداخت. او در زمان سلطان بایزید به همراه فرستاده سلطان غوری پادشاه مصر به استانبول رفت و اثر خود را که شرح بخاری است به سلطان بایزید اهدا نمود. و علی رغم اصرار سلطان، در استانبول نماند و به مصر بازگشت. و هنگامی که دولت غوری به دست سلطان سلیم فتح شد دوباره به استانبول آمد و تا پایان عمر خود همانجا ماند.

وی دانشمند همه علوم ادبی بود و در علم حدیث مهارت داشته و بعنوان مرجعی در حدیث به شمار می رفت. همچنین معرفت کاملی در تاریخ، محاضرات و قصائد عربی دارد. انشای وی بلیغ و نظمش زیبا می باشد. قصائد عربی و تألیفات بجا مانده از او فراوان است.

آثار ادبی وی:

۱) معاهد التنصیص فی شرح شواهد التلخیص: شرحی است که عبدالرحیم عباسی بر تلخیص المفتاح اثر خطیب قزوینی

در معانی و بیان نوشته و در بسیاری از جاها اشتباهات شارحان را اصلاح نموده است و آن را «معاهد التنصیص» نامیده است. این اثر در چهار مجلد بوده و مطبوع می باشد.

(۲) شرح علی مقامات الحریری.

(۳) حاشیه علی الغیث المنسجم: «الغیث المنسجم» اثر صفوی است که وی آن را در شرح «لامیه العجم» طغرای نویسته و عبدالرحیم عباسی نیز بر این شرح حاشیه‌ای نوشته است.

(۴) نظم الوشاح علی شواهد تلخیص المفتاح: مختصر وی است که آن را در سال ۹۴۵هـ به اتمام رسانده است.

(۵) شرح قصیده خزرجه: شرحی است بر قصیده «خزرجه» در عروض؛ و «قصیده خزرجه» اثر علامه ضیاءالدین ابی محمد عبدالله بن محمد الخزرجی می‌باشد که به «الرامزه» نیز مشهور می‌باشد.

آثار دیگر:

(۱) شرح الإرشاد: موضوع آن درباره فقه است.

(۲) فیض الباری شرح غریب صحیح بخاری: شرح بخاری در حدیث است که خطی نیز می‌باشد.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۵۶۳.

الشقائق النعمانیة: ص ۲۴۶.

الاعلام، زرکلی: ج ۴، ص ۱۲۰.

معجم المؤلفین: ج ۵، ص ۲۰۵.

کشف الظنون: صص ۴۷۷، ۵۵۱، ۱۵۳۷، ۱۹۱۹.

(۹۴) ملا عرب واعظ (ف ۹۳۸هـ/ ۱۵۳۲م)

محیی الدین محمد بن عمر بن حمزه انطاکی، معروف به ملا عرب واعظ

شرح حال:

از دانشمندان و ادیبان دوره سلطان سلیم در سده نه و ۱۰هـ می‌باشد. جدش از ماوراءالنهر و از شاگردان سعدالدین تفتازانی بود که به شهر آنتاکیای ترکیه مهاجرت کرده بود. ملا عرب نیز در آنتاکیا به دنیا آمد و در همانجا اصول، قرائت و علوم عربی را فرا گرفت. وی سپس به تبریز می‌رود و از آنجا به مصر رفته و از محضر سیوطی و شمنی بهره فراوان می‌جوید و از آنها به اجازه نائل می‌گردد. وی به کشورهای مختلف سفر می‌کرد و به سبب اشتغالی که با وعظ، تدریس، فتوا، امر بالمعروف و نهی از منکر داشت با لقب «ملا عرب واعظ» مشهور شده بود. او بیشتر با تفسیر و حدیث مشغول بوده و در تفسیر قرآن استاد بود. ملاعرب واعظ تألیفات فراوانی در رشته‌های مختلف دارد.

آثار ادبی وی پس از جستجو یافت نشد.

آثار وی:

(۱) السداد فی فضل الجهاد: ملا عرب واعظ این کتاب را برای سلطان سلیم نوشت که کتابی است در احوال جنگ و

فضائل آن. وی در این کتاب به جهاد علیه قزلباش‌ها تشویق می‌کند. نسخه خطی آن در ایاصوفیا، به شماره ۱۹۸۸، ۹/۱۹۸۵ موجود است.

(۲) رسالة فی مسئله العجیر والقدر: نسخه خطی آن در ایاصوفیا به شماره ۲۲۶۵ و راغب پاشا به شماره ۱۴۵۹ موجود است.

(۳) النهایة: کتابی است از ملاعرب در فقه.

(۴) تهذیب السّمائل فی السیرة النبویة: وی این اثر را برای سلطان بایزید تألیف کرده است.

(۵) هداية العباد الى سبيل الرشاد.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۳۴.

الشقائق النعمانية صص: ۲۴۹، ۲۴۷

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۳۰.

معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۸۱

الأعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۰۸

(۹۵) عطوفی (ف: ۹۴۸هـ/۱۵۴۱م)

خیرالدین خضر بن محمود بن عمر عطوفی مرزیفونی

شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در شهر مرزیفون ترکیه به دنیا آمد. تفسیر و حدیث را نزد مولی بخشی فرا گرفت. معانی، اصول و علوم شرعی را نیز نزد دیگر دانشمندان تحصیل نمود. و در زمان سلطان بایزید معلم کاخ همایون بود. عطوفی در روزهای جمعه در مساجد استنبول تفسیر قرآن می گفت. او علوم ادبی را خوب می دانست و در معانی و بیان تبحر داشت. بیشتر آثار وی در کتابخانه های استنبول موجود می باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح بُرْدَة: شرحی است بر قصیده «برده» در مدح نبی (ص) که نسخه ای از آن در کتابخانه ایاصوفیا موجود است.

آثار دیگر:

(۱) شرح مشارق الأنوار: شرحی است از عطوفی بر «مشارق الأنوار النبویه من صحاح الاخبار المصطفویه» اثر صاغانی در حدیث. عطوفی آن را شرح کرده و «کشف المشارق» نامیده است که در سه مجلد می باشد. نسخه ای از این شرح که با دست خط عطوفی نوشته شده است، در کتابخانه سلیم آغا در اسکدار موجود می باشد.

(۲) حصن الآيات العظام فی تفسیر آوائل سورة الانعام: نسخه خطی آن در ایاصوفیا به شماره ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹ موجود می باشد.

(۳) شرح الإيساغوجي: در منطق است.

(۴) حاشیه علی الکشاف: حاشیه ای است بر اثر زمخشری در تفسیر.

(۵) رسائل متعلقة بعلم الکلام.

منابع:

عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۵۵

الشقائق النعمانية: صص ۲۴۹، ۲۵۰

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۲۳.

معجم المؤلفین: ج ۴، ص ۱۰۱.

(۹۶) خازن کتب (ف: ۹۳۸هـ/۱۵۳۲م)

مصلح الدین موسی بن موسی اماسی، معروف به خازن کتب

شرح حال:

از فقیهان حنفی مذهب در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در شهر آماسیه حافظ کتاب بود و بدین سبب به حافظ کتب (و یا خازن کتب) معروف شده بود. وی ابتدا در کشور خود به تحصیل پرداخت و سپس به ایران و دیگر کشورهای عربی رفته و نزد

دانشمندان آنجا تحصیلات خود را تکمیل نمود و دوباره به ترکیه بازگشت. و مدتی به سیر و سلوک و تصوف روی آورد. موسی آماسی بیشتر عمر خود را صرف تربیت طلبه و فتوا نمود. او در همه علوم آن زمان به ویژه تفسیر، حدیث، علوم عقلی و ادبی بهره مند بود و در اصول و فقه مهارت داشت. موسی آماسی در فقه تألیفاتی به زبان عربی دارد. از آثار ادبی او فقط یک مورد یافت شد.

آثار وی:

(۱) مخزن الفقه: موسی آماسی این کتاب را که در فقه حنفی می باشد از ده متن مشهور گردآوری نموده و جاهای تکراری را حذف و به طرز زیبایی مرتب نموده است. این اثر در یک مجلد بزرگ بوده و نسخه خطی آن در تونس، الزيتونه به شماره ۲۳۹/۴، قاهره اول به شماره ۱۲۸/۳ و در کتابخانه نور عثمانیه به شماره ۱۸۲۱ موجود می باشد.

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۵۲ هدیة العارفين: ج ۲، ص ۴۸۱
معجم المؤلفين ج ۱۳، ص ۴۸ بروکلمان: ج ۹، ص ۳۱۹
الاعلام، زرکلی: ج ۸، ص ۲۸۳ کشف الظنون: ص ۱۶۳۹

(۹۷) بهاء الدین زاده (ف ۹۵۲هـ/ ۱۵۴۵م)

شیخ محیی الدین محمد بن بهاء الدین بن لطف الله بالیک اسری، مشهور به بهاء الدین زاده
شرح حال:

از مشایخ و دانشمندان سده ۱۰هـ و از اهالی شهر بالیک اسیر ترکیه می باشد. وی ابتدا نزد خطیب زاده و مصلح الدین قسطلانی تحصیل نمود و سپس به تصوف روی آورد. بهاء الدین زاده علوم شرعی را با اصول و فروع آن بخوبی می دانست و در تفسیر، حدیث، علوم عربی، فقه و کلام مهارت داشت. وی به سال ۹۵۲هـ در قیصریه ترکیه درگذشت.

آثار وی:

(۱) شرح الأسماء الحسنى .
(۲) تفسیر قرآن کریم .
(۳) شرح الفقه الاکبر: شرحی است بر «الفقه الاکبر» حنفی.
(۴) رسائل في التصوف .

منابع:

الشقائق النعمانية: ص ۲۵۹ کشف الظنون: ص ۱۰۳۴
معجم المؤلفين: ج ۹، ص ۱۲۰

(۹۸) محمود بن عثمان بن علی نقاش برسوی، مشهور به لامعی

(ف ۹۳۸هـ/ ۱۵۳۲م)
شرح حال:

از مشایخ عثمانی در سده نه و ۱۰هـ می باشد. محمود لامعی در ابتدا نزد مولی اخوین و حاجی حسن به تحصیل پرداخت و پس از پایان تحصیلاتش به تصوف روی آورد. وی پیوسته با علوم و عبادت مشغول بود. و نظم و نثر فراوانی به زبان ترکی از وی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) رشف النصائح و کشف الفضائح: قصیده وی است که پس از جستجو مطلب زیادی درباره آن یافت نشد.

آثار دیگر:

- (۱) ترجمه شواهد النبوة .
- (۲) شرح المعنى فى اسماء الحسنى .
- (۳) فتوح المشاهدين لترويح قلوب المجاهدين: ترجمه تفحات الانس اثر جامی.
- (۴) مجمع اللطائف .
- (۵) مفتاح النجاة فى خواص السور والآيات .
- (۶) مقتل امام حسين فى كربلا .

منابع:

- | | |
|------------------------------|-----------------------------|
| الشفائق النعمانية : ص ۲۶۲ | هدیه العارفین : ج ۲، ص ۴۱۲. |
| معجم المؤلفین : ج ۱۲، ص ۱۷۹. | قاموس الاعلام : ص ۳۹۷۳ |
| کشف الظنون : ص ۱۰۳۴. | |

(۹۹) سعدی چلبی: (ف: ۹۴۵هـ/ ۱۵۳۹م)

سعدالله بن عیسی بن امیرخان قسطنطونی، مشهور به سعدی چلبی و سعدی افندی
شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده ۱۰هـ که در شهر قسطنطونی ترکیه چشم به جهان گشود. و سپس به استانبول آمد و پس از پایان تحصیلاتش در مدارس استانبول و بورسا به تدریس پرداخت و قضا و فتوای استانبول را بر عهده گرفت. سعدی چلبی اکثر اوقات خود را صرف علوم نمود. از وی آثاری به جا مانده که بیشتر آنها رساله و تعلیقه می‌باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی القاموس: حاشیه‌ای است بر قاموس فیروزآبادی در لغت.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه العناية بشرح الهدایة: حاشیه‌ای است بر شرح «هدایه» در فروع فقه. که بین دانشمندان متداول می‌باشد. در بولاق به سال ۱۳۱۶هـ ق چاپ شده است.

(۲) الرسالة السعدیة: تفسیر سوره فاتحه است. نسخه خطی آن در سارایوا به شماره ۱/۶۰ موجود می‌باشد.

(۳) الفوائد البهیة: حاشیه‌ای است بر اثر بیضاوی. و نسخه خطی آن در مجموعه ترکیه به شماره ۷-۲/۸ (۱۹۴۵) ص ۳۸

موجود است.

منابع:

الشقائق النعمانیة: ص ۲۶۵ هدیه العارفین: ج ۱، ص ۳۷۶.

معجم المطبوعات العربیة: ص ۱۰۲۵ بروکلیمان: ج ۹، ص ۳۵۸.

(۱۰۰) مولی حافظ (ف: ۹۵۷هـ/ ۱۵۵۰م)

حافظ الدین محمد بن احمد پاشا ابن عادل بردعی مشهور به مولی حافظ و حافظ الدین عجمی
شرح حال:

از دانشمندان عثمانی در سده ۱۰هـ می‌باشد و اصلاً به شهر بردعه از شهرهای ایران تعلق دارد. وی در دوران جوانی همه علوم رایج آن زمان را در تبریز فرا گرفت و سپس به ترکیه مهاجرت نمود و مدتی در آنکارا و دیگر شهرها با تدریس مشغول گشت. و سپس به استانبول رفت و تا پایان عمر همانجا ماند.

مولی حافظ در فنون ادبی و انواع آن کاملاً تبحر داشت و در اصول، فقه، تفسیر، حدیث نیز استاد بود وی علاوه بر زبان ترکی به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط داشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح مفتاح العلوم: شرحی است بر مفتاح العلوم سکاکی در معانی و بیان.

آثار دیگر:

(۱) رسالة الهیولی: رساله وزین و پرارزشی است.

- (۲) حاشیه علی شرح مواقف: حاشیه‌ای است بر برخی از قسمتهای شرح مواقف. مواقف اثر عبدالرحمن الایجی در علم کلام است که سید شریف آن را شرح نموده است.
- (۳) مناقب علی بن ابی طالب (رضی الله عنه)
- (۴) مدینه العلم: حافظ الدین ابن کتاب را در هشت بخش ترتیب داده و در هر بخش از برخی دانشمندان بزرگ همانند زمخشری، بیضاوی، شریف جرجانی ... انتقاد نموده است.
- (۵) رسالة نقطة العلم: رساله «فهرست العلوم» (درباره این دو اثر وی مطلب زیادی یافت نشد)

منابع:

- الشفائق النعمانیة صص: ۲۶۷، ۲۶۸ همدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۴۳
معجم المؤلفین: ج ۸، ص ۲۷۲ تاریخ آداب اللغة العربیه: ج ۳، ص ۳۳۰
الاعلام، زرکلی: ج ۶، ص ۲۳۳ کشف الظنون صص ۹۷۶، ۹۰۱، ۳۵۱

(۱۰۱) محیی الدین محمد قراباغی (ف ۹۴۲هـ/ ۱۵۳۵م)

شرح حال:

از دانشمندان عثمانی، مفسر، محدث و فقیه سده نه و ۱۰هـ می‌باشد که در ایران تحصیل نمود و به ترکیه رفت و تا پایان عمر بعنوان مدرس مدرسه ازنیک با تدریس مشغول گشت. محمد قراباغی در تفسیر، اصول و علوم عربی تبحر کامل داشت و آثارش بیشتر حاشیه و شرح می‌باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) جالب السرور و سالب الغرور: اثر محمد قراباغی در محاضرات می‌باشد.

آثار دیگر:

- (۱) شرح رسالة «اثبات الواجب»: شرحی است بر اثر دوانی.
(۲) تعلیقات علی الکشاف .
(۳) حواش علی شرح الوقایة .

منابع:

- الشفائق النعمانیة: ص ۲۷۲ عثمانلی مؤلفلری: ج ۱، ص ۳۰۸
معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۱۵۱، ۳۵

(۱۰۲) محمد^۱ عبیدالله (عبدالله) بن یعقوب فناری (ف ۹۳۶هـ/ ۱۵۳۰م)

شرح حال:

۱- نام وی در کتاب شقائق، معجم المؤلفین و قاموس الاعلام عبیدالله قید شده و در همدیه العارفین عبدالله و محمد عبدالله آمده است.

وی از نوادگان شمس الدین فناری در سده ۱۰هـ می باشد که نزد دانشمندان عصر خود تحصیل نمود و در برخی از کشورها قاضی شد و منصب قضاء حلب را بر عهده گرفت و سرانجام در سال ۹۳۶هـ در گذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح قصیده المنفرجة: شرحی است بر قصیده ابن نحوی.

(۲) إغاثة اللهفان: وی قصیده «برده» را شرح نموده و آن را «إغاثة اللهفان» نامیده است. این شرح از زیباترین شرحها

می باشد.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۳۳، ج ۱، ص ۴۷۲

الشقائق النعمانية: صص ۲۷۷، ۲۷۸

قاموس الاعلام: ص ۳۱۲۱

معجم المؤلفین: ج ۶، ص ۲۴۷، ج ۱۰، ص ۲۷۹

(ف ۹۴۰هـ/۱۵۳۳م)

(۱۰۳) محمد بن محمود مغلوی وفائی

شرح حال:

وی از دانشمندان سده ۱۰هـ از شهر مغلا (از شهرهای ترکیه) می باشد که نزد دانشمندان عصر خود تحصیل کرد و سپس در برخی از مدارس به تدریس پرداخت. وی به عربی تسلط کامل داشت و کتابهای زیادی تألیف کرده است که بیشتر آنها شرح و حاشیه می باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) تهذیب الکافیة و شرحها: کتابی است برای اصلاح کافیة ابن حاجب در نحو که سپس آن را شرح کرده است.

آثار دیگر:

(۱) تنویر الضحی فی تفسیر سورة ضحی .

(۲) جواهر الأحكام و معین القضاة و الاحکام .

(۳) خزانة الفضائل و سکينة الأفاضل .

(۴) رسالة فی الاستخارة

(۵) روض الأزهار: موضوع آن فنون مختلف می باشد. (درباره این آثار اطلاع زیادی یافت نشده است).

(۶) حاشیة علی حاشیة التجرید: وی این اثر را به سال ۹۲۸هـ در مدرسه قراگوز پاشا واقع در کوتاهیه (یکی از شهرهای

ترکیه) نوشته است. که نسخه ای از آن در موزه بریتانیا به شماره ۷۰ موجود است.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۳۴

الشقائق النعمانية: ص ۲۸۷

قاموس الاعلام: ص ۳۹۷۳

معجم المؤلفین: ج ۱۴، ص ۷

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۲۹

الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۳۱۰

(۱۰۴) ابراهیم حلبی (ف ۹۵۶هـ/۱۵۴۹م)

شیخ ابراهیم بن محمد بن ابراهیم حلبی

شرح حال:

وی از دانشمندان و مشایخ سده ۱۰هـ می‌باشد که در حلب بدنیا آمد و نزد دانشمندان آنجا به تحصیل پرداخت، سپس به مصر رفت و در آنجا نیز به تحصیل حدیث، تفسیر، اصول و فروع پرداخت و سرانجام به ترکیه آمده و در استانبول سکنی گزید. وی پیشنماز و خطیب مسجد سلطان محمد خان بود و در دارالقرآن تدریس می‌کرد. و بهمین حالت بود که درگذشت. ابراهیم حلبی علوم عربی، تفسیر، حدیث و علوم قرائت را خوب می‌دانست و در فقه و اصول مهارت داشت. وی چندین تصنیف و رساله دارد. آثار ادبی وی:

(۱) تلخیص القاموس: تلخیصی است که ابراهیم حلبی آن را بر قاموس فیروزآبادی نوشته است.

(۲) شرح التائیه: شرحی است بر «تائیه مقری» در تذکیر.

آثار دیگر:

(۱) ملتقى الأبحر: مشهورترین کتاب ابراهیم حلبی است که وی درباره فقه حنفی نوشته است. این اثر در آستانه به سال

۱۲۵۱هـ و بولاق به سال ۱۲۶۳هـ چاپ شده است و توسط مستشرق «سوفیر»^۱ به زبان فرانسه ترجمه گردیده است.

(۲) غنیة المتعلمی: شرح موجزی بر «منیه المصلی» است. در آستانه به سال ۱۲۹۵هـ چاپ شده است.

(۳) شرح الفیة: شرحی است بر «الفیه عراقی» در حدیث.

(۴) القول التام عند ذکر ولادته علیه السلام.

(۵) ذرة الموحدين و ردة الملحدين.

(۶) سلك النظام شرح جواهر الکلام: موضوع آن درباره عقائد می‌باشد.

(۷) طبقات الفقهاء: ترجمه حال فقیهان حنفی می‌باشد.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۲۷.

الشفائق النعمانیة: صص ۲۹۶، ۲۹۵.

قاموس الاعلام: ج ۱، ص ۵۶۸.

معجم المؤلفین: ج ۱، ص ۲۵.

معجم المطبوعات العربیة و المعربیة: ص ۱۳.

(۱۰۵) میرعلی بخاری (ف ۹۵۰هـ/۱۵۴۳م)

میرعلی بخاری، معروف به شریف میر

شرح حال:

وی از دانشمندان و ادیبان سده ۱۰هـ می‌باشد که در بخارا و سمرقند به تحصیل پرداخت و به مصر و سپس در زمان سلطان سلیمان قانونی پادشاه عثمانی به ترکیه سفر کرد. شریف میر در علوم عربی و ادبیات عرب یگانه عصر خود بود و از علوم عقلی بهره زیادی داشت. وی عالم تفسیر و حدیث نیز بود که سرانجام به سال ۹۵۰هـ در استانبول درگذشت.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح فوائد الغیائیة: «فوائد الغیائیة» اثر عضد الدین عبدالرحمن بن احمد الایجی در معانی و بیان می باشد که شریف میر شرح لطیفی بر آن نوشته است.

منابع:

قاموس الاعلام: ص ۳۱۸۰

الشقائق النعمانية: ص ۳۰۸

معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۴۳

۱۰۶) مهدی شیرازی (ف ۹۵۷هـ/۱۵۵۰م)

شرح حال:

وی از دانشمندان، مفسران و شاعران سده ۱۰هـ می باشد که ابتدا در شیراز به تحصیل علوم عربی، کلام، منطق و حکمت پرداخت و سپس به ترکیه رفت و نزد محیی الدین محمد فناری به تحصیل پرداخت و تا پایان عمر خود در مدارس مختلف با تدریس مشغول شد. مهدی شیرازی ادیب بوده و در بلاغت و انشاء عربی مهارت کامل داشت. وی اشعاری به زبان های عربی و فارسی دارد.

آثار ادبی وی:

(۱) شرح التلخیص: شرحی است بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی در بلاغت.

آثار دیگر:

(۱) تعلیقة علی التجرید: تعلیقه ای است بر «تجرید» طوسی در کلام.

(۲) حاشیة علی أنوار التنزیل: حاشیه ای است بر تفسیر بیضاوی.

(۳) تعلیقات علی الکشاف.

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۴۸۴.

الشقائق النعمانية: ص ۳۰۹، ۳۱۰

معجم المؤلفین: ج ۱۳، ص ۲۸.

۱۰۷) تاشکیری زاده (۹۰۱-۹۶۸هـ/۱۴۹۵-۱۵۶۱م)

عصام الدین، ابوالخیر احمد بن مصطفی بن خلیل معروف به تاشکیری زاده

شرح حال:

دانشمند، فقیه، ادیب و مورخ بزرگ دولت عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که در بورسا به دنیا آمد و در آنکارا بزرگ شده و تعلیم یافت. وی از علوم بسیاری بهره داشت. مدتی در مدارس مختلف با تدریس فقه، حدیث و علوم عربی مشغول بود. سپس قضاء استانبول، بورسا و حلب را بر عهده گرفت. اما مدتی بعد نایبنا شد و از قضاء دست کشید.

تاشکیری زاده بر علوم عربی تسلط کامل داشت و در تفسیر، حدیث، تاریخ، علوم شرعی و ادبی ماهر بود، از وی اشعاری

نیز به زبان عربی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

- ۴۱) شرح الفوائد الغیائیة: شرحی است بر اثر عضد الدین الایجی در معانی و بیان که تاشکبری زاده در آن برخی قسمتهای «شرح المفتاح» را رد می کند. این شرح در آستانه به سال ۱۳۱۴هـ چاپ شده است.
 - ۴۲) العناية في تحقيق الاستعارة بالكنایة: رساله ای در استعاره بالکنایه است.
 - ۴۳) شرح العوامل المائة: شرحی است که تاشکبری زاده بر «العوامل المائة» اثر جرجانی در نحو نوشته است.
 - ۴۴) شرح المفتاح: اثری است که در آن تاشکبری زاده قسمت سوم مفتاح العلوم را در معانی و بیان شرح نموده است. مفتاح العلوم اثر سکاکی در بلاغت می باشد. این اثر از سه قسمت تشکیل می شود. (۱) صرف. (۲) نحو. (۳) معانی و بیان.
 - ۴۵) الإستقصاء في مباحث الإستثناء: رساله ای است از وی که شامل یک مقدمه و پنج بخش و یک خاتمه می باشد.
 - ۴۶) مفتاح الإعراب: مختصر وی در نحو است که بر یک مقدمه و سه قسمت ترتیب شده است.
 - ۴۷) رسالة في الواو: رساله ایست درباره واو سورة ۱۵، آیه ۴. نسخه خطی این رساله در لندن به شماره ۱۷۰۱ موجود می باشد.
 - ۴۸) النهل و العلل في تحقيق أقسام العلل: وی در این اثر مفهوم علل مختلف و تقسیم انواع آن را بررسی می کند. نسخه خطی آن در برلین به شماره ۵۱۴۴ موجود می باشد.
 - ۴۹) القواعد الجلیات في تحقيق مباحث الکلیات: وی در این اثر تجدید عموم و خصوص را بررسی می کند. نسخه خطی آن در برلین به شماره ۵۱۴۳ موجود می باشد.
 - ۵۰) مختصر في علم النحو.
 - ۵۱) لذة السمع في استغراق المفرد والجمع.
- آثار دیگر:
- ۱) مفتاح السعادة و مصباح السیادة: دائره المعارف در ۱۵۰ علم است که در آن انواع علوم و موضوعاتش را و تصنیفات مشهور شده در هر فن را همراه با شرح حال مصنف آن آورده است. اثر مذکور دو مجلد بوده و نسخه خطی آن در کتابخانه پاریس به شماره ۵۹۴، کتابخانه دامادزاده ۱۵۷۵ موجود است. این اثر در حیدرآباد به سال ۱۳۲۹هـ چاپ شده است.
 - ۲) رسالة الحمد: نسخه خطی آن در برلین به شماره ۲۲۷۷ موجود می باشد.
 - ۳) رسالة في علم الفرائض مع الشرح: این اثر رساله و شرحی است که آنرا در سال ۹۵۶هـ تمام کرده است و نسخه خطی آن در کتابخانه وین به شماره ۱۷۹۷ موجود است.
 - ۴) «الشهود العینی في مباحث الوجود الذهنی»: نسخه خطی آن در برلین به شماره ۵۱۰۶ موجود است.
 - ۵) الشقائق النعمانیة في علماء الدولة العثمانیة: تاشکبری زاده در این اثر شرح حال ۵۲۱ تن را که ۱۵۰ نفر از آنها از مشایخ و بقیه از دانشمندان می باشد، آورده است. وی آن را در سال ۹۶۵هـ به پایان رسانیده است. این اثر در هامش و فیات الاعیان ابن خلکان. در مصر (۱۲۹۹هـ) چاپ شده است. و نسخه خطی آن که با دست خط خود تاشکبری زاده می باشد. مونیخ ۴۴۱، گوتینگن ۸۵، و در موزه آسیا ۶/۲۰۴ موجود می باشد.
 - ۶) آداب البحث و المناظرة: منظومه ایست. در قاهره به سال ۱۳۶۸ هـ ق چاپ شده است.
 - ۷) رسالة في القضاء و القدر.

منابع:

- الشقائق النعمانیة: صص ۳۳۱، ۳۲۶
 العقد المنظوم: ص ۳۳۶
 هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۴۳.
 معجم المطبوعات العربیة: ص ۱۲۲۱

- معجم المؤلفین: ج ۲، ص ۱۷۷.
کشف الظنون: صص ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۷۷، ۱۳۵، ۱۵۴.
بروکلیمان: ج ۹، ص ۳۰۲.
قاموس الاعلام: ص ۲۹۸۵.
جرجی زیدان: ج ۳، ص ۳۱۵.
الاعلام، زرکلی: ج ۱، ص ۲۴۱.

۱۰۸) سروری (۸۹۷ - ۹۶۹هـ / ۱۴۹۲ - ۱۵۶۲م)

مصلح الدین مصطفی بن شعبان معروف به سروری
شرح حال:

وی از دانشمندان و شاعران عثمانی در سده نه و ۱۰هـ می باشد که در گلیولی - یکی از شهرهای ترکیه - به دنیا آمد و نزد دانشمندان عصر خود همانند تاشکیری زاده تحصیل نمود و به تدریس در مدارس مختلف پرداخت و معلم فرزندان پادشاهان عثمانی گشت. وی مدتی بعد تدریس را رها نمود و به تصوف روی آورد و سرانجام در استانبول به سال ۹۶۹هـ درگذشت. سروری فنون شعری را خوب می دانست و به تالیفهایی به زبانهای عربی، ترکی، و فارسی بر جای گذاشته است و کتابهایی را نیز از عربی به ترکی ترجمه نموده است.

آثار ادبی وی:

- ۱) شرح المصباح: «المصباح» اثر مطریزی در نحو است که شامل پنج باب می باشد: ۱) اصطلاحات نحوی. ۲) عوامل لفظی قیاسی. ۳) عوامل لفظی سماعی. ۴) عوامل معنوی. ۵) فصولی از عربی؛ که سروری آنرا شرح کرده است.
- ۲) شرح عدة رسائل في فن المعنى: وی رساله جامی و میر حسین را شرح کرده است.
- ۳) شرح الأمثلة المختلفة: اثری است خطی که پس از جستجو درباره آن اطلاعی یافت نشد.
- ۴) شرح گلستان: وی در آن گلستان سعدی را به عربی شرح کرده است.
- ۵) شرح المراح: شرحی است بر «مراح الارواح» ابن مسعود در صرف عربی.
- ۶) ترجمه روضه الرياحین في حکایات الصالحین: کتاب مذکور اثر عبدالله بن اسعد یافعی الیمین در محاضرات می باشد که ۵۰۰ حکایت را در آن جمع کرده است. این اثر توسط سروری به زبان ترکی ترجمه شده است.

آثار دیگر:

- ۱) شرح الإيساغوجي: در منطق است.
- ۲) شرح الجامع الصحيح: شرحی است بر صحیح بخاری در حدیث در چندین مجلد.
- ۳) الحواشی الکبری علی تفسیر البیضاوی.
- ۴) حاشیه علی التلویح: حاشیه ای است بر اثر تفتازانی در اصول فقه.
- ۵) تفسیر سورة یوسف: اثریست خطی.

منابع:

- العقد المنظوم: صص ۳۴۳، ۳۴۵.
الاعلام، زرکلی: ج ۱، ص ۱۳۶.
عثمانلی مؤلفلری: ج ۲، ص ۲۲۵.
قاموس الاعلام: ص ۲۵۵۸.
هدیه العارفین: ج ۲، ص ۴۳۴.

(۱۰۹) محمد بن محمد اتاکی مشهور به عرب زاده (۹۱۹-۹۶۹هـ/۱۵۱۳-۱۵۶۲م)

شرح حال:

وی از فقیهان حنفی، مفسر و دانشمند بیان در سده ۱۰هـ که از شهر آتناکیای ترکیه می‌باشد. عرب‌زاده در شهر بورسا و استانبول به تدریس مشغول بوده است. سپس بر منصب قضاء قاهره تعیین شد و هنگامی که از راه دریا عازم قاهره بود در دریا غرق شده و درگذشت. عرب زاده از بزرگان عصر خود به شمار می‌رفت که تالیفاتی به زبان عربی دارد. وی اشعاری به زبانهای عربی، ترکی، و فارسی دارد که بیشتر شامل حکمت و پند و اندرز می‌باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی مفتاح العلوم: حاشیه‌ای است بر اثر سکاکی در بلاغت.

(۲) حاشیه علی المطول: حاشیه‌ای است بر «المطول» اثر تفتازانی در معانی و بیان. و «المطول» شرحی است که تفتازانی بر تلخیص المفتاح خطیب قزوینی نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی تفسیر بیضاوی: حاشیه‌ای است بر «انوار التنزیل» بیضاوی.

(۲) حاشیه علی الهدایة: حاشیه‌ای است بر اثر مرغینانی در فروع فقه، این اثر مخطوط می‌باشد.

منابع:

العقد المنظوم: صص ۳۵۲، ۳۴۹ اعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۲۸۸

قاموس الاعلام: ص ۳۱۴۱ هدیة العارفین: ج ۲، ص ۲۴۷

معجم المؤلفین: ج ۱۱، ص ۲۴۲

(۱۱۰) شیخ غرس الدین احمد (ف ۹۷۱هـ/ ۱۵۶۴م)

شرح حال:

از دانشمندان فاضل سده ۱۰هـ می‌باشد که در حلب بزرگ شده و نزد شیخ حسن سیوفی تحصیل نمود و پس از آموختن فنون ادب، جهت تکمیل تحصیلاتش عازم دمشق شد. وی سپس به قاهره و سرانجام به استانبول رفت و در آنجا سکنی گزید. و تا آخر عمر در همانجا ماند.

شیخ غرس الدین در تمامی علوم بویژه در طب، حساب، و ستاره شناسی مهارت داشت. وی گاهی به سرودن شعر نیز می‌پرداخت.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح الکافیة: «الکافیة» اثر ابن حاجب در نحو می‌باشد که موضوعهای مهم نحو را به اختصار شامل می‌شود

این کتاب توسط حاجی شرح شده و شیخ غرس الدین نیز بر شرح جامی تا پایان مرفوعات حاشیه‌ای نوشته است.

(۲) شرح القصيدة المیمية: شرحی است بر قصیده مفتی ابوالسعود.

منابع:

العقد المنظوم: صص ۳۶۰، ۳۵۷

(۱۱۱) صالح بن قاضی جلال الدین توقیع، مشهور به ابن جلال (ف ۹۷۳هـ/۱۵۶۶م)

شرح حال:

وی از دانشمندان سده ۱۰هـ می باشد که در ادرنه و استانبول تدریس می نمود. سپس بر منصب قضای حلب، دمشق و مصر تعیین شده است.

از ابن جلال دیوان شعر ترکی و نیز دیوان منشآت بجای مانده که شامل سخنان دانشمندان ترکیه و نوادر آنها می باشد. وی آثاری نیز به زبان عربی دارد.

آثار ادبی وی:

(۱) ناقد الرایین فی قواعد الفنین: تعلیقه ای است بر حاشیه «المفتاح» و «المفتاح» اثر سکاکی در بلاغت می باشد که توسط سید شریف جرجانی شرح شده است و ابن جلال نیز بر این شرح تعلیقه ای نوشته و آن را «ناقد الرایین...» نامیده است. آثار دیگر:

(۱) تعلیقه علی تفسیر التنقیح: تعلیقه ای است بر اثری از ابن کمال در اصول.

(۲) تعلیقه علی شرح المواقف.

(۳) حاشیه علی شرح الوقایه: حاشیه ای است بر اثر صدر الشریعه.

منابع:

العقد المنظوم: صص ۳۷۰، ۳۸۱

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۴۲۳

(۱۱۲) کمال الدین ده ده خلیفه (ف ۹۷۵هـ/۱۵۶۷م)^۱

کمال الدین ابراهیم بن یحیی بن بخشی ابن ابراهیم امامیه ای، مشهور به ده ده خلیفه و ده ده جونکی و قره ده ده شرح حال:

کمال الدین ده ده خلیفه از دانشمندان و شاعران عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که در روستای سونسه در نزدیکی شهر آماسیه (یکی از شهرهای ترکیه) بدنیا آمد و در شهر آماسیه بزرگ شد. وی در ابتدا اشتغالی به علوم نداشته و مشغول حرفه دباغی بود. سپس به علوم روی آورد و در مدت کوتاهی علوم متداول زمان خود را آموخت و به شهرت رسید. و برای تدریس در مدرسه بورسا از وی دعوت شد. او مدتی در برخی مدارس تدریس نمود و فتوا و قضاء شهر دیاربکر ترکیه و فتوای حلب بر عهده او گذاشته شد. سرانجام در اثر پیری از قضاء حلب استعفا داده و به بورسا باز گشت و به سال ۹۷۳هـ در همانجا وفات نمود. کمال الدین ده ده خلیفه در تفسیر، حدیث، فقه و علوم عربی مهارت داشت. از وی منظومه و رسائل و تعلیقاتی چند در علوم مختلف به جا مانده است.

آثار ادبی وی:

۱- در «العقد المنظوم» و منابع دیگر تاریخ وفات ده ده خلیفه سال ۹۷۳هـ قید شده است. اما بنا به روایت فهرست دار الکتب السلطانی (ج ۴ ص ۳) این تاریخ اشتباه بوده و سال ۹۷۵هـ صحیح می باشد.

(۱) حاشیه علی شرح تصریف العزیز: «تصریف العزیز» اثر عزالدین زنجانی در صرف می باشد که سعدالدین تفتازانی بر این اثر شرحی نوشته است که ده ده خلیفه نیز حاشیه خود را بر شرح تفتازانی نوشته است. این اثر در بولاق بسال ۱۲۵۵هـ و آستانه بسال ۱۲۸۸هـ چاپ شده است.

آثار دیگر:

- (۱) رسالة في البنج و الحشيش .
 - (۲) رسالة في بيت المال و أقسامها و أحكامها و مصارفها.
 - (۳) رسالة في اللواطة و تحريمها .
 - (۴) السياسة الشرعية .
 - (۵) لجة النواد .
 - (۶) منظومة في الفقه .
- پس از جستجو در منابع مختلف، درباره این آثار مطلبی یافت نشد.

منابع:

- | | |
|---------------------------------|---|
| عثمانلی مؤلفعلری : ج ۱، ص ۳۰۵ | العقد المنظوم : ص ۳۷۴ |
| هدیه العارفین : ج ۱، ص ۲۸ | قاموس الاعلام : ص ۳۸۸۴ |
| معجم المطبوعات العربیه : ص ۱۵۰۶ | معجم المؤلفین : ج ۱، ص ۱۴۶ و ج ۱، ص ۱۲۵ |

۱۱۳) عبدالکریم زاده (ف ۹۷۵هـ/۱۵۶۷م)

محمد بن عبدالوهاب بن عبدالکریم، مشهور به عبدالکریم زاده

شرح حال:

از مفسران، زبان‌شناسان و دانشمندان ترک در سده ۱۰هـ می‌باشد که نزد دانشمندان بزرگ همانند جوی زاده و ابی‌السعود به تحصیل پرداخت و در مدارس ادرنه، استانبول و ازنیق بعنوان مدرس تعیین گشت. سپس منصب قضاء حلب، دمشق و مصر را بر عهده گرفت و در ترکیه نیز به عنوان قاضی عسکر آناتولی تعیین گشت. وی در علوم عربی مهارت داشت و به چند زبان شعر می‌سرود

آثار ادبی وی:

(۱) مقامات: مقاله‌هایی است که به شیوه مقامات تحریری نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی تفسیر البیضاوی: حاشیه‌ای است که بر انوار التنزیل بیضاوی تا سوره طه نوشته است.

منابع:

الاعلام، زرکلی: ج ۷، ص ۱۳۶

کشف الظنون: ص ۱۹۱

العقد المنظوم: صص ۳۹۰، ۳۸۴

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۵۰

معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۲۷۰

۱۱۴) قینالی زاده (حناوی زاده) (۹۷۹-۹۸۱هـ/۱۵۱۲-۱۵۷۱م)

علاءالدین علی بن محمد مشهور به قینالی زاده

شرح حال:

وی از شاعران و دانشمندان و مورخان عثمانی در سده ۱۰هـ می‌باشد که در شهر اسپارته ترکیه بدینا آمد و نزد دانشمندان مشهور زمان خود به تحصیل پرداخت و بعنوان مدرس در مدارس مختلف استانبول و شهرهای دیگر مشغول تحصیل گشت. وی همچنین منصب قضاء دمشق، بورسا، ادرنه و استانبول را بر عهده گرفت و بعنوان قاضی عسکر آناتولی تعیین شد. و سرانجام نیز در سال ۹۷۹هـ در شهر ادرنه درگذشت.

قینالی زاده از علوم بسیاری بهره مند بود و بویژه بر علوم عربی تسلط کامل داشت و حتی شیخ و استاد عربی بوده و در فقه نیز از استادان شهرهای ادرنه، بورسا، کوتاهیه و استانبول به شمار می‌رفت. وی اشعاری به زبانهای ترکی، عربی، و فارسی دارد و آثار زیادی از خود بر جای گذاشته است. از قینالی زاده علاوه بر تالیفاتش رساله، تعلیقه و حاشیه فراوانی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح الکافیة: کافیه اثر ابن حاجب در نحو است که جامی آن را شرح کرده و قینالی زاده هم بر این شرح حاشیه ای نوشته است.

(۲) المحاکمات العلیة فی الأبحاث الرضویة فی إعراب بعض الآی القرآنیة: کتابی است که در آن قینالی زاده با بدرالدین

محمد بن رضی الدین به مخالفت می‌پردازد. نسخه خطی این اثر در لندن به شماره ۱۶۶۶ موجود است.

(۳) شرح قصیده برده

آثار دیگر:

- (۱) طبقات العلماء الحنفیه: قینالی زاده در اثر خود شرح حال ۲۳۱ دانشمند را در ۲۲ طبقه‌ای که بر حروف و بر حسب سالها ترتیب شده است آورده است. نسخه‌هایی از این اثر در وین به شماره ۱۱۸۶، موزه بریتانیا به شماره ۱۳۰۲، بودلیانا به شماره ۱۱۴/۱۷، واتیکان بورگ به شماره ۲۶ و کتابخانه حاجی محمود افندی موجود است.
- (۲) رساله فی طبقات المسائل: سه دوره در تاریخ فقه حنفی را در برمی‌گیرد. نسخه خطی آن در برلین به شماره ۴۸۶۸، واتیکان فیدا به شماره ۴۶۰ و لندن به شماره ۱۸۸۴ موجود است.
- (۳) الرسالة السیفیة: اثری است مخطوط.
- (۴) الإسعاف فی أحكام الأوقاف: نسخه‌ای از آن در الجزایر به شماره‌های ۲/۱۲۹۳ و ۶/۱۷۱۶ موجود است.
- (۵) رساله فی الوجود الذهنی: شامل علاقه بین طبیعت اشیاء و تصور آن می‌شود. نسخه خطی آن در برلین به شماره ۵۱۰۷ موجود است.
- (۶) الرسالة القلمیة: نسخه خطی آن در هیفن به شماره ۶/۲۳۱ و در لندن ۴۴۰ به شماره موجود است.
- (۷) شرح الهدایة: در این کتاب قینالی زاده باب کراحت را شرح کرده است.
- (۸) تهذیب الشقائق فی تقریب الحقائق.
- (۹) حاشیة علی الکشاف: حاشیه‌ای است بر اثر ملا خسرو در فروع فقه حنفی.
- (۱۰) حاشیة علی الدرر و الثمر: حاشیه‌ای است بر اثر ملا خسرو در فروع فقه حنفی.
- (۱۱) حاشیة علی أنوار التنزیل: حاشیه‌ای است بر تفسیر بیضاوی.

منابع:

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| العقد المنظوم: صص ۴۱۷، ۴۱۱ | الاعلام، زرکلی: ج ۵، ص ۱۶۵ |
| بروکلمان: ج ۹، ص ۳۰۸ | هدیه العارفین: ج ۱، ص ۷۴۸ |
| معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۱۹۳ | جرجی زیدان: ج ۳، ص ۳۱۴ |

(۱۱۵) مصلح الدین لاری (ف ۹۷۹ هـ/۱۵۷۱ م)

محمد بن صلاح الدین بن جلال الدین بن کمال الدین محمد ناصری، سعدی، عبادی، مشهور به مصلح الدین لاری
شرح حال:

مصلح الدین لاری مفسر، مورخ، ستاره شناس و از منطق دانان، فاضلان و دانشمندان عثمانی در سده ۱۰ هـ است که در شهر لار واقع در جنوب شیراز بدنیا آمد. وی حنفی مذهب بوده و از شاگردان غیاث الدین شیرازی می باشد. مصلح الدین ابتدا به حلب رفته و سپس عازم استانبول می شود و پس از ملاقات با دانشمندان و بزرگان آنجا راهی دیار بکر شده و تا پایان عمر خود در «آمد» مشغول تدریس می گردد و به روایتی در دیار بکر وفات می نماید. وی در علوم عقلی مهارت داشت و آثار زیادی از او بر جای مانده است که بیشتر آنها شرح و حاشیه می باشند.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح الکافیة: «الکافیة» اثر ابن حاجب در نحو می باشد که علم نحو را در کتاب خود به اختصار آورده است. ملا جامی این اثر را شرح کرده و مصلح الدین لاری نیز بر شرح جامی حاشیه ای نوشته است. این حاشیه در آستانه به سال ۱۲۸۲هـ و ۱۳۰۶هـ به چاپ رسید.

(۲) حاشیه علی المطول: حاشیه ای است که مصلح الدین لاری بر «المطول» اثر تفتازانی در معانی و بیان نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) قاضمیر شرح اللاری: حاشیه ای است که مصلح الدین لاری بر شرح علامه قاضمیر بر کتاب «الهدیه» اثر الدین ابهری نوشته است. چاپ سنگی: آستانه ۱۲۷۰هـ؛ چاپ حروف: آستانه ۱۳۱۸هـ.

(۲) بحث التمام المشترك: کتابی است در تصوف و نسخه خطی آن در گوته به شماره ۲/۸۷ و ۲/۸۸ موجود است.

(۳) فی بحث القدرة والإرادة: نسخه خطی آن در گوته به شماره ۳/۸۷ و ۳/۸۸ موجود است.

(۴) «فی تحقیق المعاد و المبدأ»: نسخه خطی آن در لندن به شماره ۱۶۰۱ موجود است.

(۵) إثبات المعاد الجسماني: در کتابخانه محمد علی خوانساری موجود می باشد.

(۶) شرح شمائل النبی (ص): وی بر این اثر عربی و فارسی شرح نوشته است.

(۷) أنموذج العلوم: پس از جستجو درباره آن مطلبی یافت نشد.

(۸) تعلیقه علی أنوار التنزیل: تعلیقه ای است بر تفسیر بیضاوی تا آخر سوره های زهراوین.

(۹) حاشیه علی تهذیب المنطق: حاشیه ای است بر شرح جلال الدین دوانی در کلام.

منابع:

العقد المنظوم: صص ۴۲۲، ۴۱۹	بروکلمان: ج ۹، ص ۲۶۹
قاموس الاعلام: ص ۳۱۴۱	هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۵۱
معجم المؤلفین: ج ۱۲، ص ۲۹۳	معجم المطبوعات العربیه و المعریه: ص ۱۵۸۴

(۱۱۶) لم ولدزاده (ف ۹۸۱هـ/۱۵۷۳م)

علی بن عبدالعزیز بن حسام بن حامد، معروف به ام ولدزاده

شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که در استانبول و بورسا تدریس می نمود. سپس بر منصب قضاء حلب تعیین شد و سرانجام در همانجا به سال ۹۸۱هـ درگذشت. وی بر علوم عربی تسلط داشت. از او رساله و ابیاتی به زبان عربی از جمله قصیده ای در قافیه لام بر جای مانده است.

آثار وی:

(۱) الرسالة القلمیة: در مدح قلم است. نسخه ای از آن در برلین به شماره ۲۵۵۴، و وین ۳۵/۲۰۳۳ موجود می باشد.

(۲) الرسالة السیفیة: اثری است خطی.

(۳) الرسالة الشمعیة (او الشامیه): وین ۲۰۰۳/الله ۴۹

منابع:

عثمانی مؤلفی: ج ۲، ص ۳۰۹

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۲۰

العقد المنظوم: صص ۴۳۶، ۴۳۰

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۷۴۸

معجم المؤلفین: ج ۷، ص ۱۲۳

(۸۹۸-۹۸۲هـ/۱۴۹۲-۱۵۷۴م)

(۱۱۷) ابوالسعود عمادی

ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی

شرح حال:

مفسر، فقیه و از دانشمندان و بزرگان عثمانی در سده نه و ۱۰هـ می باشد. ابوالسعود در روستای «مدرس» در نزدیکی استانبول به دنیا آمد و نزد کمال پاشا و دیگر دانشمندان عصر خود به تحصیل پرداخت و به سبب استعدادی که داشت در مدت زمان کوتاهی در زمان سلطان بایزید مشهور شد. وی ابتدا منصب قضاء بورسا و استانبول و سپس فتوای استانبول را بر عهده گرفت و در علوم شرعی و ادبی به درجه عالی رسید او به مدت ۳۰ سال شیخ الاسلام زمان سلطان سلیمان و سلطان سلیم بود و در برخی مدارس تدریس می نمود. ابوالسعود در فقه، تفسیر و سایر علوم ماهر بود و در ادبیات عرب، در زمان خود همتا نداشت. به عربی شعر و قصیده می سرود و به زبان فارسی نیز واقف بود.

آثار ادبی وی:

(۱) قصیده میمیه: مشهورترین قصیده ابوالسعود در زبان عربی است که درباره غزل می باشد. نسخه‌ای از این قصیده در قاهره دوم به شماره ۲۸۰/۳، و برلین به شماره ۱/۷۹۴۰ موجود می باشد.

آثار دیگر:

(۱) إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم: تفسیر قرآن کریم است که به «تفسیر ابی السعود» هم مشهور است. ابوالسعود این اثر را در سال ۹۷۳هـ به پایان رسانیده و آنرا به سلطان سلیم اول اهدا نموده است که تفسیر بزرگی بوده و بعد از تفسیر بیضاوی و زمخشری از مهمترین تفاسیر به شمار می رود. نسخه ای از این اثر در برلین به شماره ۷/۹۰۶، مونیخ به شماره ۱۰۶، پاریس به شماره ۵۱۴۹، جامع الزيتونه به شماره ۶/۲۰۰۱، قلیچ علی به شماره ۹/۴۸ و تونس موجود است. همچنین در بولاق به سال ۱۲۷۵هـ چاپ شده است.

(۲) فتاوی ابی السعود: فتاواهای مشهور ابوالسعود است.

(۳) تفسیر سورة ملک: نسخه ای از آن در کتابخانه قلیچ علی به شماره ۱۰۲۴ و برلین به شماره ۹۶۱ موجود می باشد.

(۴) رسالة في جواز وقف النقود (المنقول): خطی می باشد در قاهره اول به شماره ۱۲۴/۷ و ساریو به شماره ۱۰۸ موجود می باشد.

(۵) رسالة في المسح على الخفين: نسخه‌ای از آن در ایاصوفیا به شماره ۱۵۴۳، فاتح ۵۰/۲۳۴۹، نورعثمانیه ۱۹۶۸ موجود می باشد.

(۶) إجابات عن مسائل خلافة فقهية: نسخه‌ای است خطی.

(۷) تحفة الطلاب في المناظرة: منظومه‌ای در ۵۲ بیت به شکل رجز که خطی بوده و در برلین ۳/۸۱۶۰ موجود می باشد.

(۸) فتوی في تحلیل قتل الیزیدیه: ترجمه ابوالسعود است. وی آنرا به دستور سلطان سلیم از ترکی به عربی ترجمه کرده است. اثر مذکور خطی بوده و در موصل به شماره ۹/۲۶۴ موجود می باشد.

منايع:

قاموس الاعلام: ص ٧٢٢

بروكلمان: ج ٩، ص ٣٦٢

العقد المنظوم: ص ٤٤٠، ٤٥٤

معجم المطبوعات العربية: ص ٣١٥

(۱۱۸) محرم افندی

(ف ۱۰۰۰هـ / ۱۵۹۲م)

ابواللیث محرم بن محمد بن حسن زیلی قسطنونی

شرح حال:

مفسر و واعظ مشهور عثمانی در سده ۱۰هـ که در شهر قسطنونی ترکیه به دنیا آمد و نزد دانشمندان مشهوری چون اسرافیل زاده و جوی زاده به تحصیل پرداخت و علوم زیادی را فرا گرفت و سپس به تصوف گرایید. وی در شهرهای مختلف با وعظ و تفسیر قرآن مشغول بود که تدریس در مدرسه محمد پاشا در استانبول و نیز کرسی وعظ در مسجد جامع سلطان سلیمان به او واگذار شدو تا پایان عمر خود بر همین کار اشتغال داشت.

محرم افندی در تفسیر تبحر داشت و به زبان عربی نیز کاملاً واقف بود. از وی ترجمه و آثار زیادی بر جای مانده است.

آثار ادبی وی:

(۱) اعراب الفوائد الضیائیة فی شرح کافیة: «الفوائد الضیائیة...» اثر معروف عبدالرحمن جامی می باشد که آن را در شرح الکافیة ابن حاجب نوشته و در آن همه فوائد موجود در شرحهای کافیة را به روش احسن تلخیص نموده و سپس در آن خودش هم افزوده و آن را «الفوائد الضیائیة» نامیده است. این اثر بین دانشمندان آن زمان معروف و متداول بود و اهمیت زیادی داشت بطوری که شرح و حاشیه فراوانی بر آن نوشته شده است. محرم افندی نیز اثر خود را درباره اعراب این کتاب نوشته است.

(۲) رساله تلخیص المفتاح: محرم افندی این رساله خود را درباره تلخیص المفتاح قزوینی نوشته است که در معانی و بیان

می باشد.

آثار دیگر:

(۱) ترجمة نفحات الأنس: اثر عبدالرحمن جامی است. به زبان فارسی در مناقب اولیا می باشد که محرم افندی آن را به

عربی ترجمه کرده است.

(۲) مناقب الأئمة الثلاثة علی مذهب أهل السنة والجماعة: وی این اثر را به عربی نوشته است.

(۳) مناقب الإمام الأعظم: اثری است خطی. در کتابخانه سلیمانیه به شماره ۸۴۰، نورعثمانیه ۳۴۲۵، فاتح ۵۳۲۸ و قاهره

۸/۲۴۷ موجود می باشد.

(۴) هدیة الصعلوک شرح تحفة الملوک: در فروع فقه بوده و خطی می باشد.

(۵) کنوز الأولیاء و رموز الأصفیاء: اثری است خطی که درباره آن پس از جستجو مطلبی یافت نشده است.

(۶) ترغیب المتعلمین: رساله ای است برای تشویق مردم به علم و عمل.

(۷) القول البدیع فی الصلاة علی الحبيب الشفیع: محرم افندی در این اثر خود ۳۰ حدیث را ذکر کرده است.

منابع:

الاعلام، زرکلی: ج ۶، ص ۱۷۲

العقد المنظوم: ص ۴۷۸

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۵

عثمانلی مؤلفعلری: ج ۲، ص ۲۱

کشف الظنون: ص ۱۳۷۲

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۶۵

(ف ۹۸۶هـ / ۱۵۷۸م)

(۱۱۹) نشانجی زاده

احمد بن محمد بن رمضان، مشهور به نشانجی زاده

شرح حال:

از دانشمندان، مفسران و ادیبان عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که در استانبول به دنیا آمد و در مدارس مختلف به تدریس مشغول شد. وی ابتدا بر منصب قضاء مکه مکرمه، مدینه منوره و مصر تعیین و سپس عزل شد. نشانی زاده در علوم عربی، حدیث، تفسیر و فنون ادبی تبحر داشت و در شعر و انشاء نیز ماهر بود.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح المفتاح: حاشیه ای است که آن را بر شرح مفتاح العلوم سکاکي در بلاغت نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) إعراب القرآن الى سورة الاعراف .

(۲) شرح الحرز: در این اثر وی حرز منسوب به حضرت علی را شرح کرده است.

منابع:

معجم المؤلفين: ج ۲، ص ۱۶۵

العقد المنظوم: صص ۴۹۲، ۴۹۱

هدیه العارفین: ج ۱، ص ۱۴۸

(ف ۹۸۹هـ/ ۱۵۸۱م)

(۱۲۰) محمد بن صاروکرز اوغلی زاده

شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد که در برخی از مدارس به تدریس مشغول بود و سپس بر منصب قضاء مدینه منوره و حلب تعیین گشت. صاروکرز اوغلی زاده فقیه و دانشمند کلام بود و آثاری به زبان عربی دارد.

آثار ادبی وی:

(۱) حواشی علی مفتاح العلوم: حاشیه ای است که صاروکرز اوغلی زاده بر کتاب «مفتاح العلوم» سکاکي از قانون اول تا

آخر بحث استعاره نوشته است.

آثار دیگر:

(۱) رسالة في وصف القلم .

(۲) حواشی علی المواقف: حاشیه ای است بر قسمت الهیات از کتاب المواقف الایجی

منابع:

معجم المؤلفين: ج ۱۰، ص ۷۹

العقد المنظوم: صص ۵۰۱، ۵۰۲

(ف ۹۹۴هـ/ ۱۵۸۵م)

(۱۲۱) زلف نگار

محمد بن عبدالکریم بن عبدالوهاب برکلی، معروف به زلف نگار

شرح حال:

متکلم، فقیه، ادیب و از دانشمندان نحو و بیان عثمانی در سده ۱۰هـ می باشد.

آثار ادبی وی:

(۱) كشف القناع و النقاب لازالة الشبه عن (وجه) قواعد الاعراب .

(۲) «رسالة في علم البيان» .

(۳) «رسالة في علم المعاني» .

پس از جستجو درباره این آثار مطلبی یافت نشد.

آثار دیگر:

(۱) حاشیه علی تجرید العقاید: حاشیه‌ای است بر اثر سید شریف جرجانی در کلام.

(۲) رساله فی علم الفقه: رساله‌ای است در باب عتاق از کتاب «هدایه».

منابع:

هدیه العارفین: ج ۲، ص ۲۴۵

العقد المنظوم: ص ۵۰۳

معجم المؤلفین: ج ۱۰، ص ۱۸۹

(۱۲۲) منق افندی (۹۳۴-۹۹۲هـ / ۱۵۲۸-۱۵۸۴م)

علاءالدین علی بن لالی بالی، معروف به منق

شرح حال:

وی از دانشمندان عثمانی، ادیب، بیانی، مورخ و فقیه سده ۱۰ هـ و از شهر علائیه می باشد که در استانبول بزرگ شده است. منق افندی مدرس مدرسه انکشاری در استانبول بود که بر منصب قضاء مرعش تعیین شده بود. وی در عربی ماهر بود و آثار زیادی به زبان عربی دارد و کتاب «العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم» که در ذیل الشقائق النعمانیه ناشکبری زاده نوشته شده است نیز از همین دانشمند است.

آثار ادبی وی:

(۱) حاشیه علی شرح المفتاح: حاشیه ای است که وی آن را بر شرح سید شریف جرجانی بر «المفتاح» سکاکی در بلاغت نوشته است.

(۲) إفاضة الفتح فی حاشیه تغییر المفتاح: «تغییر المفتاح» اثر ابن کمال پاشا می باشد که آن را در شرح «مفتاح العلوم» سکاکی نوشته است و موضوع آن صرف، نحو و معانی و بیان می باشد. منق افندی نیز بر این اثر ابن کمال پاشا حاشیه ای نوشته و آن را «افاضه الفتح» نامیده است. این اثر خطی بوده و در قاهره اول به شماره ۷۶/۳ موجود می باشد.

آثار دیگر:

(۱) العقد المنظوم فی ذکر افاضل الروم: منق افندی این اثر را در ذیل «الشقائق النعمانیه» به زبان عربی نوشته است که درباره احوال علماء عثمانی و آثارشان است. وی همین اثر را در ذیل «الشقائق» عطائی به زبان ترکی هم نوشته است. «العقد المنظوم» در هاشم جلد دوم «وفیات الاعیان» ابن خلکان چاپ شده است: (قاهره، بولاق ۱۲۹۹م) و نسخه خطی آن در کتابخانه‌های برلین به شماره ۴/۹۸۸۳، وین به شماره ۱۱۸، لندن به شماره ۱۰۴۰، موزه بریتانیا به شماره ۹۶۰، بورس حسین شبلی به شماره ۵۲، و در نور عثمانیه به شماره ۳۳۱۶ موجود می باشد.

(۲) حاشیه علی الهدایه: حاشیه‌ای است که آن را بر اثر مرغینانی در فروع فقه حنفی تا بخش زکات نوشته است.

(۳) نادرة الزمن في تاريخ اليمن .

(۴) ترجمة نصاب الاحتساب : «نصاب الاحتساب» از شيخ امام عمر ابن محمد بن عوض شامي درباره فتوا و در ۶۴ باب می باشد که منق افندی آن را ترجمه کرده است.

منابع:

هدیه العارفين: ج ۱، ص ۲۴۷

معجم المطبوعات العربيه: ص ۱۳۵۶

بروکلمان: ج ۹، ص ۳۰۸

معجم المؤلفين: ج ۷، ص ۱۷۲

كشف الظنون: ص ۱۷۶۶

بخش ۲

ذکر نام دیگر دانشمندان بصورت

خلاصه

دوره سلطان عثمان غازى (٦٩٩-٧٢٦هـ/١٢٩٩-١٣٢٦م)

(١) طورسون فقيه (داماد شيخ اده بالى).

(٢) علوان چلبى ابن شيخ عاشق پاشا.

دوره سلطان اورخان (٧٢٦-٧٦١هـ/١٣٢٦-١٣٦٢م)

(٣) تاج الدين كردرى (خير الدين پاشا)

دوره سلطان مراد اول (٧٦١-٧٩١هـ/١٣٦٢-١٣٧٩م)

(٤) محمد قاضى (قوجه افندى)

دوره سلطان يلدرم بايزيد اول (٧٩١-٨١٦هـ/١٣٨٩-١٤١٣م)

(٥) صفر شاه

(٦) يوسف بالى ابن شمس الدين فتارى

(٧) بهاء الدين عمر ابن قطب الدين حنفى

(٨) ابراهيم ابن محمد حنفى

(٩) نجم الدين حنفى

(١٠) يار على شيرازى

(١١) عبدالواجد بن محمد بن محمد

(١٢) فخرالدين رومى

(١٣) مولى احمدى

(١٤) حامد بن موسى قيصريه نى

دوره سلطان محمد اول (٨١٦-٨٢٥هـ/١٤١٣-١٤٢٢م)

(١٥) يعقوب اصغر قرمانى

(١٦) مولى فضل الله

(١٧) عبدالرحيم بن امير عزيز مرزىقونى

(١٨) زين الدين ابوبكر بن محمد بن محمد (زين الدين خاقى)

(١٩) پير الياس آماسيايى

دوره سلطان مراد دوم (٨٢٥-٨٥٥هـ/١٤٢٢-١٤٥١م)

(٢٠) محمد بن ارمغان آبدىنى (يكان)

(٢١) محمد شاه بن يكان.

(٢٢) محمد بن بشير

- (۲۳) شرف الدین بن کمال قریمی.
- (۲۴) سید علاء الدین سمرقندی
- (۲۵) محمد بن قاضی ایائلوغ
- (۲۶) سید علی عجمی حنفی
- (۲۷) علی قومنانی
- (۲۸) حسام الدین (ابن مداس توقانی) شرحی بر العوامل المائه اثر جرجانی در نحو نوشته است.
- (۲۹) الیاس بن یحیی بن حمزه رومی
- (۳۰) محمد بن قاضی میناس (ابن میناس)
- (۳۱) فقیه بخشایش
- (۳۲) شجاع الدین الیاس
- (۳۳) الیاس حنفی
- (۳۴) احمد ابن کاتب (احمد بیجان)
- (۳۵) مصلح الدین (امام دباغین)
- (۳۶) ولی شمس الدین
- دوره سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۸۶ هـ / ۱۴۵۱-۱۴۸۱ م)
- (۳۷) خیر الدین خلیل بن قاسم ابن حاجی صفا (پدر بزرگ تاشکیری زاده)
- (۳۸) محیی الدین محمد بن تاج الدین (ابن خطیب)
- (۳۹) علاء الدین علی عربی
- (۴۰) عبد الکریم
- (۴۱) ستان الدین یوسف بن مولی خضر بگ ابن جلال الدین
- (۴۲) احمد پاشا ابن خضر بگ ابن جلال الدین
- (۴۳) محیی الدین محمد (اخوین)
- (۴۴) سراج الدین
- (۴۵) احمد پاشا ابن ولی الدین حسینی
- (۴۶) ابن اشرف
- (۴۷) عبدالله آماسیایی
- (۴۸) ولی الدین قرامانی
- (۴۹) علاء الدین علی
- (۵۰) شمس الدین
- (۵۱) حکیم شکر الله شیروانی
- (۵۲) خواجه عطاء الله عجمی
- (۵۳) حمد الله بن شیخ آق شمس الدین (حمدی چلبی)
- (۵۴) مصلح الدین مصطفی بن احمد (ابن وفاء)

(۵۵) ده ده عمر آیدینی (روشنی)

دوره سلطان بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸ هـ / ۱۴۸۱-۱۵۱۲ م)

(۵۶) قاسم بن یعقوب آماسی (خطیب)

(۵۷) سنان الدین یوسف (سنان شاعر)

(۵۸) قاسم کرمیانی

(۵۹) قوام الدین قاسم بن احمد ابن محمد جمالی

(۶۰) مصلح الدین مصطفی (ابن برکی زاده)

به زبان عربی نظم دارد. از وی دو اثر یافت شده است:

(۱) اسئله علی شرح المفتاح للسید الشریف. (در بلاغت است)

(۲) اسئله علی مباحث الجواهر (در کلام است).

(۶۱) سیدی حمیدی

(۶۲) سیدی قرامانی

(۶۳) نورالدین قراصوی

(۶۴) محیی الدین سیدی محمد بن محمد قوجوی

(۶۵) محیی الدین عجمی

(۶۶) سنان الدین یوسف عجمی

(۶۷) بدر الدین محمد ابن شیخ محمد

(۶۸) عبدالرحمن ابن محمد بن عمر حلبی

(۶۹) محمد بن محمد ابن قاضی زاده (میرم حلبی)

(۷۰) غیاث الدین ابن اخی آق شمس الدین (پاشا حلبی)

(۷۱) محیی الدین (طبل بازی)

(۷۲) علاء الدین علی آیدینی (یتیم)

(۷۳) شیخی

(۷۴) حسام (ابن دلاک)

(۷۵) صفی الدین مصطفی کانقری

(۷۶) علی بن میمون بن ابی بکر مغربی، اندلسی

(۷۷) اسمعیل شروانی

(۷۸) محمد بدخشی

دوره سلطان سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶ هـ / ۱۵۱۲-۱۵۲۰ م)

(۷۹) محیی الدین محمد (شیخ شاذلو)

(۸۰) پاشا حلبی یکانی

(۸۱) محیی الدین محمد ابن شیخ مصلح الدین قوجوی

(۸۲) بخشی خلیفه آماسیانی

- ۸۳ عبدالحمید ابن شرف
- ۸۴ محیی الدین محمد آماسیائی
- ۸۵ عبدالله خواجه
- ۸۶ محمد بن مولی حاج حسن
- ۸۷ نهائی
- ۸۸ حیدر (ابن اخی خیالی)
- ۸۹ نصوح طوسی
- ۹۰ عبدالرحیم مویدی (حاجی چلبی)
- دوره سلطان سلیمان اول (۹۲۶-۹۷۴ھ / ۱۵۲۰-۱۵۶۷م)
- ۹۱ محمد بن الیاس (جوی زاده)
- ۹۲ محمد تونسلی (غوثی)
- ۹۳ علاء الدین علی اصفهانی
- ۹۴ شاه قاسم ابن شیخ مخدومی
- ۹۵ ظہیر الدین اردبیلی
- ۹۶ ابن الشیخ شبیری
- ۹۷ شریف عجمی
- ۹۸ محیی الدین احمد (ابن قوطاس) شرحی پر «مفتاح العلوم» سکاکی د ربلاغت دارد.
- ۹۹ سنان الدین یوسف ابن اخی آیدینی (اخی زاده)
- ۱۰۰ جعفر بورسائی (نهالی)
- ۱۰۱ امیر حسن رومی
- ۱۰۲ قطب الدین مرزیفونی
- ۱۰۳ حمزه قاضی (عرب چلبی)
- ۱۰۴ محیی الدین محمد بن عبد الاول تبریزی
- ۱۰۵ محیی الدین پیر محمد ابن علاء الدین علی فناری
- ۱۰۶ علاء الدین علی بن صالح
- ۱۰۷ سنان الدین یوسف (کوبر یچک زاده)
- ۱۰۸ علاء الدین علی بن عبدالرحیم مؤید (حاجی چلبی)
- ۱۰۹ محیی الدین محمد حسینی (سیرک محیی الدین)
- ۱۱۰ محمد بن حسام الدین
- ۱۱۱ خیر الدین خضر
- ۱۱۲ شمس الدین احمد بورسائی
- ۱۱۳ خیر الدین خضر (خیر الدین اصغر)
- ۱۱۴ حسن قرامانی (بک شهری)

- (۱۱۵) عبدالحی بن عبدالکریم علی بن موید.
- (۱۱۶) بدر الدین محمود آیدیشی.
- (۱۱۷) عبدالکریم بن عبد الوهاب ابن عبد الکریم
- (۱۱۸) ابن مکحل
- (۱۱۹) پیر محمد
- (۱۲۰) یحیی چلبی ابن امیر نور الدین (امین زاده)
- (۱۲۱) مصلح الدین مصطفی لادفی
- (۱۲۲) عبدالغفار بن محمد شاه ابن شیخ احمد
- (۱۲۳) عبدالمطلب ابن سید مرتضی
- (۱۲۴) شیخ احمد ابن مرکز خلیفه
- (۱۲۵) امام قلندر خانه
- (۱۲۶) یحیی بن نورالدین (امین زاده)
- (۱۲۷) شمس الدین احمد ابن ابی السعود
- (۱۲۸) شیخ عبدالرحمن ابن جمال الدین (شیخ زاده)
- (۱۲۹) مصلح الدین ابن محیی الدین (ابن معمار)
- (۱۳۰) محیی الدین (ابن امام)
- (۱۳۱) حسام الدین حسین نقاش عجمی
- (۱۳۲) قاسم ازنیقی (اشق قاسم)
- (۱۳۳) تاج الدین حمیدی
- دوره سلطان سلیم دوم (۹۷۴-۹۸۲هـ/۱۵۶۷-۱۵۷۴م)
- (۱۳۴) سید حسن بن ستان
- (۱۳۵) مصلح الدین (داود زاده)
- (۱۳۶) محیی الدین (ابن نجار)
- (۱۳۷) مصلح الدین مصطفی بن محمد علی (بستان افندی)
- (۱۳۸) عبدالله (غزالی زاده)
- (۱۳۹) محمد شاه بن حزم
- (۱۴۰) عطاء الله (معلم سلطان سلیم)
- (۱۴۱) شیخ رمضان
- (۱۴۲) شیخ محیی الدین بیر کیلو
- (۱۴۳) عبدالکریم بن محمد بن ابی السعود
- دوره سلطان مراد سوم (۹۸۲-۱۰۰۳هـ/۱۵۷۴-۱۵۹۵م)
- (۱۴۴) عبدالرحمن بن سیدی علی آماسی
- (۱۴۵) شمس الدین احمد

١٤٦) محمد بن احمد

١٤٧) محمد بن عبدالعزيز

١٤٨) مولى حامد

١٤٩) محمد عبداللطيف (بخارى زاده)

١٥٠) يوسف بن حسام الدين بن الياس امامسى (ستان محشى)

١٥١) شمس الدين احمد بن بدر الدين (قاضى زاده)

- الاتجاهات الشعرية في بلاد الشام في العهد العثماني، محمد التونجي. منشورات اتحاد الكتاب العرب ١٩٩٣
- الادب العربي من الانحدار الى الازدهار، جودت ركابي، بيروت، دارالفكر المعاصر، ١٩٩٦م.
- الدخيل في الالفاظ الفارسيه و العربيه و التركيه، ابراهيم السامرائي، بيروت، مكتبة لبنان ناشرون، ١٩٩٧م.
- الشقائق النعمانية في علماء الدولة العثمانية، طاشكيري زاده، (و العقد المنظوم في ذكر افاضل الروم، متن رومي): دار الكتاب العربي - بيروت ١٣٩٥هـ/١٩٧٥م
- الاعلام، زركلي
- ايضاح المكنون، اسماعيل پاشا بغدادى استانبول ١٩٤٧
- تاريخ الاداب اللغة العربيه ج -٣ جرجى زيدان، القاهرة، الهلال
- تاريخ الادب العربي في العراق، عباس العزاوي
- تاريخ الادب العربي في العصر العثماني، عمر موسى باشا، بيروت، دارالفكر المعاصر، ١٩٨٩م.
- تاريخ الادب العربي، ج ٩، كارل بروكلمان، القاهرة، مكتبة دارالمعارف، ١٩٦٢م.
- صلات بين العرب و الفرس و الترك، حسين مجيب مصرى. الدار الثقافيه للنشر - قاهره ٢٠٠١
- عثمانلى مؤلفلى، بروسه لى محمد طاهر، استانبول ١٩٧٥
- عصر الدول و الامارات، شوقى ضيف، القاهرة، مكتبة دارالمعارف، ١٤١٩ق
- فهرست كتب چاپى عربى مشار
- فهرست نسخه هاى خطى كتابخانه عمومى مرعشى، كتابخانه عمومى علامه مرعشى، قم، ١٣٧١هـ
- قاموس الاعلام تركى
- كشف الظنون، كاتب چلبى، استانبول ١٣٦٢هـ/١٩٤٣م
- مجله العربى، شماره ٢٥٢، مقاله اسماعيل احمدى، تشرين الثانى ١٩٧٩م
- مطالعات فى الشعر المملوكى و العثماني. بكرى شيخ امين، بيروت، دارالافاق الجديد، ١٩٧٠م
- معجم المطبوعات العربيه، يوسف البان سركيس، مطبعه سركيس - مصر ١٩٢٨م
- معجم المؤلفين، عمر رضا كحاله، مكتبة المثنى - بيروت، بى تا.
- مؤلفين كتب چاپى فارسى و عربى خان بابا مشار، ايران ١٣٤٣هـ
- هديه العارفين. اسماعيل پاشا بغدادى، استانبول - ١٩٥٥م

KOCATÜRK: Osmanlı Padişahları (İstanbul)
 ÖMER DOĞRUL, İslam Özü (İst. 1946)
 DANIŞMAN, Osmanlı İmp. Tarihi (İstanbul)
 BALTACI CAHİT, XV. XVI. Yy Osmanlı Medreseleri, (İst. 1976)
 MEB. Türkçe sözlük (Ankara 1996)
 Studies on Turkish, Arap relations, İstanbul

پیوست یک: نام‌های فهرستوار دانشمندان دوره عثمانی که در بخش یک قید شدند.

- (۱) آق شمس الدین
- (۲) آی طوغموش قره مانی
- (۳) ابراهیم حلبی
- (۴) ابن افضل
- (۵) ابن ام ولد
- (۶) ابن بخشی
- (۷) ابن بزاز
- (۸) ابن تمجید
- (۹) ابن جزری
- (۱۰) ابن جلال
- (۱۱) ابن حاجی حسن
- (۱۲) ابن خطیب
- (۱۳) ابن سیدی علی
- (۱۴) ابن غانم
- (۱۵) ابن قاضی سماو
- (۱۶) ابن کمال پاشا
- (۱۷) ابن مؤید
- (۱۸) ابن مدرس
- (۱۹) ابن ملک
- (۲۰) ابن ملک‌زاده
- (۲۱) ابوالسعود عمادی
- (۲۲) احمد بن عبدالله فریمی (قریمی)
- (۲۳) احمد خیالی
- (۲۴) اخی زاده
- (۲۵) ادريس بدلیسی
- (۲۶) اده بالی
- (۲۷) الیاس سینوبی
- (۲۸) ام ولدزاده (زین العابدین)
- (۲۹) ام ولدزاده (علی بن عبدالعزیز)
- (۳۰) بایزید خلیفه
- (۳۱) برهان الدین احمد
- (۳۲) بهاء الدین زاده
- (۳۳) تاشکبری زاده
- (۳۴) جمال الدین آقسرائی

- (۳۵) جمال خلیفه
- (۳۶) جمالی
- (۳۷) حاجی بابا طوسی
- (۳۸) حاجی پاشا
- (۳۹) حاجی حسن زاده
- (۴۰) حسام زاده
- (۴۱) حسن پاشا ابن علاء الدین اسود
- (۴۲) حسن چلبی
- (۴۳) حسن سامسونی
- (۴۴) حکیم شاه محمد قزوینی
- (۴۵) حمزه قره مانی
- (۴۶) حیدر ابن محمود حوافی
- (۴۷) خازن کتب
- (۴۸) خضر بیک
- (۴۹) خضر شاه
- (۵۰) خطّاب بن ابی القاسم قره حصاری
- (۵۱) خواجه خیرالدین
- (۵۲) خواجه عبیدالله سمرقندی
- (۵۳) خواجه زاده
- (۵۴) داود قیصری قره مانی
- (۵۵) ده ده خلیفه
- (۵۶) دینقوز احمد افندی
- (۵۷) زلف نگار
- (۵۸) سراج الدین محمد بن عمر حلبی
- (۵۹) سروری
- (۶۰) سعدی چلبی
- (۶۱) سعدی چلبی
- (۶۲) سنان الدین یوسف
- (۶۳) شجاع الدین الیاس
- (۶۴) شمس الدین محمد بن حمزه فناری
- (۶۵) شهاب الدین سیواسی، ایانلوغی
- (۶۶) شیخ غرس الدین احمد
- (۶۷) عبدالرحمن انطاکی
- (۶۸) عبدالرحیم عباسی
- (۶۹) عبدالکریم زاده

- (۷۰) عبدالله الالهی
- (۷۱) عطوفی
- (۷۲) علاءالدین اسود
- (۷۳) علاءالدین طوسی
- (۷۴) علی جمالی
- (۷۵) علی شیرازی
- (۷۶) علی فناری
- (۷۷) علی قوچ حصاری
- (۷۸) علی قوشچی
- (۷۹) فتح الله شیروانی
- (۸۰) فناری زاده
- (۸۱) قاسم بن خلیل
- (۸۲) قاضی بغداد
- (۸۳) قاضی بلاط
- (۸۴) قرا یعقوب
- (۸۵) قره سنن
- (۸۶) قطب الدین ازنیقی
- (۸۷) قینالی زاده
- (۸۸) کافیہ جی
- (۸۹) کمال الدین اسماعیل قره مانی
- (۹۰) محرم افندی
- (۹۱) محسن قیصری
- (۹۲) محمد بن صارو کرز اوغلی زاده
- (۹۳) محمد بن عراق
- (۹۴) محمد بن فرامرز
- (۹۵) محمد بن قطب الدین ازنیقی
- (۹۶) محمد بن محمد اتاکی (عرب زاده)
- (۹۷) محمد بن محمود مغلوی، وفانی
- (۹۸) محمد بن یعقوب فیروزآبادی
- (۹۹) محمد سامسونی
- (۱۰۰) محمد شاه
- (۱۰۱) محمد شاه فناری
- (۱۰۲) محمد عیدالله فناری
- (۱۰۳) محمد قره باغی
- (۱۰۴) محمد نکساری

- (۱۰۵) محمد یازیچی زاده (ابن کاتب)
- (۱۰۶) محمود بن عثمان (لامعی)
- (۱۰۷) مصطفی قسطلانی (کستلی)
- (۱۰۸) مصلح الدین لاری
- (۱۰۹) مصنفک
- (۱۱۰) ملا عبدالرحمن جامی
- (۱۱۱) ملا عرب واعظ
- (۱۱۲) مُلّا کورانی
- (۱۱۳) متق افندی
- (۱۱۴) مولی حافظ
- (۱۱۵) مولی لطفی
- (۱۱۶) مهدی شیرازی
- (۱۱۷) میر علی بخاری (شریف میر)
- (۱۱۸) نشانجی زاده
- (۱۱۹) یعقوب پاشا
- (۱۲۰) یوسف بالی ابن یکان
- (۱۲۱) یوسف حمیدی (شیخ سنان)
- (۱۲۲) یوسف کرماستی

نام‌های فهرست‌وار دانشمندان دوره عثمانی که در بخش دو قید شدند:

- (۱) ابراهیم بن محمد حنفی
- (۲) ابن اشرف
- (۳) ابن الامام
- (۴) ابن الشیخ شبشری
- (۵) ابن النجار
- (۶) ابن بز
- (۷) ابن خطیب
- (۸) ابن قوطاس
- (۹) ابن معمار
- (۱۰) ابن مکحل
- (۱۱) احمد بن کاتب (احمد بیجان)
- (۱۲) احمد پاشا ابن خضر بک
- (۱۳) احمد پاشا ابن ولی الدین حسینی
- (۱۴) اسمعیل شروانی
- (۱۵) الیاس بن یحیی بن حمزه رومی
- (۱۶) الیاس حنفی

- (۱۷) امام قنبرخانہ
- (۱۸) امیر حسن رومی
- (۱۹) بخاریزادہ
- (۲۰) بخشہ خلیفہ
- (۲۱) بدر الدین محمود
- (۲۲) بدر الدین محمود آیدینی
- (۲۳) بستان افندی
- (۲۴) بہاء الدین عمر ابن قطب الدین حنفی
- (۲۵) پاشا چلبی یکانی
- (۲۶) پیر الیاس اماسیہ بی
- (۲۷) پیر محمد
- (۲۸) تاج الدین حمیدی
- (۲۹) تاج الدین کردری
- (۳۰) جعفر بورسائی
- (۳۱) حاجی چلبی
- (۳۲) حامد بن موسیٰ قیصریہ بی
- (۳۳) حسام (ابن دلاک)
- (۳۴) حسام الدین (ابن مداس توقانی)
- (۳۵) حسام الدین حسین نقاش عجمی
- (۳۶) حسن قرہ مانہ (یک شہری)
- (۳۷) حکیم شکر اللہ شیروانی
- (۳۸) حمد اللہ بن شیخ آق شمس الدین
- (۳۹) حمزہ قاضی (عرب چلبی)
- (۴۰) حیدر ابن اخی خیالی
- (۴۱) خواجہ عطاء اللہ عجمی
- (۴۲) خیر الدین خلیل بن قاسم ابن حاجی صفا
- (۴۳) خیر الدین خضر
- (۴۴) خیر الدین خضر (الاصغر)
- (۴۵) داودزادہ
- (۴۶) دہ دہ عمر آیدینی
- (۴۷) زین العابدین ابوبکر بن محمد بن محمد (زین العابدین خاقی)
- (۴۸) سراج الدین
- (۴۹) سنان الدین یوسف
- (۵۰) سنان الدین یوسف بن اخی آیدینی
- (۵۱) سنان الدین یوسف سنان شاعر

- (٥٢) سنان الدين يوسف عجمي
- (٥٣) سنان محشي
- (٥٤) سيد حسن بن سنان
- (٥٥) سيد علاء الدين سمر قندي
- (٥٦) سيد علي عجمي
- (٥٧) سيدى حميدى
- (٥٨) سيدى قره مانى
- (٥٩) سيرك محيى الدين
- (٦٠) شاه قاسم ابن شيخ مخدومى
- (٦١) شجاع الدين الياس (مفرد شجاع)
- (٦٢) شرف الدين بن كمال قريمى
- (٦٣) شريف عجمي
- (٦٤) شمس الدين
- (٦٥) شمس الدين احمد
- (٦٦) شمس الدين احمد ابن ابي السعود
- (٦٧) شمس الدين احمد بورسائى
- (٦٨) شمس الدين قاضى زاده
- (٦٩) شيخ احمد ابن مركز خليفه
- (٧٠) شيخ رمضان
- (٧١) شيخ شاذلو
- (٧٢) شيخ عبدالرحمن ابن جمال الدين
- (٧٣) شيخ محيى الدين بير كيلو
- (٧٤) شينخى
- (٧٥) صفر شاه
- (٧٦) صفى الدين مصطفى كاتقرى
- (٧٧) طورسون فقيه
- (٧٨) ظهير الدين اردبيلى
- (٧٩) عبدالحميد ابن شرف
- (٨٠) عبدالحى بن عبدالكريم
- (٨١) عبدالرحمن ابن محمد بن عمر حلبى
- (٨٢) عبدالرحمن بن سيدى على اماميه نى
- (٨٣) عبدالرحيم بن امير عزيز مرزيفونى
- (٨٤) عبدالرحيم مؤيدى
- (٨٥) عبدالغفار بن محمد
- (٨٦) عبدالكريم

- (۸۷) عبدالکریم بن عبدالوہاب
- (۸۸) عبدالکریم بن محمد بن ابی السعود
- (۸۹) عبدالله امامیہ بی
- (۹۰) عبدالله خواجہ
- (۹۱) عبدالمطلب ابن سید مرتضی
- (۹۲) عبدالواجد بن محمد بن محمد
- (۹۳) عطاء اللہ
- (۹۴) علاء الدین علی
- (۹۵) علاء الدین علی آیدینی
- (۹۶) علاء الدین علی اصفہانی
- (۹۷) علاء الدین علی بن صالح
- (۹۸) علاء الدین علی عربی
- (۹۹) علوان چلبی
- (۱۰۰) علی بن میمون مغربی
- (۱۰۱) علی قومنانی
- (۱۰۲) غزالی زادہ
- (۱۰۳) غیاث الدین پاشا چلبی
- (۱۰۴) فخر الدین رومی
- (۱۰۵) فقیہ بخشایش
- (۱۰۶) قاسم ازنیقی (اشق قاسم)
- (۱۰۷) قاسم بن یعقوب (خطیب)
- (۱۰۸) قاسم عذاری کرمانی
- (۱۰۹) قطب الدین مرزیفونی
- (۱۱۰) قوام الدین قاسم
- (۱۱۱) کربری جک زادہ
- (۱۱۲) محمد امامیہ ثی
- (۱۱۳) محمد بدحشی
- (۱۱۴) محمد بن ارمغان آیدینی (یکان)
- (۱۱۵) محمد بن الیاس (جوی زادہ)
- (۱۱۶) محمد بن بشیر
- (۱۱۷) محمد بن حسام الدین
- (۱۱۸) محمد بن قاضی ایائلوغ (ایائلوغ چلبی سی)
- (۱۱۹) محمد بن قاضی میناس (ابن میناس)
- (۱۲۰) محمد بن محمد (میرم چلبی)
- (۱۲۱) محمد بن مولی حاج حسن

- (۱۲۲) محمد تونسلی
- (۱۲۳) محمد شاه ابن یکان
- (۱۲۴) محمد شاه بن حزم
- (۱۲۵) محمود قاضی (قوجه افندی)
- (۱۲۶) محیی الدین (طبل بازی)
- (۱۲۷) محیی الدین احمد (اخوین)
- (۱۲۸) محیی الدین پیر محمد
- (۱۲۹) محیی الدین سیدی محمد قوجوی
- (۱۳۰) محیی الدین عجمی
- (۱۳۱) محیی الدین محمد بن عبدالاول تبریزی
- (۱۳۲) محیی الدین محمد قوجوی
- (۱۳۳) مصلح الدین (ابن وفاء)
- (۱۳۴) مصلح الدین (امام دباغین)
- (۱۳۵) مصلح الدین مصطفی (ابن برکی زاده)
- (۱۳۶) مصلح الدین مصطفی لادمی
- (۱۳۷) معیدزاده
- (۱۳۸) مولی احمدی
- (۱۳۹) مولی حامد
- (۱۴۰) مولی فضل الله
- (۱۴۱) نجم الدین حنفی
- (۱۴۲) نصوح طوسی
- (۱۴۳) نورالدین قراصوی
- (۱۴۴) نهانی
- (۱۴۵) ولی الدین قره مانی
- (۱۴۶) ولی شمس الدین
- (۱۴۷) یار علی شیرازی
- (۱۴۸) یحیی بن نورالدین
- (۱۴۹) یحیی چلبی
- (۱۵۰) یعقوب الاصغر قره مانی
- (۱۵۱) یوسف بالی ابن شمس الدین فناری

پیوست دو: نامهای پادشاهان عثمانی

- (۱) عثمان غازی پسر ارطغرل (۶۹۹-۷۲۶ هـ)
- (۲) ارخان غازی (۷۲۶-۷۶۱ هـ)
- (۳) مراد اول (۷۶۱-۷۹۱ هـ)
- (۴) بایزید اول (یلدرم) (۷۹۱-۸۱۶ هـ)
- (۵) محمد اول (۸۱۶-۸۲۵ هـ)
- (۶) مراد دوم (۸۲۵-۸۵۵ هـ)
- (۷) محمد دوم (سلطان محمد فاتح) (۸۵۵-۸۸۶ هـ)
- (۸) بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸ هـ)
- (۹) سلیم اول (یاوز) (۹۱۸-۹۲۶ هـ)
- (۱۰) سلیمان اول (قانونی) (۹۲۶-۹۷۴ هـ)
- (۱۱) سلیم دوم (۹۷۴-۹۸۲ هـ)
- (۱۲) مراد سوم (۹۸۲-۱۰۰۳ هـ)
- (۱۳) محمد سوم (۱۰۰۳-۱۰۱۲ هـ)
- (۱۴) احمد اول (۱۰۱۲-۱۰۲۶ هـ)
- (۱۵) مصطفی اول (۱۰۲۶-۱۰۲۷ هـ)
- (۱۶) عثمان دوم (۱۰۲۷-۱۰۳۱ هـ)
- (۱۷) مراد چهارم (۱۰۳۱-۱۰۴۹ هـ)
- (۱۸) ابراهیم (۱۰۴۹-۱۰۵۸ هـ)
- (۱۹) محمد چهارم (۱۰۵۸-۱۰۹۹ هـ)
- (۲۰) سلیمان دوم (۱۰۹۹-۱۱۰۲ هـ)
- (۲۱) احمد دوم (۱۱۰۲-۱۱۰۶ هـ)
- (۲۲) مصطفی دوم (۱۱۰۶-۱۱۱۵ هـ)
- (۲۳) احمد سوم (۱۱۱۵-۱۱۴۳ هـ)
- (۲۴) محمود اول (۱۱۴۳-۱۱۶۸ هـ)
- (۲۵) عثمان سوم (۱۱۶۸-۱۱۷۱ هـ)
- (۲۶) مصطفی سوم (۱۱۷۱-۱۱۸۷ هـ)
- (۲۷) سلطان عبدالحمید اول (۱۱۸۷-۱۲۰۳ هـ)
- (۲۸) سلطان سلیم سوم (۱۲۰۳-۱۲۲۲ هـ)
- (۲۹) مصطفی چهارم (۱۲۲۲-۱۲۲۳ هـ)
- (۳۰) محمود دوم (۱۲۲۳-۱۲۵۵ هـ)
- (۳۱) عبدالمجید اول (۱۲۵۵-۱۲۷۷ هـ)
- (۳۲) عبدالعزیز بن محمود (۱۲۷۷-۱۲۹۳ هـ)
- (۳۳) مراد پنجم بن عبدالمجید (۱۲۹۳ هـ)
- (۳۴) عبدالحمید دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۷ هـ)

(۳۵) محمد پنجم (۱۳۲۷-۱۳۳۶ هـ)

(۳۶) محمد ششم (۱۳۳۶-۱۳۴۱ هـ)

(۳۷) عبدالمجید دوم (۱۳۴۱ هـ و در سال ۱۳۴۲ طرد شده است).

Abstract

The subject of this thesis which is about the share of the Ottoman Scientists in Arabic Language and Literature, is represented in two chapters.

The first chapter surveys Arabic Language and Literature and consists of four divisions. The first deals with the place of Arabic Language in Ottoman era , the second is about the Arabic Prose and Poem and its new poesy kinds with some samples in that era, The third examines the interaction between Turkish and Arabic Languages , and the fourth includes the conclusion.

The main subject which is Ottoman Scientists share , is discussed in the two divisions of The chapter two , and has been restricted by the books AL- Shaqaiq AL-No'maniya and its succedent AL- Aqd AL-Manzum This representation does not encompass the whole of the Ottoman Empire but from its beginning till the third Sultan Murat (1299-1595). The names of the 112 scientists with a summary of their biography , literary and nonliterary works are given in the first division of this chapter. The second one includes the names of the 151 Ottoman Scientists which their literary and nonliterary works were not found.

Tehran University

Literature and Humanity Faculty

**The Share of the Ottoman Scientists in
Arabic Language and Literature**

From the Beginning of the Ottoman Empire till the third Sultan Murat (1299-1595)

By: Fatma Zehra İnan

Under Supervision of Dr.S.Ebrahim Dibaji

**A thesis submitted to the Graduate Studies Office in partial
fulfillment of the requirements for the degree of MSc in
Arabic Language and Literature**

November 2004